

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امر به معروف و نهی از منکر

از دیدگاه امام خمینی (س)

تبیان

آثار موضوعی

دفتر بیست و یکم

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
الف	مقدمه

بخش اول: کلیات

۳	فصل اول: اهمیت و آثار امر به معروف و نهی از منکر
۳	اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در قرآن و روایات
۵	آثار امر به معروف و نهی از منکر
۱۸	نتایج ترک امر به معروف و نهی از منکر
۲۳	فصل دوم: وجوب امر به معروف و نهی از منکر
۲۳	کیفیت وجوب و اقسام آن دو
۲۷	وجوب امر و نهی در روایات
۳۸	وجوب امر و نهی به استناد سیره اولیا <small>علیهم السلام</small>
۴۶	وجوب امر و نهی در کلام امام
۶۹	وجوب امر و نهی و تکلیف شرعی
۷۵	فصل سوم: معروفها

۸۳	فصل چهارم: منکرها
۸۳	حکومت پهلوی و منکرات
۹۸	اشخاص و گروهها و منکرات
۱۰۳	منکرهای مهم جهان معاصر
۱۰۶	اشاره به تعدادی از منکرها

بخش دوم: شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر

۱۱۳	فصل اول: علم
۱۱۳	شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر
۱۱۶	وجوب یادگیری شرایط امر و نهی
۱۱۹	فصل دوم: احتمال تأثیر
۱۱۹	احتمال تأثیر
۱۲۹	فصل سوم: اصرار بر گناه
۱۲۹	اصرار بر گناه
۱۳۵	فصل چهارم: عدم وجود مفسده
۱۳۵	عدم وجود مفسده
۱۴۱	حکم سکوت در موارد مهم
۱۴۶	فداکاری و تحمل زیان در موارد مهم

بخش سوم: مراتب امر به معروف و نهی از منکر

۱۵۵	فصل اول: مرتبه غیر زبانی
۱۶۶	دوری‌گزینی و طرد
۱۷۷	فصل دوم: امر و نهی زبانی
۱۸۱	نصیحت و بیان مطالب و افشاگری
۲۰۷	فصل سوم: مرتبه اقدام و انکار عملی

۲۱۱	نمونه‌های اقدام عملی
۲۲۰	اعتصاب
۲۲۳	فقها و دخالت در امور سیاسی و قضایی
۲۲۹	فصل چهارم: رعایت مراتب در امر و نهی
۲۳۵	موازن شرعی و اخلاقی در امر و نهی
۲۴۱	فهارس
۲۴۳	فهرست تفصیلی
۲۶۵	فهرست مأخذ
۲۸۹	فهرست منابع

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

انما خرجت لطلب الاصلاح في امة جدى و اريد أن آمر بالمعروف و أنهى عن المنكر و اسير بسيرة جدى و ابي على بن ابي طالب.^(۱)

بعثت پیغمبران و دعوت اولیای خدا و شهادت مردان حق... مقدمه گسترش توحید و تحصیل معرفت صحیح از خدا و عالم است،^(۲) تمامی تعالیم انبیا و تهذیبها برای نجات بشر از تاریکیها و ورود انسان به نور است؛ و نور جز حق تعالی نیست.^(۳)

تربیت انسانهای موحد و عارفان بحق، جز در جامعه‌ای که بر پایه عدالت و تقوا بنیان گذاشته شده باشد، حاصل نمی‌گردد. اسلام به تمامی آنچه در ایجاد و استمرار و اصلاح جامعه اسلامی و انسان مسلمان دخالت دارد، توجه کرده است. واگذاری مردم به خود و برخورد نکردن در برابر کژیها و عدم تلاش برای تحقق راستیها، به معنای نابودی جامعه اسلامی است. تذکر و تنبّه و توجه همگانی و مسئولیت عمومی است که جامعه را اصلاح می‌کند، و از خطرهای گزندها محفوظ می‌دارد. بر پایه این حقیقت روشن است که «امر به معروف» و «نهی از منکر» در اسلام به عنوان یک تکلیف عمومی و نظارت همگانی واجب گشته است؛ این وجوب بر پایه ولایت زن و مرد مسلمان به یکدیگر قرار

۱. بحار الانوار؛ ج ۴۴، ص ۳۲۹.

۲. صحیفه امام؛ ج ۲۰، ص ۱۶-۱۷.

۳. همان؛ ج ۱۹، ص ۲۸۴.

ب □ امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی (س)

داده شده است.

ولایت، نزدیکترین رابطه بین انسانهاست که بر دلسوزی و مسئولیت و وظیفه، تکیه دارد؛ ولی موظف است که به امور «مولی علیه» خود توجه نکند و به رفع نیازها و اصلاح کار او پردازد و زمینه رشد و پیشرفت شخص را فراهم سازد. مسلمانان به حکم آیه قرآن^(۱) در جامعه اسلامی نسبت به یکدیگر از چنین نقش و وظیفه‌ای برخوردار هستند. امر به معروف و نهی از منکر، موجب برپایی واجبات، بقای دین، گرفتن حق ستمدیده از ستمگر می‌شود. امر به معروف و نهی از منکر حقایق را روشن می‌سازد و بدعتها را از بین می‌برد و بدعتگذاران را رسوا می‌کند؛ و مانعی برای تحریف حقایق و دین می‌گردد.

امر به معروف و نهی از منکر در اسلام، به خلاف آنچه در اذهان جا گرفته و در برخی کتابها آمده است، فقط شامل موارد کوچک و محدود و منحصر به پندها و تذکرات خصوصی و فردی نمی‌شود؛ بلکه گستره‌ای دارد که قیام امام حسین - علیه السلام - و شهادت و اسارت خاندان پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - را برای برپایی حکومت حق و رسوایی ستمگران و غاصبان حکومت الهی در برمی‌گیرد.

«امر به معروف و نهی از منکر شرعاً و عقلاً از مهمترین واجبات است، و اساسی است از اساسهایی که دین اسلام بر آن نهاده شده است، این دو موضوع از برترین عبادات و کاملترین طاعات، و دری از درهای جهاد، و دعوت به سوی حق، و راهی برای هدایت خلق و مقاومت در برابر گمراهی و باطل است.»^(۲)

مبحث امر به معروف و نهی از منکر در منابع و علوم اسلامی

کتاب و سنت، دو منبع اصلی اسلام، در بردارنده بیشترین سفارشها و تأکیدها درباره این دو واجب می‌باشد. سیزده آیه در قرآن مجید به صراحت به آن اشاره دارد. در سنت گفتاری و رفتاری پیغمبر (ص) و اهل بیت - علیهم السلام - امر به معروف و نهی از منکر

۱. توبه / ۷۱.

۲. کاشف الغطاء، محمد حسین؛ اصل الشیعة و اصولها؛ ص ۲۵۱.

مقدمه □ ج

درخشش و روشنی بسزایی دارد؛ و در دعاها و زیارتهای رسیده از خاندان پیغمبر (ص) به آن توجه شده است.^(۱)

تفسیر و حدیث

در تفسیر ذیل آیات امر به معروف و نهی از منکر، این بحث به تناسب تفاسیر آمده است و در کتابهای حدیث، روایات آن در ابواب مختلف و پراکنده دیده می شود. گروهی از محدثین نظر به اهمیت آن، کتاب خاص یا باب ویژه‌ای را در مجموعه حدیثی خود به آن اختصاص داده‌اند، مانند:

کلینی، محمد بن یعقوب (متوفی، ۳۲۹ ه.ق.)؛ در فروع کافی؛ ج ۵؛ «ابواب مختلف الامر بالمعروف والنهی عن المنکر».

طوسی، محمد بن حسن (متوفی، ۴۶۰ ه.ق.)؛ در تهذیب؛ ج ۶؛ «باب الامر بالمعروف والنهی عن المنکر».

حرّ عاملی، شیخ محمدحسن (متوفی، ۱۱۰۴ ه.ق.)؛ در وسائل الشیعة؛ ج ۱۱؛ «کتاب الامر بالمعروف والنهی عن المنکر».

مجلسی، علامه محمد باقر (متوفی ۱۱۱۱ ه.ق.) در بحار الانوار؛ ج ۱۰۰؛ «کتاب الامر بالمعروف والنهی عن المنکر».

در مجامع حدیث اهل سنت، کمتر باب مشخصی به این موضوع اختصاص داده شده است، در صحاح سته و مستدرک حاکم بابی تحت این عنوان وجود ندارد؛ ولی در کتاب کنز العمال علی المتقی الهندی؛ جلد ۳، «باب الامر بالمعروف والنهی عن المنکر»، وجود دارد.

علم کلام

مبحث «امر به معروف و نهی از منکر» در کتابهای کلام و ملل و نحل نیز راه یافته است.

۱. برای نمونه به زیارت جامعه کبیره و زیارت امیرالمؤمنین و امام حسین و امام رضا - علیهم السلام - مراجعه شود.

د □ امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی (س)

علمای علم کلام، پس از پذیرش اتفاق در اصل وجوب، در کیفیت وجوب (سمعی یا عقلی) و شرایط آن بحث کرده‌اند. از جمله قاضی عبدالجبار همدانی اسدآبادی (متوفی ۴۱۵ ه.ق.) در الاصول الخمسة، به عنوان اصل پنجم آن را مطرح می‌کند، و ابن حزم ظاهری اندلسی (متوفی ۴۵۶ ه.ق.) در المفصل فی الملل و الاهواء و النحل در ذیل عنوان «الامر بالمعروف و النهی عن المنکر»، و خواجه نصیر محمد بن حسن طوسی (متوفی ۶۷۲ ه.ق.) در تجرید الاعتقاد، در پایان مقصد ششم به عنوان مسأله شانزدهم بحث آن را مطرح می‌سازد؛ و همچنین در کتابهای موافق، شرح مقاصد، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، این بحث آمده است.

اخلاق و عرفان

امر به معروف و نهی از منکر، در کتابهای اخلاق و عرفان عملی نیز مورد توجه واقع شده است، از جمله امام محمد غزالی (متوفی ۵۰۵ ه.ق.) در احیاء علوم الدین، ملا محمد محسن فیض کاشانی (متوفی ۱۰۹۱ ه.ق.) در محجة البیضاء فی تهذیب الاحیاء، قاضی سعید قمی (متوفی ۱۱۰۳ ه.ق.) در شرح توحید صدوق، ملا محمد مهدی نراقی (۱۲۰۹ ه.ق.) و ملا احمد نراقی (متوفی ۱۲۴۴ ه.ق.) در جامع السعادات و معراج السعادة.

امام محمد غزالی، امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان کتاب نهم از بخش عادات مطرح می‌کند، و مباحث خود را در چهار باب می‌آورد: باب اول، وجوب امر و نهی و اهمیت و آثار آن؛ باب دوم، ارکان و شرایط آن دو، و در آن به تفصیل در مورد حسبه و شرایط محتسب و وظایف آن بحث می‌کند؛ باب سوم، منکرات مختلف را در مساجد، خیابانها و... مورد بحث قرار می‌دهد؛ باب چهارم، در امر امراء و حاکمان به معروف و نهی از منکر.

مباحث دیگر کتابهای اخلاقی بیشتر همانند احیاء العلوم با تفاوتها و تهذیب و تلخیص می‌باشد.

علم فقه

علم فقه، مهمترین جایگاه بحث امر به معروف و نهی از منکر بوده است، و فقهای مذهب اهل البیت - علیهم السلام - از گذشته، آن را یکی از مباحث فقهی برشمرده و درباره آن بحث کرده‌اند.

در بررسی مهمترین آثار فقهی شیعه از قرن چهاردهم تا پانزدهم، نکاتی وجود دارد که در زیر به پاره‌ای از آنها به طور فشرده اشاره می‌کنیم:

■ در تعدادی از کتابهای جامع فقهی، مبحث امر به معروف و نهی از منکر مطرح نشده است، مانند مقنع صدوق (ره)؛ مبسوط شیخ طوسی؛ انتصار و ناصریات سید مرتضی (ره)؛ الغنیة ابن زهره حلبی؛ الحدائق الناضرة فی فقه العترة الطاهرة شیخ یوسف بحرانی (ره).

■ در بیشتر کتابهای فقهی مبحث فوق به عنوان بابی از کتاب الجهاد آمده است، مانند الکافی فی الفقه، النهایة، المختصر النافع، قواعد الاحکام.

برخی بحث فوق را به عنوان کتاب مستقلی تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر مثل المهذب، کفایة الاحکام، جامع الشتات، یا کتاب الحسبة مثل: الدرس آورده‌اند.

در برخی از کتابها مانند المراسم در ابواب کتاب الحدود آمده و در فقه الرضا و برخی کتابهای دیگر به عنوان بابی از مباحث فقهی به آن پرداخته شده است.

■ مطالب و حجم مباحث مطرح شده در تمام کتابها یکسان نیست، برخی فقط به ذکر روایتی و یا اشاره‌ای اکتفا کرده‌اند، مانند فقه الرضا، الوسيلة و برخی با تفصیل بیشتر از آن بحث کرده‌اند، مانند الکافی فی الفقه، شرایع الاسلام.

■ مباحث عمده مطرح شده در کتابهای فقهی چنین است: اهمیت امر به معروف و نهی از منکر با نقل روایات؛ تعریف معروف و منکر و اقسام آن؛ بحث کیفیت وجوب عقلی یا سمعی، عینی یا کفایی؛ اقسام امر و نهی واجب و مستحب و واجب و جایز؛ بحث شرایط وجوب امر و نهی؛ مراتب سه گانه امر و نهی؛ بحث اجرای حدود در زمان غیبت، قضاوت فقها و رجوع به قاضیان جور.

■ بیشتر فقها شرایط امر و نهی را چهار تا دانسته‌اند: علم، احتمال تأثیر، اصرار بر

و □ امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی (س)

عمل، عدم مفسده. برخی شرط «منجزیت معروف و منکر در حق فاعل» را بر آن افزوده‌اند.^(۱) و عده‌ای تمکن را پنجمین شرط دانسته‌اند.^(۲) و مرحوم شیخ جعفر کاشف‌الغطاء شرایط را به چهارده تا می‌رساند، هر چند بسیاری از آنها قابل برگشت به چهار شرط اصلی و از فروع آن به حساب می‌آید.

■ در بحث مراتب سه گانه قلب، زبان و دست نیز نکاتی قابل اشاره است که فقها به آن پرداخته‌اند، مانند بحث یکی بودن مرتبه قلب و زبان، یا خارج بودن مرتبه قلبی از مراتب امر و نهی، یا مرتبه اول را مرتبه غیر زبانی شمرده‌اند؛ نیاز اجازة امام و نایب امام در موارد منجر به قتل و جرح و مانند آن.

■ در کتابهای احکام القرآن نیز بحث «امر به معروف و نهی از منکر» آورده شده است، راوندی در فقه القرآن به عنوان بابی از جهاد آن را ذکر می‌کند؛ و مقدس اردبیلی در زبدة الیاب کتاب ویژه‌ای را به آن اختصاص می‌دهد.

■ در بیشتر رساله‌های عملیه فارسی و عربی که در چند سده اخیر نگاشته شده است، مانند عروة الوثقی، وسیلة النجاة، توضیح المسائل اثری از بحث امر به معروف و نهی از منکر نیست.

■ مبحث امر به معروف و نهی از منکر از فروع لازم برخوردار نیست، فقط در زمانهای اخیر به برکت نهضت امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، فروع متعدد طرح شده است. بیشترین فروع را در تحریر الوسیله و مهذب الاحکام فی مسائل الحلال و الحرام می‌توان مشاهده کرد.^(۳)

۱. حکیم، محسن؛ منهاج الصالحین؛ بحث شرایط امر به معروف و نهی از منکر.

۲. ابی صلاح الحلبي؛ الکافی فی الفقه؛ الفرض الثانی هو الامر بالمعروف والنهی عن المنکر.

۳. همان‌گونه که در متن اشاره شد فقهای شیعه در طول دوازده قرن بحث امر به معروف و نهی از منکر را در کتابهای خود آورده‌اند، در زیر فهرست مهمترین آثار فقهی شیعه که مورد بررسی قرار گرفته است برای اطلاع و تحقیق بیشتر آورده می‌شود:

۱. فقه الرضا؛ منسوب به امام رضاع) یا علی بن بابویه قمی (متوفی ۳۲۸ ه.ق.).

۲. محمد بن علی بن بابویه (صدوق)؛ الهدایة بالخیر؛ (متوفی ۳۸۱ ه.ق.).

۳. محمد بن نعمان (مفید)؛ المقنعة؛ (متوفی ۴۱۳ ه.ق.).

۴. ابی صلاح حلبي؛ الکافی فی الفقه؛ (متوفی ۴۴۷ ه.ق.).

٥. محمد بن حسن طوسي؛ النهاية؛ (متوفى ٤٦٠ هـ.ق.).
٦. محمد بن حسن طوسي؛ الجمل و العقود؛ (متوفى ٤٦٠ هـ.ق.).
٧. حمزة بن عبدالعزيز ديلمى؛ المراسم؛ (متوفى ٤٦٣ هـ.ق.).
٨. ابن بزّاح؛ المهذب؛ (متوفى ٤٨١ هـ.ق.).
٩. سعيد بن عبدالله الراوندى؛ فقه القرآن؛ (متوفى ٥٧٣ هـ.ق.).
١٠. محمد بن ابن حمزة طوسي؛ الوسيلة.
١١. سلمان بن الحسن الصهرشتى؛ اصباح الشيعة بمصباح الشريعة.
١٢. محمد بن منصور بن احمد بن ادريس حلى؛ السرائر؛ (متوفى ٥٩٨ هـ.ق.).
١٣. حسن بن ابى المجد الحلبي؛ اشارة السبق الى معرفة الحق.
١٤. نجم الدين جعفر بن حسن حلى (محقق حلى)؛ المختصر النافع؛ (متوفى ٦٧٦ هـ.ق.).
١٥. محقق حلى؛ شرايع الاسلام؛ (متوفى ٦٧٦ هـ.ق.).
١٦. حسن بن يوسف حلى (علامة حلى)؛ تذكرة الفقهاء؛ (متوفى ٧٢٦ هـ.ق.).
١٧. علامة حلى؛ قواعد الاحكام.
١٨. علامة حلى؛ تبصرة المتعلمين.
١٩. علامة حلى؛ ارشاد الاذهان.
٢٠. علامة حلى؛ تحرير الاحكام.
٢١. محقق أبى (حسن بن ابى طالب)؛ كشف الرموز فى شرح المختصر النافع؛ (متوفى ٧٢٦ هـ.ق.).
٢٢. محمد بن الحسن (فخر المحققين)؛ ايضاح الفوائد فى شرح القواعد؛ (متوفى ٧٧١ هـ.ق.).
٢٣. محمد بن مكى عاملى (شهيد اول)؛ الذكرى؛ (متوفى ٧٨٦ هـ.ق.).
٢٤. محمد بن مكى عاملى (شهيد اول)؛ الدروس؛ (متوفى ٧٨٦ هـ.ق.).
٢٥. محمد بن مكى عاملى (شهيد اول)؛ اللمعة الدمشقية؛ (متوفى ٧٨٦ هـ.ق.).
٢٦. جمال الدين مقداد بن عبدالله الحلى؛ التنقيح الرابع لمختصر الشرايع؛ (متوفى ٨٢٦ هـ.ق.).
٢٧. جمال الدين مقداد بن عبدالله الحلى؛ كثر العرفان فى فقه القرآن؛ (متوفى ٨٢٦ هـ.ق.).
٢٨. ابن فهد حلى؛ المهذب البارع فى شرح المختصر النافع؛ (متوفى ٨٤١ هـ.ق.).
٢٩. على بن عبد العالى كركى؛ جامع المقاصد فى شرح القواعد؛ (متوفى ٩٨٣ هـ.ق.).
٣٠. زين الدين بن نورالدين (شهيد ثانى)؛ مسالك الافهام؛ (متوفى ٩٦٦ هـ.ق.).
٣١. زين الدين بن نورالدين (شهيد ثانى)؛ روضة البهية فى شرح اللمعة الدمشقية؛ (متوفى ٩٦٦ هـ.ق.).
٣٢. ملا احمد اردبيلى؛ مجمع الفائدة والبرهان فى شرح ارشاد الاذهان؛ (متوفى ٩٩٣ هـ.ق.).
٣٣. محمد بن حسين عاملى (شيخ بهائى)؛ جامع عباسى؛ (متوفى ١٠٣٠ هـ.ق.).
٣٤. محقق سبزواري؛ كفاية الاحكام؛ (متوفى ١٠٩٠ هـ.ق.).
٣٥. محقق سبزواري؛ ذخيرة المعاد.
٣٦. ميرزا قمى؛ جامع الشتات؛ (متوفى ١٢٣١ هـ.ق.).
٣٧. شيخ جعفر كاشف الغطاء؛ كشف الغطاء؛ (متوفى ١٢٢٨ هـ.ق.).

ح □ امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی (س)

در سالهای اخیر آثار متعددی درباره امر به معروف و نهی از منکر نگاشته شده است که در آنها تحت تأثیر امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی به مباحث مورد نیاز امروز توجه گردیده است که ارائه فهرست آنها، فهرست دیگری را لازم دارد.

در آثار مهم فقهی مذاهب اهل سنت، مانند الامم، محمد بن ادریس شافعی؛ المبسوط، سرخسی؛ المغنی و شرحه، بابی درباره امر به معروف و نهی از منکر دیده نمی شود؛ ولی علمای اهل سنت در کتابهای الاحکام السلطانية درباره این بحث به عنوان «حسبه» بحث کرده اند که در حقیقت شکل اداری و تشکیلاتی اصل «امر به معروف و نهی از منکر» در حکومت اسلامی می باشد.

ماوردی، حسبه را چنین تعریف می کند: «حسبه، امر به معروف است، زمانی که ترک آن آشکار شود و نهی از منکر است، وقتی که عمل به آن آشکار انجام پذیرد»^(۱) وی می نویسد: این کار بر محتسب به حکم ولایت و بر دیگران به عنوان واجب کفایی لازم است.

ماوردی در اثر خود به بحث محتسب، و شرایط والی حسبه، و اقسام معروف و منکر می پردازد و دامنه معروفها و منکرها را در بسیاری از شئون فردی و اجتماعی گسترش داده و آن را شامل بسیاری از امور سیاسی و اجتماعی می گرداند. ابی یعلی محمد بن حسین الفراء حنبلی (متوفی، ۴۵۸ ه.ق.) نیز مباحثی را همانند ماوردی در

۳۸. شیخ محمد حسن؛ جواهر الکلام؛ (متوفی ۱۲۶۶ ه.ق.).
۳۹. آقا ضیاءالدین عراقی؛ شرح تبصرة المتعلمین؛ (متوفی ۱۳۶۱ ه.ق.).
۴۰. سید محسن حکیم؛ منهاج الصالحین؛ (متوفی ۱۳۹۰ ه.ق.).
۴۱. سید احمد خوانساری؛ مدارک الاحکام؛ (متوفی ۱۴۰۵ ه.ق.).
۴۲. سید عبدالله شیرازی؛ ذخیره الصالحین؛ (متوفی ۱۴۰۵ ه.ق.).
۴۳. سید ابوالقاسم خوبی؛ منهاج الصالحین؛ (متوفی ۱۴۱۳ ه.ق.).
۴۴. سید محمد رضا گلپایگانی؛ جامع المسائل؛ (متوفی ۱۴۱۵ ه.ق.).
۴۵. سید عبدالاعلی سبزواری؛ مهذب الاحکام فی المسائل الحلال والحرام؛ (متوفی ۱۴۱۶ ه.ق.).
۴۶. روحانی، صادق؛ فقه الصادق.
۴۷. نوری، شیخ حسین؛ امر به معروف و نهی از منکر.
۴۸. خرازی، محسن؛ الامر بالمعروف و النهی عن المنکر.
۱. الاحکام السلطانية؛ ص ۲۹۹.

الاحكام السلطانية خود می آورد.

امام خمینی (س) و امر به معروف و نهی از منکر

حضرت امام خمینی (س) که بحق باید ایشان را احیاگر این دو واجب الهی در سده معاصر دانست، در عمل و قول به احیای آن همت گماشتند. دستنویس سال ۱۳۶۳ ه.ق. و کتاب کشف اسرار ایشان در سال ۱۳۲۳ شمسی نمونه‌های بارزی از عمل ایشان به این واجب الهی در سالهای دور محسوب می‌شود؛ و حرکت عظیم انقلاب اسلامی نیز مصداق روشنی از اقدام ایشان به این فریضه الهی می‌باشد.

امام با نگرش وسیعی که به این موضوع داشته‌اند و آن را فراتر از چند پند و تذکر خصوصی و در موارد محدود و جزئی می‌دانسته‌اند، در آثار فقهی خود و در تمامی دستورات و فرامین انقلاب، و سپس در جمهوری اسلامی به احکام و لوازم امر و نهی ملتزم، و موارد ضروری را به مردم و سردمداران گوشزد می‌کرده‌اند. بنابراین، علاوه بر آنچه از ایشان به‌عنوان خاص در این موضوع نگاشته شده است، می‌توان دیدگاهها و نظرهای ایشان را از سخنان و پیامها و کارهای ایشان استخراج کرد. اثر حاضر با این نگرش به جمع‌آوری مطالب پرداخته و از این راه توانسته است نکات بسیاری را که در آثار فقهی فقیهان، و حتی حضرت امام به آن اشاره نشده است، در منظر دید محققان و علاقه‌مندان قرار دهد.

مباحث امر به معروف و ملحقات آن و فتاوی ایشان را در آثار فقهی امام می‌توان از رساله فی التقیة^(۱)، المکاسب المحرمة^(۲) در بحث «حکم المبیع اذا بیع ممن یصرفه فی الحرام» و تحریر الوسیلة و استفتائات به دست آورد.

بی‌شک مهمترین اثر ایشان در امر به معروف و نهی از منکر، کتاب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، تحریر الوسیلة است که در سال ۱۳۸۴ ه.ق. به نگارش در آمده است. حضرت امام در نگارش تحریر الوسیلة که بازنویسی کتاب وسیلة النجاة، سید ابوالحسن

۱. نگارش، ۱۳۷۳ ه.ق.

۲. نگارش، ۱۳۸۰ ه.ق.

ی □ امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی (س)

اصفهان‌ی (ره)، (متوفی ۱۳۶۵ ه.ق.). می‌باشد، کتاب امر به معروف و نهی از منکر را بر آن افزوده‌اند و در متن سید (ره) مانند دیگر رساله‌های عملیه اخیر، این بحث وجود ندارد و در تعلیقات دیگران بروسيله مانند تعلیقه آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی (ره) نیز اثری از این مبحث دیده نمی‌شود.

امام در این اثر، همان نظم و ترتیب رایج در کتابهای فقهی مانند شرایع الاحکام را برگزیده‌اند؛ ولی افزایشهای فراوانی در فروع دارند که تا زمان تألیف این اثر بی سابقه است.

در اینجا توجه خوانندگان را به اشاره‌ای گذرا به مباحث تحریر و برخی دیدگاههای فقهی ایشان، جلب می‌نماییم:

□ امر و نهی را به واجب عقلی و شرعی و عینی و کفایی تقسیم می‌نمایند، و اصل وجوب امر و نهی را عقلی می‌دانند؛^(۱) و به کفایی بودن آن حکم می‌کنند.

□ امر و نهی را مولوی می‌دانند؛ ولی به توصلی بودن قائل می‌شوند و قصد قربت را در آن شرط نمی‌دانند.

□ از فرعه‌های مهمی که در اینجا مطرح می‌کنند: لزوم اجتماع افراد برای برپایی معروف و یا از بین بردن منکر است.

□ علم را از شرایط وجوب نه واجب می‌شمرند؛ ولی یادگیری احکام و شرایط امر و نهی را واجب می‌دانند.

□ ایشان با اینکه شرط تأثیر را می‌پذیرند، ولی علم به عدم تأثیر را ساقط تکلیف می‌دانند؛ و حتی ظنّ به عدم تأثیر را موجب سقوط تکلیف نمی‌شناسند.

□ با طرح فروع مختلف، دامنه تأثیر را گسترش می‌دهند و صرفاً آن را منحصر به تأثیر آنی و شخص مخاطب نمی‌دانند؛ بلکه تأثیر در آینده، تأثیر در دیگران، روشن شدن حقایق، رفع اتهام سازشکاری از علما و... را از موارد تأثیر می‌شمرند.

□ در موارد زیان و ضرر فقط به زیانهای شخص آمر و ناهی توجه نمی‌کنند؛ بلکه زیانهای ترک آن بر اسلام و مسلمانان را مورد عنایت قرار می‌دهند و در موارد مهم مثل

مقدمه □ یا

حفظ اسلام و احکام اسلامی تحمّل ضرر تا جان دادن را جایز، بلکه واجب می‌دانند.
□ ایشان در فروع به وظایف علما و بزرگان در مقابله با بدعتها، تأیید ستمگران، هتک دین و علما و ... توجه می‌کنند.

□ امام بر عدم جواز و همکاری با ستمگران (جز در موارد خاص) فتوا می‌دهند، و هرگونه رابطه با بیگانگان را که موجب سلطه غیر مسلمانان بر مسلمانان در امور فرهنگی و سیاسی و اقتصادی بشود، حرام می‌دانند و نفی می‌کنند.
□ امام با اینکه اذن فقیه را در موارد ضرب و جرح و قتل واجب می‌دانند؛ ولی آن را در موارد مهم و فوری ساقط می‌کنند.

□ ایشان در مبحث امر به معروف، به پذیرفتن مسئولیتهای سیاسی از حاکمان ستمگر، ولایت فقها در زمان غیبت، تولی امور قضا و حدود و دیات در حکومتهای طاغوتی و عدم جواز رجوع به حاکمان و قاضیان جور، اشاره دارند.
□ امام، تقیه را در موارد مهم حرام می‌شمردند.

و ...

ویژگیهای این مجموعه

۱. این مجموعه که در گروه معارف اسلامی حوزه معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) استخراج و تنظیم شده است، مشتمل بر سه بخش است: بخش اول، «کلیات» که دارای چهار فصل است: اهمیت و آثار، وجوب امر به معروف و نهی از منکر، معروفها، منکرها.

در فصل معروفها و منکرها سعی شده است مواردی را که امام در زمان حاضر و در جامعه ما معروف و یا منکر می‌شناسند، به خوانندگان معرفی شود.
بخش دوم، شرایط چهارگانه: علم، احتمال تأثیر، اصرار بر گناه، عدم وجود مفسده می‌باشد.

بخش سوم، مراتب سه‌گانه: مرتبه غیر زبانی، مرتبه امر و نهی زبانی، مرتبه اقدام و انکار عملی به علاوه رعایت مراتب در امر و نهی بحث شده است.

۲. فهرست تفصیلی، فهرست مآخذ کلام امام و فهرست منابع متن و پاورقیها در پایان

یب □ امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی (س)

این مجموعه آورده شده که راهنمای مناسبی برای دسترسی به مطالب و مآخذ مورد نیاز محققان است.

۳. در تنظیم این مجموعه کوشیده‌ایم، عبارتها را با توجه به پیام صریح و اصلی آنها در ذیل نزدیکترین عنوان انتخابی بیاوریم و حتی الامکان از تکرار آنها در دیگر عنوانها خودداری کنیم. بنابراین، برای دریافت کلیه دیدگاههای امام درباره یک موضوع نمی‌توان به موارد ذکر شده ذیل همان عنوان اکتفا کرد، و مراجعه به دیگر عنوانهای مجموعه اجتناب‌ناپذیر است.

۴. برای هر یک از قطعات منتخب، عنوانی را برگزیده‌ایم که عین عبارت حضرت امام نیست، در عین حال، سعی شده است از مطالب داخل هر قطعه برداشت شود. بنابراین، می‌توان این جمله‌های انتخابی را به حضرت امام نسبت داد و لازم است محققان در نقل مطالب آن دقت لازم مبذول فرمایند.

۵. حتی الامکان سعی شده، مطالب برگرفته از غیر تحریر الوسیله و استفتائات در ذیل هر عنوان به ترتیب تاریخ اثر آورده شود.

۶. هر یک از متون منتخب به تناسب موضوع و تاریخ با علامت «**» از یکدیگر تفکیک شده و از ابتدا تا انتهای مجموعه به ترتیب شماره‌گذاری شده‌اند. فهرست مآخذ در پایان مجموعه که بر اساس شماره قطعات منتخب تنظیم گردیده، تاریخ، مخاطبان و آدرس مطالب را نشان می‌دهد.

۷. تمام متن کتاب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر به فارسی بازگردانده شده و در جایگاه مناسب خود استفاده شده است، بنابراین متون تحریر عین عبارات حضرت امام نمی‌باشد، بلکه ترجمه آن است؛ و هر چند در ترجمه آن نهایت تلاش را به کار برده‌ایم، ولی خالی از نقص نیست، یادآوریه‌های اصلاحی و تکمیل‌کننده محققان مورد امتنان و تشکر می‌باشد.

در پایان، لازم می‌دانیم از کلیه افرادی که ما را در تهیه این مجموعه یاری داده‌اند بویژه از تلاشهای جناب حجت الاسلام والمسلمین عالمی تشکر کنیم.

ستاد تنظیم آثار موضوعی

مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (س)

بخش اول

کلیات

- فصل اول: اهمیت و آثار امر به معروف و نهی از منکر
- فصل دوم: وجوب امر به معروف و نهی از منکر
- فصل سوم: معروفها
- فصل چهارم: منکرها

فصل اول

اهمیت و آثار امر به معروف و نهی از منکر

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در قرآن و روایات

این دو از والاترین و شریفترین واجبات هستند، و به وسیله این دو واجب، دیگر واجبات برپا می شود.

و خوب آن دو از ضروریات دین، و منکر و خوب آن در صورت توجه به لوازم انکار خود و پذیرش آن، کافر خواهد بود؛ و در قرآن و روایات شریفه بر این دو فریضه تحریض و ترغیب فراوانی با تعبیر مختلف شده است:

خداوند متعال در قرآن می فرماید: و باید از شما امتی باشند که دعوت به خیر نمایند و امر به معروف و نهی از منکر کنند و اینان رستگارانند؛^(۱) و در جای دیگر می فرماید: شما بهترین امتی هستید که برای مردم بیرون آورده شدید تا آنان را امر به معروف و نهی از منکر کنید و به خدا ایمان آورید؛^(۲) و آیات دیگر.

از حضرت رضا(ع) نقل شده است که فرمود: پیامبر بارها می فرمودند: هنگامی که امت من، امر به معروف و نهی از منکر را واگذارند، پس باید با خدا اعلان جنگ نمایند.^(۳)

۱. آل عمران / ۱۰۴.

۲. آل عمران / ۱۱۰.

۳. وسائل الشیعة؛ ج ۱: کتاب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر؛ «باب وجوبهما و تحریم ترکهما»، ص ۳۹۴ ←

و از پیامبر نقل شده که فرمود: خدای متعال دشمن دارد مؤمن ضعیفی را که دین ندارد، پرسیده شد مؤمن ضعیفی که دین ندارد چه کسی است؟ فرمود: کسی که نهی از منکر نمی‌کند.^(۱)

و باز پیامبر فرمودند: مادامی که امت من، امر به معروف و نهی از منکر کنند و بر نیکی کمک نمایند بر خیر هستند؛ و زمانی که چنین نکردند برکات از ایشان گرفته می‌شود، و بعضی از آنان بر بعض دیگر چیره خواهند شد، و در آسمان و زمین برای آنان یآوری پیدا نمی‌شود.^(۲)

و در یکی از سخنرانیها امیرالمؤمنین - علیه السلام - پس از حمد و ثنای خدا چنین فرمودند: اما بعد، همانا پیشینیان از شما هنگامی هلاک شدند که آلوده به معاصی شدند و علمای آنان (ربانیون و احبار) آنها را نهی نکردند، و از آنجا که ایشان به معاصی ادامه دادند و احبار و ربانیون آنان را منع نکردند، بلا و عقوبتها بر آنان نازل شد؛ پس امر به معروف و نهی از منکر کنید و بدانید که این دو، نه مرگی را نزدیک می‌کنند و نه سبب بریدن روزی می‌شوند.^(۳)

و از امام باقر - علیه السلام - آمده است که: در آخر الزمان قومی خواهند آمد که در میان ایشان پیروی از دسته‌ای ریاکار صورت خواهد گرفت، این قوم قرآن خواندن و عبادت را در ظاهر پیشه خود می‌سازند، اینان تازه کاران و بیخردانند؛ چرا که آنان امر به معروف و نهی از منکر را واجب نمی‌دانند، مگر هنگامی که از زیان در امان باشند، پیوسته به دنبال یافتن راه چاره و

کلیات □ ۵

عذری هستند، سپس فرمود: اینان آنگونه هستند، که اگر نماز هم به آنچه با اموال و بدنهایشان انجام می دهند زیانی برساند، نماز راهم ترک می کنند، چنانکه بالاترین و شریفترین واجبات را کنار گذاشتند، همانا امر به معروف و نهی از منکر، واجب بزرگی است که در پرتو آن دیگر واجبات به پا داشته می شود. در این حال، خشم خدای - عزوجل - بر چنین قومی تمام خواهد شد، و عقاب الهی همه آنان را فرا خواهد گرفت و نیکان در خانه نابکاران و خردسالان در کنار بزرگسالان هلاک خواهند شد.^(۱)

همچنین از محمد بن مسلم روایات شد که گفت: امام صادق - علیه السلام - به شیعه نوشتند که باید سالمندان و عاقلان به نادانان و ریاست طلبان توجه کنند و گرنه مشمول لعنت من خواهند شد و همه آنها مورد لعن من قرار خواهند گرفت.^(۲) (۱)

* * *

آثار امر به معروف و نهی از منکر

باید کوشش کنید تا طرز حکومت اسلام و رفتار حکام اسلامی را با ملتهای مسلمان به اطلاع دنیا برسانید تا زمینه فراهم شود که حکومت عدل و انصاف به جای این حکومتهای استعمارزده که اساس آن بر ظلم و چپاولی است، برقرار شود. اگر قشرهای جوان از هر طبقه که هستند ماهیت حکومت اسلام را که با کمال تأسف

معرفی حکومت
اسلامی، موجب
نابودی حکومتهای
ستمگر

۱. همان؛ ص ۳۹۴، ح ۶.

۲. همان؛ ص ۳۹۵، ح ۸.

جز چند سالی در زمان پیغمبر اسلام - صلی الله علیه و آله - و در حکومت بسیار کوتاه امیرالمؤمنین - علیه السلام - جریان نداشت، بفهمند، اساس حکومت‌های ظالمانه استعماری و مکتب‌های منحرف کمونیستی و غیره، خود به خود برچیده می‌شود. (۲)

۵۰/۲/۲۸

* * *

اکنون بر نسل تحصیلکرده مسلمان و مردان روشن ضمیر آگاه است که با کوشش‌های همه جانبه و از هر راه ممکن، اسلام و پیشوایان اسلامی و مسئولیت‌های خطیر و سنگین علمای اسلام را به ملت‌های مسلمان برسانند تا مردم آگاه شوند و آن دسته از روحانی‌نماهای منحرف را که مستقیم و غیر مستقیم در خدمت رژیم جبار^(۱) قرار گرفته‌اند طرد نمایند. اگر ملت اسلام به مبانی نورانی قرآن واقف گردد و به وظایف سنگین علما و پیشوایان اسلام آگاه شود، روحانی‌نماها و آخوندهای درباری در میان اجتماع ساقط خواهند شد. و اگر معمّمین ساختگی و روحانی‌نماهای بی‌حیثیت در جامعه ساقط شده نتوانند مردم را بفریبند، دستگاه جبار هیچ‌گاه موفق به اجرای نقشه‌های شوم استعمارگران نخواهد شد. ما پیش از هر کار لازم است تکلیف خود را با روحانی‌نماها - که امروز از خطرناکترین دشمن [ها] برای اسلام و مسلمین محسوب می‌شوند و به دست آنها نقشه‌های شوم دشمنان دیرینه اسلام و دست‌نشانندگان استعمار پیاده و اجرا می‌گردد - روشن سازیم و دست آنان را از حوزه‌های علمیه، مساجد و محافل اسلامی کوتاه کنیم تا بتوانیم دست تجاوزکار استعمار و

آشنایی با اسلام،
موجب برملا شدن
نقشه‌های استعمار

۱. مراد، رژیم پهلوی است.

کلیات □ ۷

مخالفین اسلام را از حریم اسلام و قرآن کریم قطع کرده از استقلال و صیانت کشورهای اسلامی و ملت اسلام دفاع نماییم. امید است که علمای اعلام و مراجع بزرگ اسلام از خیانت و نفوذ اجانب و عمال استعمار به حوزه‌های علمیه و جامعه روحانیت جلوگیری به عمل آورند، و ایادی مخالفین را که در سلک روحانیت قرار دارند و اسلام و روحانیت را به سقوط و انحطاط تهدید می‌کنند طرد و رسوا سازند؛ و اجازه ندهند که مشتی فریب‌خورده و دنیاطلب، استقلال هزار ساله شیعه را دستخوش امیال و اغراض مخالفین اسلام و مزدوران استعمار قرار دهند. (۳)

۵۱/۱۲/۲۴

* * *

فردا هم در تهران - خدای نخواسته - این کار^(۱) خواهد انجام گرفت و نه آخوندی و نه سیاسی‌ای و نه دکتری و نه مهندسی و نه دیگری اعتراض نمی‌کند. اینها باید اعتراض بشود؛ باید گفته بشود. اگر ملتها همه با هم، ملت همه با هم، مطلبی را اعتراض کنند و احکام اسلام را بایستند و بگویند، امکان ندارد که همچو قضایایی واقع بشود. اینها واقع می‌شود از سستی ما و از ضعف ما و استفاده از ضعف ما. (۴)

۵۶/۷/۶

* * *

سیدالشهدا - سلام الله علیه - با چند نفر از اصحاب، چند نفر از

اعتراض ملت،
بازدارنده از
کارهای خلاف

۱. مراد، جشن فرهنگ و هنر است که در شیراز با هتک عفت عمومی و اسلامی انجام شد.

ارحامشان ، از مخدراتشان قیام کردند. چون قیام الله بود، اساس سلطنت آن خبیث را به هم شکستند. در صورت ایشان کشته شدند لکن اساس سلطنت را، اساس سلطنتی که می خواست اسلام را به صورت سلطنت طاغوتی درآورد. خطری که معاویه و یزید برای اسلام داشتند این نبود که غصب خلافت کردند؛ این یک خطر، کمتر از آن بود؛ خطری که اینها داشتند این بود که اسلام را به صورت سلطنت در می خواستند بیاورند، می خواستند معنویت را به صورت طاغوت درآورند، به اسم اینکه «ما خلیفه رسول الله هستیم» اسلام را منقلب کنند به یک رژیم طاغوتی. این مهم بود. آنقدری که این دو نفر ضرر به اسلام می خواستند بزنند یا زدند جلوتری ها آنطور نزدند. اینها اصل اساس اسلام را وارونه می خواستند بکنند. سلطنت بود، شرب خمر بود، قمار بود در مجالسشان. «خلیفه رسول الله» و در مجلس شرب خمر؟! و در مجلس قمار؟! و باز «خلیفه رسول الله» نماز هم می رود در جماعت می خواند! این خطر از برای اسلام خطر بزرگ بود. این خطر را سیدالشهدا رفع کرد. قضیه قضیه غصب خلافت فقط نبود. قیام سیدالشهدا - سلام الله علیه - قیام بر ضد سلطنت طاغوتی بود. آن سلطنت طاغوتی که اسلام را می خواست به آن رنگ درآورد که اگر توفیق پیدا می کردند، اسلام یک چیز دیگری می شد. اسلام می شد مثل رژیم ۲۵۰۰ ساله سلطنت. اسلامی که آمده بود و می خواست رژیم سلطنتی را و امثال این رژیمها را به هم بزند و یک سلطنت الهی در دنیا ایجاد کند، می خواست «طاغوت» را بشکند و «الله» را جای او بنشانند، اینها می خواستند که «الله» را بردارند، «طاغوت» را جایش بنشانند. همان مسائل جاهلیت و همان مسائل سابق. کشته شدن سیدالشهدا - سلام الله علیه -

قیام امام حسین
علیه السلام موجب رفع
خطر از اسلام

شکست نبود چون قیامٌ لله بود، قیامٌ لله شکست ندارد. (۵)

۵۸/۳/۸

* * *

ما موظفیم که بهانه دست این اشخاصی که غرض دارند ندهیم. هر یک خودمان را مواظبت کنیم و پاسداری از خودمان بکنیم؛ و هر یکمان از رفقا فرض کنید پاسداری بکند. آقا خودش را حفظ بکند؛ و مأمور حفظ شما و شما و شما هم هست. نه این است که مأمور است [برای] خودش؛ مأمور است خودش نماز بخواند؛ نخیر مأمور است که شما را وادار کند به نماز خواندن؛ من را وادار کند به نماز خواندن، همه مأموریم. خودش فقط مثلاً بدگویی به مردم نکند بی جهت؛ این خودش هست؛ اگر شما هم کردید، این مکلف است؛ یعنی تکلیف الهی دارد به اینکه جلوتان را بگیرد. امر به معروف و نهی از منکر دو اصلی است در اسلام، که همه چیز را می خواهد اصلاح کند؛ یعنی با این دو اصل می خواهد تمام قشرهای مسلمین را اصلاح بکند. به همه مأموریت داده، به همه، به تمام افراد زیر پرچم مأموریت داده که باید وادار کنید همه را به کارهای صحیح، و جلوگیری کنید از کارهای فاسد. اینطور نیست که شما فقط یک مأموریتی دارید، و آن این است که خودتان یک کارهای خوبی بکنید، از کار بد احتراز کنید. مأموریت زیادتیر از این است، خودتان و همه را، هم خودتان، هم همه را. و هیچ فرقی هم بین قشرها در این امر نیست که همه باید اطاعت خدا بکنند و همه باید حفظ این پاسداری را بکنند، مهم این است. (۶)

۵۸/۷/۲

* * *

امر به معروف و
نهی از منکر، دو
اصل اصلاح کننده

اصلاح جامعه، در
پرتو امر به معروف
و نهی از منکر

کوشش کنید که احکام اسلام را هم عمل کنید؛ و هم وادار کنید که دیگران عمل کنند. همان طوری که هر شخص و هر فردی موظف است که خودش را اصلاح کند، موظف است که دیگران را هم اصلاح کند. اصل «امر به معروف و نهی از منکر» برای همین است که جامعه را اصلاح کند. (۷)

۵۸/۷/۲۰

* * *

باید کاری کرد که ملتها هر جا هستند، ملتها بفهمند تکلیف خودشان را. اگر بخواهید و بخواهند و دانشمندا بخواهند و علمای همه بلاد اسلامی و دانشگاههای همه بلاد اسلامی بخواهند مشکله اسلام و ممالک اسلامی حل بشود، باید مردم را بیدار کنند؛ این مردمی که با تبلیغات چند صد ساله، به آنها باورانده بودند که نمی شود با امریکا یا با شوروی مخالفت کرد، و الآن هم باور ملتهای دیگری هست. باید اینها [را] به ایشان فهماند که می شود.

آگاهی ملتها، مانع
قدرت مستکبران

بہتر دلیل بر اینکه یک امری ممکن است، وقوع اوست و این امر واقع شد در ایران. دولتهای دیگر، ملتهای دیگر گمان نکنند که ایران از آنها عده و عده بیشتر داشت خیر، شاید در عشایر عراق بیشتر از ایران اسلحه باشد، لکن مغزهای اینها را به واسطه تبلیغات دامنه داری که شده است، شست و شو کرده اند و از اسلام مأیوس کرده اند، و این مغزها را پر کرده اند از اینکه با این قدرتها نمی شود طرف شد. این از چیزهایی است که با تبلیغات خود آنها و عمال آنها در داخل ممالک تحقق پیدا کرده است.

باید آنهایی که در همه ممالک هستند، آنهایی که دلشان برای

ملت‌ها می‌تپد، آنهایی که به اسلام اعتقاد دارند و برای اسلام می‌خواهند خدمت کنند، هر کدام در محل خودشان، ملت خودشان را بیدار کنند؛ تا ملت، خودشان را که گم کرده‌اند، پیدا کنند. ملت‌ها خودشان را گم کرده‌اند، مملکت خودشان را گم کرده‌اند. هر چه در ذهنشان وارد می‌شود، این [است] که نمی‌شود با این قدرتها طرف شد، اینها چه‌ها و چه‌ها خواهند کرد. باید از مغز ملت‌ها این «نمی‌شودها» را بیرون کرد و به جای آن، «می‌شودها» را گذاشت. نه، می‌شود این کار را کرد. یک میلیارد جمعیت - تقریباً - جمعیت مسلمین با دارا بودن آنهمه امکانات و آن سرزمینهای وسیع و آن مخازن زیرزمینی وسیع و آن پشتوانه اسلامی - الهی، نباید در ذهنشان بیاید که نمی‌شود. این قدرت بزرگ شیطانی شوروی، که با تمام قوا افغانستان را می‌خواهد خفه کند، نتوانسته است. ملت اگر یک چیزی را نخواهند، نمی‌شود تحمیلشان کرد. باید ملت را بیدار کرد تا بخواهند. ملت ما هم قبل از بیست سال، خواب بود، توجه نداشت. از بیست سال به این طرف می‌گفتند، گویندگان گفتند، علما گفتند، دانشگاهیها گفتند. کم‌کم رسید به تظاهرات، کم‌کم رسید به ریختن در خیابانها، کم‌کم رسید به «الله اکبر»، و قدرت بزرگ شیطانی در مقابل «الله اکبر» نتوانست بماند؛ و همه می‌خواستند بماند. من مطلع بودم همه قدرتها می‌خواستند که این نوکری که برای همه‌شان خدمتگزار بی‌چون و چراست، در ایران بماند تا منافعشان را ببرند و هر چه ما ذخایر داریم آنها به رایگان ببرند، لکن ملت وقتی نخواهد، نمی‌شود. باید ملت را بیدار کرد که آن چیزی را که خیال می‌کرد نباید بخواهد، بخواهد و آن امری را که به خیالش نمی‌شود، بیدارش کرد که می‌شود. ملت [ها] از دولتهای خودشان بخواهند

که تسلیم بشوند، و الا همان کاری را که ملت ایران کرد، با آنها بکنند تا حلّ مشکل بشود. حلّ مشکل بدون اینکه این اشخاصی که سر راه ایستادند و مانع هستند از اینکه مشکلات حل بشود، اینها را باید از بین راه بردارند. (۸)

۵۹/۵/۱۸

* * *

تمام انبیا از صدر بشر و بشریت، از آن وقتی که آدم - علیه السلام - آمده تا خاتم انبیا - صلی الله علیه و آله و سلم - تمام انبیا برای این بوده است که جامعه را اصلاح کنند؛ فرد را فدای جامعه می کردند. ما فردی بالاتر از خود انبیا نداریم. ما فردی بالاتر از ائمه نداریم - علیه السلام - این فردها خودشان را فدا می کردند برای جامعه. خدای تبارک و تعالی می فرماید که انبیا را ما فرستادیم، بینات به آنها دادیم، آیات به آنها دادیم، میزان برایشان دادیم و فرستادیم *يَقُومُ النَّاسُ بِالْقِسْطِ*^(۱) غایت این است که مردم قیام به قسط بکنند، عدالت اجتماعی در بین مردم باشد، ظلمها از بین برود، ستمگریها از بین برود، ضعفا به آنها رسیدگی بشود، قیام به قسط بشود. دنبالش هم می فرماید: *وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ*. تناسب این چیست؟ تناسب این است که با حدید باید اینها انجام بگیرد؛ با بینات، با میزان و با حدید. *فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ*؛ یعنی، اگر شخصی یا گروهی بخواهند یک جامعه را تباه کنند، یک حکومتی را که حکومت عدل است، تباه کنند، با بینات با آنها باید صحبت کرد. نشنیدند، با موازین، موازین عقلی صحبت کرد. نشنیدند با حدید. (۹)

۶۰/۶/۱۸

اصلاح جامعه با
انجام دادن مراتب
امر و نهی

تکلیف ما در آستانه شهر محرم الحرام چیست؟ تکلیف علمای اعلام و خطبای معظّم در این شهر چیست؟ در این شهر محرم، تکلیف سایر قشرهای ملت چی هست؟ سیدالشهدا و اصحاب او و اهل بیت او آموختند تکلیف را: فداکاری در میدان، تبلیغ در خارج میدان. همان مقداری که فداکاری حضرت ارزش پیش خدای تبارک و تعالی دارد و در پیشبرد نهضت حسین - سلام الله علیه - کمک کرده است، خطبه‌های حضرت سجاد و حضرت زینب هم به همان مقدار یا قریب آن مقدار تأثیر داشته است.

آنها به ما فهماندند که در مقابل جائز، در مقابل حکومت جور، نباید زنها بترسند و نباید مردها بترسند. در مقابل یزید، حضرت زینب - سلام الله علیها - ایستاد و آن را همچو تحقیر کرد که بنی امیه در عمرشان همچو تحقیری نشنیده بودند، و صحبت‌هایی که در بین راه و در کوفه و در شام و اینها کردند و منبری که حضرت سجاد - سلام الله علیه - رفت و واضح کرد به اینکه قضیه، قضیه مقابله غیر حق با حق نیست؛ یعنی، ما را بد معرفی کرده‌اند؛ سیدالشهدا را می‌خواستند معرفی کنند که یک آدمی است که در مقابل حکومت وقت، خلیفه رسول الله ایستاده است. حضرت سجاد این مطلب را در حضور جمع فاش کرد و حضرت زینب هم (۱۰).

۶۱/۷/۲۵

* * *

باید عمل کرد، گفتار تنها فایده ندارد، عمل لازم است. مسلمین باید در میدان بیایند، در صحنه بیایند، علمای اسلام باید در صحنه بیایند؛ همان طوری که علمای کشور ما آمدند و نتیجه گرفتند باید مسلمین را آنها در صحنه بیاورند، باید با تبلیغات، مسلمین را در

تأثیر سخنرانی در
پیشبرد نهضت

پیروزی، در گرو
عمل

صحنه نبرد بیاورند که دست عمال دولتهای بزرگ را کوتاه کنند یا آنها را خاضع کنند در مقابل اسلام. (۱۱)

۶۱/۱۰/۱۲

* * *

ای ائمه جمعه بلاد اسلامی و کشورهای اسلامی، باید چه کرد؟ چرا ما به این روز نشانده شدیم که امریکا از آن ور دنیا بیاید و مقدرات کشورهای ما را تعیین کند، و مقدرات علمای اسلام را تعیین کند ولو با دست دیگران، و بصراحت بگوید که من منفعت دارم در منطقه، و دخالت آشکار در منطقه بکند و مسلمین نشسته باشند و ناظر باشند؟ ای ائمه جمعه همه بلاد اسلامی، مردم را آگاه کنید، این «چرا» را بین مردم بگویید، این «چرا» هم به غرب وارد است و هم به شرق وارد است. و چرا شوروی در ممالک اسلامی دخالت می کند، دخالت نظامی؟ امریکا هم همه جور دخالت می کند در همه کشورهایی که تحت سلطه او هستند یا می خواهد تحت سلطه ببرد؛ هم دخالت نظامی می کند، هم دخالت سیاسی می کند و همه جور دخالت. خوب، این چرا ندارد در دنیا؟ این یک میلیارد جمعیت نباید بگویند چرا؟ از این یک میلیارد جمعیت اگر نصفشان فریاد بزنند که چرا، امریکا کنار می رود. امریکا با دست خود دولتهای وابسته، با دست خود نویسندگان خبیث و گویندگان فاسد مقاصد خودش را پیش می برد و مسلمین نشسته اند، و این نویسندگان می نویسند و این گویندگان می گویند، و این درباریها و روحانیون درباری کمک می کنند به این قدرتهای بزرگ و مردم نشسته اند و گوش می دهند و می بینند. تکلیف نیست؟ مسلمین دیگر در این عصر تکلیفی ندارند؟

پیشبرد اهداف، در
گرو اقدام

مسلمین تنها هستند؟ ما نباید از تاریخ رسول الله عبرت بگیریم؟ یک نفر آدم باشد و همچو کارهایی کرد. ما نباید از تاریخ عالم عبرت بگیریم که یک نفر موسی باشد و با فرعون چه کرد؟ ما باید عبرت بگیریم. آقا آن روز پیغمبر اکرم عده‌ای همراهش نبود، خودش بود و خودش با همه دشمنها، حتی عشیره خودش دشمنش بودند. لکن اتکال به خدا، توجه به او، فنای در او، کار را پیش برد. نمی‌شود که انسان هم خودپرست باشد و هم خداپرست. نمی‌شود که انسان هم منافع خودش را ملاحظه کند و هم منافع اسلام. باید یکی از این دو تا باشد، یا باید الهی باشد یا شیطانی، این دو راه است. شما علاج بکنید مردم را به اینکه از این هواهای نفسانی بیرون بروند.

اگر حکومتی در اسلام به طور غیر قانونی دارند حکومت می‌کنند، از این هواهای نفسانی بیرون بروند و توجه بکنند به عزت اسلام، به ارزشهای اسلام و برای یک پارک و یک - نمی‌دانم - باغ و یک ملک و یک چه، اسلام را زیر پا نگذارند، مسائل اسلام حل است. (۱۲)

۶۱/۱۰/۱۲

* * *

آیا روحانیون، نویسندگان، گویندگان، روشنفکران، متفکران از هر ملت و مذهب که هستند، در این زمان تکلیفی انسانی، مذهبی، ملی و اخلاقی ندارند و باید نقش تماشاگر را در کشورهای خود ایفا کنند؟ و یا آنکه باید این سران و سردمداران با گفتار و نوشتار خود، ملتهای مظلوم دربند را بسیج کنند تا ستمگران را از صحنه خارج نمایند و حکومت را به دست مستضعفان بسپارند، چونان

بسیج مردم به گفتار
و نوشتار

که در ایران با همت ملت بزرگوار شد. (۱۳)

۶۲/۳/۲۸

* * *

ما در عین حالی که جوانهای بسیار لایق خودمان را، مردان کاردان خودمان را از دست دادیم، لکن آن چیزی که به دست آوردیم ارزشش بیشتر از این معانی است. آنی است که سیدالشهدا - سلام الله علیه - زن و فرزند خودش را فدای او کرده، آنی است که رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - زندگانی خودش را در راه او صرف کرد، و ائمه معصومین ما در راه او آن همه رنج دیدند. ما هم که مدعی هستیم، و امیدوارم که این ادعا صحیح باشد - مدعی این هستیم که شیعیان آنها و پیروان آنها هستیم - باید همان طور که آنها تحمل داشتند مصایب را، در مقابل ارزش انسانی، در مقابل ارزشهای اسلامی، ما هم مصیبت‌ها را تحمل کنیم، و در مقابل همه مصیبت‌ها بایستیم، برای اینکه آن ارزش انسانی را به دست بیاوریم. اسلام را که رأس همه ارزش‌هاست در کشور خودمان و سایر کشورها پیاده کنیم. (۱۴)

احیای اسلام به
تلاش و فداکاری

۶۲/۸/۱

* * *

آنهایی که به ما اشکال می‌کنند که شما چرا سازش نمی‌کنید با این قدرتهای فاسد، آنها از باب این که همه چیز را با چشم مادی ملاحظه می‌کنند، با چشم طبیعی حل و فصل اشیا را می‌کنند. آنها نمی‌دانند که انبیای خدا چه رویه‌ای داشتند؟ با ظالم چگونه برخورد می‌کردند؟ یا می‌دانند و خودشان را به کوری و کری

تأثیر امر به معروف
و نهی از منکر در
نابودی ستمگران

زدند؟ سازش با ظالم، ظلم بر مظلومین است، سازش با ابرقدرتها، ظلم بر بشر است. آنهایی که به ما می‌گویند سازش کنید، آنها یا جاهل هستند یا مزدور. سازش با ظالم، یعنی اینکه دست ظالم را باز کن تا ظلم کند. این خلاف رأی تمام انبیاست. انبیای عظام، تا آن جا که توانستند جدیت کردند که ظلم را از این بشر ظالم بزایند، به موعظه، به نصیحت، به امر به معروف، به نهی از منکر، به «أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ»^(۱) «أَخْرَجَ الدَّوَاءَ الْكَبِيرَ»^(۲) بعد از آنکه موعظه نشد، نصیحت نشد، آخر دوا این است که داغش کنند. شمشیر، آخِرُ دَوَا است. (۱۵)

۶۳/۴/۱۰

برای تحقق اهداف اسلامی، که در مقدمه آن کوتاه کردن دست قدرتمندان منحرف و مخالف اسلام از کشورهای اسلامی و رفع موانع داخلی و خارجی می‌باشد، همت گمارند؛^(۳) و با احزاب و حکومتها و گروهها و اشخاصی که با نهضت‌های اسلامی، که بحمدالله تعالی در آستانه رشد و شکل‌گیری است، مخالفند مقابله نموده، و مبارزه با آنان را در سرتاسر جهان سرلوحه برنامه‌های خود قرار دهند؛ و مطمئن باشند که با وعده صریح خداوند تعالی، توفیق پیشرفت حاصل شود و مظلومان از دست ستمگران نجات یابند. (۱۶)

۶۳/۶/۴

موفقیت در پرتو
عمل به امر به
معروف و نهی از
منکر

۱. حدید / ۲۵.

۲. ضرب‌المثل عربی است: آخرین درمان، داغ کردن است. (نهج البلاغه؛ خطبه ۱۶۷).

۳. خطاب به دانشمندان و نویسندگان و روشنفکران مسلمان.

نتایج ترک امر به معروف و نهی از منکر

امروز روزی است که نسیم روحانی الهی وزیدن گرفته و برای قیام اصلاحی بهترین روز است، اگر مجال را از دست بدهید و قیام برای خدا نکنید و مراسم دینی را عودت ندهید، فرداست که مشتی هرزه‌گرد شهوتران بر شما چیره شوند و تمام آیین و شرف شما را دستخوش اغراض باطله خود کنند. امروز شماها در پیشگاه خدای عالم چه عذری دارید؟ همه دیدید کتابهای یک نفر تبریزی^(۱) بی سروپا را که تمام آیین شماها را دستخوش ناسزا کرد و در مرکز تشیع به امام صادق و امام غایب - روحی له الفداء - آنهمه جسارتها کرد و هیچ کلمه از شماها^(۲) صادر نشد. امروز چه عذری در محکمه خدا دارید؟ (۱۷)

ترک نهی از منکر،
موجب تسلط
فاسدان

۲۳/۲/۱۵

* * *

وای بر این مملکت! وای بر این هیأت حاکمه! وای بر این دنیا! وای بر ما! وای بر این علمای ساکت! وای بر این نجف ساکت، این قم ساکت، این تهران ساکت، این مشهد ساکت! این سکوت مرگبار، اسباب این می شود که زیر چکمه اسرائیل، به دست همین بهاییها؛ این مملکت ما، این نوامیس ما، پایمال بشود. وای بر ما! وای بر این اسلام! وای بر این مسلمین! ای علما، ساکت ننشینید؛ نگویید عَلٰی مَسَلک الشَّیخ - رضوان الله علیه^(۳) - والله، شیخ اگر حالا بود، تکلیفش این بود. (۱۸)

سکوت، موجب
تسلط بیگانگان

۴۲/۲/۱۲

۱. اشاره به احمد کسروی است.

۲. اشاره به علمای اسلامی است.

۳. مراد، حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری، مؤسس حوزه علمیه قم است.

اینجانب، حسب وظیفه شرعی، به ملت ایران و مسلمین جهان اعلام خطر می‌کنم قرآن کریم و اسلام در معرض خطر است. استقلال مملکت و اقتصاد آن در معرض قبضه صهیونیستهاست، که در ایران به حزب بهایی ظاهر شدند. و مدتی نخواهد گذشت که با این سکوت مرگبار مسلمین، تمام اقتصاد این مملکت را با تأیید عمال خود قبضه می‌کنند و ملت مسلمان را از هستی در تمام شئون ساقط می‌کنند. تلویزیون ایران پایگاه جاسوسی یهود است و دولت‌ها ناظر آن هستند و از آن تأیید می‌کنند. ملت مسلمان تا رفع این خطرها نشود، سکوت نمی‌کند. و اگر کسی سکوت کند، در پیشگاه خداوند قاهر مسئول و در این عالم محکوم به زوال است. (۱۹)

نابودی ملت بر اثر
ترک وظیفه

آذر ۱۳۴۱

* * *

بدیهی است با این شیوه که دستگاه جبار در پیش گرفته، اگر مسلمین غفلت کنند و مراقبت شدید نکنند و کوشش در دفاع از حریم قرآن کریم و اسلام نکنند، زمانی نگذرد که خدای نخواسته دستگاه ناپاک و عمال اجنبی از احکام ضروری اسلام تجاوز کرده به اساس اسلام مقدس ضربه وارد خواهند کرد. (۲۰)

عدم دفاع از دین،
موجب جری شدن
فاسدین

۴۲/۲/۱۶

* * *

اکنون سکوت در مقابل این نقشه‌ها و فجایع^(۱) در حکم انتحار است و استقبال از مرگ سیاه، و سقوط یک ملت بزرگ می‌باشد. تا

۱. اشاره به خریدهای اسلحه و وامهای خارجی و فقر و مشکلات مردم است.

فرصت از دست نرفته لازم است که سکوت شکسته شود و استنکار و اعتراض آغاز گردد. بر علما و خطبای اسلام است که در مساجد و محافل، نقشه‌های پشت پرده دستگاه را به ملت برسانند و در این مصیبت بزرگ که برای اسلام و مسلمین و خصوص علمای اعلام و خطبای محترم پیش آمده است از هیچ‌گونه اقدامی فروگذار نکنند. مراجع عظام نظر مبارک خود را با طبع و نشر اعلام نمایند. (۲۱)

ترک نهی از منکر،
موجب سقوط ملت

۵۱/۱۲/۲۳

* * *

اگر این^(۱) را مهلت بدهید، فردا نه اسلام برای شما می ماند نه مملکت برای شما می ماند نه خاندان برای شما می ماند. مهلت ندهید این را. فشار بدهید این گلو را تا خفه بشود. (۲۲)

زوال و نابودی، به
جهت سستی

۵۷/۸/۱۵

* * *

یک مطلبی است عمومی: مَنْ زَأَىٰ هِرْكَهٖ بَبِينِدْ، هرکسی ببیند یک سلطان جائری اینطور اتصاف به این امور را دارد، و در مقابلش ساکت بنشیند، نه حرف بزند و نه عملی انجام بدهد، این آدم جایش جای همان سلطان جائر است...

جایگاه تارکین نهی
از منکر در قیامت

اگر کسی ببیند محمدرضاخان را که این اوصاف را دارد و سکوت کند، جایش جای محمدرضاخان است در جهنم ولو نماز شب بخواند، ولو یک عالم باشد، ولو تمام عمرش را در اطاعتِ الله صرف کرده باشد؛ اگر در مقابل این آدم ساکت بنشیند، جایش

۱. مراد، محمدرضا شاه است.

[همان است] به حَسَب این نقلی که از رسول الله کرده‌اند و نقلی که از سیدالشهداء کرده‌اند که می‌فرماید رسول خدا همچو فرموده است. چطور می‌شود یک ملت ساکت بنشیند؟ عذر همه منقطع است؛ همه عذرها منقطع است. اگر ما چهار نفر هم بودیم قاعده‌اش بود که قیام کرده باشیم. هیچ کس نمی‌تواند بگوید ما تنهایییم. حالا ملت است؛ تمام ملت است الآن. الآن جمیع ملت ایران ایستاده‌اند در مقابل این سلطان جائر. (۲۳)

۵۷/۹/۱۸

* * *

فصل دوم

وجوب امر به معروف و نهی از منکر

کیفیت وجوب و اقسام آن دو

هر یک از امر و نهی در اینجا به واجب و مستحب تقسیم می شود، پس هر آنچه از نظر عقل یا شرع واجب است، امر به آن واجب، و هر چه از نظر عقل قبیح یا در شرع حرام است، نهی از آن واجب است، و آنچه مستحب است، امر به آن نیز مستحب، و آنچه مکروه است، نهی از آن مستحب است. (۲۴)

امر و نهی به واجب
و حرام و مستحب
و مکروه

* * *

اقوی این است که وجوب امر به معروف و نهی از منکر «کفایی» است، پس اگر افرادی به حد کافی اقدام نمایند از دیگران ساقط خواهد شد و اگر هیچ کس اقدام نکرد، همه آنان با وجود تمام شرایط وجوب، تارک واجب خواهند بود. (۲۵)

وجوب کفایی امر و
نهی

* * *

اگر برپایی واجبی یا از بین بردن منکری متوقف بر اجتماع گروهی

۲۴ □ امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی (س)

در امر و نهی باشد، به واسطه اقدام بعضی، وجوب از دیگران ساقط نمی شود؛ بلکه واجب است به اندازه نیاز، اجتماع نمایند. (۲۶)

وجوب اقدام، به
اندازه احتیاج

* * *

اگر عده ای که به اندازه نیاز نیستند، در پی برپایی واجبی برآیند، و بقیه اقدام نکنند و افراد حاضر نتوانند بقیه را جمع کنند، وجوب از آنان ساقط می شود؛ و گناه به گردن متخلفین خواهد بود. (۲۷)

گناه سهل انگاران

* * *

اگر شخص یا اشخاصی به وظیفه خود عمل نموده و مؤثر واقع نشد، ولی شخص یا اشخاص دیگر احتمال تأثیر بدهند، با اجتماع شرایط بر آنان واجب خواهد بود. (۲۸)

وجوب در صورت
احتمال تأثیر

* * *

اگر قطع یا اطمینان پیدا کند که دیگری در پی انجام واجب برآمده، بر او واجب نیست، بلی اگر خلاف یقین او آشکار شد، بر او واجب است؛ و همچنین اگر یقین یا اطمینان پیدا کند که افراد به مقدار نیاز هستند، بر او اقدام لازم نیست، و اگر بعداً معلوم شد چنین نبوده، واجب است. (۲۹)

حکم قطع و
اطمینان، بر اقدام
شخص دیگر

* * *

صرف احتمال یا گمان به اقدام دیگری، یا احتمال و گمان به وجود «من به الکفایه»^(۱) در سقوط وجوب کافی نیست؛ بلکه با چنین احتمال و گمانی، بر خود او واجب است، بلی اگر بیّنه (دو شاهد عادل) بر موضوع (اقدام دیگران و یا وجود من به الکفایه) برپا شد کافی است. (۳۰)

کافی نبودن احتمال
اقدام در سقوط
وجوب

* * *

اگر موضوع فریضه یا منکر از بین رفت، وجوب ساقط خواهد شد، هر چند به وسیله عمل مکلف باشد، مانند آب منحصر به فردی را که برای حفظ جان محترم یا طهارت لازم بود نگهداری کند، بریزد. (۳۱)

سقوط وجوب، با
از بین رفتن موضوع

* * *

اگر اقامه فریضه یا از بین بردن منکر موقوف بر انجام حرام یا ترک واجبی باشد، ظاهر آن است که باید ملاحظه اهمیت شود. (۳۲)

توجه به اهم و مهم

* * *

اگر مکلف بر یکی از این دو واجب «امر به معروف» و «نهی از منکر» قادر بود نه بر هر دو، ملاحظه آنکه مهمتر است بشود، و در صورت تساوی در اهمیت، مخیر خواهد بود. (۳۳)

اختیار مکلف، در
صورت تساوی

* * *

۱. یعنی افراد به مقدار کافی برای انجام وظیفه، وجود داشته باشند.

در سقوط وجوب «امر به معروف» و «نهی از منکر» بیان حکم شرعی، یا بیان مفسد ترک واجب، یا فعل حرام، کافی نیست مگر آنکه از بیان حکم شرعی در عرف به کمک قراین امر و نهی فهمیده شود، یا با بیان حکم، مقصود از امر و نهی حاصل شود؛ بلکه ظاهر آن است که کافی است طرف از بیان حکم، امر و نهی را بفهمد، هر چند عرف چنین چیزی را نفهمد. (۳۴)

عدم کفایت بیان
حکم شرعی

* * *

امر و نهی در این باب مولوی^(۱) است. هر چند امر و ناهی در درجه پایین باشند؛ بنابراین کافی نیست بگوید خدا تو را امر به نماز کرده، یا از شراب خوردن نهی کرده، مگر مقصود از آن حاصل شود؛ بلکه باید بگوید: نماز بخوان و شراب نخور و عباراتی همانند اینکه رساننده امر و نهی از جانب خود او باشد. (نه اینکه بازگو کننده حکم حلال و حرام فقط باشد). (۳۵)

مولویت امر و نهی
در این باب

* * *

در امر به معروف و نهی از منکر قصد قربت و اخلاص معتبر نیست؛ بلکه این دو، واجب توصلی^(۲) هستند که برای قطع فساد و اقامه فرایض تشریح شده‌اند؛ ولی اگر قصد قربت کند، اجر معنوی خواهد داشت و بر آن دو پاداش خواهد برد. (۳۶)

وجوب توصلی، در
امر و نهی

۱. امر مولوی در مقابل امر ارشادی است که امر ارشادی فقط به آنچه حکم عقل، نسبت به آن موجود است توجه می‌دهد؛ ولی در امر مولوی امرکننده از جانب خود، فرمان صادر می‌کند.

۲. منظور از توصلی، واجبی است که انجام و امتثال آن، موقوف به قصد قربت نیست در مقابل تعبدی که اگر قصد قربت رعایت نشود، فرمان خدا انجام نگرفته است، مثل نماز و روزه.

وجوب نهی در برابر هر گناه

فرقی بین گناه کبیره و صغیره در وجوب نهی از آن نیست. (۳۷)

* * *

حکم نهی از مقدمات حرام

اگر کسی مقدمات حرام را به قصد انجام کار حرام شروع کرد، اگر مکلف می‌داند این مقدمات او را به حرام می‌رساند، نهی او از حرام واجب است، و اگر می‌داند او را به حرام نمی‌رساند، نهی واجب نیست، مگر اینکه مقدمات حرام را حرام بدانیم، یا معتقد به حرمت باشیم، همچنین اگر شک داشته باشد به حرام می‌رساند یا نه، ظاهر عدم وجوب نهی است، مگر بنا بر حرمت مقدمات یا حرمت تجری. (۱) (۳۸)

* * *

حکم شک در توان فاعل

اگر شخصی در پی انجام حرامی برآمد و مکلف شک دارد که او قادر بر این کار حرام خواهد بود یا نه، در ظاهر نهی آن شخص واجب نیست؛ بلی اگر معتقد باشیم که عزم و تصمیم بر معصیت حرام است، نهی از آن واجب خواهد بود. (۳۹)

* * *

وجوب امر و نهی در روایات

اسلام عزیز از شما - ای گروههای مسلمان - در هر لباس و شغلی

۱. به معنای جرأت به خرج دادن نسبت به یک عملی، و اصطلاحاً در این موارد به کسی گفته می‌شود که کاری را به قصد معصیت انجام دهد، هر چند واقعاً معصیت نباشد، مثل اینکه آب مشکوکی را به قصد شراب بنوشد که این خود جرأت و جسارت نسبت به شارع است و در حرمت آن بین فقها اختلاف است.

هستید، استمداد می‌کند؛ و وظیفه همه است که در نجات آن
کوشش کنید و ضربه‌هایی که از سلاطین جور، خصوصاً در این
پنجاه سال حکومت ضد اسلامی و ملی دودمان پهلوی، خورده
است و می‌خورد جبران کنید. **كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ**. (۴۰)

استناد به حدیث
کلکم راع...

۵۷/۱/۴

* * *

آقایان توجه کنند همه و همه ملت موظفند که نظارت کنند بر این
امور. نظارت کنند اگر من یک پایم را کنار گذاشتم، کج گذاشتم،
ملت موظف است که بگویند پایت را کج گذاشتی، خودت را حفظ
کن. مسئله، مسئله مهم است. همه ملت موظفند به اینکه نظارت
داشته باشند در همه کارهایی که الآن مربوط به اسلام است. اگر
دیدند که یک کمیته خدای نخواستہ برخلاف مقررات اسلام دارد
عمل می‌کند، بازاری باید اعتراض کند؛ عرض بکنم که کشاورز
باید اعتراض کند؛ معممین و علما باید اعتراض کنند. اعتراض کنند
تا این کج را راست کنند. اگر دیدند یک معمم بر خلاف موازین
اسلام، خدای نخواستہ، می‌خواهد عمل بکند، همه موظفند که
جلویش را بگیرند که امروز غیر روزهای دیگر است. آن وقت هم
باید بگیرند، اما حالا کار مهم است. حالا اساس، اساس و جهت
اسلام است. اساسی است که الآن اسلام به دست ما افتاده، داریم
چه می‌کنیم؟ بنابراین، آنی که به نظر بنده مهم است این است، و
البته اینها هم باید عمل بشود؛ اما اینها در درجه دوم است؛ درجه
اولش عبارت از این است که همه ما، همه قشرها، همه، اینها همه
باید این جهت را توجه داشته باشند و همه آنها مراعات این مسئله
كُلُّكُمْ رَاعٍ، همه باید مراعات این مسائل را بکنند. توجه داشته باشند

مسئولیت عمومی
به استناد کلکم
راع...

که نبادا من یکوقت یک کلمه برخلاف مقررات اسلام بگویم. اعتراض کنند، بنویسند، بگویند. آقا، خدای نخواستہ آقا، شما، ایشان، ایشان، اینهایی که الآن مردم توجه به آنها دارند و می‌گویند اینها مثلاً دارند اداره می‌کنند، چه حکومت باشد و چه کسانی که عرض بکنم که از این دادگاهها باشد، هر جا باشد، الآن وقت این است که همه اینها مواظبت کنند خودشان [را]. مواظبت کنند در اینکه یک قدم کج نگذارند؛ و اسلام را حفظ کنند. صورت اسلام را آنطوری که هست نشان بدهند. و اگر خدای نخواستہ یک کسی پیدا شد که یک کار خلاف کرد، اعتراض کنند مردم؛ مردم همه به او اعتراض کنند که آقا چرا این کار را می‌کنی. در صدر اسلام هست که عمر وقتی که گفت - در منبر بود - که اگر من یک کاری کردم شماها چه بکنید. یک عربی شمشیرش را کشید گفت ما با این، با این شمشیر راستش می‌کنیم. باید اینطور باشد. باید مسلمان اینطور باشد که اگر - هر که می‌خواهد باشد، خلیفه مسلمین و عرض بکنم هر که می‌خواهد باشد - اگر دید پایش را کنار گذاشت، شمشیرش را بکشد که پایت را راست بگذارد. (۴۱)

۵۸/۳/۸

* * *

الآن مکلفیم ما، مسئولیم همه‌مان، همه‌مان مسئولیم، نه مسئول برای کار خودمان؛ مسئول کارهای دیگران هم هستیم **كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ**^(۱) همه باید نسبت به همه رعایت بکنند. همه باید نسبت به دیگران. مسئولیت من هم گردن شماست؛ شما هم گردن من است. اگر من پام را کج گذاشتم، شما مسئولید اگر

مسئولیت عمومی
به استناد کلمه
راع...
...

نگویید چرا پایت را کج گذاشتی؟ باید هجوم کنید، نهی کنید که چرا؟ اگر خدای نخواستہ یک معمم در یک جا پایش را کج گذاشت، همه روحانیون باید به او هجوم کنند که چرا برخلاف موازین؟ سایر مردم هم باید بکنند. نهی از منکر اختصاص به روحانی ندارد؛ مال همه است. امت باید نهی از منکر بکند؛ امر به معروف بکند. (۴۲)

۵۸/۴/۱۵

* * *

اگر خدای نخواستہ در این نهضتی که شما کردید یقوت کاری ما و شما انجام بدهیم، روحانیون و پاسداران هر دو طایفه پاسدار هستند؛ پاسدار اسلام. همه ملت، پاسدار اسلام باید باشند: **كُلُّكُمْ رَاعٍ**. همه باید مراعات کنید، همه تان «راعی» هستید، همه مردم، و همه هم مسئول هستند؛ یعنی همه باید همان طوری که یک شبانی یک گله‌ای را می‌برد و رعی می‌کند و می‌چراند و به جاهای خوب باید ببرد، مسئول این است که این را به جاهای خوب و به علفچراهای خوب ببرد و به آبهای خوب، و مسئول است پیش صاحبان او به اینکه چرا نبردی؟

مسئولیت همگانی
با استناد به کلکم
راع...

همه ما آن حال را داریم، مسئولیم در مقابل خدا و در مقابل وجدان. و همه مان باید مراعات بکنیم؛ یعنی نه اینکه مراعات خودمان را؛ من مراعات همه شما را بکنم؛ شما هم هر یک مراعات همه را. یک همچو برنامه است که همه را وادار کرده که به همه «چرا» بگوییم، همه را. به هر فردی، لازم کرده به اینکه امر به معروف کند. اگر یک فرد خیلی به نظر مردم مثلاً پایین یک فردی که به نظر مردم خیلی اعلا رتبه هم هست، اگر از او یک انحرافی

دید، بیاید - اسلام گفته برو به او بگو نکن - بایستد در مقابلش بگوید این کارَت انحراف بود نکن. (۴۳)

۵۸/۷/۲

* * *

مسلمان اگر بخواهد اهتمام به امور مسلمین نداشته باشد که مسلمان [نیست]؛ لَيْسَ بِمُسْلِمٍ؛ مَنْ أَصْبَحَ وَ لَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ.^(۱) هی هم بگو لا اله الا الله، مُسْلِم نیست اینطور. اسلام آن است که به درد مسلمین بخورد؛ مُسْلِم آن است که به درد مسلمین بخورد، برسد به درد مُسْلِم که آقا کشتند جوانهای ما را. ما بی تفاوت باشیم؟ کشتند علمای ما را، ما بی تفاوت باشیم؟ کشتند مؤمنین و مسلمین را، ما بی تفاوت باشیم؟ ما راضی بشویم به این امر؟ ما کاری بکنیم که از آن انتزاع رضایت بشود؟ باید ما خودمان را عوض کنیم. (۴۴)

۵۶/۱۱/۲۹

* * *

چون برقراری نظام سیاسی غیراسلامی، به معنای بی اجرا ماندن نظام سیاسی اسلام است.

همچنین به این دلیل که هر نظام سیاسی غیراسلامی، نظامی شرک آمیز است، چون حاکمش «طاغوت» است؛ و ما موظفیم آثار شرک را از جامعه مسلمانان و از حیات آنان دور کنیم و از بین ببریم. و باز به این دلیل که موظفیم شرایط اجتماعی مساعدی، برای تربیت افراد مؤمن و با فضیلت فراهم سازیم؛ و این شرایط درست

استدلال به حدیث
من اصبح و لم
یهتم...

وظیفه قرآنی
برپایی نظام
اسلامی

۱. اصول کافی؛ ج ۲: کتاب ایمان و کفر؛ «باب الاهتمام بامور المسلمین»، ص ۱۶۳، ح ۱.

ضد شرایط حاکمیت «طاغوت» و قدرتهای نارواست؛ شرایط اجتماعی ای که ناشی از حاکمیت «طاغوت» و نظام شرک‌آمیز است، لازمه‌اش همین فساد است که می‌بینید. این همان «فساد فی الارض» است که باید از بین برود؛ و مسبب آن به سزای اعمال خود برسند. این همان فساد است که فرعون با سیاست خود در کشور مصر به وجود آورد، و إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ؛^(۱) در این شرایط اجتماعی و سیاسی، انسان مؤمن، و متقی و عادل نمی‌تواند زندگی کند و بر ایمان و رفتار صالحش باقی بماند؛ و دو راه در برابر خود دارد: یا اجباراً اعمالی مرتکب شود که شرک‌آمیز و ناصالح است؛ یا برای اینکه چنین اعمالی مرتکب نشود و تسلیم اوامر و قوانین «طواغیت» نشود، با آنها مخالفت و مبارزه کند تا آن شرایط فاسد را از بین ببرد. ما چاره نداریم جز اینکه دستگاههای حکومتی فاسد و فاسدکننده را از بین ببریم و هیأت‌های حاکمه خائن و فاسد و ظالم و جائر را سرنگون کنیم. (۴۵)

* * *

ما وظیفه داریم مردم مظلوم و محروم را نجات دهیم. ما وظیفه داریم پشتیبان مظلومین و دشمن ظالمین باشیم. همین وظیفه است که امیرالمؤمنین (ع) در وصیت معروف به دو فرزند بزرگوارش تذکر می‌دهد و می‌فرماید: وَ كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا، وَ لِمَظْلُومٍ عَوْنًا؛^(۲) دشمن ستمگر، و یاور و پشتیبان ستم‌دیده باشید. (۴۶)

استدلال به وصیت
علی علی‌ه‌السلام

۱. همانا او از فسادگران بود (قصص / ۴).

۲. نهج البلاغه؛ نامه ۴۷.

علاقه علمای اسلام به ممالک و قوانین اسلامی علاقه الهی ناگسستنی است.

ما از جانب خدای تعالی مأمور حفظ ممالک اسلامی و استقلال آنها هستیم و ترک نصیحت و سکوت [را] در مقابل خطرهایی که پیش‌بینی می‌شود برای اسلام و استقلال مملکت جرم می‌دانیم؛ گناه بزرگ می‌دانیم؛ استقبال از مرگ سیاه می‌دانیم. پیشوای بزرگ ما، حضرت امیرالمؤمنین - علیه السلام - سکوت را در مقابل ستمکاری جایز نمی‌دانست؛ و ما نیز جایز نمی‌دانیم. وظیفه ما ارشاد ملت است، ارشاد دولتهاست، ارشاد جمیع دستگاههاست. ما از این وظیفه به خواست خدای تعالی خودداری نمی‌کنیم.

در این زمان، سکوت در مقابل ستمکاری، اعانت به ستمکاران است. (۴۷)

۴۳/۳/۱۵

* * *

علمای اسلام موظفند با انحصارطلبی و استفاده‌های نامشروع ستمگران، مبارزه کنند؛ و نگذارند عده کثیری گرسنه و محروم باشند، و در کنار آنها ستمگران غارتگر و حرامخوار در ناز و نعمت به سر ببرند. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: من حکومت را به این علت قبول کردم که خداوند تبارک و تعالی از علمای اسلام تعهد گرفته و آنها را ملزم کرده، که در مقابل پرخوری و غارتگری ستمگران و گرسنگی و محرومیت ستمدیدگان ساکت نشینند و بیکار نایستند:

اما وَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ، لَوْلَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ

استدلال به کلام
حضرت علی عليه السلام

استدلال به خطبه
نهج البلاغه

الْحُجَّةَ بِوُجُودِ النَّاصِرِ وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا يُقَارُوا عَلَى
كَظْمَةِ ظَالِمٍ وَ لَا سَعْبِ مَظْلُومٍ، لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَ لَسَقَيْتُ
أَخْرَهَا بِكَأْسِ أَوْلِيهَا؛ وَ لَأَلْفَيْتُمْ دُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَزْهَدَ عِنْدِي مِنْ عَفْطَةِ
عَنْزِ (۱)

سوگند به آنکه بذر را بشکافت و جان را بیافرید، اگر حضور یافتن بیعت‌کنندگان، نبود و حجت بر لزوم تصدی من با وجود یافتن نیروی مددکار تمام نمی‌شد، و اگر نبود که خدا از علمای اسلام پیمان گرفته، که بر پرخوری و غارتگری ستمگران و گرسنگی جانکاه و محرومیت ستمدیدگان، خاموش نمانند، زمام حکومت را رها می‌ساختم و از پی آن نمی‌گشتم؛ و دیدید که این دنیاتان و مقام دنیایی‌تان در نظرم از نمی‌که از عطسه بزی بیرون می‌پرد، ناچیزتر است.

امروز چطور می‌توانیم ساکت و بی‌کار بنشینیم و ببینیم عده‌ای خائن و حرام‌خوار و عامل بیگانه به کمک اجانب و به زور سرنیزه ثروت و دسترنج صدها میلیون مسلمان را تصاحب کرده‌اند، و نمی‌گذارند از حداقل نعمتها استفاده کنند؟ وظیفه علمای اسلام و همه مسلمانان است که به این وضع ظالمانه خاتمه بدهند؛ و در این راه، که راه سعادت صدها میلیون انسان است، حکومت‌های ظالم را سرنگون کنند، و حکومت اسلامی تشکیل دهند. (۴۸)

* * *

علمای مذهبی علیه رژیم شاه و دولتهای او قیام کرده‌اند بسیار واضح است. امام علی (ع) می‌گوید: «خداوند از دانشمندان پیمان

گرفته است که بر سیری ستمگر و گرسنگی مظلوم سکوت نکنند.^(۱) و این شاه ستمگر و دارو دستۀ اوست که با همه فقر طاقت فرسای مردم ما، میلیاردها دلار ثروت کشور را به خود اختصاص داده است. و نیز: «اگر بدعتها در دین ظاهر شود، بر علماست که دانش خود را آشکار کنند و نگذارند فریبها و نیرنگها و دروغهای بدعت‌گذاران در دین و در مردم اثر کند و منحرف سازد.» و این شاه است که با انواع دروغها و حيله‌ها، هم دین خدا را تحریف کرده و خواسته‌های شیطانی خود و اربابانش را به عنوان قوانین منطبق با اسلام بر ملت مظلوم ایران تحمیل می‌کند، و هم حقایق و واقعیات را وارونه جلوه می‌دهد. بر علمای دینی و مذهبی است که چهره واقعی او را به ملت معرفی کنند. (۴۹)

۵۷/۱۰/۱۸

* * *

ما باید جلو این غارتگریها و حرامخوریها را بگیریم. همه مردم موظف به این کار هستند؛ ولی علمای دینی وظیفه‌شان سنگینتر و مهمتر است. ما باید پیش از سایر افراد مسلمان به این جهاد مقدس، و این وظیفه خطیر اقدام کنیم. ما به خاطر مقام و موقعیتی که داریم بایستی پیشقدم باشیم. اگر امروز قدرت نداریم که جلو این کارها را بگیریم و حرامخواران و خائنین به ملت و دزدان مقتدر و حاکم را به کیفر برسانیم، باید کوشش کنیم این قدرت را به دست بیاوریم؛ و در عین حال، به عنوان حداقل انجام وظیفه، از اظهار حقایق و افشای حرامخوریها و دروغ‌دازیها کوتاهی نکنیم. وقتی قدرت به دست آوردیم، نه تنها سیاست و اقتصاد و اداره کشور را

وظیفه علمای در کلام

علی عَلِيٍّ

استفاده از حدیث

تحف العقول

درست می‌کنیم؛ بلکه حرامخورها و دروغپردازها را شلاق می‌زنیم و به کیفر می‌رسانیم.

مسجد اقصی را آتش زدند. ما فریاد می‌کنیم که بگذارید مسجد اقصی به همین حال نیمسوخته باقی باشد؛ این جرم را از بین نبرید؛ ولی رژیم شاه حساب باز می‌کند و صندوق می‌گذارد، و به اسم بنای مسجد اقصی از مردم پول می‌گیرند تا بتوانند از این راه استفاده نمایند و جیب خود را پر کنند؛ و ضمناً آثار جرم اسرائیل را از بین ببرند!

اینها مصیبت‌هایی است که گریبانگیر امت اسلام شده، و کار را به اینجا رسانده است. آیا علمای اسلام نباید این مطالب را بگویند؟
لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَ أَكَلِهِمُ السُّحْتَ؛^(۱)
چرا فریاد نمی‌زنند؟ چرا از این غارتگریها هیچ سخنی نمی‌گویند؟...

شما در جامعه هیبت و شوکت دارید؛ ملت اسلام به شما احترام می‌گذارند و برای شما کرامت قائلند؛ این مهابت و عزتی که در جامعه دارید، برای این است که از شما انتظار می‌رود که در برابر ظلمه به حق قیام کنید؛ حق ستمدیدگان را از ظالم بگیرید. به شما امیدوارند که قیام نمایید و از تعدی ظلمه جلوگیری کنید.^(۲) (۵۰)

* * *

از حضرت سیدالشهداء - سلام الله علیه - خطبه‌ای^(۳) نقل شده

۱. مائده / ۶۳.

۲. نکته‌هایی از ولایت فقیه (با استفاده از حدیث تحف العقول، ص ۲۷۱).

۳. بحارالانوار؛ ج ۴۴، ص ۳۸۲.

است که در آن خطبه علت قیام خودشان را بر ضد حکومت وقت ذکر فرموده‌اند. و آن این است که فرموده‌اند خطاب به مردم که پیغمبر اکرم فرموده است کسی که ببیند یک سلطان جائری حلال می‌شمرد حُرْمَاتِ اللَّهِ را، چیزهایی را که خداوند حرام کرده است این آزاد می‌گذارد، و مخالف سنت رسول‌الله عمل می‌کند و عهد خدا را می‌شکند، اگر کسی دید یک سلطان جائری این کارها را می‌کند و مع ذلک ساکت شد و تغییر نداد با قول خودش، با عمل خودش این انحرافی که سلطان جائر پیدا کرده است تغییر نداد، خدای تبارک و تعالی حتم کرده است، حتم است بر او که این آدمی که ساکت شد در مقابل این سلطانی که حرمت احکام خدا را نگه نمی‌دارد، مخالف سنت رسول‌الله عمل می‌کند و عهد خدا را می‌شکند، این ساکت بشود در مقابل یک همچو سلطانی و قولاً و عملاً تغییر ندهد مسیر این سلطان جائر را، حتم است بر خدای تبارک و تعالی که جای او را هم جای همان سلطان جائر در آخرت قرار بدهد. یعنی این سلطان جائر که اینطور اوصاف را دارد: سنت پیغمبر اکرم را تغییر می‌دهد و عهد خدا را می‌شکند و حرمت‌الله را سزاوار و رها می‌کند یعنی مُسْتَجِلٌّ است، ولو این آدم که این چیزها را از این آدم می‌بیند و ساکت است، همه کارهای واجب و مستحب هم به جا بیاورد، آدمی باشد که سه وقت نماز می‌خواند، در مساجد می‌رود، آدمی باشد که احکام خدا را همه را ترویج می‌کند، موافق رضای خدا عمل می‌کند، همه کارهای خوب را می‌کند، از همه کارهای بد هم اجتناب می‌کند، لکن ساکت است در مقابل سلطان جائر، به حَسَبِ این روایتی که نقل شده است از سیدالشهداء - سلام‌الله علیه - که به منزله علت قیام ایشان است بر ضد حکومت وقت، این است که می‌خواهند عمل به قول

استدلال به خطبه
سیدالشهداء علیه السلام

رسول الله بکنند که مبادا یکوقت تخلف بکنند و کسی که تخلف بکند جای او جای همان سلطان جائز است؛ یعنی در هر طبقه‌ای از جهنم که سلطان جائز، یک همچو سلطان جائری جا دارد، این آدمی هم که ساکت است که این سلطان جائز هر کاری می‌خواهد بکند، ساکت است او، جایش جای همین سلطان جائز است. (۵۱)
۵۷/۹/۱۸

* * *

و جوب امر و نهی به استناد سیره اولیاء الله

حضرت امیر ملاً نبود [که] خطبه‌های به آن طولانی داشت؟ حضرت رسول [که] خودشان خطبه‌های به آن طولانی دارند، ایشان ملاً نبودند؟ وقتی نوبت به ماها می‌رسد عذرهای درست می‌کنیم برای اینکه ما می‌خواهیم از زیر بار در برویم. شما این جور تربیت نشوید آقا. شما موظفید برای اینکه به اسلام خدمت بکنید. موظفید. خدمت همین نیست که درس بخوانید؛ این هم یک شعبه است. موظفید که گرفتاریهایی را که برای مسلمین پیش می‌آید شما دخالت در آن بکنید. موظفید دخالت بکنید. می‌به گوش ما خواندند که آقا شما چه کار دارید با کار دولت؟! دولت است، نمی‌دانم چه است! می‌به گوش ما این را خواندند، ما هم باورمان آمد که نباید دخالت در کار دولت بکنیم، نباید معارضه بکنیم. (۵۲)

سیره پیغمبر
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
و علی
عَلِيٍّ

۵۰/۴/۱

* * *

امروز که ملت، پیاخاسته و راه خود را خوب و درست یافته است، سکوت و امر به سکوت، مخالف مصالح عالیۀ اسلام است و خلاف طریقه شیعۀ جعفری است، و امر به تحرک و استنکار و افشای فجایع خانمانسوز و اسلام بر بادده دستگاه شاه، موافق سیرۀ مبارکۀ انبیا و خصوص رسول معظم خاتم است. (۵۳)

۵۷/۵/۵

* * *

حضرت امیر - سلام الله علیه - که قیام کردند بر ضد معاویه، البته می خواستند به اینکه معاویه را از مقام خودش کنار بزنند و یک... آدمی که فاسق است و مال مردم خور است آن را بزنندش کنار، و یک آدم صحیحی را به جای او بگذارند در شامات و سوریه و آنجاها. لکن جلوگیری از ظلم معاویه یک تکلیف شرعی بود که باید قیام کنند به این امر و به مردم بفهمانند که این ظالم است و باید اینطور اشخاص دفع بشوند. و ایشان قیام کردند و منتهی به این شد که موفق نشدند به اینکه او را از مقامی که داشت [منعزلش] کنند. (۵۴)

۵۷/۸/۲۷

* * *

مع ذلک حتی آنهایی که حضرت امیر را به خیال خودشان نصیحت می کردند که شما یک مدتی معاویه را بگذارید در حکومت شامات باشد و بعد که پایه حکومت شما قوی شد آن وقت او را رد بکنید، به هیچ یک از این حرفها اعتنا نکردند و حجتشان هم این بود که یک نفر آدمی که برخلاف موازین الهی رفتار می کند و ظلم

اقدام و مقابله سیره

انبیا علیهم السلام

مقابله علی علیه السلام با

معاویه

را در بلاد راه می‌اندازد، من حتی برای یک آن هم نمی‌توانم او را حاکم قرار بدهم. بلکه اگر حاکمش قرار می‌دادند این حجت می‌شد بر اینکه نه، می‌شود که یک فاسقی هم از طرف ولی امر حاکم باشد. و حضرت امیر مضایقه کرده از اینکه حتی اگر مصالحی هم آن وقت - مثلاً - بود که اگر پای ایشان محکم می‌شد ممکن بود مثلاً معاویه را کنار بزنند، مع ذلک به خودشان اجازه نمی‌دادند که معاویه را حتی یک روز در سلطنت خودش باقی بگذارند. و این حجتی است بر ما که اگر بتوانیم باید این حکومتهایی [را] که حکومت جورند کنار بزنیم و اگر خدای نخواستہ نتوانیم، رضایت بر حکومت اینها - ولو یک ساعت - این رضایت بر ظلم است، رضایت بر تعدی است، رضایت بر غارتگری مال مردم است؛ و هیچ مسلمی حق ندارد که رضایت بدهد به حکومت ظالمی - ولو یک ساعت. و همه ما مکلفیم که این حکومتهایی که روی کار آمده‌اند و برخلاف موازین الهی و موازین قانونی - حتی قانونی خودشان - هستند، همه ما مکلفیم که با آنها مبارزه بکنیم. هر کس به هر مقدار که می‌تواند باید با اینها معارضه و مبارزه بکند و هیچ عذری پذیرفته نیست. (۵۵)

سیره علی علیه السلام
حجت بر دیگران

۵۷/۸/۲۸

* * *

همان طوری که سیدالشهداء - سلام الله علیه - تکلیف شرعی الهی می‌خواست عمل بکند، غلبه بکند تکلیف شرعی اش را عمل کرده، مغلوب هم بشود تکلیف شرعی اش را عمل کرده. قضیه

تکلیف است. قضیه این است که مقابل یک نفری^(۱) که دارد همه حیثیات اسلام و مسلمین را می برد و سلطه پیدا کرده است بر مقدرات مسلمین و سلطه می دهد کفار را بر بلاد مسلمین، ارتش ایران را به دست مستشارهای امریکا می سپارد، مخازن ایران را به جیب این و آن می کند، فرهنگ ایران را ضایع کرده، ایران به یک شکل نمونه درآمده است، یک همچو آدمی که بر مسندی نشسته است که باید مثل امام حسین - سلام الله علیه - بنشیند، این استنکار لازم دارد؛ یعنی بر همه مردم لازم است که این را به او بگویند که بیا پایین از این مسند! همه مکلف هستند. (۵۶)

۵۷/۹/۱۱

* * *

اگر یک ملتی بخواهد مقاومت کند برای یک حرف حقی، باید از تاریخ استفاده کند. از تاریخ اسلام استفاده کند ببیند که در تاریخ اسلام چه گذشته؛ و اینکه گذشته سرمشق هست از برای ما. حضرت سیدالشهداء عدد کمی، با یک عدد کمی حرکت کردند و مقابل یزید که خوب یک حکومت قلدری بود، یک حکومت مقتدری بود و اظهار اسلام هم می کرد، اظهار اسلام هم می کرد و از قوم و خویشهای خود اینها هم بود؛ در عین حالی که اظهار اسلام می کرد و حکومتش - به خیال خودش - حکومت اسلامی بود و خلیفه رسول الله - به خیال خودش - بود لکن اشکال این بود که یک آدم ظالمی است که بر مقدرات یک مملکت، بدون حق تسلط پیدا کرده است. اینکه حضرت ابی عبدالله - علیه السلام - نهضت کرد و قیام کرد با عدد کم در مقابل این، برای این [بود] که

قیام حسین علیه السلام
تعیین کننده تکلیف
شرعی

قیام حسین علیه السلام
حجت بر همگان

۱. منظور، محمدرضا شاه است.

گفتند تکلیف من این است که استنکار کنم از این، نهی از منکر کنم. اگر یک حاکم ظالمی بر مردم مسلط شد، علمای ملت، دانشمندان ملت باید استنکار کنند، باید نهی از منکر کنند. در عین حالی که می دانست، یعنی به حَسَب قواعد هم معلوم بود، به حَسَب قواعد هم یک عده کمی که آن وقتی که همراهانشان همه با هم بودند می گویند چهارهزار نفر بودند لکن شب آنها رفتند، یک عدد بسیار کم هفتاد - هشتاد نفری، هفتاد و دو نفری ماند، در عین حال او تکلیف می دید برای خودش که باید او با این قدرت مقاومت کند و کشته بشود تا به هم بخورد این اوضاع؛ تا رسوا بکند این قدرت را با فداکاری خودش و این عده ای که همراه خودش بود. چون دید که یک حکومت جائری است که بر مقدرات مملکت او سلطه پیدا کرده است تکلیف خودش را - تکلیف الهی خودش را - تشخیص داد که باید نهضت کند و راه بیفتد برود و مخالفت بکند و اظهار مخالفت و استنکار بکند؛ هرچه خواهد شد. در عین حالی که به حَسَب قواعد معلوم بود که یک عدد اینقدری نمی تواند با آن عده ای که آنها دارند، مقابله کند لکن تکلیف بود. این یک سرمشقی است از برای شما و ما که اگر عددمان هم کم بود باید باز استنکار کنیم. (۵۷)

۵۷/۹/۱۱

* * *

ما به تَبِعِ تَعَالِيمِ عَالِيَةِ قُرْآنٍ وَ آنچه از اسلام و سیره رسول اکرم و ائمه مسلمین به دست آوردیم و از سیره انبیا - چنانچه در قرآن نقل می فرماید - به دست آوردیم، آن است که مستضعفین با هم مجتمع شوند و بر مستکبرین تَوْره کنند و نگذارند حقوق آنها

استفاده از سیره

پیغمبر و ائمه

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

را ببرند. (۵۸)

۵۸/۲/۴

* * *

هر کس که دنباله مسیح باشد باید حامی مظلومان باشد، و باید با ابرقدرتها مقابله کند، همان طوری که کسی که تابع مذهب اسلام است باید با ابرقدرتها مخالفت کند، و مظلومان را از زیر چنگال اینها بیرون بیاورد. (۵۹)

سیره مسیح عليه السلام
مقابله با ستم

۵۹/۵/۱۲

* * *

شما آقایانی که از اطراف آمده‌اید، از اطراف دنیا آمده‌اید، علما هستید، باید متشبث به آن سیره‌ای بشوید که پیغمبر اکرم و ائمه اسلام بین ما گذاشته است، که حتی آن روزی که دستهایشان بسته بود و نمی‌توانستند یک کلمه برخلاف سیاست دولت وقت بگویند، با ادعیه‌شان مردم را دعوت می‌کردند؛ دعا می‌کردند، با دعا مردم را دعوت می‌کردند و هر روزی که فرصت می‌کردند، در هر فرصتی دعوت را تصریحاً می‌کردند. ما باید به آنها تشبث پیدا بکنیم، به قرآن کریم تشبث پیدا بکنیم. قرآن کریم دعوت به وحدت می‌کند، دعوت به این می‌کند که مخالف با هم نباشید که فشل بشوید. و مع الأسف بعض از روحانیون وابسته به دولتهای اسلامی دعوت به فشل می‌کنند؛ می‌خواهند فشل ایجاد کنند. در یک مرکز اسلامی به اسلام نمی‌توانند حمله کنند، به ایران که می‌خواهد اسلام را پیاده کند حمله می‌کنند. آن قاضی‌ای که در حجاز یا در مصر یا در سایر جاها برخلاف قرآن کریم دعوت می‌کند. لکن نه به طوری که صریح

مسجد و نماز
جمعه، جایگاه
حرکت

باشد، ضمناً برخلاف قرآن کریم دارد دعوت می‌کند و مسلمین را از هم جدا می‌کند، آن قاضی، قاضی جور است و شما باید آنها را سر جای خودشان بنشانید. شما که بر می‌گردید به ممالک خودتان، در خطبه‌های نماز جمعه، در ادعیه‌ای که می‌خوانید، خطبه‌های شما همان طور که در صدر اسلام، خطبه‌ها یک جنبه سیاسی داشته است، نماز جمعه یک اجتماع سیاسی است. نماز جمعه یک عبادت سر تا پا سیاسی است، و مع‌الأسف در جاهایی انسان می‌بیند که در نماز جمعه ابداً مربوط به چیزهایی که ملت‌ها به آن احتیاج دارند، چیزهایی که مسلمین، اجتماع مسلمین بر آن احتیاج دارند، خبری نیست. نماز جمعه‌ها را همان طوری که در صدر اسلام، مساجد، محافل و نمازها جنبه سیاسی داشته است، از مسجد راه می‌انداختند لشکر را به جنگی که باید بکنند و به آنجایی که باید بفرستند. از مسجد مسائل سیاسی طرح ریزی می‌شد. از مسجد مسجد محل این بود که مسائل سیاسی در آن طرح بشود. مع‌الأسف مساجد را ما کاری کردیم که بکلی از مصالح مسلمین دور باشد، و با دست ما آن طرحهایی که برای ما ریخته بودند با دست خود ما پیاده شد، و ما دیدیم - آنچه که - مسلمین دیدند آنچه که باید ببینند. و امروز باید بیدار بشوند مسلمین. می‌توانند، بصراحت - وقتی که می‌بینند حکومتشان بر خلاف اسلام عمل می‌کند - بگویند، [و اگر] نمی‌توانند، با دعا، با خطبه؛ و به طور کلی با ظالمین، به طور کلی با متجاوزین، با مخالفین اسلام معارضه کنند. خطبه‌ها را نگذارند یک چند تا دعا باشد و یک چند تا ذکر باشد و این چیزها، همان طوری که تا حالا بوده است، خطبه‌ها را محتوایش را قوی کنید. (۶۰)

خیال نکنید که اسلام فقط این تکه است؛ نماز و روزه است فقط، نیست این طور، اگر این طور بود پیغمبر هم می‌نشست توی مسجدش و نماز می‌خواند. چرا از اول عمرش تا آخر زحمت کشید، جنگ کرد، زد و خورد کرد، شکست خورد، شکست داد تا مسائل را آن قدری که می‌توانست عمل کرد. امیرالمؤمنین هم همین طور، دیگران هم همین طور، صلاحاً هم همین طورند، اشخاص بیدار این طورند. این طور نیست که بنشینند توی مسجد و کار به این کارها نداشته باشند. بنشینند توی خانه‌هایشان و کار به کسی نداشته باشند؛ بی طرف باشند؛ کاری ما به این کارها نداریم! اگر این منطق انبیا بود که موسی نمی‌رفت سراغ فرعون. اگر منطق انبیا این بود که ابراهیم نمی‌رفت هجمه کند بر آنها، پیغمبر این کار را نمی‌کرد. منطق انبیا این نیست. منطق انبیا این است که «اشداء» باید باشند بر کفار و بر کسانی که بر ضد بشریت هستند، بین خودشان هم رحیم باشند. و آن شدت هم رحمت است بر آنها.^(۱) (۶۱)

سیره انبیا و اولیا،
مقابله با ستمگران

۶۳/۱۱/۱۴

* * *

حضرت ابراهیم در زندگی‌اش چه کرد، تمام اینها قیام کردند در مقابل جور، در مقابل ظلم، همه، قیامشان این معنا بود. ما سر مشق باید بگیریم از اینها و ما باید قیام کنیم در مقابل ظلم؛ مسلمانها باید در مقابل جورها، در مقابل ظلمها، در مقابل منکرات قیام کنند، همان طوری که ملت شریف ایران بحمدالله قیام کرد. (۶۲)

ابراهیم علی‌ه‌السلام اسوه
مقابله با منکرات

۶۷/۱/۱

وجوب امر و نهی در کلام امام

نصیحت از واجبات است؛ ترکش شاید از کبایر باشد. از شاه گرفته تا این آقایان، تا آخر مملکت، همه را باید علما نصیحت کنند. (۶۳)

وجوب نصیحت

۴۱/۹/۱۱

* * *

علمای اسلام وظیفه دارند هر وقت برای اسلام و قرآن احساس خطر کردند، به مردم مُسَلِّم گوشزد کنند تا در پیشگاه خداوند متعال مسئول نباشند. (۶۴)

وظیفه علمای
اسلام

۴۱/۱۱/۲

* * *

همان خطر عظیمی که برای قرآن مجید پیش آمده است به واسطه این تصویبنامه مخالف شرع و قانون به دست خیانتکاران به دین و مملکت به قوت خود باقی است، و هیچ مسلمانی نمی‌تواند قرآن مجید را در معرض خطر ببیند و سهل‌انگاری کند. (۶۵)

وجوب اقدام در
برابر خطر برای
قرآن

آذر ۱۳۴۱

* * *

اسلام به ما حق دارد، پیغمبر اسلام حق دارد. باید در این زمان که زحمات جانفرومای آن سرور در معرض زوال است، علمای اسلام و وابستگان به دیانت مقدسه، دین خود را ادا نمایند. من مصمم هستم که از پا ننشینم تا دستگاه فاسد را به جای خود بنشانم؛ و یا در پیشگاه مقدس حق تعالی با عذر و فود کنم. شما هم، ای علمای

انجام وظیفه در
برابر اسلام و
پیغمبر ﷺ

اسلام، مصمم شوید؛ و بدانید پیروزی با شماست: **وَاللَّهُ تَمِيمٌ نُورٌهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ**.^(۱) (۶۶)

اردیبهشت ۱۳۴۲

* * *

علمای اسلام وظیفه دارند از احکام مسلمة اسلام دفاع کنند، از استقلال ممالک اسلامی پشتیبانی نمایند، از ستمکاریها و ظلمها اظهار تنفر کنند، از پیمان با دشمنان اسلام و استقلال و ممالک اسلام اظهار انزجار کنند، از اسرائیل و عمال اسرائیل - دشمنان قرآن مجید و اسلام و کشور - برائت جویند، از اعدامهای بی جهت و تبعیدهای دسته جمعی و محاکمات غیرقانونی و محکومیتهای بدون مجوز بیزاری جویند؛ و صلاح حال ملت و مملکت را در هر حال بیان کنند. اینها جرم است؟ اینها ارتجاع سیاه است؟ (۶۷)

۴۳/۳/۱۵

* * *

بر ملت ایران است که این زنجیرها را پاره کنند. بر ارتش ایران است که اجازه ندهند چنین کارهای ننگینی در ایران واقع شود. از بالاترها، به هر وسیله هست، بخواهند این سند استعمار را پاره کنند؛ این دولت را ساقط کنند؛ وکلایی که به این امر مفتضح رأی دادند از مجلس بیرون کنند. بر ملت است که از علمای خود بخواهند در این امر ساکت ننشینند. بر علمای اعلام است که از مراجع اسلام بخواهند این امر را ندیده نگیرند. بر فضلا و مدرسین حوزه‌های علمیه است که از علمای اعلام بخواهند که

دفاع از احکام
اسلام

وظیفه همگانی در
برابر کاپیتولاسیون

۱. خداوند نور خود را کامل می‌کند، هر چند کافران خوش نداشته باشند؛ (صف ۸/).

سکوت را بشکنند. بر طلاب علوم است که از مدرسین بخواهند که غافل از این امر نباشند. بر ملت مسلمان است که از وعاظ و خطبا بخواهند که آنان را که آگاه از این مصیبت بزرگ نیستند آگاه کنند. بر خطبا و وعاظ است که با بیان محکم، بی هراس، بر این امر ننگین اعتراض کنند و ملت را بیدار کنند. بر اساتید دانشگاه است که جوانان را از آنچه زیر پرده است مطلع کنند. بر جوانان دانشگاهی است که با حرارت با این طرح مفتضح مخالفت کنند؛ با آرامش و با شعارهای حساس، مخالفت دانشگاه را به ملت‌های دنیا برسانند. بر دانشجویان ممالک خارجه است که در این امر حیاتی که آبروی مذهب و ملت را در خطر انداخته، ساکت ننشینند. بر پیشوایان دول اسلامی است که فریاد ما را به دنیا برسانند، و از مراکز پخش آزاد، ناله جانسوز این ملت بدبخت را به جهان گوشزد کنند. بر علما و خطبای ملل اسلامی است که با سیل اعتراض این ننگ را از جبهه ملت معظم ایران، برادران اسلامی خود، بزایند. و بر جمیع طبقات ملت است که از مناقشات جزئی موسمی خود صرف نظر کرده، و در راه هدف مقدس استقلال و بیرون رفتن از قید اسارت کوشش کنند. بر رجال شریف سیاسی است که ما را از مطالب زیر پرده که در مجلس گفته شده آگاه نمایند. بر احزاب سیاسی است در این امر مشترک با یکدیگر توافق کنند. (۶۸)

۴۳/۸/۴

* * *

بر شما جوانان روشنفکر است که از پای ننشینید تا خواب رفته‌ها را از این خواب مرگبار برانگیزانید؛ و با فاش کردن خیانتها و جنایت‌های استعمارگران و پیروان بی‌فرهنگ آنها غفلت زده‌ها را

لزوم افشای
جنایتها

آگاه نمایید. (۶۹)

۱۳۴۶ ه.ش.

* * *

این جماعت را ابتدا باید نصیحت و بیدار کرد. به آنها گفت مگر خطر را نمی‌بینید؟ مگر نمی‌بینید که اسرائیلیها دارند می‌زنند و می‌کشند و از بین می‌برند و انگلیس و امریکا هم به آنها کمک می‌کنند، و شما نشسته‌اید تماشا می‌کنید. آخر شما باید بیدار شوید؛ به فکر علاج بدبختیهای مردم باشید. مباحثه به تنهایی فایده ندارد؛ مسأله گفتن به تنهایی، دردها را دوا نمی‌کند. در شرایطی که دارند اسلام را از بین می‌برند، بساط اسلام را به هم می‌زنند، خاموش ننشینید؛ مانند نصرانیها که نشستند درباره روح القدس و تثلیث صحبت کردند تا آمدند آنها را گرفته، از بین بردند. بیدار شوید، و به این حقایق و واقعیتها توجه کنید. به مسائل روز توجه کنید. خودتان را تا این اندازه مهمل بار نیاورید. (۷۰)

لزوم بیدار کردن
مردم نسبت به
خطرها

* * *

چرا نجف اینقدر خواب است؟ ما مسئول نیستیم؟ تمام کار ما برای مسلمین درس است؟ فقط همین، که ما درس بخوانیم؟ ما نباید به درد مسلمانها برسیم؟ ما نباید اعتراض کنیم که چرا نفت ایران و اسلام را برای مملکتی که در حال جنگ با مسلمین است می‌فرستید؟ این اعتراض ندارد؟ نباید این گفته بشود؟ (۷۱)

اعتراض به کمک به
اسرائیل

۵۰/۴/۱

* * *

من وظیفه می‌دانم، چه بکنم؟ من وظیفه می‌دانم، وظیفه خودم می‌دانم که تذکر به شما بدهم [و] تا آن اندازه که صدای من می‌رسد فریاد کنم، تا آن اندازه‌ای که قلم من می‌رسد بنویسم منتشر کنم. اگر آقایان هم صلاح دانستند، این امت اسلامی را امت خودشان دانستند، شیعه خودشان دانستند، آنها هم بکنند. (۷۲)

تذکر، وظیفه
اسلامی

۵۰/۴/۱

* * *

بر شما جوانان ارزنده اسلام - که مایه امید مسلمین هستید - لازم می‌باشد که ملتها را آگاه سازید و نقشه‌های شوم و خانمانسوز استعمارگران را برملا نمایید، در شناسایی اسلام بیشتر جدیت کنید، تعالیم مقدسه قرآن را بیاموزید و به کار بندید، با کمال اخلاص در نشر و تبلیغ و معرفی اسلام به ملل دیگر و پیشبرد آرمانهای بزرگ اسلام بکوشید. برای پیاده کردن طرح حکومت اسلامی و بررسی مسائل آن اهتمام بیشتری به خرج دهید. مذهب و مجهز شوید؛ متحد و متشکل شده و صفوف خود را فشرده‌تر سازید؛ هرچه بیشتر همفکر و انسان فداکار بسازید. از برملا کردن نقشه‌های دستگاه جبار ایران علیه اسلام و مسلمین غفلت نورزید. صدای برادران رنج‌دیده و مسلمان ایران را به دنیا برسانید و با آنان همدردی کنید. به وحشیگریها، آدمکشیها، قانون شکنیها و دیگر جنایاتی که پیوسته در ایران جریان دارد اعتراض نمایید. (۷۳)

وظیفه جوانان،
آگاه‌سازی مردم

۵۱/۵/۱۷

* * *

اکنون که دولت غاصب اسرائیل، برای فتنه‌انگیزی بیشتر و تجاوز

زیادتر به سرزمینهای عربی و ادامه دست غاصبانه در قبال صاحبان حق، بپاخاسته و آتش جنگ را برای چندمین بار شعله‌ور ساخته است، و برادران مسلمان ما در راه ریشه‌کن کردن این ماده فساد و آزادی فلسطین جان بر کف نهاده در جبهه نبرد و میدان شرف به جنگ پرداخته‌اند، بر عموم دولتهای ممالک اسلامی و خصوصاً دول عربی لازم است که با توکل به خدای متعال و تکیه بر قدرت لایزال، همه قوا و نیروی خویش را بسیج ساخته به یاری مردان فداکاری که در خط اول جبهه چشم امید به ملت اسلام دوخته‌اند بشتابند، برای آزادی فلسطین و احیای مجد و شرف و عظمت اسلامی در این جهاد مقدس شرکت کنند. (۷۴)

۵۲/۷/۱۶

* * *

ملت اسلام به حکم وظیفه انسانی و اخوت و طبق موازین عقلی و اسلامی موظفند که در راه ریشه‌کن کردن این گماشته استعمار از هیچ فداکاری دریغ نوزند، و با کمکهای مادی و معنوی و نیز با ارسال خون، دارو، اسلحه و آذوقه، برادران خود را که در جبهه جنگ هستند یاری کنند. بر خصوص ملت شریف و مسلمان ایران است که در قبال تجاوز وحشیانه اسرائیل و مصیبت‌هایی که اکنون گریبانگیر برادران عرب و مسلمان آنان می‌باشد بی تفاوت ننشینند، و از هر راه ممکن برادران مسلمان خود را در آزادی سرزمین فلسطین و نابودی صهیونیسم کمک نمایند؛ و دولت ایران را وادار سازند که این سکوت را شکسته در صف دولتهای ممالک اسلامی به پیکار علیه اسرائیل برخیزد. (۷۵)

۵۲/۷/۱۶

دفاع از فلسطین،
وظیفه همه
دولتهای اسلامی

مبارزه با اسرائیل،
وظیفه ملت اسلام

اکنون وظیفه عموم مسلمانان و خصوص علمای اعلام و روشنفکران و دانشگاهیهای علوم قدیمه و جدیده است که برای دفاع از اسلام عزیز و حفظ احکام حیاتبخش آن، که ضامن استقلال و آزادی است، و از میهن بزرگ خود - که مهد بزرگان و آزادیخواهان بوده و اکنون در شرف سقوط است - از فرصت استفاده کنند و گفتنیها را بگویند و بنویسند و به گوش مقامات بین‌المللی و سایر جوامع بشری برسانند، و بر ارتش و سران آن است که خود را از ننگ اسارت در دست اجانب نجات دهند و مملکت خود را از هلاکت و سقوط برهانند. (۷۶)

دفاع از اسلام،
وظیفه عمومی
مسلمین

۵۶/۸/۲۱

* * *

باید تمام جناحهای اسلامی از علمای اعلام و خطبای محترم و طلاب و دانشجویان و جوانان، فرزندان عزیزم و بازرگانان محترم و کارگران و دهقانان شریف و بیدار و تمام جبهه‌ها و احزاب سیاسی، یکدل و یک‌جهت در آگاهی درجه‌داران ارتش و ژاندارمری و شهربانی کوشش کنند، و برای سرنگونی این جانی‌بالذات آنان را به تشریک مساعی دعوت نمایند، و ملت را از شرّ این ستمگر نجات دهند؛ و مجال ندهند بیش از این زن و مرد، بزرگ و کوچک، پیر و جوان و کودک ما را به خاک و خون بکشند و اسلام را فدای شهوات خود کند. (۷۷)

سرنگونی رژیم،
وظیفه همه اقشار

۵۷/۵/۲۲

* * *

باید جمیع طبقات از اختلافات جزئی دست کشیده و برای نجات

خویش به پا خیزند و با هر وسیله ممکن در دفع این
مفسد فی الارض اقدام کنند. (۷۸)

۵۷/۵/۲۲

* * *

وظیفه داریم؛ یعنی وظیفه عقلی، وظیفه وجدانی، وظیفه شرعی
داریم. وظیفه ما این است که ما در هر جا باشیم، جمعاً و فرداً،
یکی یکی و اجتماعی، کمک کنیم به این نهضت مقدس ایران؛ که
آنها در میدان مبارزه دارند خون می دهند و ما خارج هستیم و
نمی توانیم برویم آنجا؛ باید در خارج ما هم مبارزه داشته باشیم. ما
هم به هر مقداری که می توانیم با حرفمان، با قلممان، با تظاهرمان،
هر کس هر چقدر، هر مقدار که می تواند، باید همه ما این وظیفه را
ادا بکنیم. (۷۹)

۵۷/۷/۱۷

* * *

باید دست به دست هم بدهید و با اشخاصی که در ایران، در
مملکتی که یکپارچه ایستاده است در مقابلش، ما هم که بیرون
هستیم وظیفه داریم که با آنها هم صدا بشویم، بلکه این دشمن از
بین برود ان شاء الله. حالا هم نزدیک شده، دیگر وقت نزدیک
است. آن هیاهوهای سابق را الآن دیگر ندارند. [شاه] ایران رو به
سراشویی است ان شاء الله، لکن ما نباید غفلت کنیم. ما که در
خارج کشور الآن هستیم، نباید از حال برادرانی که در کشور
هستند، غفلت کنیم. وظیفه داریم، وظیفه وجدانی داریم، وظیفه
دینی داریم که با آنها به هر مقداری که می توانیم کمک بکنیم.

قیام، یک وظیفه
همگانی

کمک به نهضت
اسلامی با هر وسیله

کمک تبلیغاتی،
وظیفه ایرانیان
خارج از کشور

کمک تبلیغاتی بکنیم؛ کمک هرطوری که می‌توانیم در اینجا، در مطبوعات، می‌توانیم در تبلیغات مطبوعاتی اعلامیه می‌توانیم بدهیم. هر کاری می‌توانیم بکنیم. (۸۰)

۵۷/۷/۲۹

* * *

همه‌مان تکلیف وجدانی داریم، تکلیف شرعی داریم، تکلیف عقلی داریم که با این جمعیت مظلومی که قیام کردند و می‌خواهند حق خودشان را - آن حق خودشان که حق ما هم هست - بگیرند، ما هم با آنها همراهی کنیم، ما هم دنبال آنها باشیم. (۸۱)

همراهی با
قیام‌کنندگان

۵۷/۷/۲۱

* * *

ما باید به آن اندازه‌ای که می‌توانیم، به آنها^(۱) کمک بکنیم. با قلم می‌توانیم با قلم کمک کنیم؛ می‌توانیم در مطبوعات اینجا یک چیزی را از حالات ایرانی‌ها و از ظلمی که دارد بر ایشان می‌شود و از جنایاتی که این رژیم بر آنها کرده است، بتوانیم در مطبوعات اینجا یک چیزی را منعکس کنیم، باید منعکس کنیم. هر کاری از شما می‌آید بکنید؛ هر که از شما کار نمی‌آید لااقل دعا کند به اینها که فردا گرفتار این رژیم منحط هستند. (۸۲)

افشای رژیم،
وظیفه صاحبان قلم

۵۷/۷/۲۲

* * *

بر خانواده‌ها و عائله ارتش و سایر قوای انتظامی است که آنان را از

۱. منظور، اعتصابیون و انقلابیون است.

مخالفت با ملت و از ظلم و ستم به خواهران و برادران اسلامی خود باز دارند، و آنان را بر این اعمال ظالمانه مؤاخذه کنند که عاقبت این ستمکاریها به ضرر آنان است. (۸۳)

۵۷/۸/۱۴

* * *

امروز بر تمام طبقات ملت از مراجع عظام و علمای اعلام و مدرسین و فضیای عالی‌مقام و اساتید محترم دانشگاهها و دانشسراها و دانشجویان دلیر و طلاب شجاع تا جناحهای سیاسی و روشنفکر، و از کارگران و کشاورزان تا بازاریان و اصناف، از کارمندان دولتی تا افسران نیروهای سه‌گانه، از سربازان تا صاحب‌منصبان عالیرتبه و بر همه اقشار ملت تکلیف الهی و وجدانی است که با اتحاد کلمه بدون هراس از قدرتها و ابرقدرتها، هدف اسلامی خود را تعقیب، و گلوی این ستمگر تاریخ را بفشارند، و با قاطعیت و جدیت به سوی هدف پیش روند، که وعده خداوند به مستضعفین نزدیک است، و کشتن و کشته شدن در راه خدا سرفرازی است. (۸۴)

۵۷/۸/۱۶

* * *

عموم مردم را موظف می‌دانیم که انحراف از مسیر اسلامی را در هر کجا که می‌بینند از پایین‌ترین و بالاترین مقامات بلافاصله جلوگیری کنند. و بدین ترتیب از رشد فساد جلوگیری می‌شود و مجال بر عناصر فاسد نیز بسته می‌ماند. (۸۵)

۵۷/۸/۱۸

بازداری ارتشیان از
ظلم و ستم

مبارزه با ستمگر،
تکلیف الهی

جلوگیری از
انحراف، وظيفه
عمومی

من از خدای تبارک و تعالی سلامت همه شما را می‌خواهم. و این مطلب را من هر شب تقریباً تکرار می‌کنم که همه ما مکلف هستیم. این قضیه تکلیف مال یک نفر، یکی دیگر باشد یکی دیگر نباشد، نیست. من مکلفم، آقا مکلف است، آقا همه، همه که به این نهضتی که در ایران شده است و الآن همه جوانهایشان را توی دست گرفتند و دارند می‌دهند، پیرزن چند تا جوانش از بین رفته و ایستاده و گفته است که من حاضرم همه چیز از بین برود، ما به این نهضت باید کمک بکنیم. اینجا می‌توانید کمک بکنید، باید کمک بکنید. یعنی کمک شما در اینجا تبلیغات است مقابل تبلیغاتی که شاه و دستگاه شاه و روزنامه‌نویسهایی که از شاه [مزد] می‌گیرند و اجیر او هستند تبلیغات کردند به اینکه این مردم هرج و مرج طلب هستند، اینها - عرض می‌کنم که - یک مردم وحشی هستند، اینها [واپسگرا] هستند، از این حرفها زیاد زدند، شماها وقتی تماس می‌گیرید با رفقایان، با اشخاصی که هستند تماس می‌گیرید ... تظاهرات می‌توانید بکنید، تظاهر باید بکنید. تماس با اشخاص که غفلت کرده‌اند از این امور دارید می‌گیرید، هر جا یک عده‌ای را از همین اروپاییها دیدید یا از امریکایی [ها] دیدید، چند نفر بلند شوید فوراً بگویید بابا مسئله ایران اینطوری است، مردم ایران این را می‌گویند، مردم ایران وحشی نیستند، مردم ایران مردم متریقی‌ای هستند که می‌گویند ما آزادی می‌خواهیم؛ ما نمی‌خواهیم که امریکا مالمان را ببرد. (۸۶)

تکلیف همگانی در
افشای رژیم شاه

۵۷/۸/۲۷

* * *

این نهضت را نگه دارید آقایان. تکلیف همه است. تکلیف من

آخوند است، تکلیف آن آقاست، تکلیف شمای بازاری یا کارگر یا دانشمند است این. همه، همه تکلیف داریم که این نهضتی که در ایران پیدا شده دامن به آن بزنیم. با این نهضت شما می‌توانید استقلال خودتان را بگیرید، و می‌توانید آزادی برای خودتان تهیه کنید. و شما و ما الآن مسئول خدای تبارک و تعالی هستیم، و مسئول نسلهای آتیه هستیم که یک همچو نهضتی پیدا شد و نتوانستید، عرضه‌اش را نداشتید که از آن استفاده بکنید، عرضه داشته باشید که استفاده کنید از این نهضت. این نهضت را نگذارید بخوابد، نگذارند آنهایی که رؤسای امور هستند، احزاب هستند، علما هستند، طلاب هستند، بازاری هست، دانشگاهی هست - عرض می‌کنم - دادگستری هست، وکلای دادگستری هست، آن قشورهایی که در مملکت هستند نگذارند که بخوابد این اعتصابات، و نگذارند بخوابد این نهضت زنده‌ای که الآن در ایران هست. (۸۷)

۵۷/۸/۲۹

* * *

ملت مسلمان باید از این شاه و دولت یاغی غاصب تبرّی کنند و مخالفت با آن لازم است. تمام اقشار ملت، خصوصاً اهالی قرا و قصبات، باید بدانند که شاه غاصب و دولت یاغی او کمر به هدم مقدسات اسلام بسته‌اند، و اگر مهلت پیدا کنند به محو آثار شریعت برمی‌خیزند. بر تمام طبقات ملت لازم است، با هر وسیله ممکن، به سقوط این دستگاه جبار قیام کنند. اطاعت این دستگاه، اطاعت طاغوت و حرام است. خداوند مسلمین را از شرّ آنان حفظ فرماید. (۸۸)

۵۷/۹/۳

استمرار نهضت با
شرکت عموم مردم

تبرّی از شاه و
دولت یاغی

اکنون در این موقع حساس مسئولیت مراجع عظام و علمای اعلام بلاد - دامت برکاتهم - و خطبای محترم - دامت افاضاتهم - بسیار بزرگ است و در پیشگاه خداوند تعالی همه و همه مسئولیم. سستی و سهل انگاری، کمک به دستگاه ظالم و به هدر دادن خون مظلوم است و موجب انهدام مصالح عالیۀ اسلام و کشور اسلام است. (۸۹)

مسئولیت سنگین
مراجع و علما

۵۷/۹/۱۱

* * *

همه ما، همه مسلمین، همه علما، همه روشنفکرها، همه سیاسیون - هرکس هست - تکلیف شرعی الهی اش این است که با این مخالفت کند. هرکس مخالفت نکند برخلاف تکلیف شرعی الهی عمل کرده، برخلاف شرافت عمل کرده؛ شریف دیگر نمی توانیم به او بگوییم، آدم پست و رذل است. (۹۰)

مخالفت با شاه،
یک تکلیف شرعی

۵۷/۹/۱۱

* * *

اگر ما یک همچو حرفی بزنییم که اعتصاب کنید، الزام کنیم اینها را، یک الزام شرعی بکنیم به اعتصاب، حکم به اعتصاب بکنیم، این برای مصلحت یک مملکتی است، برای مصلحت یک ملتی است، ما بی میزان می گوییم؟! (۹۱)

اعتصاب، یک الزام
شرعی

۵۷/۹/۲۵

* * *

علمای اعلام بلاد و خطبای محترم و طلاب غیور، قضات و وکلای

محترم دادگستری، اساتید محترم دانشگاه و دانشگاهیان، بازاریان، اصناف، کارگران، کشاورزان، سیاسیون محترم و سایر اقشار ملت، مخلوع بودن شاه و غیرقانونی بودن مجلسین و دولت را اعلام فرمایند؛ که اگر سستی کنند ممکن است توطئه بر ضد کشور و ملت به نتیجه برسد که همگی مسئول آن خواهیم بود؛ و باید همه بدانیم که در این روز حساس همه مسئول خدای بزرگیم. (۹۲)

اعلام خلع شاه
توسط همه اقشار

۵۷/۱۰/۱۶

* * *

ما باید اقامه عدل بکنیم. عذر نیست که ما قوه نداریم؛ این ملت قوه ماست. این ملتی بود که با مشت جلوی تانک و توپ را گرفت؛ کشته هم داد. البته افتخار می‌کنیم به آنها؛ رحمت می‌فرستیم. ما هم کشته می‌شویم ان شاء الله. روز سکوت نیست، روز فعالیت است. هر کس در هر منصبی که هست، در هر مقامی که هست نباید ساکت باشد. این فریادی که اینها می‌زنند - زنها را شما ببینید چه فریاد می‌زنند، مردها چه فریاد می‌زنند - اینها پشتوانه شما هستند «شَكَرَ اللَّهُ سَعْيَهُمْ». اگر اینها نبودند ما هیچ قدمی بر نمی‌داشتیم؛ اینها ایند که ما را وادار می‌کنند به قدم برداشتن. (۹۳)

اقامه عدل، وظیفه
همگانی

۵۷/۱۱/۱۳

* * *

اینها مملکت ما را به نیستی بردند. و ما برایمان واجب عقلی است، واجب شرعی است که در این موقع دنبال بکنیم، و این نهضتی که ایران بپا کرده است به آخر برسانیم. دست اجانب را از

این خزاین ملی کوتاه کنیم، و دست اجانب را از مسائل دینی مان کوتاه کنیم، و این اختناقی که از همه اطراف بر ما سلطه داشت و [شدید] بود، این اختناق را از بین ببریم و مملکت برای خودمان باشد، خودمان اداره اش بکنیم. (۹۴)

وجوب عقلی و
شرعی، استمرار
نهضت

۵۷/۱۱/۱۳

* * *

الآن وقتی است که شما طبقه روشنفکر بیشتر از دیگران مؤاخذ هستید، بیشتر از دیگران باید کار بکنید، بیشتر از دیگران مسئول این مملکت و ملت هستید. همه شما باید هر چه فعالیت دارید، اولاً در راه این نهضت، این نهضت را به پیش برانید تا اینکه به آخر برسد و مملکت شما مستقل بشود و این اختناقهایی که تا حالا بوده است تکرار نشود؛ و ثانیاً به استقرار یک حکومت عادل، یک حکومت عدل و مستند و مبتنی بر آرای خود ملت... (۹۵)

وظیفه روشنفکران

۵۷/۱۱/۱۹

* * *

هر کدام ما موظفیم خودمان عمل کنیم؛ و موظفیم دیگران را هم وادار کنیم. (۹۶)

وظیفه در برابر
دیگران

۵۸/۴/۱۷

* * *

ما مکلفیم، همه مان مکلفیم، همه آقایان و همه خانمهای محترم، مکلفیم که مردم را دعوت کنیم به راه مستقیم؛ به همان صراط الله، راه الله - که راه مستقیم است - و از انحرافها جلوگیری کنیم. نه

دعوت به راه
مستقیم، وظیفه
همگانی

منحرف به آن طرف باشیم که دیکتاتوری به تمام معنا است و نه منحرف به غرب باشیم که ظلم و ستم و به اسم «حقوق بشر»؛ بردن همه حقوق بشر است. (۹۷)

۵۸/۶/۲۲

* * *

در بعض روایات، که من حالا نمی دانم صحت و سُقْمَش را، هست که یکی از چیزهای مستحب این است که مؤمنین در حال انتظار، اسلحه هم داشته باشند؛^(۱) اسلحه مهیا. نه اینکه اسلحه را بگذارند کنار، و بنشینند منتظر. اسلحه داشته باشند برای اینکه با ظلم مقابله کنند، با جور مقابله کنند. تکلیف است، از شُعبِ نهی از منکر است، به همه ما تکلیف است، که باید مقابله کنیم با این دستگاههای ظالم، خصوصاً دستگاههایی که با اساس مخالفند. (۹۸)

مقابله با ستم،
تکلیف همگان

۵۸/۷/۴

* * *

امر به معروف و نهی از منکر از اموری است که بر همه کس واجب است. یک چیزی نیست که بر یکی واجب باشد بر دیگری [نه]. همه ما مکلفیم همانطور که مکلفیم که خودمان را حفظ کنیم و خارج کنیم از ظلمت به نور، مکلف هستیم که دیگران را هم همین طور دعوت کنیم. هر مقدار که می توانیم. شما نباید بگویید که خوب، من که خطیب نیستم، من که اهل منبر نیستم، من که اهل محراب نیستم. شما اهل این هستید که در خانواده تان با آن پسران

وجوب امر به
معروف و نهی از
منکر بر همگان

۱. شیخ نعمانی؛ کتاب الغیبة؛ ص ۳۲۱.

و با آن دخترتان و با آن عیالتان، با آن کسی که رفیق شما هست، می‌توانید که حرف را بزنید. همین مقدار شما مکلفید. اگر انسان دید معصیت خدا می‌شود، باید جلوی او را بگیرد. نگذارد معصیت خدا بشود. (۹۹)

۵۸/۱۰/۲

* * *

باید این مملکت شریف عراق خودش را از چنگ اینها بیرون بیاورد. این ارتش عراق باید همان طوری که در ارتش ایران وقتی فهمیدند که این دارد جنگ می‌کند با اسلام، جنگ با نهضت اسلامی می‌کند، همان طور که اینها قیام کردند و ارتش هم ملحق شد به خود مردم و کلک شاه را کردند، ارتش عراق هم باید همین کار را بکند. این جنگ با اسلام است. ارتش عراق حاضر است با اسلام جنگ کند؟ حاضر است سرنیزه را به قرآن بزند؟ این سرنیزه به قرآن زدن است. باید، واجب است بر آنها، لازم است بر آنها، هم ملت عراق و هم ارتش عراق، ارتش عراق لازم است که پشت بکند به این حزب غیراسلامی. پشت بکند به این افراد غیراسلامی که یک عدد کمی هستند. (۱۰۰)

وجوب مخالفت
ارتش عراق با
رژیم بعث

۵۹/۱/۲۸

* * *

مملکت ما مملکت «الله اکبر» است. مملکت قرآن است. اینها در مقابل قرآن و در مقابل اسلام ایستاده‌اند. و این ارتش عراق باید توجه به این معنا داشته باشد که اینها را خودش سرکوب کند. خودش از بین ببرد اینها را. خوب، صاحب منصبهای خوب ما

وجوب قیام ارتش
عراق

داریم در عراق. صاحب منصبهای صحیح و متدین هستند. خود آنها کودتا کنند و این را از بین ببرند. و حرام است بر آنها که یک قدم دنبال این شخص لعین باشند. و باید قیام کنند بر ضد او و مملکت خودشان را اسلامی کنند و حکومت خودشان را اسلامی کنند و قواعد هم اسلامی باشد. نه مثل حالا که چهار نفر بنشینند و سرنوشت یک ملت اسلامی را یک چهار نفر کافر که تابع - نمی دانم - میشل عفلق هستند، که مسیحی هم نیست، حتی مسیحی هم معلوم نیست این مرد باشد، بر خلاف ما و برخلاف اسلام کاری بکنند. (۱۰۱)

۵۹/۱/۲۸

* * *

ملت عراق باید بیدار بشوند. باید قیام کنند. باید نهضت کنند. باید انقلاب کنند. انقلاب کنید تا این را از بین ببرید، و بدانید این را که اگر برای خدا انقلاب کنید، شما پیروز خواهید بود، چنانچه ما برای خدا، ملت ما برای خدا قیام کرد و پیروز شد. حالا هم پیروز خواهد شد و ان شاء الله این مرد را از بین [برده] هم شما و ما با هم دست به هم بدهیم و این حزب را منحلش کنیم، و اشخاص حزبی که برنگردند به اسلام اعدامشان بکنیم، تا اینکه این مملکت از شرّ اینها و از شرّ «میشل عَفْلَق»ها و «صدام حسین»ها و «سادات»ها، از شرّ اینها فارغ بشود، و دیانت خودشان را پیاده کنند، و بشود یک مملکت اسلامی. (۱۰۲)

۵۹/۷/۴

* * *

وجوب قیام ملت
عراق

این ملتهای مستضعف هستند که باید در مقابل ظالمان و جنایتکاران قیام کنند و با اتکا به خدای تعالی از هیچ قدرتی نهراسند و دست ستمکاران را قطع نمایند. ملت شریف عراق لازم است به ملت ایران و لبنان و فلسطین پیوندد که خواب را از چشم عفلقیها و صهیونیستها و هواداران آنان بریده و جهان را در چشم آنان تیره و تار نموده‌اند. (۱۰۳)

وظیفه مستضعفین،
قیام در برابر
ستمگران

۶۳/۱۲/۱۸

* * *

این حق حق الهی است؛ این حکم حکم خداست. مسئله، تکلیف شرعی الهی است، کسی نمی‌تواند تخلف بکند، نباید تخلف بکند. یک کسی که سر تا پایش ظلم است باید قطعش کرد. این ریشه را باید قطع کرد. (۱۰۴)

وجوب قطع
ستمگر

۵۷/۸/۲

* * *

امر به معروف و نهی از منکر بر همه ملت واجب است. اگر یک خلاف یکی کرد باید نهی بکنید، باید باز دارید او را از این کار. اگر یک آدمی در یک پادگانی یک عملی کرد که بر خلاف وظیفه بود، باید اطلاع بدهید تا اینکه این را جلوی او بگیرند. (۱۰۵)

وظیفه تمامی ملت
در امر و نهی

۵۹/۶/۱۱

* * *

ما همه امروز وظیفه داریم. امر به معروف و نهی منکر بر همه مسلمین واجب است. جلوگیری از منکرات بر همه مسلمین

واجب است. سفارش به حق که امر به معروف است و نهی از منکر است بر همهٔ مسلمین واجب است. شما و ما موظفیم که هم در تمام اموری که مربوط به دستگاههای اجرایی است امر به معروف کنیم. و اگر اشخاصی پیدا می‌شوند که خلاف می‌کنند معرفی کنیم به مقاماتی که برای جلوگیری مهیا هستند. و مشکلات را هم تحمل کنیم. (۱۰۶)

۵۹/۱۰/۱۱

* * *

ملت ما امروز تکلیفش این است که تمام افراد، تمام افراد ملت، چشم و گوششان را باز کنند و رفت و آمدهای آنها را کنترل کنند. اگر نشسته ملت که برای او پاسدارها فقط، کمیته‌ها فقط، دولت فقط، انجام وظیفه بدهد، این اشتباه است. همهٔ افراد الآن موظفاند به اینکه این مسائل را تعقیب کنند. این خرابکارهایی که در گوشه‌ها خزیده‌اند و مشغول خرابکاری هستند و مع‌الأسف، جوانهای بی‌توجه ما را، دخترهای خردسال ما را، پسرهای خردسال ما را اغفال می‌کنند، باید پدر و مادر اینها توجه داشته باشند که آنها را، آنها به تباهی می‌کشند، برای اینکه آب گل آلود بشود، اگر بتوانند بهره بردارند و اگر نتوانند هم لا اقل این دیوار را خرابش کنند. تمام پدر و مادرها و اقوام و عشیره‌ها موظفاند که این بچه‌های گولخورده را، این پسرهای گولخورده را، این دخترهای گولخورده را، اینها را نصیحت کنند. اینها را از این کار که بر خلاف مسیر ملت است، بر خلاف مسیر اسلام است اینها را بازدارند از این کارها، ننشینند که بچه‌هایشان بروند در بین مردم و خرابکاری کنند و گرفتار بشوند و به جزای خودشان برسند و در

وجوب امر به
معروف و نهی از
منکر بر مسلمین

انجام وظیفه در
برابر منافقان

آن دنیا هم به جزای خودشان برسند. نگذارند. (۱۰۷)

۶۰/۴/۱۱

* * *

ابرقدرتها می‌خواهند انسانیت انسانها را تحت سلطه قرار دهند و ما و شما و هر مسلمانی مکلف است در مقابل آنها بایستد و سازش نکند و طرحهایی از قبیل طرح سادات و فهد را رد کند. بر ما واجب است که اینگونه طرحها را، که به نفع مستضعفین نیست، محکوم نماییم. (۱۰۸)

وجوب طردِ طرح
سادات و فهد

۶۰/۸/۶

* * *

من نصیحت برادرانه به شما می‌کنم که کاری نکنید که قرآن کریم برای برخورد با شما تکلیف نماید و ما به حکم خدا با شما رفتار کنیم. و یقین بدانید که امثال حسنی مبارک مصری و حسین اردنی و دیگر هم جنایتکارانِ آنان برای شما نفعی ندارند و دین و دنیای شما را تباه می‌کنند. و اگر با نشستهای خود بخواهید طرح کمپ دیوید یا فهد را، که مرده‌اند، زنده کنید؛ که ما خطر بزرگ برای کشورهای اسلامی خصوصاً حرمین شریفین می‌دانیم، اسلام به ما اجازه سکوت نمی‌دهد. (۱۰۹)

عدم جواز سکوت
در برابر خیانتها

۶۱/۳/۳

* * *

اکنون بر علمای اسلام و نویسندگان و دانشمندان و هنرمندان و فیلسوفان و محققان و عارفان و روشنفکرانی که از این مسائل رنج

می‌برند و به حال اسلام و مسلمین تأسف می‌خورند، در هر منطقه و دارای هر مذهب و مسلکی که هستند، لازم است برای جلوگیری از این خطر عظیم که اسلام و مسلمین گرفتار آن هستند دامن همت به کمر زنند، و با هر وسیله ممکن در مساجد و محافل و مجالس عمومی مسلمانان را هشدار دهند و از آنان غفلت‌زدایی نمایند، و آنان را برای یک نهضت عمومی اسلامی مهیا کنند. و باید بدانند که این امری است ممکن و شدنی، ولی محتاج به کوشش و فداکاری می‌باشد. (۱۱۰)

۶۳/۶/۴

* * *

امروز که نسیم بیداری در سراسر جهان وزیدن گرفته و توطئه‌های فریباگر ستمکاران تا حدودی فاش شده است، وقت آن است که دلسوختگان واقعی مظلومان از هر قوم و قبیله و در هر مرز و بوم با قلم و بیان و اندیشه و فکر از جنایات ستمگران در طول تاریخ سیاه آنان پرده بردارند و پرونده‌های تجاوز آنان را به ساکنین این سیاره ارائه دهند. و علما و دانشمندان سراسر جهان بویژه علما و متفکران اسلام بزرگ یکدل و یک جهت در راه نجات بشریت از تحت سلطه ظالمانه این اقلیت حيله‌باز و توطئه‌گر که با دسیسه‌ها و جنجالها سلطه ظالمانه خود را بر جهانیان گسترده‌اند، بپا خیزند و با بیان و قلم و عمل خود خوف و هراس کاذبی را که بر مظلومان سایه افکنده است بزداينند؛ و این کتابهایی را که اخیراً با دست استعمار که از آستین کثیف این بردگان شیطان منتشر شده و دامن به اختلاف بین طوایف مسلمین می‌زنند نابود کند و ریشه خلاف که سرچشمه همه گرفتاری مظلومان و مسلمانان است را برکند؛ و

آماده کردن مردم
برای یک نهضت
عمومی

افشای ستمگران،
وظیفه علما

یکدل و یک سو بر این رسانه‌های گروهی که در بیشتر ساعات شب و روز به فتنه‌انگیزی و نفاق افکنی و دروغ‌پردازی و شایعه‌سازی عمر خود را می‌گذرانند پرخاش کنند و بر سرچشمه تروریزم که از کاخ سفید می‌جوشد بشورند. (۱۱۱)

۶۳/۱۱/۲۲

* * *

ای حجاج محترم خانه خدا به خود آید! و ای مسلمانان در همه بلاد و اقطار عالم بپاخیزید! و ای علمای اعلام جهان اسلام به داد اسلام و بلاد مسلمین و مسلمانان برسید! و در هر گوشه و کنار، همچون ملت ایران و دولت آن و علما و بزرگان این سامان، دست رد به سینه ستمکاران غرب و شرق زنید، و عمال و کارشناسان دروغین و مستشاران نفتخوار آنان را از بلاد خود بیرون بریزید؛ و همچون سلحشوران ایران، شهادت را بر ذلت و شرف اسلام و انسانی را بر رفاه و عیش چند روزه توأم با خواری و شرمساری ترجیح داده، و در میدان نبرد سیاسی و نظامی بر آنان چیره شوید؛ و از هیاهوی تبلیغاتی آنان باک نداشته باشید که خداوند تعالی با شماست: **إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبِتْ أَقْدَامَكُمْ**.^(۱) (۱۱۲)

پیام به ملت
مسلمان در حج

۶۴/۵/۲۵

* * *

مسلمانان بعد از شرکت در راهپیماییهای براهت و اعلان همبستگی با ملت دلاور ایران، باید به فکر رمی استعمار از کشورها و سرزمینهای اسلامی خود باشند و برای بیرون راندن

۱. اگر خدا را یاری کنید، خداوند یاربتان خواهد کرد و گامهایتان را استوار سازد؛ (محمد / ۷).

جنود ابلیس و برجیدن پایگاههای نظامی شرق و غرب از کشورهای خود تلاش نمایند و نگذارند دنیاخواران از امکانات آنان، در جهت منافع خود و ضربه زدن به کشورهای اسلامی استفاده کنند که این بزرگترین ننگ و عار کشور و سران ممالک اسلامی است که بیگانگان به مراکز سرّی و نظامی مسلمانان راه پیدا کنند. مسلمانان از هیاهو و طلبهای توخالی و تبلیغاتِ ظالمانه نهراسند که کاخها و قدرتهای نظامی و سیاسی استکبار جهان، همانند لانهٔ عنکبوت سست و در حال فرو ریختنند. مسلمانان جهان باید به فکر تربیت و کنترل و اصلاح سران خود فروختهٔ بعضی کشورها باشند و آنان را با نصیحت یا تهدید از این خواب‌گرانی که هم خودشان و هم منافع ملتهای اسلامی را به باد فنا می‌دهد، بیدار نمایند و به این سرسپردگان و نوکران هشدار بدهند و خودشان هم با بصیرت کامل از خطر منافقین و دلالان استکبار جهانی غافل نشوند و دست روی دست نگذارند و نظاره‌گر صحنهٔ شکست اسلام و غارت سرمایه‌ها و منابع و نوامیس مسلمین نباشند. (۱۱۳)

برائت از مشرکین

۶۶/۵/۶

* * *

وجوب امر و نهی و تکلیف شرعی

تکلیف هست آقا برای همهٔ ما. یک چیزی نیست که ... تکلیف است؛ تکلیف الهی است. یک ملتی همه چیزش را دارد از دست می‌دهد و از دست داده است، اهتمام به امور مسلمین از اَوْجَبِ واجبات است. باید شما مهتم به این امر باشید، **وَالْأَقْلَبُ بِمُسْلِمٍ**. این

وجوب اهتمام به
امور مسلمین

از اموری است که لازم است بر همه ما. ما همه مکلفیم که این کیان اسلام را در ایران حفظ کنیم. (۱۱۴)

۵۷/۳/۱۰

* * *

ما دنبال این مطلب هستیم و آنقدری هم که از قوه مان می آید ما دنبال این می دویم. اگر توانستیم که کار را انجام بدهیم که الحمدلله توانستیم و یک خدمتی به این ملت کردیم؛ اگر نتوانستیم تکلیفمان را ادا کردیم؛ یعنی پیش خدا دیگر چیزی نیست که ما بگوییم ما نکردیم این کار را. عذرتراشی نکردیم. واقعاً یک مطلبی را عمل کردیم، و دستمان نرسیده نتوانستیم این کار را بکنیم. پیش خدا آبرومندیم. (۱۱۵)

وظیفه ما، ادای
تکلیف

۵۷/۸/۲۷

* * *

حالا اینکه می خواستم عرض بکنم این است که شما خیال نکنید که اگر یکوقت ما نرسیدیم به مقصد، گفته بشود که خوب چه شد؟ خونها ریخت و از بین رفت و چه شد؟ اولاً شده است خیلی چیزها. اینها الآن از آن خر شیطان پایین آمده اند یک قدری؛ و ثانیاً چه شد؟ یک تکلیف را ادا کردیم. این همان است که «خوارج» ممکن بود به حضرت امیر بگویند خوب چه شد؟ شما هجده ماه جنگ کردید چه شد؟ «چه شد» یعنی چه؟ خوب تکلیف ماست. ما حالا نماز داریم می خوانیم، یک کسی بگوید خوب شما بیست - سی سال نماز خواندید چه شد؟! خوب من بیست سال نماز، اطاعت خدا کردم. «چه شد» کدام است؟! من اطاعت خدا را کردم.

خدا گفته بکن، من هم کردم. «چه شد» مال این است که یک مسئله‌ای باشد که تکلیف شرعی نباشد و یک مسئله خودمانی باشد، آدم بخواهد روی مقصد [شخصی] یک کاری بکند، وقتی نشد می‌گوییم چه شد؛ اما وقتی که جلوگیری از یک بنگاه ظلمی، یک بنگاهی که می‌خواهد اصلاً اساس اسلام را از بین ببرد، اساس روحانیت را از بین ببرد، اساس ملیت را از بین ببرد، مصالح مردم و مسلمین را به خطر انداخته است و از بین برده است، تکلیف مسلمین این است که قیام کنند و این را برش گردانند از این حرفهایی که می‌زند؛ یعنی این را بیرونش کنند از این مملکت. و اگر دست هم رسید بگیرندش و محاکمه‌اش کنند و پولهای مردم را که برده از او بگیرند؛ اگر هم ندارد و [ضایع] کرده است، هر ظلمی را که کرده او را مجازاتش بکنند. این یک چیزی است که لازم است بر ما. بر مسلمین است که این کار را بکنند. منتها توانستیم این کار را انجام بدهیم که الحمدلله؛ هم تکلیفمان را ادا کردیم هم به مقصد رسیدیم. نتوانستیم عمل بکنیم به تکلیفمان عمل کردیم؛ نماز خواندیم. حالا «چه شد» یعنی چه؟ خوب نماز خواندم، مبارزه و معارضه‌ای با ظلم کردیم، با ظالم کردیم؛ با کسی که می‌خواسته یک مملکتی را خراب کند و خراب کرده است و همه مصالح مسلمین را زیر پا گذاشته و به کفار داده است، با این جنگ و نزاع کردیم؛ خون دادیم؛ خون گرفتیم؛ همه این کارها را کردیم اما تکلیف بوده است که کردیم. رسیدیم به مقصد الحمدلله، نرسیدیم به مقصد تکلیفمان را ادا کردیم. هیچ باکی از این مطلب نداریم و ان شاء الله می‌رسیم؛ ان شاء الله. (۱۱۶)

هدف، ادای تکلیف

نه نتیجه

همان طوری که سیدالشهداء - سلام الله علیه - تکلیف شرعی الهی می‌خواست عمل بکند، غلبه بکند تکلیف شرعی‌اش را عمل کرده، مغلوب هم بشود تکلیف شرعی‌اش را عمل کرده. قضیه تکلیف است. قضیه این است که مقابل یک نفری^(۱) که دارد همه حیثیات اسلام و مسلمین را می‌برد و سلطه پیدا کرده است بر مقدرات مسلمین و سلطه می‌دهد کفار را بر بلاد مسلمین، ارتش ایران را به دست مستشارهای امریکا می‌سپارد، مخازن ایران را به جیب این و آن می‌کند، فرهنگ ایران را ضایع کرده، ایران به یک شکل نمونه درآمده است، یک همچو آدمی که بر مسندی نشسته است که باید مثل امام حسین - سلام الله علیه - بنشیند، این استنکار لازم دارد؛ یعنی بر همه مردم لازم است که این را به او بگویند که بیا پایین از این مسند! همه مکلف هستند. (۱۱۷)

قیام در برابر یزید،
یک تکلیف شرعی

۵۷/۹/۱۱

* * *

من در پاریس که بودم بعضی خیراندیش‌ها می‌گفتند که نمی‌شود دیگر! وقتی که نمی‌شود باید چه کرد؟ باید یک قدری [...] گفتم ما تکلیف شرعی داریم عمل می‌کنیم و مقید به این نیستیم که پیش ببریم. برای اینکه آن را ما نمی‌دانیم، قدرتش را هم الآن نداریم اما تکلیف داریم. ما تکلیف شرعی خودمان را عمل می‌کنیم. من اینطور تشخیص دادم که باید این کار را بکنیم. اگر پیش بردیم، هم به تکلیف شرعی عمل کرده‌ایم هم رسیده‌ایم به مقصد. اگر پیش نبردیم، به تکلیف شرعی مان عمل کرده‌ایم. نتوانستیم، حضرت امیر هم نتوانست؛ تکلیف را عمل کرد ولی در مقابلش ایستادند؛

قیام در برابر شاه،
یک تکلیف شرعی

۱. مقصود، شاه است.

اصحاب خودش ایستادند در مقابلش، نتوانست. این چیزی نیست. خوب، ما به اندازه قدرتمان می‌توانیم کار بکنیم. (۱۱۸)

۵۸/۳/۸

* * *

من امیدوار هستم که خداوند تأیید کند ما را در این مقصدی که داریم، لکن مهم این است که ما تکلیفی ادا می‌کنیم؛ تکلیف ما این است که در مقابل ظلمها بایستیم، تکلیف ما این است که با ظلمها مبارزه کنیم، معارضه کنیم، اگر توانستیم آنها را به عقب برانیم که بهتر، و اگر نتوانستیم به تکلیف خودمان عمل کردیم. اینطور نیست که ما خوف این را داشته باشیم که شکست بخوریم. اولاً که شکست نمی‌خوریم؛ خدا با ماست، و ثانیاً بر فرض اینکه شکست صوری بخوریم شکست معنوی نمی‌خوریم، و پیروزی معنوی با اسلام است، با مسلمین است، با ماست. شما قدرتمند باشید و در مقابل همه مشکلات قیام کنید و وحدت خودتان را حفظ کنید، توجه به خدا را حفظ کنید. (۱۱۹)

۵۹/۲/۲۸

* * *

ما یک تکلیفی داریم، ادا می‌کنیم. ما به شرط غلبه قیام نمی‌کنیم، ما می‌خواهیم یک تکلیفی ادا بکنیم. اگر غالب شدیم که نتیجه هم به دست آمده و چنانچه غالب نشدیم و کشته شدیم، انبیا هم خیلی شان، اولیا هم خیلی شان قیام می‌کردند و نمی‌توانستند به مقصد خودشان برسند. ما مکلفیم که در مقابل یک همچو ظلمی که در آستانه این است که اسلام را وارونه کند و کج‌فهمی‌ها اسلام

عدم ترس از
شکست

تکلیف شرعی
مبارزه با بدعتها

را صدمه بزنند، ما می‌خواهیم که در مقابل یک همچو بدعت‌هایی
اظهار نظر بکنیم، چه غالب بشویم و چه نشویم. (۱۲۰)

۵۹/۵/۲۸

* * *

ما اگر دستمان می‌رسید، قدرت داشتیم، باید برویم تمام ظلم و
جورها را از عالم برداریم. تکلیف شرعی ماست، منتها ما
نمی‌توانیم. اینی که هست این است که حضرت عالم را پر می‌کند
از عدالت؛ نه شما دست بردارید از تکلیفتان، نه اینکه شما دیگر
تکلیف ندارید. (۱۲۱)

تکلیف شرعی،
مبارزه با ظلم

۶۷/۱/۱۴

* * *

عالم پر از ظلم است. شما یک نقطه هستید در عالم. عالم پر از ظلم
است. ما بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم، باید بگیریم؛ تکلیفمان
است. ضرورت اسلام و قرآن [است]، تکلیف ما کرده است که
باید برویم همه کار را بکنیم. (۱۲۲)

جلوگیری از ظلم
ضرورت قرآن و
اسلام

۶۷/۱/۱۴

* * *

فصل سوم

معروفها

من به شما آقایان توصیه می‌کنم، برسانید به این مملکت، برسانید به همه اطراف این مملکت، که آقا در مقابل یک همچو کاری که جوانهای شما را دارند فوج فوج از دستتان می‌گیرند، مجامع دینی درست کنید. در جمعه‌ها که آنها می‌خواهند شما را به مراکز فساد بکشند، مجامع تبلیغاتی درست کنید؛ مردم را دعوت به دین بکنید؛ مصالح روز را به مردم بگویید؛ مفاسد روز را به مردم بگویید. موظفیم ما به این معنا؛ باید این کار بشود. اگر این کار نشود، از دست می‌برند جوانهای شما را. (۱۲۳)

تشکیل مجامع

دینی

۴۳/۶/۱۸

* * *

بر شما ملت عزیز اسلام که برای ادای مناسک حج در این سرزمین وحی اجتماع کرده‌اید لازم است از فرصت استفاده کرده به فکر چاره باشید. برای حل مسائل مشکله مسلمین تبادل نظر و تفاهم کنید.

باید توجه داشته باشید که این اجتماع بزرگ که به امر خداوند

دفاع از فلسطین

تعالی در هر سال در این سرزمین مقدس فراهم می‌شود، شما ملت‌های مسلمان را مکلف می‌سازد که در اهداف مقدسه اسلام، مقاصد عالیة شریعت مطهره و در راه ترقی و تعالی مسلمین و اتحاد و پیوستگی جامعه اسلامی کوشش کنید. در راه استقلال و ریشه‌کن کردن سرطان استعمار، همفکر و هم‌پیمان شوید. گرفتاری‌های ملل مُسلم را از زبان اهالی هر مملکت شنیده و در راه حل مشکلات آنان از هیچ‌گونه اقدامی فروگذار نکنید. برای فقرا و مستمندان کشورهای اسلامی فکری کنید. برای آزادی سرزمین اسلامی فلسطین از چنگال صهیونیسم، دشمن سرسخت اسلام و انسانیت، چاره‌اندیشی کنید. از مساعدت و همکاری با مردان فداکاری که در راه آزادی فلسطین مبارزه می‌کنند غفلت نوزید.

بر دانشمندانی که در این اجتماع شرکت می‌کنند، از هر کشوری که هستند، لازم است برای بیداری ملت‌ها بیانیه‌های مستدلی با تبادل نظر صادر کرده و در محیط وحی بین جامعه مسلمین توزیع نمایند، و نیز در کشورهای خود پس از مراجعت، نشر دهند؛ و در آن بیانیه‌ها از سران کشورهای اسلامی بخواهند که اهداف اسلام را نصب عین خود قرار داده اختلافات را کنار گذاشته برای خلاصی از چنگال استعمار چاره بیندیشند. (۱۲۴)

بهمن ۱۳۴۹

* * *

ملت ایران نباید ۱۵ خرداد را از یاد ببرند. و نباید هیچ یک از این جنایاتی که از ۱۵ خرداد به این طرف شده است (و جلوترش به دست پدر این^(۱) شده است) نباید ملت ایران اینها را از یاد ببرد؛

۱. مراد، محمدرضا شاه و رضا شاه است.

اینها باید سرلوحه قضایای آنها باشد، برای اینکه مبدأ تفکر باشد، باید سران قوم تفکر کنند در این امور؛ ۱۵ خرداد را باید حفظش کنند. می‌توانند، با جار و جنجال و هیاهو و تظاهرات؛ [اگر] نمی‌توانند، با مقاومت منفی و بیرون نیامدن از منازل. اگر می‌بینند که اینها مثل گرگ به جان مردم افتادند و جوانهای آنها را می‌خواهند بکشند، در منازل بمانند؛ یک روز - تنفراً از این رژیم و از این آدم، اعتراضاً بر این آدم - در منزل بمانند؛ اگر [هم] می‌توانند، تظاهر کنند. اما از یاد نباید برد؛ باید این زنده باشد، ان شاء الله از یاد هم نمی‌برند. (۱۲۵)

زنده نگه داشتن

۱۵ خرداد

۵۷/۳/۱۰

* * *

در خاتمه از ملت شریف ایران که بارها در اینگونه مسائل امتحان خود را داده‌اند، خواهش می‌کنم که به خواهران و برادران خود که در اثر اعتصابات و تظاهرات صدمه مالی و جانی دیده‌اند، با احترام تمام آنان را یاری دهند؛ و این وظیفه الهی را به بهترین وجه عمل نمایند که «خمینی» همیشه به یاد آنان است و دست آنان را می‌فشارد. (۱۲۶)

کمک به اعتصابیون

۵۷/۸/۱۶

* * *

اما تشکر می‌کنم از این قشرهایی که متصل شدند به ملت. اینها آبروی خودشان را، آبروی کشورشان را، آبروی ملتشان را، اینها حفظ کردند. این درجه‌دارها، همافرها، افسرهای نیروی هوایی - اینها همه مورد تشکر و تمجید ما هستند؛ و همین طور آنهایی که

اتصال نظامیان به

ملت

در اصفهان و در همدان و در سایر جاها اینها تکلیف شرعی، ملی، کشوری خودشان را دانستند و به ملت ملحق شدند و پشتیبانی از نهضت اسلامی ملت کردند. ما از آنها تشکر می‌کنیم و به اینهایی که متصل نشدند می‌گوییم که متصل بشوید به اینها. اسلام برای شما بهتر از کفر است؛ ملت برای شما بهتر از اجنبی است. (۱۲۷)

۵۷/۱۱/۱۲

* * *

پاسداری در این مرحله این است که از عدالت پاسداری کنید؛ از حکومت عدل پاسداری کنید. اگر خدای نخواست، فرض کنید یک نفر جوان مسمای به «پاسدار» به رفیقش، به منزل یک کسی، به خانه یک کسی، به مال یک کسی، تعدی بکند، آن از پاسداری خودش همین طوری مخلوع است. (۱۲۸)

پاسداری از عدالت

۵۸/۴/۶

* * *

هر یک ما باید آن عملی که دستش می‌دهند خوب انجام بدهد. نرود سراغ اینکه دیگران چه می‌کنند، بخواهد دخالت [کند] در کار دیگران. نه، دخالت در کار دیگران نکنید. شما آن کاری که به آن موظف هستی همان کار را خوب انجام بده، برادرت هم که پهلویت نشسته اگر انجام خواست بدهد، دیدی یک خلافی می‌خواهد بکند، به او بگو که آقا ما جمهوریمان اسلامی است. جمهوری اسلامی معنایش این است که عدالت باشد، عدالت این است که این آدمی که الآن احتیاج به من دارد، از خارج آمده الآن، از راه دور آمده، به این اداره احتیاج دارد، زود رسیدگی بشود

راه‌انداختن کار

مردم

به احتیاج این. این طور نباشد که یک کسی که آشنای ما هست، جلو کارش را انجام بدهیم، یک کسی که خیر، غریبه هست، عقبتر انجام بدهیم و هکذا، چیزهایی که شما می دانید می شد، این چیزهایی که می شد دیگر نگذارید بشود. (۱۲۹)

۵۸/۴/۱۷

* * *

ملت عزیز ایران، شما شرق تجاوزگر و غرب جنایتکار را به وحشت انداخته، هیچ‌گاه با هیچ قدرتی سازش نکنید که یقین دارم نمی‌کنید. و هر کس در هر مقام که خیال سازش با شرق و غرب را داشت بی‌محابا و بدون هیچ ملاحظه او را از صفحه روزگار براندازید، که سازش با شرق و غرب خود باختگی است و خیانت به اسلام و مسلمین است. امروز روز شهادت و خون است؛ و ما هر روز انتظار همه‌گونه توطئه را در سراسر ایران داریم. ولی مکتب اسلام عزیزمان دستور می‌دهد تا دست از آزادیخواهی و استقلال‌طلبی برداریم و ما نیز برنخواهیم داشت. (۱۳۰)

۵۸/۱۱/۲۲

* * *

باید تصدی کرد. حتی در زمان بعضی از امرای سابق مثل خلفای بنی‌عباس و بنی‌امیه و اینها، بعضی از اشخاص در خدمت آنها به حسب ظاهر می‌رفتند - و اشخاص بسیار صحیحی بودند - برای جلوگیری از بعضی مظالم. اینطور نیست که اگر یک حکومتی هم ظالم شد، کسی بداند که می‌تواند رفع ظلمی از مردم بکند، می‌تواند یک راه صحیحی را پیش بگیرد، بتواند از آن‌شانه

آزادیخواهی و
استقلال‌طلبی

تصدی امور برای
رفع ستم

خالی کند. (۱۳۱)

۵۹/۵/۲۵

* * *

مأمورینی که از دولت می آیند، در همه جا، مأمورین دولت اسلامی هستند. اگر - خدای نخواستہ - از یک مأمور که من حیث اینکه درست اطلاع بر مسائل ندارد یا اشتباه می کند، یک مطلبی که برخلاف ذائقه شماسست یا بر خلاف مسائل اسلامی است، از او صادر بشود، مقابله نکنید، تضعیف نکنید، او را نصیحت کنید. چنانچه نصیحت را گوش نکرد، به مصادر امور مراجعه کنید. ائمه جمعه بلاد نصب و عزل نکنند.

و کسانی که در بین ارتش یا سایر ارگانها، انجمنهای اسلامی دارند، اینها دخالتهای غیر چیزهایی که بر عهده آنها است نکنند. ارشاد بکنند دولت را، ارشاد بکنند مأمورین دولت را و همه کسانی [را] که در پیش آنها هستند؛ آنها را ارشاد بکنند. و چنانچه کسی هم گوش به ارشاد نداد، به مصادر اموری که مسئولیت دارند مراجعه کنند، حل خواهد شد.

ارشاد دولت و
مسئولان

برای حفظ حیثیت اسلام که شماها پاسدار آن هستید و حفظ حیثیت جمهوری اسلامی که شماها نگهبانان آن هستید، از کارهایی که نباید انجام بدهید و از کارهایی که دخالت در امور اجرایی است که با کسی دیگری است که انجام بدهد، مستقیماً عمل نکنید، ارشاد بکنید همه را. نظر ارشادی داشته باشید. اگر یک مطلب اشتباهی از یک استاندار واقع شد یا از یک فرماندار، در منابع نبرید این را و آبروی او را بریزید. این امری است که خدا راضی نیست. به او بگویید در خلوت و با او تفاهم کنید و از او

بخواهید که رویه را تغییر بدهد. اگر نداد، به مصادر امر مراجعه کنید. مستقیماً بخواهید این کار را بکنید، حیثیت جمهوری اسلامی و حیثیت اسلام در دنیا لکه دار می شود. و شما حافظ این حیثیت هستید و فریضه است برای همه ما حفظ حیثیت این جمهوری اسلامی. شما می بینید که امروز همه قلمها و همه زبانها از ابرقدرتها یا دولتهای مرتبط به آنها، بر ضد این جمهوری اسلامی تجهیز شده اند، و همه با یک رویه خاصی عمل دارند می کنند؛ ما دیگر بهانه دست آنها ندهیم. (۱۳۲)

۶۱/۳/۳۱

* * *

فصل چهارم

منکرها

حکومت پهلوی و منکرات

ما می‌گوییم دولتی^(۱) که برای پیشرفت کلاه لگنی نیم خورده اجانب، چندین هزار افراد مظلوم کشور را در معبد بزرگ مسلمین و جوار امام عادل^(۲) مسلمانان با شصت تیر و سرنیزه، سوراخ سوراخ و پاره پاره کند، این دولت، دولت کفر و ظلم است و اعانت آن عدیل کفر و بدتر از کفر است.

ما می‌گوییم دولتی که برخلاف قانون کشور و قانون عدل، یک گروه حیوان آدمخوار را به نام پاسبان شهربانی در هر شهر و ده به جان زنهای عفیف بی جرم مسلمانان، بریزد و حجاب عفت را با زور سرنیزه از سر آنها برباید و به غارت و چپاول ببرد، و محترمت بی سرپرست را در زیر لگد و چکمه خورد کند و بیچه‌های مظلوم آنان را سقط کند؛ این دولت، دولت ظالمانه، و اعانت بر آن عدیل کفر است. ما حکومت دیکتاتوری را ظالمانه و عمال آن را ظالم و ستمکار می‌دانیم، شماها در این سخن حرفی دارید، بزنید تا رسوایی بیش از این شود. (۱۳۳)

کشتار مسلمین و
کشف حجاب

۱. اشاره به دولت رضاشاه پهلوی است.

۲. مقصود، حرم مطهر امام رضا - علیه السلام - است.

تساوی حقوق^(۱) من جمیع الجهات، پایمال کردن چند تا حکم ضروری اسلام است، نفی کردن چند تا حکم صریح قرآن است. (۱۳۴)

نفی حکم قرآن

۴۲/۲/۱۲

* * *

اگر همه علمای اسلام یک مطلبی را بگویند، حالا که خطر بر اسلام وارد شده و آن خطر یهود است و حزب یهود - که همین حزب بهائیت است - این خطر که حالا نزدیک شده، اگر آقایان، علمای اعلام، خطبا، طلاب، همه با هم هم‌صدا بگویند که آقا ما نمی‌خواهیم که یهود بر مقدرات مملکت ما حکومت کند، ما نمی‌خواهیم که مملکت ما با مملکت یهود هم‌پیمان بشود در مقابل پیمان اسلامی؛ آنها - مسلمین - باهم هم‌پیمان می‌شوند، آقایان با یهود هم‌پیمان می‌شوند! خوب، چه وضعی است این مملکت؟ اگر نوکر هم هستیید چرا اینقدر نوکر؟! (۱۳۵)

تسلط یهود و
بهائیت

۴۲/۲/۱۲

* * *

دستگاه جبار^(۲) در گذشته به اسلام و قرآن اهانت کرد و خواست قرآن را در ردیف کتب ضاله قرار دهد. اکنون با اعلام تساوی حقوق، چندین حکم ضروری اسلام محو می‌شود. اخیراً وزیر دادگستری در طرح خود شرط اسلام و ذکوریت را از شرایط

حذف شرایط
اسلامی در قضات

۱. اشاره به لایحه و گفتگوهای تساوی حقوق زن و مرد است.

۲. مراد، رژیم پهلوی است.

قضات لغو کرده. (۱۳۶)

اردیبهشت ۱۳۴۲

* * *

کراراً تذکر داده‌ام که این دولت سوءنیت داشته و با احکام اسلام مخالف است. نمونه‌های آن یکی پس از دیگری ظاهر می‌شود. وزارت دادگستری دولت، با طرحهای خود و الغای اسلام و رجولیت از شرایط قضات، مخالفت خود را با احکام مسلمة اسلام ظاهر کرد. از این به بعد باید در أعراض و نفوس مسلمین، یهود و نصاری و دشمنان اسلام و مسلمین دخالت کنند. (۱۳۷)

مخالفت با احکام
اسلام

۴۲/۲/۱۲

* * *

من از کلمه «الْكَفْرُ مِلَّةٌ وَاحِدَةٌ» که از سازمانها به دست و دهانها افتاده متأسفم. این کلام برخلاف نص کلام الله، و برای پشتیبانی از اسرائیل و عمال اسرائیل است، مقدمه شناسایی اسرائیل است، برای پشتیبانی از عمال اسرائیل و فرقه ضاله منحرفه است. من متأسفم از اینکه در مملکت اسلامی برخلاف قانون اساسی اوراق ضاله مخالف با نص قرآن و ضروریات دین مقدس نشر می‌شود، و دولتها از آن پشتیبانی می‌کنند. کتاب انتقاد که بر رد قرآن مجید نوشته شده، و طرح قانون خانواده که برخلاف احکام ضروریة اسلام و خلاف نص کلام الله مجید [است] طرح و منتشر می‌گردد، و کسی نیست از دولتها استیضاح کند. (۱۳۸)

پشتیبانی از
اسرائیل

۴۳/۱/۱۸

* * *

آقا، من اعلام خطر می‌کنم! ای ارتش ایران، من اعلام خطر می‌کنم! ای سیاسیون ایران، من اعلام خطر می‌کنم! ای بازرگانان ایران، من اعلام خطر می‌کنم! ای علمای ایران، ای مراجع اسلام، من اعلام خطر می‌کنم! ای فضلا، ای طلاب، ای مراجع، ای آقایان، ای نجف، ای قم، ای مشهد، ای تهران، ای شیراز، من اعلام خطر می‌کنم! خطر دار است. معلوم می‌شود زیر پرده‌ها چیزهایی است و ما نمی‌دانیم. در مجلس گفتند نگذارید پرده‌ها بالا برود! معلوم می‌شود برای ما خوابها دیده‌اند! از این بدتر چه خواهند کرد؟ نمی‌دانم، از اسارت بدتر چه؟ از ذلت بدتر چه؟ چه می‌خواهند با ما بکنند؟ چه خیالی دارند اینها؟ این قرضه دلار چه به سر این ملت می‌آورد؟ این ملت فقیر [پس از] ده سال هشتصد میلیون تومان نفع پول به امریکا بدهد؟! در عین حال ما را بفروشید برای یک همچو کاری؟!

کاپیتولاسیون

نظامیهای امریکا و مستشارهای نظامی امریکایی به شما چه نفعی دارند؟ آقا! اگر این مملکت اشغال امریکاست، پس چرا اینقدر عربده می‌کشید؟! پس چرا اینقدر دم از «ترقی» می‌زنید؟! اگر این مستشارها نوکر شما هستند، پس چرا از اربابها بالاترشان می‌کنید؟! پس چرا از شاه بالاترشان می‌کنید؟! اگر نوکرند، مثل سایر نوکرها با آنها عمل کنید. اگر کارمند شما هستند، مثل سایر ملل که با کارمندانشان عمل می‌کنند، شما هم عمل کنید. اگر مملکت ما اشغال امریکایی است پس بگویید! پس ما را بردارید بریزید بیرون از این مملکت! چه می‌خواهند با ما بکنند؟ این دولت چه می‌گوید به ما؟ این مجلس چه کرد با ما؟ این مجلس غیر قانونی، این مجلس محرم این مجلسی که به فتوا و به حکم مراجع تقلید تحریم شده است، این مجلسی که یک وکیلش از ملت

نیست، این مجلسی که - به ادعا - هی می‌گویند ما! ما! هی ما از «انقلاب سفید» آمدیم! آقا کو این «انقلاب سفید»؟! پدر مردم را درآوردند! آقا من معلم؛ خدا می‌داند که من رنج می‌برم؛ من معلم از این دهات؛ من معلم از این شهرستانهای دورافتاده؛ از این قم بدبخت [گریه حضار]. من معلم از گرسنگی خوردن مردم؛ از وضع زراعت مردم. (۱۳۹)

۴۳/۸/۴

* * *

این مواد قانون اساسی و متمم آن، که مربوط به سلطنت و ولایتعهدی و امثال آن است، کجا از اسلام است؟ اینها همه ضداسلامی است؛ ناقض طرز حکومت و احکام اسلام است. سلطنت و ولایتعهدی همان است که اسلام بر آن خط بطلان کشیده، و بساط آن را در صدر اسلام، در ایران و روم شرقی و مصر و یمن برانداخته است. رسول اکرم (ص) در مکاتیب مبارکش که به امپراتور روم شرقی (هراکلیوس)^(۱) و شاهنشاه ایران^(۲) نوشته، آنها را دعوت کرده که از طرز حکومت شاهنشاهی و امپراتوری دست بردارند؛ از اینکه بندگان خدا را وادار به پرستش و اطاعت مطلقه خود کنند، دست بردارند؛ و بگذارند مردم خدای یگانه و بی شریک را، که سلطان حقیقی است، بپرستند.^(۳) سلطنت و ولایتعهدی، همان طرز حکومت شوم و باطلی است که حضرت سیدالشهدا (ع) برای جلوگیری از برقراری آن، قیام فرمود و شهید شد. برای اینکه زیر بار ولایتعهدی یزید نرود و سلطنت او را به

اسلام، مخالف
سلطنت

۱. هراکلیوس (هرقل اول)، (حدود ۵۷۵ - ۶۴۱ م.) امپراتور روم شرقی.

۲. خسرو دوم، معروف به خسرو پرویز (۶۲۸ م.) شاه ساسانی.

۳. مکاتیب الرسول؛ ج ۱، ص ۹۰، ۱۰۵.

رسمیت نشناسد، قیام فرمود، و همه مسلمانان را به قیام دعوت کرد. اینها از اسلام نیست. اسلام، سلطنت و ولایتعهدی ندارد. (۱۴۰)

* * *

اکنون راه را برای مصیبت بزرگتری باز کرده‌اند و ملت را به اسارت سرمایه‌داران می‌خواهند درآورند. بر رجال دینی و سیاسی و جوانان مدارس دینی و دانشگاه و بر همه طبقات لازم است که قبل از اجرا شدن این واقعه^(۱) و نتایج مرگبار آن اعتراض کنند؛ به دنیا برسانند که این قراردادها مخالف رأی ملت است. (۱۴۱)

اسارت در سایه
سرمایه‌گذاری
خارجی

۴۹/۴/۲۰

* * *

دستگاه جبار، با پول ملت مسلمان، برای شاهانی که در هر عصر ملت‌ها را در زیر چکمه‌های نظامی خود خرد کرده‌اند، شاهانی که همیشه با مذاهب حقه دشمنی داشتند، شاهانی که دشمن سرسخت اسلام بوده و نامه مبارک حضرت رسول (ص) را پاره کردند، شاهانی که نمونه آنان در عصر حاضر پیش چشم همه است، جشن می‌گیرد و چراغانی می‌کند. دنیا بداند که این جشنها و عیاشیها مربوط به ملت شریف و مسلمان ایران نیست، و دایر کننده و شرکت کننده این جشنها خائن به اسلام و ملت ایران می‌باشند. (۱۴۲)

جشن شاهنشاهی

بهمن ۱۳۴۹

۱. اشاره به قرارداد با سرمایه‌داران امریکایی و اسرائیلی است.

ریختن به دانشگاه جز هوای نفس هیچی نیست؛ ریختن به مدرسه فیضیه و آن فضاحتی که در مدرسه فیضیه درآورد که شما خوابش را ندیدید؛ آن بساطی که در مدرسه فیضیه درآوردند: سید جوان را از پشت بام انداختند پایین که آوردنش منزل ما با کمر افسرده یا شکسته؛ آنقدر عمامه سر تفنگها کردند، آتش زدند؛ به جعفرین محمد جسارت کردند، به قرآن جسارت کردند.^(۱) (۱۴۳)

۵۰/۴/۱

* * *

نغمه «سپاه دین» در شرایطی ساز می شود که دستگاه جبار هر روز ضربه های پیگیری به پیکره اسلام وارد می کند، و دست جنایتکار اسرائیل را در تمام شئون اقتصادی، سیاسی و نظامی ایران باز گذاشته است. بسیاری از علمای اعلام، خطبای عظام، محصلین علوم اسلامی و ملت شریف ایران در زندان، تبعید و تحت شکنجه به سر می برند، و جوانان غیور و وطنخواه، اعدام و تیرباران می شوند و یا مقدمات محاکمه و اعدام آنها فراهم می شود. (۱۴۴)

۵۰/۸/۲۱

* * *

در این دهه سیاهی که گذشت جز فقر و ذلت و اختناق، قتلهای دسته جمعی، تیربارانها و اعدامهای غیر قانونی و انباشتن زندانها از علما، روحانیون و جوانان ملت اسلام چیزی عاید مردم ستمدیده ایران نگردیده. هتک مقدسات اسلام، کشتن علما و مردم مسلمان در زیر شکنجه، هجوم به مدرسه فیضیه و دانشگاهها و کشتار

هجوم به حوزه و دانشگاه

زندان و تبعید و شکنجه مردم

مسلط کردن اجانب بر مردم

۱. اشاره به هجوم مزدوران رژیم پهلوی، به مدرسه فیضیه در فروردین ۱۳۴۲ می باشد.

فجیع ۱۵ خرداد که (به طور معروف) پانزده هزار قربانی داشت، از ثمرات دیگر این انقلاب ننگین است. مصونیت بخشیدن به نظامیان امریکایی و بستگان آنها، خرد کردن حیثیت کشور و بر باد دادن استقلال قضایی و مسلط ساختن غارتگران امریکا و صهیونیسم بر کلیه شئون نظامی، سیاسی، تجاری، صنعتی، زراعی و بازارها از دیگر نتایج شوم این انقلاب پرافتخار دستگاه جبار می باشد که آنهمه جشنها، پایکوبیها و تبلیغات پر سر و صدا به راه انداخته مبالغ هنگفتی از دسترنج مردم محروم و گرسنه را صرف این جشنهای ننگین کرده است. (۱۴۵)

۵۱/۱۲/۲۳

* * *

یک رشته فشارهای زیاد دنبال همین اتحاد شکل^(۱) بود و جنایات. چقدر علما را در این قضایا اذیت کردند، تبعید کردند، بعضی را کشتند. و بهانه دومی که باز به تقلید از آتاتورک^(۲) بی صلاحیت - آتاتورک مسلح غیر صالح - باز انجام داد، قضیه کشف حجاب [بود] با آن فضاحت. خدا می داند که به این ملت ایران چه گذشت در این کشف حجاب. حجاب انسانیت را پاره کردند اینها. خدا می داند که چه مخدراتی را اینها هتک کردند و چه اشخاصی را هتک کردند. علما را وادار کردند با سرنیزه که با زنهایشان در مجالس جشن، یک همچو جشنی که با خون دل مردم با گریه تمام می شد، [شرکت کنند]. مردم دیگر هم به همین ترتیب. دسته دسته

منکرات حکومت
رضاخان

۱. اشاره به دستور رضاخان برای لباس متحد بین مردان بود.

۲. مصطفی کمال - آتاتورک (۱۸۸۱-۱۹۳۸ م.) - رهبر ترکیه جدید است. مهمترین اقدامهای او عبارت است از: سیاست جدایی دین از دولت - لباس پوشیدن به سبک غربی - آزادی زنان. اقدامهای اجتماعی و سیاسی آتاتورک مورد تقلید بسیاری از رهبران کشورهای خاورمیانه قرار گرفت.

اینها را دعوت می‌کردند و الزام می‌کردند که با زنهایتان باید جشن بگیرید. «آزادی زن» این بود که الزام می‌کردند، اجبار می‌کردند با سرنیزه و پلیس مردم محترم را، بازرگانهای محترم را، علما را، اصناف را، به اسم اینکه خودشان جشن گرفتند. در بعضی از جشنها، به اصطلاح خودشان، اینقدر گریه کردند مردم که اینها از آن جشن شاید اگر حیایی داشتند پشیمان می‌شدند. یک رشته هم این بود، که خدا می‌داند که چی کردند.

یک رشته هم جلوگیری از منابر و جلوگیری از روضه‌خوانی و خطابه به هر عنوان. در تمام ایران شاید گاهی اتفاق افتاد که عاشورا یک مجلس نداشت. بعضی از اشخاصی که یک قدری مثلاً جرأت داشتند، نصف شب، آخر شب، سحر مجلس داشتند که اول اذان مثلاً تمام بشود.

همه ایران را از این فیض و از اینکه حتی ذکر مصیبتی بشود، ذکر حدیثی بشود محروم کردند. (۱۴۶)

دی ۱۳۵۶

* * *

مردم هر جا دست گذاشتند می‌بینند که «اعلیحضرت» مخالف است. با تاریخ اسلام مخالف است، یعنی با اسلام. بدترین کارهایی که در زمان حکومت این آدم شده است، این تغییر تاریخ است. موفق نمی‌شوند لکن این می‌خواست بشود. بدترین کار. از این کشتارها این بدتر است. این با حیثیت رسول‌الله بازی کردن است. (۱۴۷)

تغییر تاریخ اسلام

۵۶/۱۱/۲۹

* * *

ابتدای کار این بود که بعضی آشکده‌ها را تقویت کرد و تاریخ اسلام را عوض کرد به تاریخ گبرها؛ و خدا می‌داند که این خیانت که این به اسلام کرد و این اهانت که به پیغمبر اکرم - صلی الله علیه و آله - کرد، این خیلی جنایتش بالاتر از این کشتارهایی است که کرده است. کشتارها [را] موازنه اگر بکنیم با این یک کاری که تغییر تاریخ رسمی اسلام را، نشانه توحید را، نشانه انسانیت را، این تبدیل کرد به این چیزهای آتش پرست، به تاریخ آتش پرست، گبرها؛ از همه خیانت‌هایی که به ما کرده است، این بالاتر است. این حیثیت اسلام را می‌خواست از بین ببرد؛ این علامت اسلام را می‌خواست از بین ببرد. نفت‌های ما را فرستاده و برده و داده است به آنها؛ اینها امور مادی است، البته خیانت است، خیانت به یک ملتی است که ذخایر را به اجانب بدهد، لکن قضیه تغییر تاریخ یک اهانت به حیثیت اسلام است. (۱۴۸)

تغییر تاریخ اسلام،
به تاریخ
آتش پرستها

۵۷/۸/۴

* * *

حضور مستشاران نظامی امریکایی در ایران به دنبال سیاست‌های ضد اسلامی و ضد ملی رژیم ایران است، که علاوه بر هزینه هنگفت آن که بر ملت سنگینی می‌کند، آنان را چنان تسلطی بر ارتش و مقدرات کشور داده است که شرف و حیثیت صاحب‌منصبان و درجه‌داران ارتش را به دست آنان لکه‌دار و نابود کرده است. (۱۴۹)

مسلط کردن
امریکایی‌ها بر
ملت

۵۷/۸/۲۴

* * *

جنایات رژیم منحط شاه روز به روز پر اوجتر می‌گردد. افزایش حجم جنایات به قدری است که قدرت بیان را سلب می‌نماید. ضایعات این چند هفته اخیر، سرتاسر ایران را به سوگ نشانده است و قدرت تفکر را از شاه سلب کرده است. دولت یاغی نظامی، به امر شاه، تر و خشک را به آتش کشیده و یکی از بزرگترین ضربه‌های این جنایتکار به اسلام، به مسلسل بستن بارگاه قدس حضرت علی بن موسی الرضا - صلوات الله علیه - است. این بارگاه مقدس در زمان رضاخان به مسلسل بسته شد و قتل عام مسجد گوهرشاد به وجود آمد، و در زمان محمدرضاخان آن جنایت تجدید و دژخیمان شاه در صحن و حریم آن حضرت ریخته و کشتار کردند. (۱۵۰)

حمله به بارگاه امام
رضا علیّه

۵۷/۹/۳

* * *

لکن مسئله این است که الآن یک سلطان جائری است؛ یعنی یک سلطه‌ای دارد بر مردم: قشون دارد، لشکر دارد، و قدرتهای بزرگ هم دنبال سرش هستند، و سلطانِ جائر است، و همه این اوصافی که فرموده‌اند در ایشان هم هست. نفوس مسلمین را خدای تبارک و تعالی محرم کرده است که کسی تصرف در آن نکند این مردم را بکشد؛ این یکی از حرمت‌های الله است و ایشان اجازه می‌دهد، امر می‌کند به آن. اموال مسلمین باید محفوظ باشد، اموال ملت ایران باید محفوظ باشد برای خود ملت ایران، نفت ایران مال خود ایران است، مراتع ایران مال خود ایران است، باید به درد خود ایران بخورد، شیلات ایران باید به درد خود ایران بخورد، مال خود ایران است، جنگلها مال خود ایران است، مخازن زیرزمینی هرچه

تاراج اموال ملت

هست مال خود ایران است، باید خود ایرانی‌ها بیورند، استخراج بکنند و استفاده کنند برای همین مصالح خودشان، برای ملت، ایشان همه اینهایی را که ذکر کردم به باد دادند. بر همه حرام است که اموال مسلمین را، آن اموالی که مال یک ملت است، به باد بدهد و به دشمنهای اسلام مثل اسرائیل بفروشد. اسرائیلی که الآن در حال جنگ است با مسلمین، نفت او را - بیشترش را - می‌گویند که از ایران اداره می‌شود. در افزایش - آن هم از فراری که می‌گویند - بسیاری از این کشته‌هایی که ما داریم با سربازهای اسرائیل شده است. پس ایشان مُسْتَحِل حُرَمَاتِ اللَّهِ است. هم نفوس مسلمین را به باد دارد می‌دهد، و هم اموال مسلمین را. مراتع ما را به غیر داده است. (۱۵۱)

۵۷/۹/۱۸

* * *

بانوان را الزام کردند به اینکه در مجالس کذایی که داشتند حاضر بشوند.^(۱) مردها با زنهایشان، با دخترهایشان، در آن مجلسهای فاسد، الزام داشتند که حاضر بشوند. حتی در قم، در قم که مرکز روحانیت بود، در قم هم این مسائل بود؛ و در همه شهرستانها. (۱۵۲)

برداشتن حجاب و
اختلاط زن و مرد

۵۸/۴/۱۰

* * *

تاکنون رژیم طاغوت، تمام احکام اسلام را، در همه کشور و در کادرهای آموزشی و غیر آموزشی، در وزارتخانه‌ها و ادارات، در

۱. اشاره به زمان رضاشاه است.

ارتش و در سایر جاها، بر خلاف اسلام سیر داده بود. دستور اصلاً این بود که نگذارند اسلام در ایران به معنایی که دارد تحقق پیدا بکند. (۱۵۳)

۵۸/۶/۲۶

* * *

رضا خان را انگلیسها آوردند و مأمورش کردند برای ما، و محمدرضا را متفقین که آمدند ایران - به حسب گفته خودش - صلاح دیدند که محمدرضا باشد. البته آنها صلاح ملت را که نمی دیدند، صلاح خودشان را می دیدند. در طول این مدت هم گرفتاریهای همه جانبه ملت ما را - چه زنها و چه مردها - همه می دانید. شاید بسیاری را یادتان نباشد که من یادم است که اینها در زمان رضا خان به اسم اتحاد شکل، به اسم کشف حجاب، چه کارها کردند، چه پردهها دریدند از این مملکت. چه زورگوییها کردند و چه بچهها سقط شد در اثر حمله‌هایی که اینها می کردند به زنها که چادر را از سرشان بکشند. (۱۵۴)

۵۸/۸/۱۴

* * *

مستشاران امریکا در مقدرات کشور مظلوم ما دخالتهای مستقیم داشتند. تحمیل کاپیتولاسیون بر ملت مظلوم ما به وسیله شاه مخلوع سابق از بزرگترین جنایات امریکا بود که با مخالفت روحانیون و ملت متدین مواجه گشت، و از آن پس چه ستمها و چه جنایات که بر ملت ما وارد نشد. (۱۵۵)

۵۹/۳/۱۱

رواج احکام
غیر اسلامی در
کشور

دست‌نشانده
اجانب

کاپیتولاسیون،
بزرگترین خیانت

در زمان این شخص نالایق، که مملکت ما را به تباهی کشاند، به پیغمبر اکرم در روزنامه سب کردند، در روزنامه به پیغمبر سب کردند و به مرئی و منظر این دولت بود و آن دولتمردان. مجلس درست کردند و در آنجا از پیروزی اسلام بر کفر انتقاد کردند. این روشنفکرها دستمالها را درآوردند و گریه کردند که اسلام بر شاه ایران، شاه آن وقت ایران غلبه کرده است. شعراشان شعر گفتند، نویسندگانشان نوشتند، گویندگانشان گفتند. (۱۵۶)

اهانت و سب به
پیغمبر

۵۹/۶/۱۱

* * *

ما در ایران گرفتار یک حکومت دیکتاتور خبیث [بودیم] که با ملت ما آن کرد که مغول آن طور نکرد. علمای ما را تبعید و آواره از اوطان خودشان کرد و بعضی را شهید، نساء ما را بی احترامی [کرد] و احترام آنها را از بین برد، جوانهای ما را در حبسها و در زجرها، حتی بعضی از آنها را چنانچه گفته‌اند در تاوه سرخ کردند و بعضی از آنها را پای آنها را اره کردند. روحانیون بسیاری از بلاد ما را از بلاد خودشان تبعید و در حبس نگه داشتند و با وضع فجیع به آنها اهانت و ظلم کردند. (۱۵۷)

تبعید و کشتار علما

۶۰/۱/۲۰

* * *

آن روز روزنامه‌ها را می‌دید، روزنامه‌هایی بود که همه برخلاف مصالح خود کشور ما [بود] و چون اسلام را می‌دیدند که اگر باشد، نمی‌شود که این اسلام را جلویش را گرفت، برخلاف اسلام بودند. در زمان رضاخان، خوب شد که شما آنوقت نبودید، خون دلی

فسادهای دوران
رضاخان

خوردند اشخاصی که در آنجا بودند، در آنوقت بودند. آقا! در روزنامه یا در مجله‌ای که آنوقت منتشر شد، به صراحت به رسول اکرم جسارت کرد، یک نفر جواب نداد. به صراحت، شعرای آنوقت، نویسندگان آنوقت، روشنفکران آنوقت همه اینها دست به هم داده بودند که اسلام را بکوبند. البته استثنا داشت، اما آنها در اقلیت بودند، نمی‌توانستند چیزی بگویند. مجلات آن روز، خدا می‌داند که آن مجلات با این جوانها چه کرده است! سینماهای آن روز، تئاترهای آن روز، هنرهای آن روز، اینها هم دست به هم داده بودند که اسلام را از اینجا بیرون کنند و امریکا را وارد کنند. (۱۵۸)

۶۱/۹/۲۸

* * *

خدا می‌داند که اگر آن قدرت محفوظ مانده بود تا حالا چه به سر اسلام در اینجا آورده بود. اگر مهلت پیدا می‌کرد این رژیم غیرانسانی، اسلام را از محتوای خودش بکلی خالی می‌کرد و یک صورت بی‌محتوا، حتی صورت را هم نمی‌گذاشت حفظ بشود. فجایعی که در زمان او واقع شد، تاریخ امید است که ثبت کند و متفکران و متوجهان به مسائل بنویسند و باشد در مخزنها تا ببینند اشخاصی که بعدها می‌آیند. بنا، بر این بود که اصل اسلام در اینجا محو بشود، شروع کردند تاریخ اسلام را تغییر دادند و شروع کردند، و جوانهای ما را از اسلام می‌خواستند جدا کنند. مواد مخدره و موادی که انسان‌کش است، در اینجا به دست همین خاندان پهلوی خریده می‌شد و پخش می‌شد. این نه برای این بود که فقط منافع مادی می‌خواستند، برای این بود که اطاعت امر آنها

مبارزه با اسلام

را بکنند که باید ایران عقب مانده بماند و یک عده افیونی و هروئینی و عیاش نمی‌توانند کشور خودشان را حفظ کنند، آنها بنشینند و چرت بزنند و آنها مخازن آنها را خالی کنند. (۱۵۹)

۶۱/۱۱/۲۱

* * *

اشخاص و گروهها و منکرات

سؤال - [با توجه به فقد روابط سازمانی، آیا یک اتحاد تاکتیکی را با مارکسیستها برای سرنگون کردن شاه در نظر دارید؟ و روش و طرز رفتار شما با آنان پس از موفقیت اجتماعی‌تان چگونه خواهد بود؟]

جواب - نه، ما حتی برای سرنگون کردن شاه با مارکسیستها همکاری نخواهیم کرد. من همواره به هواداران خود گفته‌ام که این کار را نکنند. ما با طرز تلقی آنان مخالفیم. ما می‌دانیم آنها از پشت به ما خنجر زده‌اند و اگر روزی به قدرت برسند، رژیم دیکتاتوری برقرار خواهند کرد و این مخالف روح اسلام است. (۱۶۰)

۵۷/۲/۴

* * *

موافقت با نظام شاهنشاهی چه به صراحت و چه به وسیله‌ی طرحی که لازمه‌اش بقای آن است، خیانت به اسلام و قرآن کریم و مسلمین و ایران است؛ و هر کس با هر اسم با آن روی موافقت نشان دهد مطرود و اجتناب از او لازم است. (۱۶۱)

۵۷/۷/۱۶

همکاری با

مارکسیستها

موافقت با نظام

شاهنشاهی

در همه حال، شعار ما قطع ایادی اجانب راست و چپ از سر کشور است؛ زیرا رشد و استقلال و آزادی با وجود دخالت اجنبی از هر جنس و مسلک و مکتب، در هر امری از امور کشور، اعم از سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و نظامی خواب و خیالی بیش نیست؛ و هر کس در هر مقامی و به هر صورتی اجازه دخالت اجانب را در وطن عزیز ما، چه با صراحت و چه به وسیله طرحهایی که لازمه اش ادامه تسلط اجنبی یا ایجاد تسلط تازه ای باشد بدهد، خائن به اسلام و کشور است، و احتراز از او لازم است. (۱۶۲)

همکاری با خبایث

۵۷/۷/۱۶

* * *

الآن یک تکلیف بیشتر از برای ایرانی ها نیست و آن اینکه این نهضت را محکم نگه دارند و هر چه می توانند بکوبند این دستگاه را تا برود از بین. اگر سستی بکنند و بکنیم، خیانت کرده ایم به این ملت و خیانت کرده ایم به اسلام و قرآن کریم؛ برای اینکه این آدم با همه چیز ما بد است. این دشمن خونخوار همه چیز ماست! اگر یک کسی سستی کند در این قضایا، اهمال کند در این قضایا، کلمه ای بگوید که همراهی باشد با این آدم، این خائن به ملت است، خائن به اسلام است، و باید احتراز کرد از او. (۱۶۳)

کوتاهی در نهضت،
خیانت به ملت

۵۷/۸/۱۷

* * *

در این موقع حساس که سرنوشت ملت ما باید تعیین شود، هر کس در هر مقامی که هست، اگر سستی کند و از پشتیبانی

نهضت شانه خالی کند، مطرود پیشوای عظیم ما، امام عصر - عجل الله فرجه الشریف - است و بر ملت لازم است او را طرد کنند و عذری از او نپذیرند. اگر کسی از سیاسیون، با بودن شاه خائن، درصدد به دست گرفتن حکومت باشد، مطرود و مخالف اسلام است و بر ملت است که او را طرد کنند. (۱۶۴)

همکاری با شاه،
مخالفت با اسلام

۵۷/۹/۱۱

* * *

اگر یکی یک کلمه همراهی با این آدم بکند، این خائن است. به اسلام خیانت کرده است برای اینکه یک آدمی است اینکه به اسلام دارد خیانت می کند؛ یک آدمی که دارد همه حیثیات اسلام را می برد؛ یک آدمی که همه مخازن ما را [می برد] و این ملت را فقیر کرده است. (۱۶۵)

همراهی با شاه،
خیانت به اسلام

۵۷/۹/۱۱

* * *

اگر کسی یک کلمه بگوید که در این کلمه ترویج از این ظالم است، تأیید این ظالم است، با این کلمه حفظ بشود این، ظالم است؛ این خیانتکار به اسلام و مسلمین است. نباید این کار بشود. (۱۶۶)

ترویج ظلم و ظالم،
خیانت به اسلام

۵۷/۹/۱۸

* * *

باید همه قشرهای ملت از قوای مسلح و دستگاههای دولتی تا دانشگاهیان و کارگران و کارمندان و بازاریان و کشاورزان بدانند که اعانت و کمک به این دولت غیرقانونی غاصب کافر از گناهان کبیره

حرمت کمک به
دولت بعث

کلیات □ ۱۰۱

و مخالفت با خدای تعالی است، و کارشکنی و مخالفت عملی و قولی، در حد امکان، از واجبات الهیه است. (۱۶۷)

۵۹/۷/۲۴

* * *

اولاً سازش با شاه یعنی سازش با یک فرد ظالم و خائن. و این سازش، خود بزرگترین خیانت است که هرگز در قاموس اسلام و یک مسلمان واقعی نمی‌گنجد. (۱۶۸)

۵۷/۹/۲۳

* * *

در مقابل این اعلامیه «جبهه ملی» که مخالف نص قرآن مجید است، در مقابل این که مردم را دعوت کرده است به راهپیمایی در مقابل قانون الهی، تکلیف دیگر ندارید شما؟ (۱۶۹)

۶۰/۳/۲۵

* * *

در وقتی که سرتاسر ایران آشوبگران مشغول آشوب هستند، منافقان مشغول فعالیت هستند، و ابتلا به جنگ با قدرتهای بزرگ داریم، و مملکت ما آنجا مبتلا به جنگ است و در داخل مبتلا به این دستجات مختلفی است که به بهانه اسم شماها در خیابانها می‌ریزند و جوانان ما را زخمی می‌کنند و گاهی هم می‌کشند، اینها نهی از منکر نمی‌خواهد؟ اینها را دعوت به شورش می‌کنید این امر به منکر نیست؟ این امر به فساد نیست؟ (۱۷۰)

۶۰/۳/۲۵

سازش با شاه،
بزرگترین خیانت

مخالفت با نص
قرآن

ایجاد آشوب و
فساد در کشور

من از اول یک خَلْجانی در ذهنم حاصل می‌شد راجع به بعضی اینها؛^(۱) لکن صبر کردم. صبر کردم و نصیحت کردم. صبر کردم، و هر وقت اینها آمدند - یعنی هر وقت نه - اما بسیاری اوقات، آنها را به مسائل اسلامی دعوت کردم؛ به عمل به قانون دعوت کردم؛ به حفظ و حراست جمهوری اسلامی دعوت کردم. کم‌کم آن احساس من زیاد شد. تا وقتی که می‌بینم آن جناح منافق در میدان است و تأیید می‌کند. تا وقتی که می‌بینم آن جبهه‌ای که بر ضد اسلام است تأیید می‌کند. [برای] من تکلیف شرعی است، تا دیگر، تأیید نکنم. مگر من می‌توانم که یک جریان‌ی که بر ضد اسلام و بر ضد کشور ما دارد انجام می‌گیرد، باز ساکت بنشینم اینجا و بگویم بیایید و با شما صحبت کنم. من اگر احتمال این معنا را می‌دادم که اینها به اسلام برگردند و به قانون اساسی که سوگند خورده‌اند وفادار باشند و قوانین اسلام را قبول کنند، من اگر احتمال این را می‌دادم - برای یک محظوری که من در آن محظور هستم، و به خود این آقایان گفتم آن محظور را - باز آنها را دعوت می‌کردم و آنها را وادار می‌کردم به اینکه با هم بنشینند و به قانون عمل کنند. لکن بسیار غفلت می‌خواهد و بسیار ساده‌اندیشی می‌خواهد که - این گروه‌هایی که با هم ائتلاف کردند و این «جبهه ملی» که بر ضد اسلام می‌خواهد راه‌پیمایی راه بیندازند، و - مسلمانها هم همین بنشینند تماشا کنند که به ضد اسلام مقاله بنویسند و سبّ اسلام بکنند و حکم ضروری اسلام را «غیر انسانی» بخوانند! (۱۷۱)

مقابله با احکام
اسلام

۶۰/۳/۲۵

* * *

۱. اشاره به افراد جبهه ملی و نهضت آزادی و ملی‌گراها.

کلیات □ ۱۰۳

من بسیار متأسفم! من بسیار متأسفم! اینکه مرا به درد دل وادار می‌کند، مقابله با این جمعیت است. مقابله با آنی است که حضرت امیر را نگذاشتند کارهایش را انجام بدهد. اگر اینها واقعاً اعتقاد به اسلام دارند و لازم می‌دانند نهی از منکر کنند، کدام منکری بالاتر از این است که کسی بگوید حکم قرآن «غیر انسانی» است، و مردم را دعوت کند برای این؟ (۱۷۲)

۶۰/۳/۲۵

* * *

بدانید که گناهی بزرگتر از این نیست که خدای ناکرده در مقابل ضد خدا و ضد مردم ساکت باشید و پاداشی بالاتر از حضورتان در مقابل ضدانقلاب نمی‌باشد. آرامش را حفظ نمایید و در حفظ وحدت و اخوت اسلامی کوشش نمایید. (۱۷۳)

۶۰/۳/۲۸

* * *

منکرهای مهم جهان معاصر

از این جهت که شما می‌خواهید اطاعت امر خدا را بکنید، نهی از منکر کنید، بزرگترین منکر، غلبهٔ اجانب بر ماست. این منکر را باید نهی کنید. حکومتها را نهی کنید از مخالفتی که با هم دارند و با ملت دارند، و با دشمنان اسلام - که خدا فرموده مراوده نکنیم - محبت می‌کنند. الآن منکری بالاتر از این نیست که مصالح مسلمین را به خطر انداخته است. این وظیفهٔ همهٔ شماست که می‌خواهید برای خدا کار کنید. همهٔ ما باید این دشمنی را نهی

اهانت به احکام
قرآن، بالاترین
منکر

سکوت در برابر
ضد خدا و ضد
مردم

غلبهٔ اجانب،
برترین منکر

کنیم، و وحدت اسلامی را شعارمان کنیم. با وحدت، و بودن زیر پرچم «لا اله الا الله» پیروز می شویم. (۱۷۴)

۵۸/۲/۱۶

* * *

بر روحانیون محترم و نویسندگان و گویندگان متعهد لازم است که در فرصتهای مناسب و در محضر مسلمانان، به جبران تبلیغات مسمومی که از وسائل ارتباط جمعی وابسته به امریکا و اسرائیل، به شایعه افکنی و دروغ پردازی بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران اشتغال دارند، از اسلام و انقلاب اسلامی ایران دفاع نمایند، و چهره واقعی آن را به جهانیان معرفی نمایند. و دستاوردهای اسلامی را که با جهاد بی امان ملت متعهد ایران، با همه گرفتاریها و کارشکنیهای دشمنان اسلام در داخل و خارج، نصیب کشورشان شده است، یادآور شده و ملتها را آماده کنند. و از تهمتهایی که از ناحیه بوقهای تبلیغاتی به این ملت زده شده است پرده بردارند و نقشه ها و توطئه های امریکا و وابستگان به آن را افشا کنند. از هجوم ارتش صدام عفلقی به امر امریکا و پشتیبانی کشورهای وابسته به آن، جهانیان را با خبر کنند. مسلمانان را از آنچه به دست بعضی حکام امریکایی بر اسلام و مسلمین می گذرد که بدترین آنها شناسایی رسمی اسرائیل و بعد از آن، تاخت و تاز و حشیانه به کشور اسلامی لبنان و شهید و معلول کردن دهها هزار مردم بیگناه و بی پناه است، آگاهی دهند. شاید ملتها با اعتقاد به خدای متعال از این فاجعه بزرگ تاریخ که روی مسلمانان را در جهان و در پیش نسلهای آینده، خدای نخواستہ سیاه می نماید، جلوگیری کنند و اسلام عزیز و مسلمین را از این ننگ بزرگ رهایی بخشند و خود را

جنایات حاکمان
وابسته به امریکا

از این تحقیر و ذلت ناهنجار که یاد آن هر مسلمان غیرتمند را می‌لرزاند آزاد کنند. (۱۷۵)

۶۱/۶/۲۹

* * *

آیا باید در خانه‌ها نشست و با تحلیلهای غلط و اهانت به مقام و منزلت انسانها و القای روحیه ناتوانی و عجز در مسلمانان، عملاً شیطان و شیطان‌زادگان را تحمل کرد و جامعه را از وصول به خلوص که غایت کمال و نهایت آمال است، منع کرد و تصور نمود که مبارزه انبیا با بت و بت‌پرستها منحصر به سنگ و چوبهای بیجان بوده است و نعوذبالله پیامبرانی همچون ابراهیم در شکستن بتها پیشقدم و اما در مصاف با ستمگران، صحنه مبارزه را ترک کرده‌اند؟ و حال آنکه تمام بت‌شکنیها و مبارزات و جنگهای حضرت ابراهیم با نمرودیان و ماه و خورشید و ستاره‌پرستان مقدمه یک هجرت بزرگ و همه آن هجرتها و تحمل سختیها و سکونت در وادی غیر ذی زرع و ساختن بیت و فدیه اسماعیل، مقدمه بعثت و رسالتی است که در آن، ختم پیام‌آوران، سخن اولین و آخرین بانیان و مؤسسان کعبه را تکرار می‌کند و رسالت ابدی خود را با کلام ابدی **إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ**^(۱) ابلاغ می‌نماید که اگر غیر از این تحلیل و تفسیری ارائه دهیم، اصلاً در زمان معاصر، بت و بت‌پرستی وجود ندارد و راستی کدام انسان عاقلی است که بت‌پرستی جدید و مدرن را در شکلها و افسونها و ترفندهای ویژه خود نشناخته باشد و از سلطه‌ای که بتخانه‌هایی چون کاخ سیاه بر ممالک اسلامی و خون و ناموس مسلمین و جهان سوم پیدا

بت و بت‌پرستی
معاصر

۱. همانا من از آنچه شرک می‌ورزید، بیزارم؛ (انعام / ۱۹).

کرده‌اند، خبر نداشته باشد. (۱۷۶)

۶۶/۵/۶

* * *

اشاره به تعدادی از منکرها

من یک نصیحت می‌کنم به بچه‌های طلاب؛ طلاب جوان که تازه آمده‌اند و حاد و تندند؛ و آن این است که آقایان، متوجه باشید اگر چنانچه شَطْر کلمه‌ای به یک نفر از مراجع اسلام، شطر کلمه‌ای اهانت بکند کسی به یک نفر از مراجع اسلام، بین او و خدای تبارک و تعالی ولایت منقطع می‌شود. کوچک فرض می‌کنید؟ فحش دادن به مراجع بزرگ ما را کوچک فرض می‌کنید؟ اگر به واسطه بعضی از جهالتها لطمه‌ای بر این نهضت بزرگ وارد بشود، معاقبید پیش خدای تبارک و تعالی؛ توبه‌تان مشکل است قبول بشود، چون به حیثیت اسلام لطمه وارد می‌شود. (۱۷۷)

۴۳/۱/۲۶

* * *

من جمله از جریانات، این است که به من کراراً اطلاع دادند که بعض جوانها و بعض بیخبرها یا اشخاصی که با طرح وارد شده‌اند و آنها را اغفال کرده‌اند: به بعض مراجع بزرگ اسلام اهانت می‌کنند. در شهرهای مختلف، این مطلب دیده می‌شود. و شما بدانید که این مطلب اهانت کردن به مراجع جز اینکه یک اختلافی در بین ملت ایجاد کند و جز اینکه یک مطلب برخلاف رضای خدایی واقع بشود، نتیجه ندارد. من از عموم ملت تقاضا می‌کنم که

اهانت به مراجع
اسلام

اهانت به مراجع
اسلام

کلیات □ ۱۰۷

هر جا یک همچو مسائلی دیدند، این جوانها اگر گول خورده‌اند، آنها را نصیحت کنند و اگر کسی است که مخصوصاً از این گروههای اختلاف‌انداز در بین آنها وارد شده، شناسایی کنند و به مراکزی که باید اطلاع بدهند. (۱۷۸)

۶۰/۸/۲۵

* * *

از کسبه و تجار و اصناف محترم تقاضا دارم که قیمت مواد غذایی و اجناس خود را بالا نبرند و به مردم مظلومی که در حال مبارزه‌اند اجحاف نمایند، که اجحاف در همه حال مردود است، و در این موقع حساس این عمل به نفع دستگاه ظلم و مخالف رضای خداوند تبارک و تعالی است. (۱۷۹)

اجحاف به مردم

۵۷/۱۰/۱۲

* * *

اخیراً چیزی به من اطلاع دادند که موجب تأثر شد. و آن اینکه در بعضی از مناطق اشخاصی که از اهالی آنجا هستند حمله کردند به این جنگلها، و جنگلها را دارند خراب می‌کنند. این جنگلها مال ملت است، نباید آن را خراب کرد. باید به نظر ولی امرش، به نظر حاکم باشد. جایز نیست بر آنها که بروند و جنگلها را بپُرنند و خراب کنند. باید برادرهای ما نصیحت کنند آنها را. جلوگیری کنند نگذارند که این چیزهایی که تاکنون هستش و دیگران بردند، حالا ما خراب بکنیم! اینها خرابی است، نباید این خرابیها بشود. (۱۸۰)

تخریب جنگلها

۵۷/۱۱/۱۹

* * *

افرادی از دشمن که به عنوان اسیر در اختیار شما قرار می‌گیرند، هرگز مورد خشونت و آزار قرار ندهید. همچنان که سنت اسلامی است به اسیران محبت و مهربانی کنید؛ و البته دولت اسلامی بموقع آنها را محاکمه و عدالت را در مورد آنها اجرا خواهد کرد. (۱۸۱)

آزار اسرا

۵۷/۱۱/۲۲

* * *

نمایندگان آن باید از اخلاق اسلامی بالا و والایی برخوردار باشند؛ و خدای بزرگ را حاضر و ناظر بر اعمال و گفتار خود بدانند، و از رفتار و گفتار رژیمهای طاغوتی احتراز نمایند. و اگر خدای نخواستہ کسی از حدود شرعی، چه در نطقهای قبل از دستور و چه در مذاکرات و محاورات دیگر خارج شد، وظیفه فریضه بزرگ نهی از منکر را فراموش نکنند؛ که خدای نخواستہ حق و عرض و حیثیت مردم در مکانی که حافظ مصالح اسلام و مسلمین و مردم کشور است ضایع نگردد بلکه وکلای محترم در برخوردها و نطقها، که در همه جا منتشر می‌شود آموزنده اخلاق کریم انسانی و اسلامی باشند و مردم را به کیفیت سالم برخورد با یکدیگر آشنا سازند که این خود یک خدمت بزرگ به اسلام و مسلمین و بشریت است. (۱۸۲)

تجاوز از حدود
شرعی در کلام

۶۳/۳/۷

* * *

س - [یکی از نزدیکان، مخفیانه تریاک می‌کشد تکلیف من نسبت به او چیست؟ لطفاً فتوای امام را نسبت به خرید و فروش و کشیدن

استعمال تریاک

کلیات □ ۱۰۹

تریاک بنویسید.]

ج- او را ارشاد نمایید، خرید و فروش تریاک جایز نیست. (۱۸۳)

* * *

بخش دوم

شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر

- فصل اول: علم
- فصل دوم: احتمال تأثیر
- فصل سوم: اصرار بر گناه
- فصل چهارم: عدم وجود مفسده

فصل اول

علم

شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر

امر کننده و نهی کننده بدانند که آنچه را مکلف ترک کرده، معروف است و آنچه را مرتکب شده، منکر است. بنابراین، بر جاهل به معروف و منکر امر و نهی واجب نیست، و در اینجا علم، شرط وجوب است مانند استطاعت در حج.^(۱) (۱۸۴)

لزوم شناخت
معروف و منکر

* * *

در شناخت معروف و منکر بین آگاهی از راه یقین یا از راههای معتبر اجتهادی و تقلیدی، فرقی نیست، بنابراین اگر دو نفر از مجتهدی تقلید می‌کنند که نماز جمعه را واجب عینی می‌دانند و یکی از آن دو نماز جمعه را ترک می‌کند، بر دیگری واجب است که او را به انجام نماز جمعه امر کند، و همچنین اگر مجتهد آن دو، آب انگوری را که با آتش جوش آمده، حرام بدانند و یکی از آنها از آن استفاده کند، بر دیگری نهی او واجب است. (۱۸۵)

راههای شناخت
معروف و منکر

۱. یعنی همچنان که بر مکلف حج واجب نخواهد شد مگر پس از حصول استطاعت، بر مکلف امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست مگر پس از آگاهی به معروف و منکر.

اگر مسأله‌ای اختلافی باشد و احتمال بدهد که نظر و عقیده فاعل یا تارک آن کار (اگر خود وی مجتهد است) یا عقیده مجتهد او (اگر مقلد است) با نظر و عقیده‌اش (امر و ناهی) مخالف است و آنچه را که او انجام می‌دهد به نظر خودش جایز است، در این صورت امر و نهی واجب، بلکه جایز نیست، و در صورتی که بدانند نظر و عقیده‌اش مخالف با اوست، بی‌تردید امر و نهی جایز نیست. (۱۸۶)

حکم امر و نهی در
مسائل اختلافی

* * *

اگر مسأله مورد اختلاف نباشد و احتمال داده شود که انجام دهنده کار، به حکم آن آگاهی ندارد، ظاهر آن است که امر و نهی واجب است بویژه اگر جاهل مقصر باشد، و احتیاط آن است که ابتدا او را نسبت به حکم آگاه کند و پس از آن اگر اصرار ورزید، مورد انکار قرار دهد بخصوص اگر جاهل قاصر باشد.^(۱) (۱۸۷)

جهل به حکم از
سوی فاعل مقصور
قاصر

* * *

اگر فاعل نسبت به موضوع جاهل باشد، انکار او و از بین بردن جهل او، واجب نیست؛ مانند آنکه نماز را از روی غفلت و یا فراموشی ترک کند، یا مایع مست کننده‌ای را در حالی که نمی‌داند مست کننده است بنوشد؛ بلی اگر موضوع از مواردی است که شارع هیچ‌گاه راضی به انجام و یا ترک آن نیست، به پا داشتن و امر و نهی واجب است، مانند کشتن نفس محترمه. (۱۸۸)

جهل فاعل، نسبت
به موضوع

۱. جاهل قاصر، کسی است که عدم آگاهی او به دلیل دسترسی نداشتن به وسایل آگاهی بوده است و نقطه مقابل آن، جاهل مقصر است که با وجود امکان دسترسی، به دنبال آگاهی نرفته است.

اگر آنچه را ترک کرده بنابر نظر او، یا مجتهدش واجب باشد، یا آنچه را انجام داده حرام باشد و دیگری عقیده‌ای مخالف با آن داشته باشد، ظاهر آن است که انکار واجب نیست؛ مگر اینکه اعتقاد داشته باشیم تجزی^(۱) یا عملی که با آن تجزی صورت می‌گیرد حرام است. (۱۸۹)

امر و نهی در
صورت تجزی

* * *

اگر آنچه را مرتکب شده، مخالف با احتیاط لازم (به عقیده خود آنها یا مجتهدشان) باشد، احتیاط آن است که او را انکار نماید؛ بلکه وجوب انکار دور نیست. (۱۹۰)

امر و نهی در موارد
احتیاط

* * *

اگر کسی مرتکب هر دو طرف یا یک طرف علم اجمالی^(۲) مربوط

۱. تجزی، از واژه‌های به کار رفته در علم اصول است و به معنای جرأت و گستاخی به خرج دادن در برابر فرمان مولی آمده است. مانند اینکه کسی آب را به مقصد شراب بنوشد که گاهی با واقع تطبیق می‌کند و گاهی تطبیق نمی‌کند. در بین فقها و علمای اصول اختلاف است که آیا این عمل حرام است یا نه، اگر نظر این باشد که تجزی، حرام است پس، نوشیدن آب به مقصد شراب حرام خواهد بود.

۲. گاهی انسان مطلبی را بدون تردید و شک می‌داند، در این صورت به آن علم تفصیلی می‌گویند؛ ولی در برخی موارد با تردید به چیزی، آگاهی پیدا می‌کند، مانند اینکه می‌داند از این دو ظرف یکی نجس است، اما کدامیک نمی‌داند. این را در اصطلاح اصول «علم اجمالی» می‌گویند. در مورد علم اجمالی مباحث فراوانی هست که برخی از آن در مسأله مورد بحث استفاده شده است: علم اجمالی، گاهی به وجوب تعلق می‌گیرد. مانند اینکه نمی‌داند این عمل واجب است یا آن عمل، و گاهی به حرام تعلق می‌گیرد مثل اینکه نمی‌داند کدامیک از این دو حرام است.

مطلب دیگر در علم اجمالی [که در این مسأله به آن اشاره شده است، این است که] آیا علم اجمالی تکلیف‌آور است یا نه، که از آن به «منجزیت علم اجمالی» تعبیر می‌شود. برخی می‌گویند علم اجمالی نسبت به مخالفت قطعیه، الزام‌آور است؛ یعنی چون علم اجمالی دو طرف دارد یا گاهی بیشتر، اگر انسان همه اطراف آن را

به حرام شد، در صورت اول، نهی او واجب است و در صورت دوم نیز دور نیست نهی واجب باشد، مگر آنکه احتمال داده شود علم اجمالی به اعتقاد او هیچگاه تکلیف‌آور نیست، حتی در صورتی که موجب مخالفت قطعی با تکلیف مولی بشود، در این صورت نهی او واجب نیست؛ بلکه جایز نیست؛ یا احتمال داده شود که علم اجمالی به عقیده او نسبت به موافقت قطعی مولی تکلیف‌آور (منجز) نیست که در این صورت نیز نهی واجب نیست؛ بلکه در صورت دوم (ارتکاب یکی از اطراف) جایز نیست و حکم مسأله در موارد کاری که وجوب آن به اجمال معلوم باشد نیز چنین است. (۱۹۱)

امر و نهی در موارد
علم اجمالی

* * *

وجوب یادگیری شرایط امر و نهی

یادگیری شرایط امر به معروف و نهی از منکر و موارد وجوب و جواز و عدم آن واجب است تا در امر و نهی خود، مرتکب منکر نشود. (۱۹۲)

وجوب یادگیری
احکام امر و نهی

* * *

→ مرتکب شود مثلاً هر دو طرف نجس را به کار ببرد، قطعاً مخالفت با فرمان مولی کرده است؛ از این جهت می‌گویند علم اجمالی نسبت به مخالفت قطعی، منجز است؛ یعنی همین مقدار آگاهی ایجاب می‌کند هر دو طرف را مرتکب نشود تا دچار معصیت نشود، و برخی می‌گویند علم اجمالی نسبت به موافقت قطعی، الزام‌آور است؛ به این معنی که آگاهی به وجوب یک چیز به صورت مردد، ایجاب می‌کند هر دو را انجام دهد تا قطعاً موافقت مولی را تحصیل کرده باشد؛ البته عقیده‌ای هم هست که علم اجمالی را در هر دو زمینه الزام‌آور (منجز) نمی‌داند و هر کدام از این نظرات پیامدهای ویژه‌ای دارد که به برخی از آن در متن مورد بحث اشاره شده است.

شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر □ ۱۱۷

حکم تخلف از موارد وجوب

اگر در مواردی که بر او واجب نیست، امر به معروف و نهی از منکر کند، بر دیگری واجب است او را نهی کند. (۱۹۳)

* * *

حکم امر و نهی در صورت بیم به سستی دین

اگر امر و نهی در موردی نسبت به بعضی باعث ضعف و سستی دین (هر چند نزد غیر او) شود، جایز نیست، بویژه اگر فقط احتمال تأثیر در بین باشد مگر اینکه مورد، با اهمیت و مهم باشد، و پیداست که موارد فرق می‌کند. (۱۹۴)

* * *

فصل دوم

احتمال تأثیر

احتمال تأثیر

احتمال تأثیر امر و نهی را بدهید، پس اگر بدانند یا اطمینان پیدا کند که تأثیر ندارد، واجب نخواهد بود. (۱۹۵)

لزوم احتمال تأثیر

* * *

گمان به بی تأثیری هر چند قوی باشد، موجب سقوط وجوب نیست، پس هرگاه احتمال قابل اعتنا پیش عقلا در بین باشد، واجب است. (۱۹۶)

حکم گمان بر عدم تأثیر

* * *

اگر دو شاهد عادل (بیینه) گواهی بر بی تأثیری دادند، با وجود احتمال تأثیر، ظاهر این است که وجوب ساقط نمی شود. (۱۹۷)

احتمال وجوب در صورت تأثیر

* * *

اگر بداند که انکار و امر و نهی جز با همراهی، خواهش و موعظه، تأثیر ندارد، ظاهر و جوب انکار به این نحو است، و اگر بداند تنها نصیحت و خواهش تأثیر دارد نه امر و نهی، و جوب آن دو دور نیست. (۱۹۸)

و جوب نصیحت
در صورت تأثیر

* * *

اگر شخصی مرتکب دو حرام شود یا دو واجب را ترک کند و بداند که امر نسبت به هر دو مؤثر نیست، ولی احتمال تأثیر نسبت به یکی از آن دو به طور مشخص وجود داشته باشد، امر نسبت به آن یکی نه دیگری واجب است؛ و اگر احتمال تأثیر در مورد یکی از آن دو به طور غیر مشخص باشد، رعایت مورد اهم واجب است، مثلاً اگر کسی نماز و روزه را ترک می‌کند و بداند که امر به نماز در مورد این شخص مؤثر نیست، ولی امر به روزه مؤثر است، امر به روزه واجب است، و اگر احتمال تأثیر نسبت به یکی از آن دو می‌دهد، امر به نماز واجب است (چون مهمتر است) و اگر هر دو یکسان هستند و یکی مهمتر از دیگری نیست بین آن دو، مخیر است؛ بلکه می‌توان به یکی از آن دو به صورت اجمال امر کند، اگر احتمال تأثیر در این نوع امر کردن وجود داشته باشد. (۱۹۹)

رعایت اهم و مهم
در موارد

* * *

اگر بداند یا احتمال دهد که امر و نهی او با تکرار اثر می‌کند، تکرار واجب است. (۲۰۰)

تکرار در صورت
احتمال تأثیر

شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر □ ۱۲۱

اگر بدانند یا احتمال دهد که انکار در حضور مردم نه در تنهایی، مؤثر است، پس اگر مرتکب منکر، آشکارا اقدام به چنین عملی کرده باشد، انکار در حضور مردم جایز و واجب است و اگر آشکارا مرتکب نشده در جواز، بلکه در وجوب آن اشکال است. (۲۰۱)

حکم احتمال تأثیر
علنی

* * *

اگر بدانند امر و نهی در صورتی مؤثر است که به او اجازه ترک واجب دیگری یا ارتکاب حرام دیگری را بدهد، اگر مورد اجازه اهمیت داشته باشد، در جایز نبودن اجازه اشکالی نیست و وجوب (امر و نهی) هم ساقط خواهد شد؛ و اگر مورد اجازه با مورد امر و نهی از نظر اهمیت و ملاک مساوی باشند، باز هم امر و نهی واجب نیست، بلی اگر امر و نهی مهمتر از مورد اجازه باشد و اهمیت به اندازه‌ای باشد که شارع هیچ‌گاه راضی به مخالفت با آن نیست، مانند کشتن نفس محترمه، در این صورت اجازه واجب است؛ ولی اگر اهمیت به این اندازه نباشد، وجوب اجازه جای تأمل دارد هر چند در مورد اهمیت، وجوب اجازه بی‌وجه نیست. (۲۰۲)

حکم تأثیر در
صورت اجازه به
انجام خلاف

* * *

اگر بدانند که انکار او در زمان حاضر بی تأثیر است، ولی بدانند یا احتمال دهد که امر الآن نسبت به آینده مؤثر است، امر و نهی واجب است؛ و همچنین اگر بدانند نهی او از شراب خوردن نسبت به جام معین بی اثر است، اما نهی او در نخوردن شراب در آینده به‌طور کلی یا تا حدودی مؤثر است، نهی واجب است. (۲۰۳)

حکم احتمال تأثیر
در آینده

اگر بدانند امر و نهی او نسبت به مرتکب حرام و یا تارک واجب مؤثر نیست، ولی نسبت به دیگری اثر دارد، اگر خطاب خود را متوجه او نکند در این صورت واجب است خطاب را به انگیزه تأثیر در نفر دوم، متوجه شخص اول کند. (۲۰۴)

حکم احتمال تأثیر
در شخص سوم

* * *

اگر بدانند که امر فرد خاصی در او مؤثر است و امر خود او اثر ندارد، واجب است به آن شخص امر کند تا او را امر به معروف و نهی از منکر کند، البته اگر شرایط برای شخص دوم قرار فراهم باشد. (۲۰۵)

امر به دیگری برای
امر و نهی

* * *

اگر بدانند که شخصی تصمیم به ارتکاب حرام دارد و احتمال می‌دهد نهی او در وی تأثیر داشته باشد، نهی واجب است. (۲۰۶)

تأثیر نهی در
جلوگیری

* * *

اگر تأثیر امر و نهی متوقف برای ارتکاب حرام یا ترک واجبی باشد، امر و نهی واجب نیست و وجوب ساقط است، مگر اینکه از مواردی باشد که شارع به هیچ‌وجه به مخالفت آن راضی نیست، مانند کشتن نفس محترمه؛ و از آن طرف آنچه امر و نهی بر آن توقف دارد، در این درجه از اهمیت نباشد. پس، اگر جلوگیری از قتل نفس متوقف بر وارد شدن در خانه غصبی و مانند آن باشد،

حکم توقف امر و
نهی بر انجام حرام

شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر □ ۱۲۳

واجب است. (۲۰۷)

* * *

اگر شخص به گونه‌ای است که اگر او را نهی از منکر کنند، بر کار خود پافشاری می‌ورزد، ولی اگر او را امر به منکر کنند، ترک خواهد کرد، امر کردن واجب است، اگر محذور دیگری وجود نداشته باشد؛ و در معروف نیز چنین است. (۲۰۸)

امر و نهی به خلاف
در صورت تأثیر به
صلاح

* * *

اگر بداند یا احتمال دهد امر و نهی در کم کردن معصیت نه از بین بردن آن مؤثر است، امر و نهی واجب است؛ بلکه اگر در تبدیل مهمتر به مهم تأثیر داشته باشد، دور نیست واجب باشد؛ بلکه اگر مهمتر در درجه‌ای از اهمیت باشد که مولی هیچ‌گاه راضی به انجام آن نیست، در وجوب اشکالی نیست. (۲۰۹)

وجوب امر و نهی و
احتمال کم شدن
معصیت

* * *

اگر احتمال دهد که انکار او در ترک مخالفت قطعی نسبت به اطراف علم اجمالی نه در موافقت قطعی، مؤثر است، انکار واجب است.^(۱) (۲۱۰)

حکم تأثیر در ترک
مخالفت قطعی

۱. برای توضیح اطراف علم اجمالی و دو اصطلاح موافقت و مخالفت قطعی، رجوع شود به پاورقی صفحه ۱۱۵.

اگر بداند که نهی او در ترک حرامی که حرام بودن آن روشن است، مؤثر است هر چند باعث ارتکاب بعض اطراف علم اجمالی در مورد حرام می شود، در این صورت نهی واجب است، مگر اینکه حرام اجمالی به نحوی باشد که مولی به هیچ وجه راضی به انجام آن نیست و حرام تفصیلی در این حد نباشد، و آیا می توان گفت اهمیت به هرگونه که باشد موجب وجوب نهی خواهد شد؟ در این نظر اشکال است. (۲۱۱)

حکم تأثیر نهی در
انجام اطراف علم
اجمالی

* * *

اگر هم احتمال تأثیر و هم احتمال تأثیر خلاف بدهد، ظاهر آن است که امر و نهی واجب نیست. (۲۱۲)

حکم احتمال تأثیر
و عدم تأثیر

* * *

اگر احتمال دهد نهی در تأخیر وقوع منکر و عقب افتادن آن مؤثر است، پس اگر احتمال دهد در آینده توانایی انجام ندارد، نهی واجب است و اگر این احتمال وجود ندارد، بنابر احتیاط نهی واجب است؛ بلکه وجوب دور نیست. (۲۱۳)

حکم نهی در
صورت احتمال
تأخیر

* * *

اگر دو نفر می دانند که انکار یکی از آن دو تأثیر دارد، بر هر دو انکار واجب است، و اگر یکی از آن دو انکار کرد، مؤثر واقع شد، از دیگری ساقط خواهد شد و گرنه بر او واجب است. (۲۱۴)

وجوب کفایی نهی
از منکر

شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر □ ۱۲۵

اگر بدانند که انکار یکی از آن دو [در ترک] مؤثر است و انکار دیگری در اصرار بر گناه تأثیر دارد، انکار بر هیچ یک واجب نیست. (۲۱۵)

حکم تعارض در
انکار

* * *

آن مردمی را که دارند حیثیت اسلام را از بین می‌برند، حقوق ضعفا را پایمال می‌کنند و... باید نهی از منکر کرد. اگر یک اعتراض دسته‌جمعی به ظلمه، که خلافی مرتکب می‌شوند، یا جنایتی می‌کنند، بشود، اگر چند هزار تلگراف از همه بلاد اسلامی به آنها بشود که این کار خلاف را انجام ندهید، یقیناً دست برمی‌دارند. وقتی که برخلاف حیثیت اسلام و مصالح مردم کاری انجام دادند، نطقی ایراد کردند، اگر از سراسر کشور، از تمام قراء و قصبات، از آنان استنکار شود، زود عقب‌نشینی می‌کنند. خیال می‌کنید، می‌توانند عقب‌نشینی نکنند؟ هرگز نمی‌توانند. من آنها را می‌شناسم. من می‌دانم که چکاره‌اند! خیلی هم ترسو هستند! خیلی زود عقب‌نشینی می‌کنند. لیکن وقتی که دیدند ما از آنها بی‌عرضه‌تریم، جولان می‌دهند. (۲۱۶)

تأثیر اعتراض
دسته‌جمعی

* * *

آقا به هوش بیایید؛ نجف را بیدار کنید. اعتراض کنید. اگر صدتا تلگراف از نجف برود که با کمال ادب، آقای کذا و کذا - «اعلیٰ کذا» - با کمال ادب برود که آقا این گرسنه‌ها را سیر کنید؛ این مقدار خرجی که برای این امور می‌خواهی بکنی خرج این ملت بیچاره گرسنه

تأثیر اعتراض علما
و طلاب

بکن؛ خرج این ورشکسته‌های بیچاره بکن که بعضی‌شان فرار کردند از ایران؛ در همین جا هستند، در نمی‌دانم جاهای دیگر هم بعضی. اگر یکصدتا تلگراف از اینجا، از علمای اینجا، از فضایی اینجا، از طلاب اینجا برود، احتمال تأثیر دارد لکن کو که یک همچو چیزی بشود؟ اگر اعتراض نکنند که چرا اعتراض می‌کنید خیلی ما متشکر هستیم! ما تکلیف نداریم واقعاً؟! ما باید به حال این ملت بنشینیم نگاه کنیم هر چه سر ملت می‌آید؟! همان برویم حرم حضرت امیر و یک دعایی بکنیم؛ همین مقدار کافی است برای ما؟! یا مایی که داریم در پناه اسلام و با بودجهٔ اسلام، این بودجه‌ای که یک جزئی جزئی‌اش را به ما می‌دهند مع‌ذک با بودجهٔ اسلام داریم زندگی می‌کنیم، برای اسلام یک قدم نباید برداریم؟ (۲۱۷)

۵۰/۴/۱

* * *

اگر اعتراض بشود، خواهش بشود، تمنا بشود، به ممالک دیگر اسلام، به اینهایی که می‌خواهند در این جشن^(۱) زهرماری شرکت کنند و در خون ملت ایران شرکت کنند، به اینها نوشته بشود که آقانوید در این جشن؛ این جشن جشن کثیفی است، نروید در این جشن، شاید تأثیر بکند. به این ممالک اسلامی بگویید که نروید در این جشنی که اسرائیل دارد بساط جشنش را بپا می‌کند و درست می‌کند. کارشناسهای اسرائیل در اطراف شیراز دارند بساط جشن را درست می‌کنند. در این جشنی که کارشناسهای اسرائیل دارند این عمل را می‌کنند، نروید. (۲۱۸)

۵۰/۴/۱

تأثیر اعلام خلافها

۱. مراد، جشن ۲ هزار و پانصد سالهٔ شاهنشاهی است.

شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر □ ۱۲۷

اگر امروز علمای ایران، قم، مشهد، تبریز، اصفهان، سایر آرجاء مملکت، اگر چنانچه اعتراض کنند به این مطلب^(۱) و به این کثافتکاریهایی که اینها دارند می‌کنند، این جنایتکاریهایی که اینها دارند می‌کنند، این عیاشیهایی که اینها می‌خواهند راه بیندازند و مملکت را به باد فنا بدهند، ملت را به باد فنا بدهند برای شهوات نفسانی خودشان، اگر اینها اعتراض بکنند، اعتراض دسته‌جمعی بکنند، شک نکنید که تأثیر می‌کند. (۲۱۹)

تأثیر در صورت
اتفاق علما

۵۰/۴/۱

* * *

س - [در شرایط امروز وظیفه ما نسبت به امر به معروف افرادی ناشناس که نمی‌دانیم اثر دارد یا نه، چیست؟]
ج - در فرض احتمال اثر و اجتماع سایر شرایط واجب است. (۲۲۰)

* * *

س - [اینجانب پدری دارم که خوش اخلاق نیست و مغرور و خودپرو می‌باشد. در حق خانواده خود ظلم روا می‌دارد و من از وقتی که به تکلیف رسیده‌ام در حال مبارزه با پدرم هستم، اگر جوابش را همان موقع در حضور دیگران بدهم که کار نادرست و ناشایست انجام داده‌ام و اگر تنها با پدرم صحبت نمایم، حرفم را قبول نمی‌کند و می‌گوید: در مقابل پدرت درشتی نکن، خلاصه نمی‌دانم چه کنم؟ آیا شما صلاح می‌دانید که من این صحبتها را بنمایم یا نه؟]

۱. مراد، جشن ۲ هزار و پانصد ساله شاهنشاهی است.

۱۲۸ □ امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی (س)

ج - حفظ احترام والدین و مراعات ادب در صحبت با آنان لازم است و در موارد لزوم امر به معروف و نهی از منکر، اگر مأیوس از تأثیر باشید، تکلیف ساقط است. (۲۲۱)

* * *

فصل سوم

اصرار بر گناه

اصرار بر گناه

گناهکار بر استمرار گناه اصرار داشته باشد، پس اگر بداند که او گناه را ترک خواهد کرد، وجوب ساقط می شود. (۲۲۲)

اصرار بر گناه

* * *

اگر علامت ترک گناه از او آشکار شود و از این علامت و یقین حاصل شود، اشکالی در سقوط وجوب نیست. حصول و اطمینان هم در حکم یقین است، همچنین اگر دو شاهد عادل بر آن شهادت دهند به شرط اینکه مستند آن دو امر محسوس یا نزدیک به آن باشد و اگر شخص اظهار پشیمانی و توبه کند، باز وجوب ساقط است. (۲۲۳)

حکم حصول یقین
و اطمینان

* * *

اگر نشانه ترک گناهی که از گناهکار آشکار می شود، موجب گمان شود نه یقین، آیا امر و نهی واجب است؟ یا نه عدم وجوب امر و

۱۳۰ □ امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی (س)

نهی دور نیست، و همچنین اگر شک در استمرار و یا ترک آن عمل داشته باشد؛ بله اگر بداند او قصد استمرار و ارتکاب عمل را داشته است، ولی در بقای قصد او شک و تردید پیدا کرد، احتمال وجوب هست، هر چند در آن اشکال است. (۲۲۴)

حکم حصول گمان و شک

* * *

اگر دلیل معتبری بر استمرار شخص بر گناه قائم شد، انکار (امر و نهی) واجب است؛ اما اگر دلیل معتبر نباشد، در وجوب انکار تردید است، و آ شبه عدم وجوب است. (۲۲۵)

حکم وجود دلیل معتبر

* * *

مقصود از استمرار بر گناه ارتکاب کار است، هر چند برای یک بار دیگر، نه استمرار به معنی گناه کردن دائم باشد؛ پس اگر مسکری نوشید و فقط برای دومین بار قصد خوردن کرد، نهی واجب است. (۲۲۶)

مراد از اصرار بر گناه

* * *

یکی از واجبات، توبه از گناه است، پس اگر مرتکب حرام شد یا واجبی را ترک کرد، باید فوراً توبه کند، و اگر توبه او معلوم نشد، واجب است او را امر به توبه کند. همچنین اگر شک در توبه او کند [باید او را امر به توبه کند.] و امر به توبه غیر از امر و نهی نسبت به دیگر گناهان است به طوری که اگر در پافشاری او شک داشته، یا

وجوب توبه از گناه

شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر □ ۱۳۱

بداند پافشاری ندارد، امر و نهی نسبت به آن واجب نیست، لکن نسبت به ترک توبه، واجب است. (۲۲۷)

* * *

اگر از روی علم یا اطمینان یا دلیل معتبری دریابد شخص در پی ارتکاب گناهی است که تاکنون انجام نداده است، ظاهر آن است که نهی او واجب است. (۲۲۸)

نهی از ارتکاب
منکر در آینده

* * *

در واجب نبودن انکار، اظهار پشیمانی و توبه گناهکار شرط نیست، بلکه با علم و مانند آن بر عدم استمرار انکار واجب نیست، هر چند بداند از کار خود پشیمان نشده است، و گذشت امر به توبه غیر از وجوب نهی از گناه است. (۲۲۹)

سقوط وجوب به
عدم استمرار

* * *

اگر بداند یا دلیل معتبری به پا شود که او ناتوان از پافشاری بر گناه خواهد بود، ولی خود او چون نمی داند ناتوان است، قصد و تصمیم بر پافشاری دارد، در این صورت نهی از کار غیر مقدور واجب نیست، بلکه نسبت به ترک توبه و تصمیم بر گناه، اگر تصمیم بر گناه را حرام بدانیم، نهی واجب است. (۲۳۰)

سقوط وجوب به
ناتوانی فاعل

* * *

اگر الآن از انجام حرام ناتوان است، ولی تصمیم دارد در صورت پیدا شدن توانایی، انجام دهد، در این حالت اگر هر چند از راه معتبر بداند که قدرت بر انجام گناه پیدا خواهد کرد، ظاهر و خوب انکار است و گرنه واجب نیست مگر نهی و انکار نسبت به تصمیم بر گناه، اگر معتقد به حرمت آن باشیم. (۲۳۱)

وجوب نهی در
صورت وجود
قدرت در آینده

* * *

اگر خود شخص معتقد به ناتوانی از استمرار به گناه باشد، ولی در حقیقت بر آن توانا باشد و انکار کننده می داند اگر به توانایی خود آگاه شود، مرتکب معصیت خواهد شد، بنابراین اگر بداند اعتقاد او به ناتوانی از بین خواهد رفت، ظاهر و خوب نهی و انکار است به گونه‌ای که او را به خطای در «اعتقادش» آگاه نکند؛ و اگر نداند که اعتقاد او از بین می رود، انکار واجب نیست. (۲۳۲)

حکم انکار در
صورت اعتقاد
فاعل به ناتوانی

* * *

اگر می داند که یکی از دو شخص یا یکی از اشخاص بر ارتکاب گناه پافشاری دارد، در ظاهر واجب است خطاب را به عنوانی که منطبق بر اوست متوجه کند، مثل اینکه بگوید: هر کس شرابخوار است باید آن را ترک کند، ولی نهی همه افراد یا بعضی از آنان به طور معین واجب نیست؛ بلکه جایز نیست، و اگر نهی عنوان منطبق بر گناهکار موجب هتک حرمت آن اشخاص شود، ظاهر آن است که نهی از منکر واجب، بلکه جایز نیست. (۲۳۳)

حکم انکار نسبت
به فرد غیر معین

شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر □ ۱۳۳

اگر بدانند که شخص، حرامی را انجام داده، یا واجبی را ترک کرده، ولی مشخصاً نمی‌داند، انکار به نحو ابهام واجب است؛ و اگر می‌داند واجبی را ترک می‌کند یا حرامی را انجام می‌دهد، امر و نهی به صورت اجمال یا ابهام واجب است. (۲۳۴)

حکم انکار نسبت
به موضوع مهم

* * *

فصل چهارم

عدم وجود مفسده

عدم وجود مفسده

در انکار او [امر و نهی او] مفسده‌ای نباشد؛ اگر بداند یا گمان قوی داشته باشد که انکار او موجب زیان جانی، یا آبرویی، یا مالی مورد توجه بر خود او، یا یکی از وابستگان به او مثل خویشان و یاران و همراهان او خواهد شد، انکار واجب نیست و ساقط می‌شود؛ بلکه اگر ترس از زیان داشته باشد به دلیل احتمال عقلایی، واجب نیست و ظاهر آن است که دیگر مؤمنین نیز در این حکم به وابستگان، ملحق می‌باشند. (۲۳۵)

عدم وجوب در
صورت علم و ظن
به زیان

* * *

در زیان فرقی نمی‌کند زیان در حال باشد یا در آینده، پس اگر می‌ترسد در آینده بر او یا بر غیر او زیانی وارد خواهد شد، وجوب ساقط می‌شود. (۲۳۶)

عدم فرق بین زیان
حال و آینده

* * *

اگر بداند یا گمان قوی داشته باشد یا احتمال عقلایی دهد که با انکار او، خود او یا وابستگانش در تنگنا و سختی واقع خواهند شد، واجب نیست، و دور نیست دیگر مؤمنین هم در حکم ملحق به وابستگان آن شخص باشند. (۲۳۷)

حکم امر و نهی در صورت حصول سختی

* * *

اگر بر جان یا آبروی خود یا جان و آبروی مؤمنین بترسد، انکار حرام است. همچنین اگر بر اموال قابل توجه مؤمنین ترسی داشته باشد، انکار حرام است؛ ولی اگر بر مال خود ترسد و حتی بداند زیان مالی متوجه او خواهد شد، اگر به اندازه حرج و شدت نرسد، ظاهر آن است که انکار حرام نیست؛ ولی اگر موجب حرج باشد، حرمت دور نیست. (۲۳۸)

عدم وجوب در صورت ترس بر جان و آبرو و مال

* * *

اگر بر پا داشتن واجبی یا ریشه کن کردن منکری بر خرج مال درخور توجه باشد، دادن مال واجب نیست؛ ولی اگر به نحوی نیست که با خرج این مال در سختی و تنگنا واقع شود، خوب است؛ و اگر موجب سختی شود، دور نیست جایز نباشد، بلکه اگر موضوع از اموری است که شارع به آن اهمیت می دهد و راضی به خلاف آن نیست، واجب است. (۲۳۹)

حکم خرج مال در امر و نهی

* * *

اگر ورود بعضی از علما در بعضی از پستهای دولتی موجب برپاداشتن واجبی یا واجباتی و از بین رفتن منکر یا منکراتی باشد و محذور مهمتری مثل هتک حیثیت علم و علما و سستی عقاید مردم ضعیف در بین نباشد، ورود برای علما واجب کفایی است مگر اینکه چنین کاری جز برای برخی از اشخاص مشخص، به دلیل ویژگیهای خاص، ممکن نباشد در این صورت به گونه‌ای معین بر او واجب است. (۲۴۰)

ورود در پستهای
دولتی برای اقامه
معروف و از
بین بردن منکر

* * *

ورود در مؤسساتی که دولت به نام مؤسسه دینی تأسیس کرده، برای طلاب علوم دینی جایز نیست، مانند مدارس قدیمه‌ای که دولت آنها را در اختیار خود گرفته و از اوقاف برای طلاب آن شهریه تعیین کرده است، و گرفتن شهریه آنها جایز نیست، خواه از صندوق مشترک باشد (که با دیگر بودجه‌های دولت مخلوط است) یا از موقوفه خود مدرسه و یا از هر جای دیگر؛ و این به خاطر مفسده بزرگی است که از این کار حاصل می‌شود که بر کیان اسلام، از آن ترس وجود دارد. (۲۴۱)

حرمت ورود در
مؤسسات دینی
دولتی

* * *

بر علما و امامان جماعت جایز نیست عهده‌دار اداره مدارس دینی از جانب دولت شوند، چه حقوق آنان را از صندوق مشترک بدهند، یا از موقوفات مدرسه و یا غیر آن دو، از جای دیگر، به خاطر مفسده بزرگی که بر حوزه‌های دینی و علمی در آینده

حرمت پذیرفتن
مسئولیت مدارس
از طرف دولت

نزدیک دارد. (۲۴۲)

* * *

بر طلاب علوم دینی جایز نیست ورود در بعضی مدارس دینی که بعضی از افرادی که لباس دین و علم دارند، از طرف دولت ستمگر یا به اشاره حکومت اداره می‌کنند، چه برنامه این مدارس از جانب حکومت باشد و چه از جانب متصدی، و دینی هم باشد؛ چرا که با این کار، مفسده عظیمی بر اسلام و حوزه‌های دینی در آینده وارد خواهد شد. (۲۴۳)

حرمت ورود
طلاب در مدارس
دینی دولتی

* * *

اگر به واسطه قرائنی معلوم شود که تأسیس یک مؤسسه دینی یا پرداخت هزینه آن هر چند با چند واسطه، از جانب دولت ستمگر است، مسئولیت آن برای علما، و ورود در آن برای طلاب علوم دینی، و همچنین گرفتن شهریه آن جایز نیست؛ بلکه اگر احتمال عقلایی بدهد که مؤسسه‌ای چنین است، دوری از آن لازم است، چون موضوع از مواردی است که شارع به آن اهمیت می‌دهد و در چنین مواردی احتیاط واجب است. (۲۴۴)

لزوم احتیاط در
موارد محتمل

* * *

کسی که مسئول چنین مؤسساتی است و یا در آنها وارد می‌شود، عادل نخواهد بود؛ و بر مسلمانان جایز نیست آثار عدالت مثل

شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر □ ۱۳۹

اقتدا در نماز جماعت و شاهد بر طلاق و امثال آن، از اموری که عدالت در آن معتبر است، بر او جاری نمایند. (۲۴۵)

سقوط عدالت
مسئولان مدارس
دینی دولتی

* * *

بر چنان افرادی گرفتن سهم امام و سادات جایز نیست، و تا وقتی که در آن مؤسسات هستند و ترک نکرده و توبه نکرده‌اند، مسلمانان نباید از سهمین، چیزی به آنان بدهند. (۲۴۶)

عدم جواز گرفتن
سهم امام و سادات

* * *

عذرهایی که بعضی افراد منتسب به علم و دین برای قبول این مسئولیتها به آن تمسک می‌کنند قابل قبول نیست، هر چند این عذر نزد افراد سطحی و غافل، موجه باشد. (۲۴۷)

نادرستی
عذر تراشیها

* * *

واجب نیست کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، عادل باشد و یا خود او آنچه را امر می‌کند، انجام دهد و هر چه را نهی می‌کند، ترک کند؛ بلکه اگر خودش تارک واجبی باشد، امر به آن با وجود شرایط بر او واجب است؛ چنانکه عمل به آن، واجب است و اگر حرامی را انجام می‌دهد، باید دیگری را از آن نهی کند. چنانکه انجام آن بر خود او حرام است. (۲۴۸)

عدم شرط عدالت
برای آمر و ناهی

* * *

امر و نهی بر صغیر واجب نیست، هر چند نزدیک به بلوغ باشد. همچنین امر و نهی غیر مکلف، مانند صغیر و مجنون، واجب نیست، بله اگر منکر از اموری است که شارع مقدس هیچ‌گونه راضی به تحقق آن نیست، باید غیر مکلف را از انجام آن بازداشت. (۲۴۹)

حکم امر و نهی
نسبت به کودک و
دیوانه

* * *

اگر مرتکب حرام یا تارک واجب در ترک و ارتکاب، به نظر عقل یا شرع معذور باشد، انکار واجب؛ بلکه جایز نیست. (۲۵۰)

حکم امر و نهی
نسبت به معذور

* * *

اگر احتمال داده شود که مرتکب حرام یا تارک واجب معذور است، انکار واجب نیست؛ بلکه جواز مشکل است؛ مثلاً اگر احتمال داده شود افطار کننده از ماه رمضان مسافر است، نهی واجب نیست؛ بلکه جواز مشکل است؛ بله اگر کار او در آشکارا موجب هتک احکام اسلام یا جرأت مردم برای انجام محرمات باشد، نهی او به این جهت واجب است. (۲۵۱)

حکم امر و نهی در
صورت هتک
احکام

* * *

اگر مرتکب حرام یا تارک واجب، معتقد به جواز آن باشد و در این اعتقاد اشتباه کرده باشد، پس اگر خطای او به جهت شبهه

شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر □ ۱۴۱

موضوعیه^(۱) باشد، از بین بردن جهل و انکار او واجب نیست، و اگر خطای او به دلیل جهل به حکم باشد، پس اگر مجتهد یا مقلد کسی است که فتوایش اینطور است، باز هم از بین بردن جهل او و بیان حکم برای او واجب نیست؛ ولی اگر جاهل به حکمی باشد که وظیفه او عمل به آن حکم است، از بین بردن جهل او و بیان حکم مسأله، برای او و انکار او واجب است. (۲۵۲)

حکم امر و نهی
نسبت به جاهل به
موضوع یا حکم

* * *

حکم سکوت در موارد مهم

اگر در سکوت علمای دین و پیشوایان مذهب، ترس این باشد که معروف، منکر و منکر، معروف شود، بر ایشان واجب است علم خود را آشکار نمایند؛ و سکوت جایز نیست هر چند بدانند انکار آنان در جلوگیری از فاعل مؤثر نیست؛ و اگر موضوع از مواردی است که شارع به آن اهمیت فراوان می‌دهد، توجه به زیان و تنگنا نمی‌شود. (۲۵۳)

حکم سکوت در
موارد تغییر معروف
و منکر

* * *

اگر سکوت علمای دین و پیشوایان مذهب موجب تقویت و تأیید ظالم باشد - العیاذ بالله - سکوت آنان حرام، و اظهار حقایق بر آنان واجب است، هر چند در از بین بردن ستم مؤثر نباشد. (۲۵۴)

حرمت سکوت در
صورت تقویت
ستمگر

۱. منظور از شبهه موضوعیه، در برابر شبهه حکمیه این است که اشتباه از جهت موضوع باشد؛ مانند مثال متن که شخص، زیان آور بودن روزه را در مورد خود اشتباه کرده؛ ولی اصل حکم وجوب روزه را می‌داند، اگر وجوب روزه را نمی‌دانست، به آن شبهه حکمیه می‌گویند.

اگر سکوت علمای دین و پیشوایان مذهب، موجب جرأت
ستمگران بر انجام حرامهای دیگر و ایجاد بدعتها بشود، سکوت
بر ایشان حرام، و انکار بر آنان واجب؛ هر چند در جلوگیری حرام
مورد ارتکاب، مؤثر نباشد. (۲۵۵)

حرمت سکوت در
صورت جری شدن
ستمگران

* * *

اگر سکوت علمای دین و پیشوایان مذهب، موجب بدگمانی و
هتک آنها، و نسبت ایشان به چیزی که صحیح نیست و انتساب آن
به آنان روا نیست بشود، مثل اینکه - پناه بر خدا- از کمک کاران
ستمگران شمرده شوند، انکار بر آنها واجب است تا این ننگ از
چهره آنان زدوده شود، هر چند در از بین بردن ستم مؤثر
نباشد. (۲۵۶)

وجوب انکار در
موارد ایجاد بدبینی

* * *

این وضع نفت ما، این وضع ارز مملکت ما، این وضع هواپیمایی
ما، این وضع وزیر ما، این وضع همه ما؛ سکوت کنیم باز؟ هیچ
حرف نزنیم؟ حرف هم نزنیم؟ ناله هم نکنیم؟ خانه‌هایمان را
خراب می‌کنند آخ نگوییم؟ (۲۵۷)

سکوت در برابر
اوضاع کشور

۴۲/۲/۱۲

* * *

حضرات آقایان توجه دارند اصول اسلام در معرض خطر است.
قرآن و مذهب در مخاطره است. با این احتمال، تقیه حرام است؛ و

حرمت تقیه

شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر □ ۱۴۳

اظهار حقایق، واجب «وَلَوْ بَلَّغَ مَا بَلَّغَ» (۲۵۸)

۴۲/۱/۱۳

* * *

من به شما - ای ملت مسلمان - کراراً اعلام خطر کردم و می‌کنم! روحانیت و اسلام در معرض خطر است. سکوت در مقابل دستگاه فاسد جبار برای ملت اسلام ننگ است. با منطق قوی اسلامی، مفاسد را بیان کنید، قانون شکنیها را برملا کنید، اعتراض کنید، اعلامیه منتشر کنید، صدای خود را به ملل اسلامی برسانید. عالم را از اعمال غیرانسانی اینان آگاه کنید. (۲۵۹)

ننگ سکوت در برابر دستگاه جبار

۴۲/۲/۱۲

* * *

امروز مسلمین، و خصوصاً علمای اعلام، در مقابل خدای تبارک و تعالی مسئولیت بزرگی دارند. با سکوت ما نسلهای آتیه إلى الأبد در معرض ضلالت و کفر هستند و مسئول آن ما هستیم. خطر اسرائیل و عمال ننگین آن، اسلام و ایران را تهدید به زوال می‌کند. من برای چند روز زندگی با عار و ننگ ارزشی قائل نیستم. و از علمای اعلام و سایر طبقات مسلمین انتظار دارم که با تشریح مساعی، قرآن و اسلام را از خطری که در پیش است نجات دهند. (۲۶۰)

سکوت، موجب نابودی نسلها

۴۲/۲/۱۶

* * *

سکوت در این ایام تأیید دستگاه جبار و کمک به دشمنان اسلام

است. از عواقب این امر بترسید. از سخط خدای تعالی بهراسید. سکوت، موجب تأیید دستگاه جبار
اگر به واسطه سکوت شماها به اسلام لطمه‌ای وارد آید، نزد خدای تعالی و ملت مسلمان مسئول هستید: إِذَا ظَهَرَ الْبِدْعُ فَلِلْعَالِمِ أَنْ يُظَهَرَ عِلْمُهُ، وَإِلَّا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ.^(۱) (۲۶۱)

۴۲/۲/۲۸

* * *

آن آقایانی که می‌گویند که باید خفه شد، اینجا هم باید خفه شد؟ اینجاست که سکوت در برابر کاپیتولاسیون
اینجا هم خفه بشویم؟ ما را بفروشد و خفه بشویم؟! قرآن ما را بفروشد و خفه بشویم؟ والله، گناهکار است کسی که داد نزند؛ والله، مرتکب کبیره است کسی که فریاد نکند. (۲۶۲)

۴۳/۸/۴

* * *

امضای خلفا در پرتو سکوت
اگر علمای ایران دسته‌جمعی اعتراض کنند همه‌شان را می‌گیرند؟! همه علمای ایران را می‌گیرند و اعدام می‌کنند یا تبعید می‌کنند؟! اگر از تمام مملکت ایران، علمای ایران - که اقلاً صد و پنجاه هزار نفر معمم در ایران دارد و آن همه ملا و مرجع و حجت‌الاسلام و آیت‌الله دارد - اگر اینها اعتراض کنند و این مهر سکوت را بردارند و این امضا را (که به سکوت آنها امضا حساب می‌شود) این مهر را بردارند، سکوت را بردارند، همه آنها را از بین می‌برند؟! (۲۶۳)

۵۰/۴/۱

* * *

۱. چون بدعتها پدید آید، بر عالم واجب است که علم خویش را آشکار کند؛ وگرنه لعنت خدا بر او خواهد بود؛ اصول کافی؛ ج ۱: کتاب فضل العلم؛ «باب البدع»، ص ۵۴، ح ۲.

شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر □ ۱۴۵

امروز ملت شجاع با یافتن راه خود به پا خاسته، و به بهانه بهانه جویان خاتمه داده، راه عذرها منقطع شده و در پیشگاه ملت پذیرفته نیست، و در پیشگاه مقدس حق تعالی هیچ‌گاه پذیرفته نبوده است. آیا کسانی که عذر تراشی می‌کنند و مهر سکوت را نمی‌شکنند و گاهی به سکوت توصیه می‌کنند، می‌دانند چه تحولاتی در شرف تکوین است؟ (۲۶۴)

عدم پذیرش عذر،
در پیشگاه حق و
ملت

۵۷/۲/۹

* * *

امروز سکوت در مقابل این ستمگر^(۱) و بی‌تفاوتی در برابر این جنایات، برخلاف مصالح عالیة اسلام و مخالف سیره انبیای عظام و ائمه اطهار - علیهم السلام - است. امروز هر مطلبی که موجب انحراف ملت شریف از مسیر اصلی است شیطانی و با نقشه شیاطین طرح می‌شود. (۲۶۵)

سکوت، مخالف
مصالح اسلام

۵۷/۵/۲۲

* * *

من چون گذشته در تصمیم خود باقی هستم و ملت ایران باید در تصمیم خود باقی باشد. بر احدی از افراد ملت جایز نیست که در این موقع حساس که امر بین موت و حیات است بنشیند و ساکت باشد.

حرمت سکوت در
شرایط نهضت

ملت ایران! به نهضت خود ادامه دهید که قدرت با شماست. (۲۶۶)

۵۷/۱۱/۹

۱. مراد، محمد رضاشاه است.

شما آقایانی که نهی از منکر را واجب می‌دانید، و واجب هم هست، جزء ضروریات اسلام است، نباید این دوستان خودتان را نهی کنید که به ضد قرآن حکم نکنند، دعوت نکنند به ضد قرآن، آیا مراجع اسلام، علمای بلاد اسلام، باید گوش کنند این مطلب را و هیچ صحبتی نکنند؟ ساکت باشند در مقابل سب قرآن کریم؟ ساکت باشند در مقابل کسی که حکم ضروری اسلام و منصوص کتاب خدای تبارک و تعالی را «غیر انسانی» بخواند؟ (۲۶۷)

۶۰/۳/۲۵

* * *

فداکاری و تحمل زیان در موارد مهم

اگر معروف و منکر از اموری است که شارع مقدس به آن اهمیت فراوان داده است، مانند حفظ جان گروهی از مسلمین و هتک حرمت نوامیس آنان، یا از بین بردن آثار اسلام، یا از بین بردن دلیل حقانیت اسلام، به گونه‌ای که باعث گمراهی مسلمانان شود، یا از بین بردن برخی از شعائر اسلام، مثل خانه کعبه به طوری که آثار آن و محل آن از بین برود و مانند اینها، در این صورت باید ملاحظه اهمیت شود و هیچ زیانی، هر چند جانی و یا دشواری یا تنگنا، موجب برداشتن تکلیف نمی‌شود. به همین جهت، اگر برپا داشتن دلایل اسلام که موجب نابودی گمراهی می‌شود، تکیه بر جانبداری یک نفر یا بیشتر داشته باشد، ظاهر و جوب آن است، چه رسد در مواردی که موجب زیان یا سختی کمتر بشود. (۲۶۸)

وجوب گذشت از
مال و جان در
موارد مهم

* * *

شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر □ ۱۴۷

اگر در اسلام بدعتی واقع شود و سکوت علمای دین و پیشوایان مذهب، موجب هتک اسلام و سستی اعتقادات مسلمانان بشود، بر آنان واجب است انکار به هر وسیله ممکن، چه انکار در ریشه کن کردن فساد، مؤثر باشد یا نباشد؛ و همچنین است اگر سکوت آنان نسبت به انکار منکر، موجب هتک یا ضعف اسلام شود، در این هنگام ملاحظه زیان نمی شود، بلکه ملاحظه اهمیت می شود. (۲۶۹)

وظیفه علمای در
ظهور بدعت

* * *

دستگاه جبارگمان کرده است با این اعمال غیرانسانی و فشارها می تواند ما را از مقصد خود، که جلوگیری از ظلم و خودسریها و قانون شکنیها و حفظ حقوق اسلام و ملت و برقراری عدالت اجتماعی که مقصد بزرگ اسلام است، منصرف کند. (۲۷۰)

پافشاری در امر به
معروف

۴۲/۲/۱۲

* * *

سیدالشهدا(ع) که تمام جهات مادی خود را به معرض خطر درآورد و فدا کرد، اگر چنین تفکری داشت و کارها را برای شخص خود و استفاده شخصی می کرد، از اول سازش می نمود و قضیه تمام می شد. هیأت حاکمه اموی از خدا می خواستند که امام حسین(ع) دست بیعت بدهد و با حکومت آنها موافقت نماید، از این بهتر برای آنها چه بود که پسر پیغمبر(ص) و امام وقت به آنها «امیرالمؤمنین» بگوید و حکومتشان را به رسمیت بشناسد؛ ولی آن حضرت در فکر آینده اسلام و مسلمین بود. به خاطر اینکه

فداکاری امام
حسین علیهما السلام برای
اسلام

اسلام در آینده و در نتیجه جهاد مقدس و فداکاری او در میان انسانها نشر پیدا کند و نظام سیاسی و نظام اجتماعی آن در جامعهها برقرار شود، مخالفت نمود؛ مبارزه کرد؛ و فداکاری کرد. (۲۷۱)

* * *

باید فداکاری کنید در ارجاع مجد و عظمت اسلام که مهمش عظمت معنوی آن است تا در پناه حکومت عدل الهی همه طبقات در رفاه و آسایش زندگی کنند. (۲۷۲)

۵۰/۲/۲۸

لزوم فداکاری برای
عظمت اسلام

* * *

بیدار شوید و خفتگان را بیدار کنید! زنده شوید و مردگان را حیات بخشید و در تحت پرچم توحید برای در هم پیچیدن دفتر استعمار سرخ و سیاه و خودفروختگان بی ارزش فداکاری کنید! این نفتخواران بی شرف و عمال بی حیثیت آنها را از کشورهای اسلامی بیرون ریزید همانند زباله‌ها. از جشنهای پایان ناپذیر آنها که در حقیقت چراغهایی است که در گورستان می‌افروزند دوری نمایید. (۲۷۳)

۵۲/۱/۵

فداکاری در زیر
پرچم توحید

* * *

مردم مسلمان ایران به دنبال برگزاری نماز عید، دست به عبادت ارزنده دیگری زدند که آن فریادهای کوبنده علیه دستگاه جبار و

شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر □ ۱۴۹

چپاولگر برای بپا داشتن حکومت عدل اسلام است که کوشش در این راه از اعظم عبادات است، و فدایی دادن در راه آن سیره انبیای عظام، خصوصاً نبی اکرم و وصی بزرگ او، امیر مؤمنان است. (۲۷۴)
۵۷/۶/۱۵

فداکاری برای
برپایی حکومت
عدل

* * *

ما امیدواریم که شاه با همین نهضتی که به طرز فراگیر تمام ایران را گرفته است و کارمندان و کارکنان دستگاههای دولتی یکی پس از دیگری اعتصاب می‌کنند و در حال تعطیل و فلج کردن دستگاههای دولتی هستند، نتواند دیگر باقی بماند و به حیات خود ادامه دهد؛ لکن اگر چنانچه احتیاج به قیام مسلحانه بیفتد، ممکن است ما در این امر تجدید نظر کنیم. و اسلام در صورت لزوم، برای حفظ کیان اسلام و مصالح ملت، قیام مسلحانه را در موقع خودش و مقتضیات خودش اجازه می‌دهد و خونریزی برای حفظ قوانین اسلام و برای حفظ مصالح ملت، راه اسلام است. (۲۷۵)

جواز قیام
مسلحانه، برای
حفظ قوانین اسلام

۵۷/۸/۱۶

* * *

آنها می‌خواهند حق خودشان را استیفا کنند. و برای احقاق حق، این امری است ضروری، و تازه مسالمت هم می‌کنند. لکن این شاه است که به کشتن آنها امر می‌کند. (۲۷۶)

فدایی دادن برای
احقاق حق

۵۷/۹/۱۰

* * *

امروز روزی نیست که شما بنشینید توی خانه‌تان و بگویید که تکلیف من این است که بروم مثلاً فرض کن دکان و برگردم، بروم مسجد و برگردم، بروم محراب و برگردم. امروز آن روز نیست. اگر آن روز بود، خوب من هم قم بودم و مشغول درس بودم، مشغول بحثم بودم و مشغول استفاده از آقایان. امروز آنطور نیست آقا!

امروز مطلب مهم است. از مهماتی است که جان باید پایش داد. همان مهمی است که سیدالشهداء جانش را داد برایش، همان مهمی است که پیغمبر اسلام بیست و سه سال زحمت برایش کشید، همان مهمی است که حضرت امیر - سلام الله علیه - هجده ماه با معاویه جنگ کرد در صورتی که معاویه دعوی اسلام می‌کرد... برای اینکه یک سلطان جائز بود، برای اینکه یک دستگاه جائز بود، باید به زمینش بزند. آنقدر از اصحاب بزرگوارش را به کشتن داد، آنقدر از آنها را هم کشت؛ برای چه؟ برای اینکه اقامه حق بکند، اقامه عدل بکند.

ما باید اقامه عدل بکنیم. عذر نیست که ما قوه نداریم؛ این ملت قوه ماست. (۲۷۷)

۵۷/۱۱/۱۳

* * *

من نمی‌گویم به ما خسارت وارد نشد، اما ارزش ندارد که انسان ارزش انسانی خودش را، ارزش اسلام را حفظ بکند ولو اینکه شهید هم می‌داد. البته پیغمبر هم شهید داد، انبیا هم همین طور. سیره انبیا بر این معنا بوده است، سیره بزرگان بر این معنا بوده است که معارضه می‌کردند با طاغوت ولو اینکه زمین بخورند، ولو اینکه کشته بشوند و لو کشته بدهند. ارزش دارد که انسان در مقابل

وظیفه ما اقامه عدل

سیره انبیا، شهادت
در راه اسلام

ظلم بایستد، در مقابل ظالم بایستد و مشتش را گره کند و توی
دهنش بزند، و نگذارد که این قدر ظلم زیاد بشود، این ارزش دارد.
ما تکلیف داریم آقا! این طور نیست که حالا که ما منتظر ظهور امام
زمان - سلام الله علیه - هستیم پس دیگر بنشینیم تو خانه هایمان،
تسبیح را دست بگیریم و بگوییم «عَجَلُ عَلِيٍّ فَرَجُهُ». عَجَل، با کار
شما باید تعجیل بشود، شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن
او. و فراهم کردن اینکه مسلمین را با هم مجتمع کنید. همه با هم
بشوید. ان شاء الله ظهور می کند ایشان. (۲۷۸)

۶۴/۱۰/۱

* * *

بخش سوم

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

- فصل اول: مرتبه غیرزبانی
- فصل دوم: امر و نهی زبانی
- فصل سوم: مرتبه اقدام و انکار عملی
- فصل چهارم: رعایت مراتب در امر و نهی

فصل اول

مرتبۀ غیر زبانی

امر به معروف و نهی از منکر مراتبی دارد که با به دست آمدن مقصود از مرتبۀ پایین تر، بلکه با احتمال آن، تعدی به مرتبه دیگر جایز نیست. (۲۷۹)

لزوم رعایت
مراتب

* * *

مرتبۀ اول، کاری انجام دهد که نشان دهنده بیزاری قلبی از منکر باشد و با این بیزاری، از او می خواهد معروف را انجام دهد و منکر را ترک کند، این بیزاری قلبی درجاتی دارد؛ مانند چشم از او برداشتن، اخم کردن و روترش کردن، و یا مانند روگرداندن یا پشت کردن به او، و کناره گیری از او، ترک معاشرت با او و امثال آن. (۲۸۰)

درجات امر و نهی

* * *

اكتفا به مرتبۀ اول (آنچه در بالا آمد) در صورت احتمال تأثیر و رفع منکر به واسطه آن واجب است، همچنین واجب است در خود این

مرتبه هم، به درجه پایین‌تر اکتفا کند و در صورت مؤثر نبودن، به مرتبه بعدی برود بخصوص اگر موقعیت شخص، به گونه‌ای است که به امثال این کارها مورد هتک قرار می‌گیرد؛ بنابراین، تعدی از مقدار لازم جایز نیست. پس، اگر احتمال دهد مقصود با چشم برداشتن از او به گونه‌ای که مقصود را بفهماند به دست آید، تعدی به مرتبه برتر از آن جایز نیست. (۲۸۱)

رعایت درجات در
مرتبه اول

* * *

اگر روگرداندن و ترک معاشرت با او، موجب کاستن از منکر بشود از بین بردن آن، و احتمال نمی‌دهد که امر و نهی زبانی او در ریشه‌کن کردن آن تأثیر داشته باشد و غیر از این، راه دیگری برای انکار نداشته باشد، همان مقدار واجب است. (۲۸۲)

شرط اکتفا به
روگرداندن و ترک
معاشرت

* * *

اگر در روگرداندن علمای دین و پیشوایان مذهب از ستمکاران و پادشاهان ستم‌پیشه، احتمال تأثیر ولو در کاستن ظلم باشد، روگرداندن از آنان بر ایشان واجب است و اگر عکس آن باشد، رفت و آمد و معاشرت علما با ایشان موجب کاستن از ظلم آنان خواهد شد، باید ملاحظه جهات مختلف و ترجیح جانب مهمتر نشود، و اگر محذور دیگری موجود نباشد، مانند آنکه احتمال داده شود معاشرت علما، باعث شوکت و تقویت آنان و گستاخی و جرأت آنان بر هتک حرمت‌های الهی، یا هتک مقام علم و روحانیت و بدگمان شدن مردم نسبت به علما می‌شود، در این صورت رفت

روگرداندن علما و
تأثیر آن در کاستن
ظلم

و آمد و معاشرت با آنان به خاطر کاستن از ظلم آنان، واجب است. (۲۸۳)

* * *

اگر معاشرت علمای دین و پیشوایان مذهب، مصلحت برتری که رعایت آن لازم باشد، نداشته باشد، این کار برای آنان جایز نیست بویژه اگر موجب اتهام و انتساب ایشان به خشنودی از اعمال پادشاهان ستمگر باشد. (۲۸۴)

شرط معاشرت
علما با ستمگران

* * *

اگر در رد هدایای ستمکاران و پادشاهان ستمگر، احتمال تأثیر در کاستن از ظلم یا کاستن از گستاخی آنان، در مورد بدعت گذاریهای آنان باشد، رد آن واجب است، و قبول جایز نیست و اگر برعکس باشد، لازم است جهات مختلف ملاحظه، و رعایت جانب مهمتر بشود. چنانکه گذشت. (۲۸۵)

حکم رد هدایای
ستمگران

* * *

اگر پذیرفتن هدایای آنان موجب تقویت شوکت آنان و جرأت بر ظلم یا بدعت‌هایشان بشود، قبول آن حرام است؛ و در صورت احتمال تقویت، احتیاط در نپذیرفتن است، و اگر عکس باشد ملاحظه اهم و جهات مختلف لازم است. (۲۸۶)

حکم پذیرش
هدایای ستمگران

رضایت به انجام منکر و ترک معروف جایز نیست؛ بلکه دور
حکم ناخوشایندی
نیست ناخوشایندی قلبی نسبت به آنها واجب باشد؛ ولی این
درونی به منکرات
کراهت غیر از امر به معروف و نهی از منکر است. (۲۸۷)

* * *

حرمت رضایت و وجوب ناخوشایندی مشروط به شرطی نیست؛
عدم مشروط بودن
بلکه رضایت به منکر و ترک معروف در هر حال، حرام، و
ناخوشایندی قلبی
ناخوشایندی قلبی در هر حال، واجب است. (۲۸۸)

* * *

برای ملت ایران چه جشنی مانده؟ ملت ایران موظف است که با
این جشن^(۱) مبارزه منفی بکند - مثبت نه، لازم نیست. از خانه
بیرون نیایند وقتی که این جشنها هست، شرکت نکنند در جشنها؛
جایز نیست شرکت کردن در این جشنها. هر چه می‌توانند از زیر
مبارزه منفی برای
جشن شاهنشاهی
بار اینطور چیزها در برونند. (۲۸۹)

۵۰/۴/۱

* * *

با این استعمارزدگان بی‌عاطفه با روی قهرآمیز و چهره متنفر
آشکار کردن قهر و
روبه‌رو شوید، و از احکام خلاف عدل و انصاف آنها هر قدر
می‌توانید تخلف کنید. برادران خود را توأسی به حق و توأسی به
تنفر
صبر کنید، و احکام اسلام و کیفیت حکومت اسلامی را تحقیق و

۱. جشن ۲ هزار و پانصد ساله شاهنشاهی.

نصب العین خود قرار دهید، و ناآگاهان را آگاه نمایید. (۲۹۰)

۵۱/۶/۲۰

* * *

نظر به مخالفت این حزب^(۱) با اسلام و مصالح ملت مسلمان ایران، شرکت در آن بر عموم ملت حرام و کمک به ظلم و استیصال مسلمین است؛ و مخالفت با آن از روشن‌ترین موارد نهی از منکر است. (۲۹۱)

مخالفت با حزب
رستاخیز

۵۳/۱۲/۲۱

* * *

علمای اعلام و سایر طبقات بدانند که تشکیل این حزب،^(۲) مقدمه بدبختیهای بسیاری است که اثراتش بتدریج ظاهر می‌شود. بر مراجع اسلام است که ورود در این حزب را تحریم کنند و نگذارند حقوق ملت مسلمان ایران پایمال شود. بر سایر طبقات خصوصاً خطبای محترم و محصلین و طبقه جوان دانشگاهی و طبقات کارگر و زارع و تجار و اصناف است که با مبارزات پیگیر و همه‌جانبه و مقاومت منفی خود، اساس این حزب را ویران کنند و مطمئن باشند که رژیم در حال فرو ریختن است و پیروزی با آنهاست. (۲۹۲)

مقاومت منفی در
برابر حزب
رستاخیز

۵۳/۱۲/۲۱

* * *

کارشناسان که می‌خواهند مخازن ما را بی‌مانع به غارت ببرند، برای تضعیف اسلام و محو اسم آن، نغمه شوم تغییر مبدأ تاریخ را

ساز کردند. این تغییر از جنایات بزرگی است که در این عصر به دست این دودمان کثیف واقع شد. بر عموم ملت است که با استعمال این تاریخ جنایتکار مخالفت کنند؛ و چون این تغییر: هتک اسلام و مقدمه محو اسم آن است - خدای نخواسته - استعمال آن بر عموم حرام و پشتیبانی از ستمکار و ظالم و مخالفت با اسلام عدالتخواه است. (۲۹۳)

حرمت استفاده از
تاریخ شاهنشاهی

۵۵/۷/۴

* * *

من از سربازان سراسر کشور خواستارم که از سربازخانه‌ها فرار کنند، این وظیفه‌ای است شرعی که در خدمت ستمکار نباید بود. من از پدرها و مادرها و عائله صاحب‌منصبان تقاضا دارم که آنان را از کمک به شاه خائن و اطاعت از صاحب‌منصبان خدمتگزار به شاه و اجانب، باز دارند و از درجه داران خواستارم که به ملت خود بپیوندند و افتخار خدمت به مسلمین را احراز کنند. (۲۹۴)

دستور فرار
سربازان از پادگانها

۵۷/۹/۱۱

* * *

اما طبقه جوان که مهم در ارتش این طبقه هستند، اینها را من تنبه به آنها می‌دهم که شما جوانید، شما باز وقت زندگی‌تان مانده است، وقت کارتان مانده است، وقت خدمتتان به ملت مانده است، شما برگردید به این ملت و خدمت به ملت بکنید و رها کنید این دستگاهی که الآن شما می‌دانید که برخلاف قانون است، برخلاف اسلام است؛ دست از این دستگاه بردارید و به ملت بپیوندید. (۲۹۵)

لزوم پیوند جوانان
ارتش به ملت

۵۷/۹/۲۰

مراتب امر به معروف و نهی از منکر □ ۱۶۱

کلیه کارهایی که برای دولت اعانت به دولت است، از باب اینکه این دولت دولت غاصب است و ظالم است، برای مردم جایز نیست که کمک کنند به این دولت. مالیاتها کمک است به دولت و جایز نیست که به اینها بدهند؛ حتی الامکان باید خودداری کنند از دادن مالیات. از اعانت کردن و هر چیزی که اعانت به این دولت است باید مردم از آن خودداری بکنند. (۲۹۶)

حرمت اعانت به
دولت غاصب

۵۷/۱۰/۱

* * *

ما که اعلام کردیم که دولت ایران غیر رسمی است و مخالف با قوانین است، هم مخالف با قانون شرع است و هم مخالف با قانون اساسی است، بنابراین کلیه چیزهایی که مربوط به دولت و برای اعانت دولت است، باید مردم از آن اجتناب کنند. و ما به سربازها گفتیم که - دستور دادیم که - فرار کنند برای اینکه خدمت در این دستگاه خدمت به ظلم است، و آنها هم بسیاری شان فرار کردند. (۲۹۷)

لزوم دوری از
کمک به دولت

۵۷/۱۰/۱

* * *

اعانت به حکومت یاغی و پرداخت مالیات، پول آب و برق و تلفن و سایر کمکها به دولتی که شاه سرکار آورد، خیانت به ملت و مخالفت با حکم خدا تبارک و تعالی است. و بر کارگران و کارمندان محترم و مبارز آب و برق و تلفن است که پیوند خود را با هموطنان شجاع و بی‌پناه خود مستحکم‌تر نموده و به هیچ وجه دستورات دولت یاغی را در مورد قطع آب و برق و تلفن اطاعت نکنند؛ و با همکاریهای بیدریغ با برادران و خواهران مظلوم خود دین خود را

مخالفت با
دستورات دولت
یاغی

۱۶۲ □ امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی (س)

به اسلام و مسلمین ادا نمایند. (۲۹۸)

۵۷/۱۰/۱۲

* * *

کارمندان وزارتخانه‌ها، وزرای فاسد غیرقانونی را نپذیرند و از آنان اطاعت نکنند؛ و در صورت قدرت به وزارتخانه‌ها راه ندهند که این امر تکلیف شرعی آنان و خدمت به کشور و ملت است؛ و اطاعت از آنان مخالفت با ملت و اسلام است. (۲۹۹)

عدم اطاعت از
وزرای فاسد

۵۷/۱۰/۱۶

* * *

من به عموم ملت دلیر اعلام می‌کنم که رژیم سلطنتی، غیرقانونی و مجلسین،^(۱) غیرملی و غیرقانونی و حکومت غاصب، غیرقانونی و یاغی است. اطاعت از این دستگاه، اطاعت از طاغوت و حرام است. اطاعت از شاه مخلوع و دولت یاغی، جرم است در قانون، و حرام است در شرع. (۳۰۰)

حرمت اطاعت از
شاه

۵۷/۱۰/۱۶

* * *

ملت از دادن مالیات - مطلقاً - و از دادن پول آب و برق و تلفن خودداری کنند و از آنچه اعانت به دولت^(۲) است احتراز کنند که اعانت به دولت غاصب، حرام و موجب غضب خداوند است. (۳۰۱)

احتراز از اعانت به
دولت

۵۷/۱۰/۱۶

۱. مجلس سنا و مجلس شورای ملی.

۲. مراد، دولت شاهنشاهی است.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر □ ۱۶۳

اعلام می‌کنیم که خدمت کردن به این دولت طاغوتی خدمت به طاغوت است، خدمت به کفر و شرک است. نباید خدمت بکنید. خدمت به اجانب است. نباید خدمت به اینها بکنید. (۳۰۲)

۵۷/۱۱/۱۹

خدمت به دولت و
شاه، خدمت به کفر
و شرک

* * *

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای دکتر ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه

با در نظر گرفتن پیمان خائنانه مصر و اسرائیل و اطاعت بی‌چون و چرای دولت مصر از امریکا و صهیونیسم، دولت موقت جمهوری اسلامی ایران قطع روابط دیپلماتیک خود را با دولت مصر بنماید. (۳۰۳)

۵۸/۲/۱۰

دستور قطع رابطه
با مصر

* * *

دولتهای اسلامی باید دولت مصر را در این خیانت بزرگ^(۱) که به اسلام و مسلمین نموده است به جای خود بنشانند و با آن قطع رابطه کنند. ملت مصر باید دست این خیانتکار را از کشور خود قطع کند و ننگ سرسپردگی به امریکا و صهیونیسم را از ملت بزدایند. من به دولت دستور دادم که با مصر قطع رابطه نماید. (۳۰۴)

۵۸/۲/۱۰

دعوت مسلمین به
قطع رابطه با مصر

* * *

۱. مراد، قرارداد کمپ دیوید است که میان سادات، رئیس جمهور مصر، و مناخیم‌بگین، نخست‌وزیر وقت اسرائیل، در آغاز سال ۱۳۵۸ ه.ش. به امضا رسید.

من از رده بالای قوای انتظامی عراق مأیوس هستم؛ لکن از افسران و درجه داران و سربازان مأیوس نیستم و از آنان چشمداشت آن دارم که یا دلاورانه قیام کنند و اساس ستمکاری را برچینند همان سان که در ایران واقع شد؛ و یا از پادگانها و سربازخانه‌ها فرار کنند و ننگ ستمکاری حزب بعث را تحمل نکنند. من از کارگران و کارمندان دولت غاصب بعث مأیوس نیستم؛ و امیدوارم که با ملت عراق دست به دست هم دهند و این لکه ننگ را از کشور عراق بزدایند. (۳۰۵)

دستور فرار به
سربازان عراقی

۵۹/۲/۲

* * *

اگر دولت باطل باشد، استخدام در او جایز نیست، مگر اینکه برای یک احقاق حقی باشد. (۳۰۶)

حرمت استخدام
در دولت باطل

۵۹/۵/۲۵

* * *

شما هم همان کار را بکنید که ارتش ایران نسبت به شاه سابق کردند؛ همان طوری که آنها رها کردند او را و متصل شدند به ملت و سربازها فرار کردند از پادگانها و متصل شدند به ملت. شما هم فرار کنید و قوای خودتان را صرف این کنید که این جرثومه فساد را از بین ببرید. خدا به شما تأیید می‌کند، اگر قیام کنید و این شخص را از بین ببرید و یکی را خودتان به جای او بگذارید. ما هم کمک شما هستیم در اینکه از خود شما، از ملت شما یک نفر اداره کند حکومت عراق را. این آدمی^(۱) [را] که برخلاف اسلام، و برخلاف

لزوم قیام بر علیه
صدام

۱. مراد، صدام حسین است.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر □ ۱۶۵

مصالح اسلام مشغول مفسده شده است، این فاسد را از بین
ببرید. (۳۰۷)

۵۹/۶/۳۱

* * *

بر همه شما و ما مسلمانان جهان لازم است از اسلام عزیز و
قرآن کریم دفاع کنیم و این خیانتکاران را به جهنم بفرستیم. اکنون
تکلیف شرعی، الهی، انسانی شما آن است که در هر محلی هستید
به ضدیت و کارشکنی برآیید. ارتش عراق به ارتش ایران ملحق
شود. (۳۰۸)

الحاق ارتش عراق
به ایران

۵۹/۷/۲

* * *

باید به حسب تکلیف شرعی کارگران از هر طبقه که هستند و
کارمندان در اداره که می باشند با اعتصابها و مخالفتها خدمت خود
را به اسلام عزیز و قرآن کریم نشان دهند. ملت عراق از دادن
مالیات و پول آب و برق به دولت کافر خودداری کند، که کمک به
دولت غیرقانونی کافر است؛ کمک به مخالفین اسلام است که در
حال جنگ با اسلام می باشند، و با راهپیماییهای میلیونی عمل
جنایتکاران عراقی را محکوم نمایند. (۳۰۹)

اعتصاب و
خودداری از کمک
به دولت عراق

۵۹/۷/۲

* * *

من می دانم که همه دل خون دارند از این حکومت، و هیچ مسلمی
نمی تواند موافق باشد با او. لکن حالا که سرگرم جنگ با ایران

هستند، و قبل از اینکه ما آنها را اعدام کنیم، از بین ببریم، ملت قیام کند و نهضت کند، مثل قیامی که ملت ایران کرد. ملت ایران قیام کرد و یک قدرت صدچندانی قدرت صدام حسین را از بین برد. شماها هم قیام کنید. الآن این آدم مشغول است به ایران. شما از پشت خنجر به او بزنید. قیام کنید. اعتصاب کنید. راهپیمایی کنید برخلافش. مگر می‌تواند قتل عام بکند وقتی همه شهرهای عراق راهپیمایی کردند بر ضد او، و منطقشان هم این بود که تو داری با اسلام مخالفت می‌کنی. برای خدا، برای اسلام راهپیمایی کنید. اقتصادش را فلج کنید. ندهید مالیات به او. حرام است دادن مالیات به این. از گناهان کبیره است. برای اینکه، اعانت بر یک کسی است که برخلاف اسلام است. و پول آب و برق را ندهید. چیزهای دیگر را که می‌خواهند، ندهید. زیر بار نروید و تظاهرات بکنید و راهپیمایی بکنید. محکوم کنید او را. نمی‌تواند با یک ملت طرف بشود او. (۳۱۰)

دعوت ملت عراق
به قیام

۵۹/۷/۴

* * *

دوری‌گزینی و طرد

حضرت در جواب^(۱) از مراجعه به مقامات حکومتی ناروا، چه اجرایی و چه قضایی، نهی می‌فرمایند. دستور می‌دهند که ملت اسلام در امور خود نباید به سلاطین و حکام جور و قضاتی که از عمال آنها هستند، رجوع کنند؛ هرچند حق ثابت داشته باشند و

۱. امام صادق - علیه السلام - در جواب سؤال عمر بن حنظله: اصول کافی؛ ج ۱: کتاب فضل العلم؛ «باب اختلاف الحدیث»، ص ۸۶، ح ۱۰.

بخواهند برای احقاق و گرفتن آن اقدام کنند. مسلمان اگر پسر او را کشته‌اند یا خانه‌اش را غارت کرده‌اند، باز حق ندارد به حکام جور برای دادرسی مراجعه کند. همچنین اگر طلبکار است و شاهد زنده در دست دارد، نمی‌تواند به قضات سرسپرده و عمال ظلمه مراجعه نماید. هرگاه در چنین مواردی به آنها رجوع کرد، به «طاغوت»؛ یعنی قدرتهای ناروا روی آورده است؛ و در صورتی که به وسیله این قدرتها و دستگاههای ناروا به حقوق مسلم خویش نایل آمد: فإِنما يأخذهُ سُحْتاً و إن كان حقاً ثابتاً له، به حرام دست پیدا کرده، و حق ندارد در آن تصرف کند. حتی بعضی از فقها در «عین شخصی»^(۱) گفته‌اند که مثلاً اگر عباى شما را بردند و شما به وسیله حکام جور پس گرفتید، نمی‌توانید در آن تصرف کنید.^(۲) ما اگر به این حکم قائل نباشیم، دیگر در کلیات، یعنی در «عین کلی» شک نداریم. مثلاً در اینکه اگر کسی طلبکار بود و برای گرفتن حق خود به مرجع و مقامی غیر از آنکه خدا قرار داده مراجعه، و طلب خود را به وسیله او وصول کرد، تصرف در آن جایز نیست؛ و موازین شرع همین را اقتضا می‌کند. (۳۱۱)

عدم رجوع به
حاکم و قاضی
ستمگر

* * *

[... بفرمایید کسانی که سابقاً از حضرت‌تعالی اجازه سهم مبارک امام - علیه‌السلام - داشته‌اند و در سالهای گذشته در منابر بیاناتی به نفع

۱. چون شخصی ادعا کند که دیگری (مدعی علیه) ملکی یا پولی به او وامدار است؛ اما مورد مطالبه معین و مشخص نباشد، بلکه حقی را به طور کلی مطالبه کند، مورد مطالبه را «عین کلی» گویند؛ اما چون مدعی گردد که ملک یا پولی معین از آن او، نزد مدعی علیه است که در تصرف اوست، و آن را بطلبد، مورد مطالبه را «عین شخصی» نامند.

۲. محقق سبزواری در کفایة الاحکام به آن قائل شده است. محقق آشتیانی؛ القضاء؛ ص ۲۲.

دستگاه حاکمه و برخلاف شرع و اعمالی ناشایسته و بر خلاف شرع اقدس از آنها سرزده، آیا همچنان بر راه خود باقی هستند و می شود به آنها سهم مبارک امام - علیه السلام - داد یا خیر؟ آدم الله بقائکم.

نفی اجازه از
تأییدکنندگان
ستمگران

بسمه تعالی

کسانی که از دستگاه ظلم تأیید کرده اند یا می کنند و بر خلاف شرع مطهر عمل می کنند، اگر اجازه ای از اینجانب دارند، از درجه اعتبار ساقط است و مؤمنین به آنها از وجوه شرعیه خصوصاً سهم مبارک امام - علیه السلام - ندهند. «اعاذُنا اللهُ تعالی مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا». (۳۱۲)

۱۳۴۷ ه. ش.

* * *

لازم است مراقب باشید با کمال دقت و هوشمندی که کسانی که التزام به اسلام ندارند به جمیع ابعادش ولو در اصلی از اصول با شما موافق نیستند، آنها را دعوت به التزام کنید؛ و اگر مؤثر نشد از شرکت دادن آنها در اجتماعات و انجمنهای اسلامی احتراز کنید. و گمان نکنید زیادی افراد هر چه باشد شما را به هدف نزدیک می کند و پس از وصول به هدف، آنها قابل تصفیه هستند. (۳۱۳)

لزوم احتراز انجمن
اسلامی از
غیر ملتزمین به
اسلام

۵۶/۱۱/۲۴

* * *

باید با کمال هوشیاری و مراقبت، سایر انجمنها را به مراقبت از راه و روش اعضای انجمنها و گروهها [دعوت کنید] که اشخاص مرموز

مراتب امر به معروف و نهی از منکر □ ۱۶۹

و منحرف، یا محتمل الانحراف در داخل انجمنها و گروهها راه نیابند و اگر راه یافتند، آنها را طرد کنند. (۳۱۴)

۵۶/۱۱/۲۴

طرد منحرفین از انجمنهای اسلامی

* * *

لازم است با کمال قدرت و هوشیاری اشخاص یا گروههایی که گرایش به مکتبهای غیراسلامی دارند و به خوی فرصت طلبی می‌خواهند در این اوقات از فرصت استفاده نموده خود را در صفوف شما داخل کنند و به شما در موقعش از پشت خنجر بزنند از خود دور کنید و به آنها مجال تحرک ندهید. به غیر مکتب اسلام و شعار اسلامی، کشور از خطر نجات پیدا نمی‌کند. (۳۱۵)

۵۷/۱/۴

دور کردن فرصت طلبان گروههای غیر اسلامی

* * *

حضرات ائمه جماعت محترم - دامت برکاتهم - گویندگانی را دعوت نمایند که معتقد و علاقه‌مند به نهضت اسلامی و با هدفی اصیل روشنگری مردم را بر عهده گیرند؛ و از دعوت «وعاظ السلاطین» و اشخاصی که به نفع دستگاه جبار، دانسته یا ندانسته مطالبی را انتخاب می‌کنند که ملت را از مسائل اصلی روز باز دارند جداً احتراز فرمایند، و از کسانی که عمال دولت تعیین می‌کنند دوری و احتراز کنند. (۳۱۶)

۵۷/۵/۵

دوری از وعاظ السلاطین

* * *

بر صاحب منصبان و سران نیروهای هوایی و زمینی و دریایی است

که با افراد خود به ملت پیوندند؛ که اطاعت شاه اطاعت طاغوت است. و بر سربازان و سایر قوای انتظامی است که از او امری که برخلاف مسیر ملت است سرپیچی کنند؛ که اطاعت این او امر مخالفت با قرآن مجید و پیغمبر اسلام - صلی الله علیه و آله - و امام عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - می باشد. (۳۱۷)

۵۷/۸/۱۴

* * *

هر کس یک کلمه بگوید که موافق باشد با سازش با این مرد، خیانت کرده؛ هم بر اسلام و هم بر مسلمین و هم بر کشور خیانت کرده است. خودتان را بپایید و ناظر باشید اشخاصی را که می خواهند یک همچو کارهایی را بکنند. اگر یکوقت از دهن کسی بیرون آمد، تودهنی به او بزنید که همچو غلطی را نکند. (۳۱۸)

۵۷/۸/۱۸

* * *

در این موقع حساس که سرنوشت ملت ما باید تعیین شود، هر کس در هر مقامی که هست، اگر سستی کند و از پشتیبانی نهضت شانه خالی کند، مطرود پیشوای عظیم ما، امام عصر - عجل الله فرجه الشریف - است و بر ملت لازم است او را طرد کنند و عذری از او نپذیرند. اگر کسی از سیاسیون، با بودن شاه خائن، در صدد به دست گرفتن حکومت باشد، مطرود و مخالف اسلام است و بر ملت است که او را طرد کنند. (۳۱۹)

۵۷/۹/۱۱

* * *

لزوم سرپیچی از
فرامین طاغوت

مقابله با
موافقان سازش

طرد سست‌کنندگان
نهضت

مراتب امر به معروف و نهی از منکر □ ۱۷۱

هدفهای ما با هدفهای آنها مختلف است. ما متکی بر اسلام هستیم و بر توحید، و آنها مخالف با هر دو آنها هستند. احکام ما احکام اسلام است و آنها اسلام را نمی‌پذیرند، و لذا ما به آنها نه تنها علاقه‌مند نیستیم که همکاری هم نداریم و نخواهیم داشت. (۳۲۰) ۵۷/۹/۱۶

عدم همکاری با
کمونیسرها

* * *

بر ملت است که به حکم اسلام و قانون، از اطاعت شاه و دولت سرپیچی کنند: مالیات نپردازند. (۳۲۱) ۵۷/۹/۲۳

عدم پرداخت
مالیات به حکومت
شاه

* * *

اگر یک شخصی را دیدید که از وظیفه اهل علم، از وظیفه انسانی - اسلامی تخطی می‌کند، او را نهی کنید. اگر نمی‌شوند، کنار بگذارید. (۳۲۲) ۵۸/۴/۵

کنار گذاشتن
علمای منحرف

* * *

پاسداری در این مرحله این است که از عدالت پاسداری کنید؛ از حکومت عدل پاسداری کنید. اگر خدای نخواست، فرض کنید یک نفر جوان مسمای به «پاسدار» به رفیقش، به منزل یک کسی، به خانه یک کسی، به مال یک کسی، تعدی بکند، آن از پاسداری خودش همین طوری مخلوع است. لکن شماها جدیت کنید، که او را یا هدایت کنید؛ یا از صف خودتان کنارش بزنید؛ که ممکن است یک کار خلاف از یک نفر در یک جمعیت بر خلاف تحقق پیدا

اخراج پاسدار
منحرف از بین
پاسداران

بکند، و همه جمعیت به او آلوده بشود، بگویند پاسدارها اینطور هستند. یکوقت بود می‌گفتند که فلان آدم اینطوری است، یکوقت است می‌گویند پاسدارها این جورى اند. (۳۲۳)

۵۸/۴/۶

* * *

یکی از امور مهمه این است که ما نباید مثل سابق باشیم که اگر یک بی‌چاره‌ای می‌خواهد مراجعه کند به یک اداره‌ای، به یک رئیس اداره‌ای، آنقدر اشکال‌تراشی و آن قدر فساد باشد و بالاخره هم [هی بگوییم:] امروز برو، فردا بیا، فردا برو، پس فردا بیا، اینطور چیزها. اگر افرادی در آنجا هستند که اینطور با مردم معامله می‌کنند، شما بدانید که اینها می‌خواهند ناراضی درست بکنند؛ [مثلاً،] یک کسی آمده، یک کاری دارد، کار جزئی هم هست، [دائم می‌گویند:] برو سر آن میز، آن برو سر آن میز، آن برو سر آن میز، آن کارهایی که سابق می‌کردند، اگر شما در ادارات دیدید یک همچو چیزی هست، باید به آنها تنه بدهید، ارشادشان کنید که این کارها، کارهای اسلامی نیست. اگر تکرار کردند، آنها را هم باید کنار بگذارید. (۳۲۴)

۶۱/۶/۱۴

* * *

جوانان عزیز دانشگاهی هرچه بیشتر در کسب علوم و فنون در اعتلای کشور معظم خود کوشش نمایند؛ و از نفوذ عناصر منحرف و وابسته به چپ و راست قاطعانه جلوگیری کنند، و نگذارند محیط مقدس دانشگاه آلوده به اغراض منحرفان و وابستگان به

کنار گذاشتن
کارشکنان در
ادارات

بیرون کردن
منحرفان به چپ و
راست از دانشگاه

اجانب گردد. و اگر انحراف و گرایش به شرق و غرب خدای
نخواستہ از اساتید یا دانشجویان مشاهده کردند، به ستاد فرهنگی
اطلاع دهند، و در رفع آن با ستاد همراهی لازم را بنمایند. (۳۲۵)

۶۲/۶/۸

* * *

س - [شخصی است که مبادرت به خوردن مشروبات الکلی
می نماید و کارهای منافی با عفت انجام می دهد و به مراجع
عالیقدر توهین می نماید، از نظر وظیفه شرعی، نصیحت و نهی از
منکر شده است ولی متأسفانه مؤثر واقع نگردیده؛ تقاضا دارم
حکم الله را از نظر معاشرت و طهارت و نجاست و حد شرعی بیان
فرمایید.]

ترک معاشرت برای
نهی از منکر

ج - اگر ترک معاشرت موجب می شود شخص مشارالیه، دست از
اعمال خلاف خود بردارد، لازم است از معاشرت با او خودداری
نمایید و تا ارتداد او ثابت نشود، محکوم به حکم سایر مسلمین
است. (۳۲۶)

* * *

س - [بنده دارای چهار پسر عمو و یک دختر عمو می باشم که
به طور کلی اهل عبادت نیستند که هیچ، اکثر درآمد آنها از قمار و
خرید و فروش مواد مخدر می باشد، و به مقدسات مکتب من نیز
توهین می کنند و با حکومت طاغوتی گذشته که منافع آنها را از راه
نامشروع تهیه می کرد، موافق بوده و می باشند و حال هم در انتظار
حکومت طاغوتی هستند، ان شاء الله که در خواب هم نخواهند

ارشاد رحم و عدم
قطع رحم

دید. آیا من می‌توانم با ایشان آمد و رفت نمایم؟]
ج - قطع رحم نکنید و تا می‌توانید آنها را ارشاد نمایید. (۳۲۷)

* * *

س - [فرزند پدری هستم که هیچ‌گونه اعتقادی به خدا و پیامبر و معاد ندارد و مسلماً نماز هم نمی‌خواند، بلکه در مواردی توهین به آستان قدس خدا و پیامبر می‌کند و با انقلاب فوق‌العاده بد است. اخلاق خانوادگی او - به خاطر اینکه مادرم و خواهر و برادرانم همه معتقد به مبانی مذهبی هستند - فوق‌العاده تند و به دور از عواطف پدری است. من تا آنجا که توانستم با محبت و رفتار ملایم با پدرم صحبت کرده و او را از روشی که در مقابل خدا و پیامبر و در مقابل خانواده پیش گرفته است، نهی کرده‌ام؛ اما محبت و طبع ملایم هم در او کارگر نیست و اکنون وضع خانواده آشفته و هر روز دعوا و ناسزاگویی از طرف پدرم در خانواده شدیدتر شده و من هم با پدرم دعوا کرده و از او قهر نمودم. البته متذکر می‌شوم که من ازدواج کرده و در منزل همسرم زندگی می‌کنم و شوهرم گفته است که راضی نیستم دیگر به خانه پدر و مادرت بروی. حال از امام عزیز می‌خواهم تکلیف اینجانب را نسبت به پدرم، که کافر به همه چیز است، روشن کند!]
ج - از قطع رحم اجتناب کنید و حتی المقدور در هدایت او کوشش نمایید. (۳۲۸)

هدایت پدر و عدم
جواز قطع رحم

* * *

س- [آیا انسان می‌تواند از نظر شرعی با خویشاوندانی که بی‌تقوا و بی‌نماز و ضد انقلابند از قبیل پدر، مادر، خواهر، و غیره قطع رحم نمایند؟]

ج- قطع رحم جایز نیست؛ ولی باید آنها را با مراعات موازین، امر به معروف و نهی از منکر نمایند. (۳۲۹)

امر به معروف و نهی
از منکر رحم

* * *

س- [شخصی مدت زیادی با رفت و آمدهای مشکوک و برخورد شبهه‌آمیز با همسر یکی از اقوام، شوهر او را وادار نموده تا او را طلاق دهد، و پس از عده با او ازدواج کرد، البته این شخص در زمان طاغوت در بین دوستانش مشهور به فساد و فحشا بوده و توبه هم نکرده، رفت و آمد اقوامش با چنین شخصی چگونه باید باشد؟]

ج- قطع رحم جایز نیست و رفت و آمد اشکال ندارد، و با مراعات شرایط مقرر امر به معروف و نهی از منکر نمایند. (۳۳۰)

عدم جواز قطع
رحم

* * *

فصل دوم

امر و نهی زبانی

شرط ورود به مرحله دوم اگر می‌داند که مقصود با مرتبه اول حاصل نمی‌شود، انتقال به مرحله دوم با احتمال تأثیر واجب است. (۳۳۱)

* * *

موعظه، مرتبه نخست زبانی اگر احتمال دهد مقصود، با موعظه و راهنمایی و گفتار نرم، حاصل می‌شود، واجب است و تعدی از آن جایز نیست. (۳۳۲)

* * *

لزوم رعایت درجات، در مرتبه زبانی اگر بداند مرحله قبلی تأثیر ندارد، باید به مرحله بعدی، یعنی حکم کردن به وسیله امر و نهی منتقل شود؛ و واجب است از مرحله آسانتر شروع کند، تا به مراحل بعدی برسد، البته اگر احتمال تأثیر می‌دهد و تعدی از آن جایز نیست بویژه اگر مورد به نحوی است که فاعل با گفتن آن، مورد بی‌احترامی قرار می‌گیرد. (۳۳۳)

اگر از بین بردن منکر و برپا داشتن معروف، متوقف بر گفتار خشن، و شدت به خرج دادن در امر، و تهدید و ترساندن بر مخالفت باشد، جایز است؛ بلکه با رعایت دوری از دروغ، واجب است. (۳۳۴)

شرط گفتار خشن و
با شدت

* * *

جایز نیست انکار را با حرام و منکر، مثل ناسزا و دروغ و اهانت همراه نماید، بله اگر منکر از اموری است که شارع برای آن اهمیت قائل است و به هیچ وجه راضی به انجام آن نیست، جایز است، مثل قتل نفس محترمه و ارتکاب زشتیها و کبائر مهلکه؛ بلکه جلوگیری و دفع آن واجب است هر چند موجب فحش و اهانت و امثال آن باشد، به شرط اینکه منع آن متوقف بر آنها باشد. (۳۳۵)

حکم انکار همراه با
ناسزا، دروغ و...

* * *

اگر بعضی از مراتب و درجات گفتار از جهت آزار و اهانت، از بعضی مراتب درجه اول پایین تر باشد، واجب است به همان مقدار اکتفا کند. پس، اگر موعظه و ارشاد با زبان نرم و روی گشاده و باز، مؤثر است یا احتمال تأثیر دارد و این مرحله از مرحله دوری کردن و ترک رابطه، از اذیت کمتری برخوردار است، تعدی از مرحله گفتار نرم به مرحله ترک رابطه و اعراض، جایز نیست، و [روشن است] که اشخاص چه امرکننده و چه امرشونده از جهات گوناگون با هم اختلاف دارند، چه بسا شخصی که ترک رابطه و اعراض از او موجب اهانت و اذیت بیشتر و سنگینتری در مقایسه با گفتار و امر و نهی اوست، بنابراین لازم است امر و ناهی ملاحظه مراتب و

رعایت مراتب و
درجات نسبت به
افراد مختلف

اشخاصی را بنماید و از مرحله نرمتر شروع کند تا به مراحل بعد برسد. (۳۳۶)

* * *

اگر فرض شود بعضی از درجات مرتبه اول با بعضی مراحل مرتبه دوم مساوی است، در این صورت بین آنها ترتیب نیست و اختیار با اوست. پس، اگر فرض شد که روی گرداندن با امر کردن در آزار فرد مساوی است و بداند یا احتمال دهد هر یک از آن دو تأثیر دارد، بین آن دو مختار است و انتقال به مرحله شدید و غلیظتر جایز نیست. (۳۳۷)

حکم تساوی
درجات مرتبه اول
و دوم

* * *

اگر احتمال دهد با جمع بعضی از مراحل مرتبه اول و دوم یا جمع تمام مراتب اول با تمام مراتب دوم (در صورت امکان جمع) و یا جمع نمودن بین دو مرتبه (در صورت امکان) تأثیر می‌گذارد و مقصود از آن به دست می‌آید، واجب است تا آنجا که ممکن است جمع کند. پس، اگر بداند بعضی از مراتب تأثیر ندارد، ولی احتمال می‌دهد جمع بین اخم کردن و روترش کردن و دوری کردن و انکار زبانی، همراه با غلظت و شدت و تهدید و بالا بردن صدا و ترساندن و امثال آن اثر دارد، واجب است بین آنها جمع کند. (۳۳۸)

حکم جمع بین
درجات دو مرتبه

* * *

اگر جلوگیری از منکر یا برپا داشتن معروفی متوقف بر متوسل

شدن به ظالم برای دور کردن او از معصیت باشد، جایز، بلکه واجب است؛ به شرط اینکه از تعدی و تجاوز آن ظالم از مقتضای تکلیف مطمئن باشد، و بر ظالم هم اجابت این مطلب لازم است؛ بلکه بر خود او جلوگیری از منکر مثل سایرین واجب است و همچنین لازم است مراعات مراتب را بنماید و از مرحله نرمتر شروع کند، چنانکه بر دیگران لازم است. (۳۳۹)

حکم توسل به
ستمگر برای
جلوگیری از منکر

* * *

اگر مقصود با مرتبه پایین‌تر از طرف یک شخص و با مرتبه بالاتر از شخص دیگری حاصل می‌شود، ظاهر وجوب تکلیف هر یک - به طور کفایی - است؛ و واجب نیست تکلیف را به کسی که مرتبه پایین‌تر از او ساخته است، واگذار نماید. (۳۴۰)

رعایت تکلیف
به طور کفایی

* * *

اگر انکار شخصی در کم کردن منکر و انکار شخص دیگر در از بین بردن آن مؤثر باشد، بر هر یک از آن دو انجام تکلیف مربوط به خود لازم است، لکن اگر دومی تکلیف خود را انجام داد و منکر از بین رفت، تکلیف از دیگری ساقط خواهد شد؛ و اگر اولی که انکار او موجب کم کردن منکر است، تکلیف را انجام داد، موجب سقوط تکلیف از گردن فرد دوم نمی‌شود. (۳۴۱)

حکم انجام
تکلیف، برای هر
فرد

* * *

اگر بدانند یکی از مراتب مؤثر است، همان مرتبه پایین‌تر واجب است؛ و اگر مقصود به دست نیامد به مرحله بالاتر منتقل می‌شود. (۳۴۲)

وجوب مرتبه پایین
در صورت علم
اجمالی

* * *

نصیحت و بیان مطالب و افشاگری

عطف به تلگراف سابق اشعار می‌دارد، معلوم می‌شود شما بنا ندارید به نصیحت علمای اسلام که ناصح ملت و مشفق امتند، توجه کنید؛ و گمان کردید ممکن است در مقابل قرآن کریم و قانون اساسی و احساسات عمومی قیام کرد. علمای اعلام قم و نجف اشرف و سایر بلاد تذکر دادند که تصویبنامه غیرقانونی شما برخلاف شریعت اسلام، و برخلاف قانون اساسی و قوانین مجلس است.

نصیحت دولت
شاه

اگر گمان کردید می‌شود با زور چند روزه قرآن کریم را در عرض «اوستا»ی زرتشت، «انجیل» و بعض کتب ضاله قرار داد، و به خیال از رسمیت انداختن قرآن کریم، تنها کتاب بزرگ آسمانی چند صد میلیون مسلم جهان، افتاده‌اید و کهنه‌پرستی را می‌خواهید تجدید کنید، بسیار در اشتباه هستید. اگر گمان کردید با تصویبنامه غلط و مخالف قانون اساسی می‌شود پایه‌های قانون اساسی را که ضامن ملیت و استقلال مملکت است، سست کرد و راه را برای دشمنان خائن به اسلام و ایران باز کرد، بسیار در خطا هستید.

اینجانب مجدداً به شما نصیحت می‌کنم که به اطاعت خداوند

متعال و قانون اساسی گردن نهید، و از عواقب وخیمه تخلف از قرآن و احکام علمای ملت و زعمای مسلمین و تخلف از قانون بترسید؛ و بدون موجب، مملکت را به خطر نیندازید؛ و آلا علمای اسلام درباره شما از اظهار عقیده خودداری نخواهند کرد. (۳۴۳)

۴۱/۸/۱۵

* * *

شما اهالی محترم^(۱) تحت نظر علمای اعلام و حجج اسلام و خطبای عظام، اجتماعات خود را خصوصاً در روز جمعه، هر چه بیشتر فشرده تر کنید. و به مراسم و شعائر مذهبی اهمیت دهید. و در مقابل زورگوییها و قانون شکنیها ساکت ننشینید و با کمال آرامش خلافاکاریهای دستگاه جبار را به ملت ایران و ملل مسلمین گوشزد کنید. (۳۴۴)

۴۳/۷/۲۱

* * *

شما^(۲) موظفید به رفقایان بگویید. آقایان موظفند ملت را آگاه کنند؛ علما موظفند ملت را آگاه کنند. ملت موظف است که در این امر صدا دریاورد. با آرامش [به] عرض برساند؛ به مجلس اعتراض کند؛ به دولت اعتراض کند که چرا یک همچو کاری کردید؟ چرا ما را فروختید؟ مگر ما بنده شما هستیم؟ (۳۴۵)

۴۳/۸/۴

* * *

گوشزد
خلافاکاریهای رژیم
شاه

لزوم اعتراض علما
و امت

۱. مراد، اهالی کرمان است.

۲. خطاب به روحانیون.

شما که فعلاً قدرت ندارید جلو بدعت‌های حکام را بگیرید و این مفاسد را دفع کنید، اقللاً ساکت ننشینید. تو سر شما می‌زنند، داد و فریاد کنید؛ اعتراض کنید. انظلام نکنید. انظلام (تن به ظلم دادن) بدتر از ظلم است. اعتراض کنید؛ انکار کنید؛ تکذیب کنید؛ فریاد بزنید. باید در برابر دستگاه تبلیغات و انتشارات آنها دستگاهی هم این طرف به وجود بیاید تا هرچه به دروغ می‌گویند، تکذیب کند. بگوید دروغ است؛ بگوید عدالت اسلامی این نیست که آنها ادعا می‌کنند. عدل اسلامی که برای خانواده‌ها و جامعه مسلمین قرار داده شده، همه برنامه‌اش مضبوط و مدون است که آنها دارند. این مطالب باید گفته شود تا مردم متوجه باشند؛ و نسل آینده سکوت این جماعت را حجت قرار ندهد، و نگوید لابد اعمال و رویه ستمکاران مطابق شرع بوده است و دین مبین اسلام اقتضا می‌کرده که ستمگران «اکل سحت»، یعنی حرام‌خواری کنند و مال مردم را غارت کنند. (۳۴۶)

لزوم بیان عدل
اسلام

* * *

شماها راه دارید و آن این است که یکی یک کاغذ بنویسید. کاغذ که اینقدر تمبرش، پولش زیاد نیست؛ ولو مئونه شما کم است لکن یک کاغذ برای خاطر خدا بنویسید به حکومت ایران به اینکه آقا! این جشن را دست از آن بردار. مردم گرسنه‌اند؛ گرسنه‌ها را سیر کنید. از آقایان خواهش کنید که آنها هم خواهش کنند. من نمی‌گویم آنها صحبت بکنند؛ آنها هم خواهش کنند؛ به طور تمنا و خواهش. بخواهید از آقایان، از افاضل اینجا، از علمای اینجا و از مراجع اینجا که آقا نصیحت کنید این حکومت را. این دارد پدر

نصیحت حکومت
توسط علما

مردم را درمی آورد؛ و اگر به این افسارگسیختگی باشد مصیبت‌های بعد بالاتر است. (۳۴۷)

۵۰/۴/۱

* * *

مسائلتان را طرح بکنید. امروز یک فرجه پیدا شده. من عرض می‌کنم به شما یک فرجه پیدا شده. اگر این فرجه پیدا نشده بود، این اوضاع امروز نمی‌شد در ایران. یک فرجه‌ای است این. اگر الآن غنیمت بشمارند این را، این فرصت است. این فرصت را غنیمت بشمارند آقایان. بنویسند، اعتراض کنند. الآن نویسند، امضا دارند می‌نویسند، امضا می‌کنند. اشکال می‌کند، امضا می‌کند. شما هم بنویسید، صد نفر از علما امضا بکنند؛ مطالب را گوشزد بکنند، اشکالات را بگویند. امروز روزی است که باید گفت. (۳۴۸)

استفاده از فرصت
برای بیان مطالب

۵۶/۸/۱۰

* * *

گویندگان محترم در مجامع و مساجد وظیفه دارند که مصایب وارده بر ملت را در این پنجاه سال سلطنت سیاه پهلوی، خصوصاً در این چند ماه اخیر و کشتار اخیر شهر مقدس مشهد در جوار حضرت ثامن الائمه - علیهم السلام - و رفسنجان، به سمع مردم برسانند و آنان را از مسائلی که مفید برای اسلام و مصالح مسلمین است آگاه گردانند، و از مطالبی که موجب سردی و سستی است احتراز کنند که عذر در درگاه خدای متعال و پیش ملت مسلم پذیرفته نیست.

وظیفه گویندگان در
بیان مطالب

بر مستمعین است که آقایان گویندگان را در ذکر مطالب اسلامی و انسانی تشویق کنند؛ و از آنان با احترام تقاضا کنند که جنایات و ستمگریها را بیان و تفسیر کنند، و از مطالب غیر مفید و احیاناً مخالف با مسیر حرکت ملت احتراز کنند، و با پشتیبانی خود از گویندگان محترم به آنان اطمینان خاطر دهند. (۳۴۹)

۵۷/۵/۵

* * *

گویندگان محترم و متعهد هر چه بیشتر به روشنگری قیام، و علمای اعلام با اعلامیه‌ها و بیانات خود، مردم مهیا را که راه خود را خوب یافته‌اند بسیج عمومی نموده و یکدل و یکجهت برای برچیده شدن بساط غارت و جنایت هم صدا، و با اتکا به قدرت لایزال الهی، این ریشه پوسیده فساد را از بُن برکنند، و ملت مستضعف را از چنگال استعمارگران داخلی و خارجی نجات بخشند. وَ تَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَفْئِدَةً (۱) اراده خداوند تعالی بر آن است که با رهبری حکیمانه انبیای عظام و وارثان آنان، مستضعفین را از قید حکومت طاغوتی آزاد و سرنوشت آنان را به دست خودشان بسپارد؛ باید در این امر الهی ملت عزیز به دنبال روحانیون مسئول این راه حیاتی را طی کنند. (۳۵۰)

۵۷/۵/۱۵

* * *

باید طبقات دانشمند از نویسندگان و گویندگان در هر لباس و

روشنگری علما
پیرامون قیام

شغلی که هستند دست در دست یکدیگر گذاشته و با قلم و بیان، جنایات بی‌شمار دستگاه را برای ملت بیدار ایران روشن‌تر کنند. باید طلاب و دانشجویان عزیز و شجاع سراسر ایران از هر فرصت استفاده کرده و شعار ضد شاهی را که شعار اسلام است زنده نگه دارند.

افشای جنایات
رژیم با قلم و بیان

باید دانشمندان و دانشجویان متعهد و مسئول خارج کشور، جنایات این عنصر خطرناک را هر چه بیشتر در خارج و داخل نوشته منتشر کنند، و شخصیت‌های آزاده جهانی را در سراسر دنیا از ظلم و ستمی که به مردم ایران وارد می‌شود آگاه کنند، و آنان را در کمک به ملت دلیر برای نجات ایران از چنگال استعمار و استثمار جهانی بسیج نمایند. (۳۵۱)

۵۷/۵/۲۲

* * *

الآن مردم مملکت ما قیام کرده است. ما مکلفیم که به آنها کمک کنیم. هر مقداری که می‌توانید، هر قدر می‌توانید، با رفقای تان می‌نشینید بگویید، صحبت کنید، برسائید به این رفقای اروپایی تان، با آنها صحبت کنید، مطلبتان را برسائید. هر کدام به ده نفر از آنها بگویید؛ شما چند هزار نفر هستید،^(۱) به چندین هزار نفر می‌توانید مطلبتان را بگویید. اینها بد منعکس کردند اوضاع ایران را. (۳۵۲)

رساندن مطالب
صحیح نهضت

۵۷/۷/۲۳

* * *

۱. خطاب به دانشجویان ایرانی و ایرانیان خارج از کشور.

ما مکلفیم که به اینها کمک بکنیم؛ بی تفاوت نباشیم. می‌توانیم بگوییم، در جوامع بگوییم، بنویسیم، منتشر کنیم؛ عالم را آگاه کنیم از این مصیبتی که بر سر ملت ما آمده است. (۳۵۳)

۵۷/۷/۲۳

* * *

شما هم مکلفید آقا. یک ملت است، مصالح یک ملت است، مصالح اسلام است. شما هم مکلفید که هر چه می‌توانید تبلیغات کنید به ضد اینها؛ یعنی مسائل حقیقی و واقعی ایران را بگویید. [آنچه] که می‌گذرد الآن بر این ملت، شما بگویید.

آنکه در دانشگاهها می‌گذرد، آنکه در دانشکده‌ها می‌گذرد، آنکه در دبستانها حتی می‌گذرد. دختر کوچولوها را کشتند امسال. نوبت رسید به این دختر بچه‌های هفت-هشت ساله؛ آنچه در زندانهای ایران می‌گذرد، آنچه در ایران - که خودش زندان است - می‌گذرد، اینها را به این اشخاصی که آشنا هستید شما در اینجا، مدارس اینجا می‌روید، در ...، جوامع اینها هستید، به اینها هر کدامتان موظفید بگویید. اگر هر یک از شما به ده نفر، بیست نفر از اینها مطالب ایران را بگوید یک موجی پیدا می‌شود؛ باز جای خدمتی است. آنها دارند جانشان را می‌دهند و خدمت می‌کنند به شما؛ شما هم باید تبلیغات بکنید، شما باید حرف بزنید اینجا؛ می‌توانید در مطبوعات اینها طبع بکنید حرفهایتان را. مصاحبه می‌توانید بکنید، مصاحبه بکنید، بگویید حرفهایتان را؛ مثل من نیستید که ممنوع‌المصاحبه بشوم، بگویید حرفهایتان را. (۳۵۴)

۵۷/۷/۲۸

* * *

آگاهی‌دادن به
جهانیان از نهضت

تبلیغات جهت
مصالح اسلام و
ملت

الآن وقت کار است که همه دست به هم بدهیم؛ شماها که در خارج مملکت هستید، با تمام قوایی که دارید کمک کنید به این مملکت، به اهل مملکت خودتان. آنها دارند خون می دهند، شما [با] قلم، قدم - عرض می کنم که - تظاهر، هر چه بلدید، هر طوری که می دانید، خطابه بخوانید برای مردم این مملکتها، صحبت کنید برایشان، مطالب ایران را به آنها بگویید، حالی شان کنید که در ایران چه می گذرد و ما چه مصیبت هایی داریم و ایرانی ها گرفتار چه مصیبت هایی هستند. (۳۵۵)

سخنرانی در جهت
کمک به نهضت

۵۷/۸/۲

* * *

شما آمدید یک تظاهری هم می کنید، یک روشنگری می کنید، خداوند توفیقتان بدهد، حالا باران هم می خورید! خوب بالاخره برای خداست، برای نجات ملت ایران است.

و همه تان مکلفید به اینکه - همه تان مکلفید به اینکه این تبلیغاتی که در خارج شده و دارد می شود و بعضی از این روزنامه های خارجی از اینها ارتزاق می کنند و بر ضد ملت ایران و بر وفق آقای محمدرضاخان چیز می نویسند، روشنگری کنید شماها در مقابل آنها. شما هم روشنگری کنید. شما هم به هر کس می رسید بگویید مسائل را که ایران وضعیتش اینطوری است. صدای ایران، نه از باب اینکه خیلی آزادی دادند صدایشان بلند است که ما آزادی می خواهیم! از باب این [است] که آزادی ندارند. کی آزادی دارد؟ مطبوعات ما الآن تعطیل است، چندین وقت است که تعطیل است؛ چرا تعطیل است؟ برای اینکه سانسور است. می گویند سانسور نباید باشد. هر جا را می روی الآن تعطیل

روشنگری مسائل
ایران

است، هر جا را می‌روی اعتصاب است برای اینکه مردم می‌بینند که دارد از بین می‌رود یک مملکتی در دست اینها. (۳۵۶)

۵۷/۹/۴

* * *

من از خدای تبارک و تعالی سلامت همه شما را می‌خواهم. و این مطلب را من هر شب تقریباً تکرار می‌کنم که همه ما مکلف هستیم. این قضیه تکلیف مال یک نفر، یکی دیگر باشد یکی نباشد، نیست. من مکلفم، آقا مکلف است، آقا همه، همه که به این نهضتی که در ایران شده است و الآن همه جوانهایشان را توی دست گرفتند و دارند می‌دهند، پیرزن چند تا جوانش از بین رفته و ایستاده و گفته است که من حاضرم همه چیز از بین برود، ما به این نهضت باید کمک بکنیم. اینجا می‌توانید کمک بکنید، باید کمک بکنید. یعنی کمک شما در اینجا تبلیغات است مقابل تبلیغاتی که شاه و دستگاه شاه و روزنامه‌نویسهایی که از شاه [مزد] می‌گیرند و اجیر او هستند تبلیغات کردند به اینکه این مردم هرج و مرج طلب هستند، اینها - عرض می‌کنم که - یک مردم وحشی هستند، اینها [واپسگرا] هستند، از این حرفها زیاد زدند، شماها وقتی تماس می‌گیرید با رفقایان، با اشخاصی که هستند تماس می‌گیرید ... تظاهرات می‌توانید بکنید، تظاهر باید بکنید. تماس با اشخاص که غفلت کرده‌اند از این امور دارید می‌گیرید، هر جا یک عده‌ای را از همین اروپاییها دیدید یا از امریکایی [ها] دیدید، چند نفر بلند شوید فوراً بگویید بابا مسئله ایران اینطوری است، مردم ایران این را می‌گویند، مردم ایران وحشی نیستند، مردم ایران مردم متریقی‌ای هستند که می‌گویند ما آزادی می‌خواهیم؛ ما نمی‌خواهیم که

تبلیغات در برابر

تبلیغات

امریکا مالمان را ببرد. (۳۵۷)

۵۷/۸/۲۷

* * *

اکنون که ماه محرّم چون شمشیر الهی در دست سربازان اسلام و روحانیون معظم و خطبای محترم و شیعیان عالی‌مقام سیدالشهداء - علیه الصلوة والسلام - است، باید حد اعلای استفاده از آن را بنمایند، و با اتکا به قدرت الهی، ریشه‌های باقیمانده این درخت ستمکاری و خیانت را قطع نمایند؛ که ماه محرّم، ماه شکست قدرتهای یزیدی و حیل‌های شیطانی است. مجالس بزرگداشت سید مظلومان و سرور آزادگان که مجالس غلبه سپاه عقل بر جهل و عدل بر ظلم و امانت بر خیانت و حکومت اسلامی بر حکومت طاغوت است، هر چه باشکوه‌تر و فشرده‌تر بر پا شود، و بیرقهای خونین عاشورا به علامت حلول روز انتقام مظلوم از ظالم، هر چه بیشتر افراشته شود.

خطبای محترم و گویندگان عزیز، بیش از پیش به تکلیف الهی خود که افشاگری جرایم رژیم است عمل فرمایند، و خود را در پیشگاه خداوند تعالی و ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - سرافراز و رو سفید نمایند. طلاب و فضلاء حوزه‌های علمیه که در این ایام برای روشنگری به قرا و قصابات می‌روند، لازم است دهقانان محروم و محترم را از فجایع شاه و کشتار مردم بی‌دفاع، آگاه گردانند و به آنان تذکر دهند که بر خلاف تبلیغات مسموم شاه و بستگانش، دولت اسلامی، طرفدار سرمایه‌دارها و مالکین بزرگ نمی‌باشد؛ این حرفهای بی‌معنی برای انحراف از راه حق است. مطمئن باشند که اسلام طرفدار ضعفا و دهقانان و مستمندان

بهره‌برداری از
مجالس امام
حسین علیّه السلام

است؛ این شاه است که به طرفداری از امریکا کشاورزی را به تباهی کشانده است، این شاه است که به طرفداری از سرمایه‌دارها ذخایر ملت ضعیف را به نفع آنان از بین برده است. شما آنان را مطمئن کنید که در دولت حق، از شما به بهترین وجه حمایت خواهد شد. (۳۵۸)

۵۷/۹/۱

* * *

شمایی که اینجا هستید، و از هر جایی که آمدید، همه‌تان مکلفید که به ایران خدمت بکنید و به این نهضت کمک بکنید. کمک تبلیغاتی اینجا که هستید می‌توانید بکنید. تبلیغات می‌توانید بکنید تا اینکه این قشر تبلیغاتی که مُرتزق از شاه هستند در دهنشان را ببندند. در خارج البته دارند.

اینها یک اشخاصی که تبلیغات می‌کنند برای حفظ شاه، شما هم تبلیغ بکنید؛ مردم را آشنا کنید به اینکه مردم ایران چه می‌خواهند. این ملتی که الآن پانزده سال است - بیشتر - قیام کرده و یک سال است که دائماً دارد خون می‌دهد، دائماً دارد جوانهایش را فدا می‌کند، اینها چه می‌خواهند؟ اینها چه ارزشی قائلند برای این آزادی و استقلال که جوانشان را می‌دهند و مع‌ذک باک ندارند؟ باید کمک کنید به اینها. باید به مردم بگویید، به مردم این حدود بگویید که ایران یک همچو چیزی می‌خواهد. گوش نکنید به این حرفهایی که، تبلیغاتی که از اطراف می‌شود که خیر، اینها یک مردم ارادلی هستند و یک مردم پستی هستند، اینها وحشی هستند! (۳۵۹)

رساندن ندای مردم
به جهانیان

۵۷/۹/۴

کسی می‌تواند در همه ایران بگوید من نمی‌دانستم که این سلطان جائز است؟ کسی می‌تواند بگوید من نمی‌دانستم مخالف سنت رسول الله [است]، مخالفت با سنت رسول الله می‌کند؟ کسی نمی‌داند که این آدم عهد خدا را شکسته، معصیت‌کار است به مردم جور دارد می‌کند، مال مردم را، همه را هدر داده؟! هیچ کس نمی‌تواند بگوید من نمی‌دانستم. حالا کسی می‌تواند بگوید که ما دیگر نمی‌توانستیم؟ تمام قدرت همراه ماست، چطور نمی‌توانستیم؟! همه باید استنکار کنند؛ یعنی با لفظ بگویند شاه اینطور است. چطور بعضی از علمای بعض بلاد صریحاً می‌نویسند که شاه اینطور است، هیچ کاری‌شان نکردند. همه باید بگویند شاه اینطور است، دولت - نمی‌دانم - چطور و رژیم چطور است. اینها غلط است؛ باید اسم ببرند بگویند که شاه اینطور است. استنکار کنند. عذر نمی‌شود بگوید من نمی‌توانستم؛ نخیر می‌توانستی. (۳۶۰)

افشای صریح رژیم
شاه

۵۷/۹/۱۸

* * *

بر جمیع جناحهای ملی و دولتی است که چون گذشته دولت غیر قانونی را محکوم کنند. (۳۶۱)

محکوم کردن
دولت غیرقانونی

۵۷/۱۱/۹

* * *

برای همه ما الآن تکلیف است که اولاً راجع به این نهضتی که شده است و تا حالا این نتایج را داشته، و ما امیدواریم تا آخر برسد، بر همه ماست که کمک کنیم به این نهضت. شما اهل قلم هستید

تکلیف اهل قلم در
برابر نهضت

مراتب امر به معروف و نهی از منکر □ ۱۹۳

بنویسید، بحث کنید - عرض می‌کنم - صحبت بکنید، تبلیغات بکنید، این نهضت را بزرگ کنید، پشتیبانی کنید، از این دولت پشتیبانی کنید، اظهار کنید، در روزنامه‌ها اعلام کنید. و بعد هم که ان شاء الله یک دولت حقی برقرار شد، آن وقت باید همه بنشینیم و مع الأسف یک خرابه را بسازیم! این مملکت را اینها خراب کردند و رفتند و خوردند و بردند، و حالا باید شما و ما همه دست به دست هم بدهیم و این مملکت را از سر بسازیم. باید ما مثل زلزله‌ای که آمده است، باید بسازیم از سر. (۳۶۲)

۵۷/۱۱/۱۸

* * *

لازم است پایگاههای اسلامی برای معرفی اسلام و نشر حقایق نجات‌بخشش در هر نقطه‌ای از جهان که امکان است برقرار باشد، و در تحت یک سازمان هماهنگ برای نشر عدالت و قطع ایادی ستمکاران و چپاولچیان مشغول فعالیت شوند. لازم است جوانان کم تجربه گول خورده ما را با آشکار کردن انحراف سایر مکاتیب و آشنا نمودن با نظام اسلامی نجات دهید. **وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا**^(۱) (۳۶۳)

ایجاد پایگاههای
اسلامی برای نشر
حقایق

۵۶/۱۱/۲۴

* * *

هان، ای عزیزان من! در محیط مدارس و دانشگاهها و دانشسراها آگاهانه و متعهد بپاخیزید و به هم پیوندید و برای نجات اسلام و کشور کوشش کنید، و قبل از هر چیز عملاً از احکام پر ارج اسلام

۱. هر کس نفسی را زنده کند، همانند آن است که همه انسانها را زنده کرده است (مائده / ۳۲).

که سعادت ملت‌ها را بیمه نموده است پیروی کنید، و جناح‌هایی را که در اثر تبلیغات اجانب، فریب خورده و بعضی مکتبها را پذیرفته‌اند و یا به آنها تمایل پیدا کرده‌اند، از حیلۀ دشمن آگاه کنید، و جنایتهای سران حیلۀ باز مکتبهای منحرف را افشا کنید. (۳۶۴)

۵۷/۷/۱۶

آگاه کردن
فریب خورده‌ها

* * *

اگر از استادان و دبیران و سران قوم، انحرافی از مقاصد ملی و دینی که سرنگونی رژیم پوسیده در رأس آن است دیدید، شدیداً اعتراض کنید و راه ملت را که راه خداست به آنان پیشنهاد کنید، و در صورتی که نپذیرفتند، از آنان احتراز کرده و صریحاً مقاصد منحرف آنان را برای مردم مظلوم شرح دهید؛ که اینها خائن به دین و ملت و کشورند و می‌خواهند شاه و اربابان او و چپاولگران بین‌المللی به غارتگری خود ادامه دهند و ملت را به حال فقر و عقب‌ماندگی نگه دارند. (۳۶۵)

۵۷/۷/۱۶

انحراف استادان و
سران قوم

* * *

اینها^(۱) یک مردمی هستند که اینطور نیست که منطبق سرشان بشود. شما بگویید بیایید بنشینیم با هم مباحثه بکنیم؛ منطبق ندارند. اینها حمله می‌کنند به این طرف و آن طرف. منزلهای مردم را دارند غارت می‌کنند. این برای این است که می‌خواهند شلوغی بپا کنند. اینها می‌خواهند الآن وضع را شلوغ کنند، و از این شلوغی استفاده کنند برای اربابها. و من احتمال می‌دهم که امریکا باشد نه

افشای اهداف
کمونیستها برای
مردم

۱. گروه‌های ضد انقلاب.

شوروی. چون اینها در دربار هم بودند. همین کسانی که - عرض می‌کنم - طبل کمونیست را می‌زدند، سران بزرگشان توی دربار خدمتگزار بود!

بنابراین باید شما، بر فرض حالا آنها دارند شلوغی می‌کنند، باید شما جوانها را آگاه کنید. جوانهایی که الآن پیش شما هستند برایشان صحبت کنید؛ آگاه کنید بفهمانید به ایشان که احتراز کنند از این دسته‌ای که الآن افتاده‌اند توی ایران و دارند خرابکاری می‌کنند. و این خرابکاری حتماً بدانید که به نفع دیگران است و اینها از عمال غیر هستند؛ منتها به این صورت درآمدند. (۳۶۶)

۵۷/۱۱/۲۷

* * *

بیدار کنید مردم را، هوشیار کنید مردم را؛ توی این کارخانه‌ها اشخاص مطلع، اشخاص بافهم از علما و غیره بروند آنجاها با مردم صحبت کنند؛ بفهمانند که اینها چه اشخاصی هستند. اینها اشخاصی بودند که بزرگانشان در خود دربار خدمت می‌کردند، حالا آمدند این حرفها را می‌زنند! حالایی که این ملت پابره‌نه این پیروزی را برد، از اطراف دارند هجوم می‌آورند و می‌آیند به ایران برای اینکه در این سفره شریک باشند! ... باید به مردم اینها را فهمانند. و ما می‌بینیم بعضی از اشخاص خیلی مبتذل از خارج آمدند و اینجا صحبت می‌کنند و در رادیو صحبت آنها را می‌کنند که اسلام نمی‌شود پیاده بشود. خوب غلط می‌کند این آدم که این حرف را می‌زند! باید در مساجد بگویید که حق این مطالب از برای آنها نیست؛ چه می‌دانید اسلام چه است؟! اینها رفتند در خارج خوابیدند، ملت ما پیش برده، حالا آمدند به این خیالات افتادند که

افشای مخالفان
اجرای احکام
اسلام

یک چیزی دست آنها بیاید! باید اینها را علمای اعلام در مساجد بگویند.

اسلام قابل پیاده شدن است. اگر اسلام قابل پیاده شدن نباشد پس ما بگوییم خدای تبارک و تعالی نقص داشته در احکامش! هان؟! البته اسلام جلوگیری از مفسد می‌کند، جلوگیری از ... اگر مقصود از اینکه حالا نمی‌شود اسلام را در حالا پیاده کرد، مقصود این است که باید سینماهای ما با همان زنهای لخت و با همان کارهای زشت باید بشود، البته اسلام با اینها مخالف است؛ اما اسلام با همه ترقیات موافق است، با همه پیشرفتها موافق است. اسلام برای پیشرفت آمده، برای ترقی آمده. این حرفهایی که بعضیها حالا آمدند می‌زنند، اینها را باید آقایان از آن جلوگیری کنند تا تکرار نشود؛ و از فعالیتهایی که بر ضد اسلام الآن دارد می‌شود، باز باید خود آقایان اشخاص را انتخاب کنند بفرستند در این جاهایی که اینها می‌روند و با مردم صحبت کنند؛ مردم را بیدار کنند. (۳۶۷)

۵۷/۱۲/۷

* * *

آقا شما نشسته‌اید که چهار تا کمونیست بیایند در دانشگاه و قبضه کنند دانشگاه را؟! شما مگر کمتر از آنها هستید؟ عدد شما بیشتر از آنهاست؛ حجت شما بالاتر از آنهاست. شما این مسائل را که بگویید، خیانت اینها را می‌توانید واضح بکنید در آن مکان، در دانشگاه. خیانتشان را می‌توانید واضح بکنید که خودشان بگذارند بروند. بایستید، صحبت کنید. بگویید آقا، خوب بیایید یکی یکی بگویید ببینم شما چکاره هستید آمده‌اید توی دانشگاه دارید

مقابله با مخالفین
به وسیله صحبت

اخلال می‌کنید؟ می‌خواهید چه بکنید؟ می‌خواهید درس بگویید برایمان؟ شما کار خودتان را اول حساب بکنید که چکاره هستید توی این مملکت. شما از اهل این مملکت هستید، یا عمال غیر هستید خودتان را به ما می‌چسبانید؟ بایستید آقا بگویید. البته باید اشخاصی هم که گوینده هستند بیایند در دانشگاه و من پیشنهاد می‌کنم که آقای آقا سید علی آقا بیایند، خامنه‌ای. شما ممکن است که بروید پیش ایشان از قول من بگویید ایشان بیایند به جای آقای مطهری. بسیار خوب است ایشان، فهیم است؛ می‌تواند صحبت کند؛ می‌تواند حرف بزند.

در هر صورت عمده، فعالیت خود شماهاست. مرحوم مدرس، خدا رحمتش کند - مردی بود که ملک‌الشعرا گفته بود از زمان مغول تا حالا مثل مدرس کسی نیامده - می‌گفت که بزنید که بروند از شما شکایت کنند؛ نه بخورید و بروید شکایت کنید! من رفتم پیشش - خدا رحمتش کند - اخوی ما نوشته بود به من که یک نفری است اینجا رئیس غله است. آن وقت یک رئیس غله زمان رضاشاه بود. به من نوشت که بروید به آقای مدرس بگویید که این مرد آدم فاسدی است. دو تا سگ دارد یکی اش را اسمش را «سید» گذاشته، یکی اش را «شیخ»! شما بروید [بگویید] که این را از اینجا بیرونش کنند. من رفتم به ایشان گفتم. گفت بکشیدش! گفتم آخر چطور بکشیم؟ گفت من می‌نویسم بکشیدش. گفتم آخر شما اینجا مأمور هستید، شما اینجا هستید، آنها آنجا نمی‌توانند. گفت چطور شد که وقتی قافله‌ها از گلپایگان می‌آیند عبور کنند و بروند به کمره می‌خواهند عبور کنند می‌فرستید لختشان می‌کنند، حالا نمی‌توانید بکشید یک کسی را؟!!

اینها تودهنی می‌خواهند آقا! عدد شما زیادتر است؛ حجت

شما بالاتر است؛ خیانت آنها واضح است. گفتن می خواهد. اجتماع بکنید، بگویید مطالب را. یک رئیس، یک معلم را که می بینید کمونیستی است بیرونش کنید از دانشگاه. من نمی گویم حالا جنگ بکنید با آنها، جنگ نمی خواهیم حالا بشود، اگر یکوقتی منتهی به این شد، به یک روز اینها را بیرونشان می کنیم! اما حالا نمی خواهیم یک جنگی بشود؛ می خواهیم حالا با ملایمت بشود؛ اما خوب، با صحبت. آنها صحبت می کنند؛ شما هم صحبت بکنید. شما ننشینید یکی دیگر برایتان صحبت بکند؛ یک روحانی بیاید صحبت کند؛ خودتان بروید، هر کدامتان می توانید، در مقابل آنها بایستید صحبت کنید. آن می گوید؛ شما هم بگویید. آن وقت یکی یکی انگشت بگذارید روی کارهایشان که تو این کاری که می کنی برای چیست؟ تو، تو تابع کی هستی که این کارها را می کنی؟ تو ایرانی هستی و این کار را می کنی، یا امریکایی هستی یا شوروی؟ یا برای آنها کار می کنی، یا برای ایران. (۳۶۸)

۵۸/۳/۲۳

* * *

اینها می خواهند دانشگاه را نگذارند آدم تویش پیدا بشود و شما جدیت کنید که آدم پیدا بشود. شما جدیت کنید که این اشخاصی که حالا افتاده اند توی دانشگاهها و دارند فساد می کنند، خودتان بیرونشان کنید. نیایید شکایت کنید که در دانشگاه یک کسی آمده و دارد حرف می زند. خوب، برو مقابلهش بایست. بگو آقا تو چه می گویی؟ (۳۶۹)

۵۸/۳/۲۵

* * *

ایستادگی و بحث
با مخالفان

ملت ما امروز تکلیفش این است که تمام افراد، تمام افراد ملت، چشم و گوششان را باز کنند و رفت و آمدهای آنها را کنترل کنند. اگر نشسته ملت که برای او پاسدارها فقط، کمیته‌ها فقط، دولت فقط، انجام وظیفه بدهد، این اشتباه است. همه افراد الآن موظف‌اند به اینکه این مسائل را تعقیب کنند. این خرابکاری‌هایی که در گوشه‌ها خزیده‌اند و مشغول خرابکاری هستند و مع‌الأسف، جوانهای بی‌توجه ما را، دخترهای خردسال ما را، پسرهای خردسال ما را اغفال می‌کنند، باید پدر و مادر اینها توجه داشته باشند که آنها را، آنها به تباهی می‌کشند، برای اینکه آب گل آلود بشود، اگر بتوانند بهره بردارند و اگر نتوانند هم لا اقل این دیوار را خرابش کنند. تمام پدر و مادرها و اقوام و عشیره‌ها موظف‌اند که این بچه‌های گولخورده را، این پسرهای گولخورده را، این دخترهای گولخورده را، اینها را نصیحت کنند. اینها را از این کار که بر خلاف مسیر ملت است، بر خلاف مسیر اسلام است اینها را بازدارند از این کارها، ننشینند که بچه‌هایشان بروند در بین مردم و خرابکاری کنند و گرفتار بشوند و به جزای خودشان برسند و در آن دنیا هم به جزای خودشان برسند. نگذارند. (۳۷۰)

۶۰/۴/۱۱

* * *

مخالفان جمهوری اسلامی و ما و شما در داخل و خارج، دو قطب ابرقدرت جهان‌خوار و جوانان به صید کشیده شده‌ آنان، است. دشمنهای بزرگ اسلام و مسلمانان با صیدهای خودشان و بازیخوردگان مکتبشان شما را در خارج، و کشور شما را در داخل مورد هجوم تبلیغاتی وسیع و تسلیحاتی قرار داده و می‌دهند. ما در

وظیفه مردم در
نصیحت جوانان

ارشاد
فریب‌خوردگان
گروهکها

اینجا و شما در خارج باید کوشش کنیم و جوانان گول خورده خود را از دام این صیادان شیاد رهایی بخشیم. این نوجوانان بی‌خبر از دامهای گسترده بازیگران و سیاست‌بازان، آنچنان چشم و گوش بسته تسلیم آنان شده‌اند که تمام دروغها و تهمت‌های آنان را به مقامات جمهوری اسلامی و به پاسداران انقلاب و به مسلمانان جانباز در راه اسلام و کشور، بی‌چون و چرا پذیرفته و خود را در راه سران دغلكار خود که با تباهی آنان برای خود و مطامع غیرانسانی خود بهره می‌گیرند، فدا می‌کنند و چشم و گوش بسته، خون ملت دلاور و شجاع را در راه سران از خدا بی‌خبر و در نتیجه برای امریکای جنایتکار نثار می‌کنند.

شما جوانان عزیز هوشیار با دوستان داخل کشور خود دست به دست هم دهید و این نوباوگان بی‌خبر را ارشاد و از دام صیادان شیاد برهانید. و از وظایف دینی و ملی ما و شماست که تبلیغات بسوقهای امریکایی و صهیونیستی را که با پخش دروغ و افترا می‌خواهند جمهوری اسلامی را لکه‌دار کرده و به انزوا بکشند خنثی کنیم و از جنایات شایعه‌سازان تا حد ممکن پرده برداریم و به ملت محروم خود که جرمی جز گرایش به اسلام و اراده استقلال و آزادی ندارند، با تمام توان کمک کنیم. (۳۷۱)

۶۰/۸/۱۲

* * *

شما دوستان،^(۱) به حسب وجدان و شرع مطهر موظفید هر قدر می‌توانید جرایم ایشان^(۲) را فاش کنید و نگذارید جوانان که ذخایر

افشای جرایم
گروهکها

۱. دانشجویان انجمن اسلامی خارج از کشور.

۲. منافقان.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر □ ۲۰۱

ملتنند در دام آنان افتند. و شما بدانید که اگر ما در تحت لوای اسلام و پرچم توحید باشیم، از آسیب دشمنان مصون خواهیم بود. (۳۷۲)
۶۰/۱۲/۲۹

* * *

لازم است متعهدان و بیداران و دلسوزان برای غربت اسلام و مهجوریت این بعد در احکام اسلام، بویژه حج که این بعد در آن ظاهرتر و مؤثرتر است، با قلم و بیان و گفتار و نوشتار به کوشش برخیزند؛ خصوصاً در ایام مراسم حج، که پس از این مراسم عظیم انسانها می‌توانند در شهر و دیار خود با توجه به این بُعد عظیم مسلمانان و مظلومان جهان را بیدار، و برای خروج مظلومان جهان از تحت فشارهای روز افزون ستمگران مدعی حمایت از صلح به حرکت وادارند. (۳۷۳)

رفع مهجوریت از
اسلام

۶۳/۶/۴

* * *

بر تمام حجاج محترم، خصوصاً رؤسای کاروانها و روحانیون محترم و اشخاص هوشیار، لازم است تا با دقت بسیار مواظب حرکات و سکنات و رفتار حجاج باشند؛ و به مجرد رؤیت یک امر انحرافی طرف را نهی کنند. و اگر دیدند اصرار دارد و در صدد فساد است، به نحوی که به ملایمت و موعظه حسنه نزدیکتر است از آن جلوگیری نمایند؛ و به دیگران هشدار دهند که او را از صفوف خود خارج کنند. و متوجه باشند که گاهی مفسدان می‌خواهند جار و جنجال و تشنج ایجاد کنند. باید از این گونه امور احتراز نمایند. (۳۷۴)

نهی از منکر
مرتکبان کارهای
انحرافی

۶۳/۶/۴

امروز که نسیم بیداری در سراسر جهان وزیدن گرفته و توطئه‌های فریباگر ستمکاران تا حدودی فاش شده است، وقت آن است که دلسوختگان واقعی مظلومان از هر قوم و قبیله و در هر مرز و بوم با قلم و بیان و اندیشه و فکر از جنایات ستمگران در طول تاریخ سیاه آنان پرده بردارند و پرونده‌های تجاوز آنان را به ساکنین این سیاره ارائه دهند. و علما و دانشمندان سراسر جهان بویژه علما و متفکران اسلام بزرگ یکدل و یک جهت در راه نجات بشریت از تحت سلطه ظالمانه این اقلیت حيله‌باز و توطئه‌گر که با دسیسه‌ها و جنجالها سلطه ظالمانه خود را بر جهانیان گسترده‌اند، بپا خیزند و با بیان و قلم و عمل خود خوف و هراس کاذبی را که بر مظلومان سایه افکنده است بزاینند؛ و این کتابهایی را که اخیراً با دست استعمار که از آستین کثیف این بردگان شیطان منتشر شده و دامن به اختلاف بین طوایف مسلمین می‌زنند نابود کند و ریشه خلاف که سرچشمه همه گرفتاری مظلومان و مسلمانان است را برکنند؛ و یکدل و یک سو بر این رسانه‌های گروهی که در بیشتر ساعات شب و روز به فتنه‌انگیزی و نفاق افکنی و دروغ‌پردازی و شایعه‌سازی عمر خود را می‌گذرانند پرخاش کنند و بر سرچشمه تروریزم که از کاخ سفید می‌جوشد بشورند. (۳۷۵)

افشای حرکت‌های
تفرقه‌افکنانه

۶۳/۱۱/۲۲

* * *

شما اگر چنانچه فرض کنید در یک سفارتخانه‌ای هستید، می‌خواهید عمل بکنید، باید خودتان آن کاری [را] که به شما محول شده خوب عمل کنید، به دیگران کار نداشته باشید. بله، اگر

امر به معروف
عملی

مراتب امر به معروف و نهی از منکر □ ۲۰۳

که آنها خلاف کردند، شما نهی شان کنید. (۳۷۶)

۶۴/۵/۸

* * *

س - [چندین سال است که ازدواج کرده‌ام، خودم خیلی دنبال مسائل دینی و شرعی هستم و مقلد امام می‌باشم، ولی متأسفانه همسرم زیاد به مسائل دینی اهمیت نمی‌دهد و بعضی اوقات پس از خیلی سروصدا یک دفعه نماز می‌خواند و چند دفعه نمی‌خواند و این امر مرا زیاد رنج می‌دهد، در اینجا وظیفه من چیست؟
۱. آیا خوردن غذایی که او درست می‌کند، از نظر شرعی جایز است؟

امر به معروف تارک
نماز

۲. آیا در این مورد، در روز قیامت، من مسئول نیستم؟

۳. آیا در اثر بی توجهی او به دین، باید او را طلاق داد؟]

ج - اگر منکر خدا یا رسول یا یکی از ضروریات دین نیست، پاک است و باید او را امر به معروف کنید و اگر مؤثر نباشد، شما معذور هستید و لازم نیست طلاق دهید و اختیار طلاق در دست خود شماست. (۳۷۷)

* * *

س - [اگر ارحام انسان مرتکب فسق علنی شوند، به طوری که معاشرت با آنها انسان را نیز در معرض گناه قرار دهد، آیا باز هم معاشرت با آنان واجب است؟]

ارشاد خویشاوندان

ج - باید سعی کند درگناه واقع نشود؛ بلکه آنان را ارشاد نماید. (۳۷۸)

س- [دوستی با کسی که مسلمان است و فرایض دینی خود را نظیر نماز و روزه انجام می‌دهد، ولی اعتقادی به ولایت فقیه و رهبری امام خمینی و به دولت جمهوری اسلامی ایران ندارد و طرز فکر التقاطی دارد، آیا لازم است با مباحثات، امر به معروف و نهی از منکر را انجام داد؟ یا قطع رابطه کنیم؟]

ج- او را ارشاد نمایید. (۳۷۹)

ارشاد مخالفان
جمهوری اسلامی

* * *

س- [مدتی است در مغازه دوخته فروشی مشغول به کار هستم، [صاحب] مغازه قسمهای ناروا و دروغهای بیجا برای فروختن جنس خود می‌خورد، آیا از نظر شرعی اشکال دارد من آنجا کار کنم یا نه؟ در ضمن جای دیگری برای کار کردن ندارم، آیا شریک جرم او هستم یا نه؟]

ج- کار کردن در آنجا اشکال ندارد؛ ولی دروغ گفتن و قسم دروغ حرام است او را نهی از منکر نمایید. (۳۸۰)

نهی از منکر در
برابر گناهان

* * *

س- [اگر زنی در زندگی اولاً اطاعت از شوهر نکرد؛ ثانیاً برای شوهرش ارزش قائل نبود؛ ثالثاً اسرار زندگی را در همه جا فاش نمود؛ رابعاً در زندگی مرتب دروغ گفت، تکلیف مرد از نظر شرعی با چنین زنی چیست؟]

ج- باید او را امر به معروف و نهی از منکر نمایید؟ (۳۸۱)

وظیفه امر و نهی
شوهر نسبت به زن

مراتب امر به معروف و نهی از منکر □ ۲۰۵

س - [زنی که به مسائل شرعی مثل نماز و دیگر مسائل بی اهمیت باشد - بخصوص نماز صبح را هیچ‌گاه به پا نمی‌دارد - وظیفه شرعی شوهر او چیست؟]
ج - باید او را امر به معروف نماید و به خواندن نماز وادارش کنید. (۳۸۲)

وظیفه شوهر در برابر نماز زن

* * *

فصل سوم

مرتبۀ اقدام و انکار عملی

اگر بداند یا اطمینان داشته باشد که مقصود با دو مرتبه گذشته حاصل نمی شود، انتقال به مرحله سوم واجب است؛ و مرتبه سوم عبارت است از: اعمال قدرت با رعایت مراحل مختلف شدت و ضعف. (۳۸۳)

مرحلۀ سوم و حکم
انتقال به آن

* * *

اگر برای او ممکن باشد که بین فاعل و بین منکر مانع شود، اکتفا به آن لازم است در صورتی که این مانع شدن نسبت به درجات دیگر محذور کمتری داشته باشد. (۳۸۴)

حکم مانع شدن
بین فاعل و منکر

* * *

اگر فاصله و مانع ایجاد کردن بین فاعل و منکر، متوقف بر تصرفی در فاعل یا وسیله کار او باشد، مانند اینکه متوقف برگرفتن دست او، و کنار زدن او، یا تصرف در ظرف شراب او، یا کارد او و امثال

حکم تصرف در
فاعل و ابزار او

۲۰۸ □ امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی (س)

آن باشد جایز، بلکه واجب است. (۳۸۵)

* * *

اگر از بین بردن منکر، متوقف بر داخل شدن در خانه او، یا ملک او، و تصرف در اموال او، مثل فرش و رختخواب او باشد، در صورتی که منکر از امور مهمی باشد که شارع به هیچ وجه راضی به خلاف آن نیست، مثل قتل نفس محترمه، جایز است؛ اما در غیر آن مورد اشکال است هر چند بعضی مراتب ذکر شده در مورد بعضی از منکرات بعید نیست. (۳۸۶)

حکم ورود در خانه
و ملک

* * *

اگر دفع منکر منجر به وارد کردن ضرری بر فاعل شود، مانند شکستن کاسه یا کارد او به طوری که این ضرر وارد کردن، از لوازم دفع منکر باشد، بعید نیست ضمان در کار نباشد، و اگر از جانب مرتکب ضرری به امر و نهی کننده رسید، ضامن است و معصیت کار نیز هست. (۳۸۷)

حکم وارد کردن
زیان به فاعل منکر

* * *

اگر شیشه‌ای را که در آن شراب است و یا صندوقی را که در آن وسایل قمار است بشکنند، ولی شکستن آنها از لوازم دفع منکر نباشد؛ یعنی می‌توانست بدون آن نیز از منکر جلوگیری کند، ضامن است و کار حرام مرتکب شده است. (۳۸۸)

وجود ضمان در
موارد غیر لازم

مراتب امر به معروف و نهی از منکر □ ۲۰۹

اگر از مقدار لازم تجاوز کرد و به مقداری که در دفع منکر کافی است، اکتفا نکرد و منجر به ضرر فاعل شد، ضامن است؛ به واسطه تعدی، مرتکب حرام هم شده است. (۳۸۹)

حکم تعدی و
ضمان

* * *

اگر جلوگیری و فاصله ایجاد کردن بین فاعل و گناه متوقف بر زندانی کردن او یا جلوگیری او از خروج از منزل باشد، جایز است، بلکه واجب است با مراعات مراحل مختلف که ابتدا از آسانترین مرحله شروع شود، اما اذیت کردن و تنگ گرفتن زندگی بر او، جایز نیست. (۳۹۰)

حکم زندانی کردن
فاعل منکر

* * *

اگر مطلوب جز با ایجاد حرج و تنگ گرفتن بر او حاصل نشود، ظاهر آن است که جایز است؛ بلکه واجب است با مراعات مراحل شدت و ضعف. (۳۹۱)

سخنگیری بر فاعل
منکر

* * *

اگر هدف جز با کتک زدن و آسیب رساندن حاصل نشود، ظاهراً جواز آن دو است با مراعات مراحل گفته شده، و سزاوار است در این جهت از فقیه جامع شرایط اجازه بگیرد؛ بلکه در مورد حبس و ایجاد حرج بر او و نحو آن نیز، اجازه گرفتن مطلوب است. (۳۹۲)

حکم تنبیه و اجازه
از فقیه

اگر انکار موجب جراحت یا کشته شدن شود، جز با اجازه امام
حکم جرح و قتل - علیه السلام - بنابر اقوی جایز نیست و در این زمان (غیبت) فقیه
جامع الشرایط با وجود شرایط، جانشین امام خواهد بود. (۳۹۳)

* * *

اگر منکر از چیزهایی باشد که شارع به هیچ نحو به وجود آن راضی
نیست مانند قتل نفس محترمه، دفع منکر جایز، بلکه واجب است
حتی اگر منجر به مجروح یا کشته شدن فاعل شود و به همین
جهت دفاع از نفس محترمه با مجروح کردن یا کشتن فاعل اگر راه
دیگری وجود نداشته باشد، واجب است و اجازه گرفتن از امام و
فقیه جامع الشرایط لازم نیست؛ لذا اگر شخصی به قصد کشتن
دیگری بر او هجوم کرد، دفع او با ایمن بودن از فساد، هر چند به
کشتن او منجر شود، واجب است و در این صورت بر قاتل چیزی
نیست. (۳۹۴)

حکم نهی منکر در
موارد مهم

* * *

اگر دفع و جلوگیری از منکر با مجروح کردن ممکن باشد، تعدی به
قتل جایز نیست و در ایراد جراحت باید مراعات مراتب را بنماید
(از کمترین مرتبه شروع کند تا احتیاج به مراحل بالاتر پیدا شود) و
اگر تعدی کرد ضامن است، چنانچه اگر از جانب فاعل منکر بر او
جراحی وارد شد، فاعل ضامن است و اگر او را کشت قصاص
خواهد شد. (۳۹۵)

رعایت مرتبه جرح
و قتل در جلوگیری
از منکر

نمونه‌های اقدام عملی

شما آقایان محترم، در هر مقامی که هستید، با کمال متانت و استقامت در مقابل کارهای خلاف شرع و قانون این دستگاه^(۱) بایستید. از این سرنیزه‌های زنگ‌زده و پوسیده نترسید؛ این سرنیزه‌ها بزودی خواهد شکست. (۳۹۶)

۴۱/۱۲/۷

* * *

با قرآن، اسلام را شکست دادند.

مگر می‌شود با دانشگاه اسلامی، اسلام را شکست داد. مگر ما می‌گذاریم شما «دانشگاه اسلامی» درست کنید. ما تفسیق می‌کنیم آنکه وارد بشود در آن دانشگاه؛ بین ملت از بین خواهد رفت. مگر اینها می‌توانند که اسلام و مسلمین و علمای اسلام را تحت وزارت فرهنگ قرار بدهند؟ غلط می‌کند آن وزارت فرهنگی که دخالت در امر دیانت و اسلام می‌کند. مگر ما می‌گذاریم این مطالب بشود. (۳۹۷)

۴۳/۱/۲۶

* * *

[محضر مبارک حضرت آیت‌الله العظمی خمینی - دام‌جهاده - بعد عرض التحية والسلام؛ با توجه به فتاوی حضرت آیت‌الله در رساله شریفه توضیح المسائل در ابواب جهاد و امر به معروف و نهی از منکر، و با توجه به بیانات آن حضرت در موارد عدیده راجع به

استقامت در برابر
خلاف شرع

جلوگیری از
دانشگاه به نام
اسلامی

وظیفه شرعی و عرفی همگان، از محضر مبارک استفتاء می شود که آیا می توان از وجوه شرعی برای کمک به مخارج خانواده زندانیان سیاسی استفاده کرد یا خیر؟ و در صورت اجازه، وجوه شرعی مذکور در کدام صنف از اصناف قرار خواهند داشت، و حدود این اجازه تا چه میزان است؟ والسلام علیکم و علی عبادالله الصالحین.]

بسم الله الرحمن الرحيم

اشخاصی که به حسب وظیفه شرعی الهیه و برای حفظ اسلام و احکام مقدسه آن و صیانت کشورهای اسلامی از سلطه اجانب - خذلهم الله تعالی - قیام به امر به معروف و نهی از منکر با شرایط مقرر آن نموده اند و برای آنها در این انجام وظیفه گرفتاری از قبیل حبس یا قتل پیش آمده است و خانواده آنها محتاج به کمک و سرپرستی هستند، مؤمنین از هر طبقه موظفند که با کمال حفظ احترام آنها به کمک و پشتیبانی آنها قیام کنند، و حاضر نشوند به خانواده برادران غیرتمند خود سخت بگذرد. و مجازند تا ثلث از سهم مبارک امام - علیه السلام - را در این مورد صرف کنند. (۳۹۸)

۵۰/۸/۲۶

* * *

من از این خدمتگزار بی چون و چرای امریکا برای جهان اسلام احساس خطر می کنم. اکنون بر ملت محترم ایران است که این جبار را از این جنایات باز دارند، و بر ارتش ایران و صاحب منصبان است که بیش از این تن به ذلت ندهند و برای استقلال وطن خود چاره جویی کنند. (۳۹۹)

۵۲/۷/۲۲

* * *

کمک به آمران به معروف و ناهیان از منکر

وظیفه ملت و ارتش در بازداری شاه

مراتب امر به معروف و نهی از منکر □ ۲۱۳

از رژیم غیراسلام و غیر اسلامی که در رأس آن رژیم منحط پهلوی است تبرّاً کنید؛ و با کمال صراحت مخالفت خود را اظهار و در سرنگون کردن آن کوشا باشید. (۴۰۰)

۵۶/۱۱/۲۴

* * *

ارتش وطنخواه ایران! شما دیدید که ملت با شما دوست و شما را گلباران می‌کند. و می‌دانید که این چپاولگران برای ادامه ستمگری، شما را آلت قتل برادران خود قرار داده‌اند، به دیگر برادران ارتشی خود که شاه را رها کرده‌اند و در پشتیبانی مردم، به دشمن حمله نموده‌اند بپیوندید، و به پاخیزید و نگذارید ملت شما نابود و برادران و خواهران شما به خاک و خون کشیده شوند. نام خود را در تاریخ که به سود ملت ایران به راه خود ادامه می‌دهد، هر چه زودتر ثبت کنید و ریشه خیانت و ظلم را بکنید. (۴۰۱)

۵۷/۶/۱۸

* * *

سلام اینجانب را به رؤسای محترم ارتش برسانید، و به نیروهای زمینی، دریایی و هوایی پس از تحیت و سلام بگویند ایران کشور شماست و ملت ایران ملت شماست؛ به ملت بپیوندید. من می‌دانم بسیاری از شما به ملت و کشور اسلام وفادار هستید و از این کشتارها و غارتگریهای شاه خائن و بستگان و جنایتکاران بین‌المللی ناراحت هستید. گاهی مطالب شما به من می‌رسد. ملت شما لحظات حساسی را می‌گذرانند و شما بیشتر از دیگران پیش خدای بزرگ و ملت شجاع و نسلهای آتیه مسئول هستید؛ همتی

کوشش در
سرنگونی دولت
پهلوی

وظیفه ارتش در
برکندن ریشه ستم

لزوم مخالفت
ارتش با شاه

دلاورانه کنید و زنجیرهای اسارت را پاره کنید و مجال به این خائن به اسلام ندهید، و سرفرازی را برای خود و ملت خود بیمه کنید. خداوند تعالی مددکار خدمتگزاران به اسلام و کشور است. (۴۰۲)

۵۷/۸/۴

* * *

نهضت با شیوه‌های گوناگون؛ مخصوصاً اعتصابات در همه ادارات و دستگاههای دولتی باید ادامه داشته باشد. دولت نظامی ایران غاصب و مخالف قانون است و بر ملت است که از آن اطاعت نکنند، و به سرپیچی و کارشکنی تا حد فلج نمودن دستگاههای دولتی پیش رود. (۴۰۳)

سرپیچی از
دستورات دولت

۵۷/۸/۱۶

* * *

این چماق به دستان^(۱) واجب‌القتلند؛ همه‌شان را باید کشت. هرکس پیدا کند این چماق به دست‌هایی که مفسد فی الارض هستند و در زمین دارند فساد می‌کنند، هر که یکی از اینها را پیدا کرد بکشد او را. (۴۰۴)

قتل چماق‌به‌دستان

۵۷/۹/۲۵

* * *

ملت شریف باید تا نتیجه نهایی، دست از مبارزات پرشور خود برندارند، که نمی‌دارند. باید به اعتصابات و تظاهرات ادامه دهند و

۱. گروهی از مزدوران رژیم پهلوی بودند که به مردم حمله می‌کردند.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر □ ۲۱۵

در صورتی که چماق به دستان و یا مفسدین به آنان حمله کردند، می‌توانند دفاع از خود کنند اگر چه متهمی به قتل آنان شود. از خداوند تعالی نصرت اسلام و مسلمین و نابودی مخالفین ملت شریف را خواهانم. (۴۰۵)

دفاع در برابر
چماق به دستان

۵۷/۱۰/۲۲

* * *

ملت ایران باید تظاهر کنند بر ضد این دولت،^(۱) و بر آنها لازم است که برخلاف این دولت مثل دولتهای سابق قیام کنند و تظاهرات بکنند و این دولت را ساقط کنند؛ چنانچه ساقط است. (۴۰۶)

قیام در برابر دولت
بختیار

۵۷/۱۰/۲۴

* * *

ملت افغانستان از ایران عبرت بگیرد، و این فاسدها را - که مردم را به خون و خاک می‌کشند - به سر جای خودشان بنشانند. ارتش افغانستان به ملت بپیوندد. حکم اسلام است. ادارات دولتی افغانستان همان طوری که ادارات ما به ملت پیوستند به ملت بپیوندند؛ ژاندارمری آنجا به ملت بپیوندد و این فاسد^(۲) را بیرون کند. (۴۰۷)

وظیفه ارتش و
دولت افغانستان

۵۸/۵/۲۶

* * *

ما بار دیگر پشتیبانی بیدریغ خود را از برادران مسلمان و مظلوم

۱. دولت بختیار، آخرین نخست‌وزیر شاه.

۲. نورمحمد تره‌کی، رئیس جمهور دست‌نشانده روسها در افغانستان.

افغانی اعلام می‌داریم و اشغال اشغالگران را شدیداً محکوم می‌نماییم. ما مسلمانیم و شرق و غرب برایمان مطرح نیست. ما از مظلوم دفاع می‌کنیم و بر ظالم می‌تازیم. این یک وظیفه اسلامی است. (۴۰۸)

پشتیبانی از ملت
افغانستان

۵۸/۱۱/۱۵

* * *

دست امریکا و سایر ابرقدرتها تا مرفق به خون جوانان ما و سایر مردم مظلوم و رزمنده جهان فرو رفته است. ما تا آخرین قطره خون خویش با آنان شدیداً می‌جنگیم؛ چرا که مرد جنگیم. ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چرا که انقلاب ما اسلامی است. و تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله بر تمام جهان طنین نیفکند مبارزه هست. و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم. ما از مردم بی‌پناه لبنان و فلسطین در مقابل اسرائیل دفاع می‌کنیم. (۴۰۹)

پشتیبانی از مردم
لبنان و فلسطین

۵۸/۱۱/۲۲

* * *

ملت شریف عراق! شما اخلاف آنان هستید که انگلیس را از عراق راندند؛ پیا خیزید و قبل از آنکه این رژیم فاسد همه چیز شما را تباه کند، دست جنایتکار او را از کشور اسلامی خود قطع کنید. ای عشایر فرات و دجله! همه با هم و با همه ملت اتحاد کنید و این ریشه فساد را قبل از آنکه فرصت از دست برود، قلع و قمع نمایید، و برای خدا دفاع از کشور اسلامی خود و از اسلام مقدس نمایید که خدا با شماست.

وظیفه ملت عراق
در قطع رژیم بعث

مراتب امر به معروف و نهی از منکر □ ۲۱۷

ای ارتش عراق! اطاعت از این مخالف اسلام و قرآن نکنید و به ملت بگرایید و دست امریکا را که از آستین صدام بیرون آمده است قطع کنید و بدانید اطاعت از این سفاک، مخالفت با خدای متعال است و جزای آن عار و ناراست. (۴۱۰)

۵۹/۱/۱۸

* * *

ملت عراق باید بدانند که این جرثومه فساد همان طوری دارد با شما عمل می‌کند که محمدرضا با ایران عمل می‌کرد. ما محمدرضا را بیرون کردیم و شما هم باید این شخص را بیرون بکنید از عراق. تا قیام نکنید و تا مقابله نکنید با این جرثومه فساد، این می‌خواهد اسلام را از بین ببرد و می‌خواهد عربیت را به خیال خودش - آن هم نه اینکه واقعاً عقیده دارد به او - می‌خواهد او را جانشین کند و همچو خیالی هم ندارد. می‌خواهد امریکا را دستش را باز کند. (۴۱۱)

وظیفه ملت عراق
در اخراج صدام

۵۹/۶/۳۱

* * *

ملت عراق باید با تمام قوا، کوشش کنند که این شخص فاسد را از بین ببرند و این جمعیتی که برخلاف اسلام و برخلاف مصالح اسلام و قرآن دارند عمل می‌کنند، آنها را از بین ببرند. (۴۱۲)

وظیفه ملت عراق
در نابودی حزب
بعث

۵۹/۶/۳۱

* * *

ای ملت عراق! که جنایات این مزدوران را چشیده و می‌چشید

همچون ملت رزمنده ایران بپا خیزید و انقلاب کنید و از این حزب کافر هراسی نکنید؛ و بدانید اگر به اینان مهلت دهید و فرصت پیدا کنند اسلام را محو و آثار آن را از بین می‌برند. اینان با اسلام دشمن هستند. امریکا و بستگان و نوکران آن از اسلام سیلی خورده و با اسلام به دشمنی برخاسته‌اند. شما از «عقل»ها و «صدام»ها و «سادات»ها توقع نداشته باشید که دست از دشمنی با اسلام بردارند. و هان ای علمای اعلام و مشایخ اهل سنت و خطبا عظام و روشنفکران مسلمان عراق! مردم را بیدار کنید و برای اسلام و حفظ کشورهای اسلامی قیام کنید که خداوند معین شماست. (۴۱۳)

۵۹/۷/۱۲

لزوم قیام برای
اسلام و کشور
اسلامی

* * *

این جنگ به شما ملت غیور فرصت می‌دهد که سکوت را شکسته و با فریاد الله اکبر بپاخیزید و دشمنان اسلام و قرآن رابه سزای خودشان برسانید.

ای جوانان دانشگاهی، ای دانشجویان عزیز، به فریاد کشور و اسلام و ملت خودتان برسید و قهرمانانه قیام کنید که فرج شما نزدیک و حزب خدا بر حزب شیطان غلبه می‌کند. و ای عشایر دلیر دجله و فرات، فرصت را از دست ندهید و دشمن اسلام و میهن عزیز خودتان را با قیام قهرمانانه از پای درآورید و دین خودتان را به اسلام و قرآن مجید ادا کنید که با از دست دادن فرصت بدبختیها به شما روی خواهد آورد. (۴۱۴)

استفاده از فرصت
برای غلبه حزب
خدا بر حزب
شیطان

۵۹/۷/۲۴

* * *

تا کی باید مستشاران امریکا و شوروی به ما حکومت کنند؟ تا کی باید یک گروهبان شوروی، یک گروهبان انگلیسی، یک گروهبان امریکایی بیاید و به ارتش ما حکومت کند؟ ما آنها را بیرون کردیم، شما هم بیرون کنید، سایر ممالک اسلامی هم بیرون کنند. ما آنها را می‌کشیم. سایر ممالک اسلامی هم مکلفند به اینکه آنها را که برخلاف اسلام، برخلاف دستور قرآن، برخلاف دستورات نبی اسلام ایجاد تشتت می‌کنند، آنها را بگیرند و بیرون کنند و از بین ببرند. (۴۱۵)

اخراج مستشاران
بیگانگان

۵۹/۸/۱۶

* * *

واجب است بر زن و مرد مصری که قیام کنند و این حکومت فاسد را، که از اول اعلام جنگ با اسلام داده است، سرکوب کنند. و زن و مرد عراق [هم] قیام کنند و این شخص فاسد را، که از اول با اسلام مخالف بود، لکن خودش را به اسلام می‌بندد برای اینکه مردم را اغفال کند - و ما حزب بعث عراق را می‌شناسیم و می‌دانیم که اینها به اسلام عقیده ندارند و دشمن اسلامند و اسلام را خار راه خودشان می‌دانند - بر همه ملت عراق است که قیام کنند و این جرثومه فساد را از بین ببرند. (۴۱۶)

وجوب قیام بر
مردم مصر و عراق

۶۰/۷/۲۶

* * *

به دولتهای کشورهای اسلامی هشدار می‌دهم که از اشتباهات گذشته دست بردارند و با یکدیگر دست برادری دهند و با خضوع

در مقابل خداوند تعالی و اتکال به قدرت اسلام، دست ظالمانه جباران و غارتگران جهانخوار خصوصاً آمریکا را از منطقه کوتاه کنند، و این توافق امریکایی، صهیونیستی، لبنانی را که سلطه آمریکا را در منطقه استوارتر و اسرائیل را بر کشور اسلامی لبنان و سپس از آن بر سایر کشورهای اسلامی و عربی چیره خواهد کرد، محکوم و عملاً نقض نمایند. (۴۱۷)

۶۲/۳/۱۵

* * *

اعتصاب

چنانچه اطلاع دارید دستگاه حاکمه^(۱) می خواهد با تمام کوشش به هدم احکام ضروریه اسلام قیام؛ و به دنبال آن مطالبی است که اسلام را به خطر می اندازد. لذا اینجانب عید نوروز را به عنوان عزا و تسلیت به امام عصر - عجل الله تعالی فرجه - جلوس می کنم و به مردم اعلام خطر می نمایم. مقتضی است حضرات آقایان نیز همین رویه را اتخاذ فرمایند تا ملت مسلمان از مصیبت های وارده بر اسلام و مسلمین اطلاع حاصل نمایند. (۴۱۸)

۴۱/۱۲/۲۲

* * *

علمای اعلام، خطبای محترم و ائمه جماعت به عنوان اعتراض و استنکار، در صورت مقتضی، اعتصاب نمایند و تا مدت محدودی از رفتن به مساجد و منابر خودداری ورزند و مطمئن باشند که

لزوم رد توافق با
اسرائیل

اعلام عزاداری
برای ابراز مخالفت

مراتب امر به معروف و نهی از منکر □ ۲۲۱

اعتراض دسته‌جمعی و اعتصاب عمومی نتیجه دارد و دستگاه جبار را عقب می‌راند. و لازم است که مردم مسلمان در صورت اعتصاب علمای اسلام، که برای حفظ احکام قرآن است، از آنان پشتیبانی کنند و در اعتصاب تبعیت نمایند. (۴۱۹)

۵۱/۱۲/۲۳

* * *

از این پس جا دارد که همه کارهای خود را تعطیل کنیم - نه برای همیشه - که به همین زودی ظالم جبار^(۱) سرنگون می‌شود. در باز کردن مغازه‌ها و کارخانه‌ها عجله نکنید. در تقویت روحیه و ایمان کسانی که ضعیفند بکوشید که روزی دست خداست. چند روز تعطیل کسب و کار برای رضای خدا کسی را از گرسنگی نمی‌کشد. عزت و ثروت دست خداست. از مرگ نترسید که حیات و ممت به دست خداست. تعطیل را ادامه دهید که فرج نزدیک است. (۴۲۰)

۵۷/۶/۲۱

* * *

برای رسیدن به این هدف مقدس لازم است به نهضت اسلامی به همه ابعادش ادامه داد:

الف - ادامه اعتصابات در تمام دستگاههای دولتی و هدف اصلی اعتصاب همان است که در بند اول ذکر شد.^(۲)

ب - پشتیبانی از اعتصابات کارمندان مؤسسات دولتی؛ بخصوص کارمندان و کارگران شرکت نفت و جلوگیری از هدر

اعتصاب علما از
نماز جماعت
جهت اعتراض

لزوم اعتصاب
عمومی ملت

پشتیبانی از
اعتصابها

۱. محمد رضا شاه.

۲. برچیده شدن حکومت سلطنتی و سقوط رژیم پهلوی.

دادن این مخزن عظیم و ادامهٔ اعتصابات تا رسیدن به هدف اسلامی.

ج - کمک مالی به کسانی که در اثر اعتصابات ضرر دیده‌اند؛ اعم از اصناف شجاع و کارگران و زحمتکشان متدین و محروم و کارمندان محترم و کمک برای ادامهٔ اعتصاب در همهٔ اقشار. (۴۲۱)
۵۷/۸/۱۴

* * *

اعتصابات بزرگ خود را هر چه بیشتر ادامه دهید، دستگاه این خائنین یاغی را فلج کنید. اعانت به این خائنان، حرام و مخالف رضای خداست. اطاعت از آنان، به هر عنوان، ضدیت با اسلام و خدای اسلام است. (۴۲۲)

ادامهٔ اعتصاب تا
فلج دستگاه

۵۷/۹/۱۱

* * *

کلیهٔ اعتصابات ادارات و مؤسسات و شرکتهای دولتی، خصوصاً اعتصاب شرکت نفت را تا رفتن شاه و دولت ادامه دهند و بر ملت است که با گسترش اعتصابات خود از آنان پشتیبانی نمایند. (۴۲۳)
۵۷/۹/۲۳

ادامه و گسترش
اعتصاب

* * *

اگر اینها فهمیدند که این نفت را برای اسرائیل - دشمن قرآن و اسلام - می‌خواهند حرام است که اینها اعتصاب نکنند. پیش خدا مؤاخذند، پیش ملت مؤاخذند اینها. تمامشان باید اعتصاب کنند تا یک قطره نفت بیرون نیاید. ملت ایران حاضر است که سرما

اعتصاب برای
جلوگیری از صدور
نفت به اسرائیل

مراتب امر به معروف و نهی از منکر □ ۲۲۳

بخورد و نفتش را اسرائیل نبرد که دارد اسلام را به هم می‌زند، دارد مسلمین را اینقدر می‌کشد، امریکا نبرد که همه جنایاتی که ما داریم از دست امریکا هست. (۴۲۴)

۵۷/۹/۲۵

* * *

به اعتصابتان ادامه بدهید و مردم هم به اینها همراهی بکنند. لازم است همراهی بکنند. و من هم از سهم امام اجازه دادم که همراهی بکنند با اینها و اداره کنند اینها را. (۴۲۵)

۵۷/۹/۲۵

* * *

اجازه خرج سهم
امام در حمایت از
اعتصاب

فقها و دخالت در امور سیاسی و قضایی

هیچ کس حق ندارد متکفل امور سیاسی مانند اجرای حدود، قضایی و مالی مثل گرفتن مالیات و خراج شرعی، بشود مگر امام مسلمانان - علیه السلام - یا کسی که امام او را بدین جهت، گماشته باشد. (۴۲۶)

تکفل امور مسلمین

* * *

در عصر غیبت ولیّ امر و حاکم زمان، حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - نمایان عام آن حضرت - فقهای جامع شرایط فتوا و قضاوت - جانشین آن حضرت در اجرای امور سیاسی و آنچه که در شأن امام است، می‌باشند جز

جانشینان
ولیّ عصر (عج) در
عصر غیبت

جهاد ابتدایی. (۴۲۷)

* * *

بر نایبان عام امام، واجب کفایی است که به قدر توان و در صورتی
که دست آنها باز، و ترسی از حاکمان ستمگر نداشته باشند،
اموری را که در مسأله قبل گفته شد، عهده‌دار شوند. (۴۲۸)

وظیفه نایبان عام

* * *

بر مردم، واجب کفایی است در صورت امکان، فقها را در اجرای
امور سیاسی و امور حسبیه^(۱) - که از مختصات فقها در دوران
غیبت است - یاری نمایند، و در صورت عدم امکان، به هر مقدار
که میسر و ممکن باشد، مساعدت لازم است. (۴۲۹)

وظیفه مردم در
عصر غیبت

* * *

سرپرستی حدود و قضاوت و غیر آن از طرف ستمگر جایز نیست
تا چه رسد به اجرای سیاسات و امور سیاسی غیر شرعی، پس اگر
کسی از جانب ستمگر با آزادی و اختیار عهده‌دار آن امور شد و
کاری که موجب ضمان باشد انجام داد، ضامن خواهد بود و کار او
معصیت کبیره نیز هست. (۴۳۰)

تکفل امور از سوی
ستمگر

۱. امور حسبیه، اموری را گویند که شارع مقدس راضی نیست بر زمین بماند؛ بلکه باید انجام شود. مانند سرپرستی اموال مجهول و یتیم و...؛ و البته متصدی اینگونه کارها، هر کس نمی‌تواند باشد، بلکه چون از اهمیت برخوردار است، افراد خاصی باید عهده‌دار شوند و آنها فقهای جامع الشرایط هستند که نواب عام امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - می‌باشند.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر □ ۲۲۵

اگر ستمگری او را به سرپرستی یکی از امور - جز کشتن - مجبور کرد، جایز است؛ و در این مورد شخص ستمگر ضامن است و در الحاق ایجاد جراحت به کشتن، جای تأمل است. بلکه بعضی از موارد مهم ملحق به قتل است و ما در پیش به آن اشاره کردیم. (۴۳۱)

حکم اطاعت از
ستمگر در صورت
اجبار

* * *

اگر فقیه جامع شرایط از جانب حاکم ستمگر، قضاوت و اجرای حدود شرعی را عهده‌دار شود، در صورتی که سرپرستی او دارای مصلحتی باشد، جایز است؛ بلکه بر او واجب است بنابر موازین شرعی، اجرای حدود و قضاوت و امور حسبیه را به عهده بگیرد و نمی‌تواند از حدود معین شده در شریعت، تجاوز کند. (۴۳۲)

وظیفه فقیه در
پذیرش مسئولیت
از ستمگر

* * *

اگر فقیه بداند که سرپرستی او از جانب حاکم ستمگر، باعث اجرای حدود و سیاستهای شرعی می‌شود، سرپرستی این امور بر او واجب است مگر اینکه سرپرستی او، دارای مفسده بیشتری باشد. (۴۳۳)

رعایت عدم مفسده
در پذیرش
مسئولیت

* * *

مجتهد متجزی^(۱) حق سرپرستی هیچ یک از امور گذشته را ندارد؛

۱. متجزی: مجتهدی است که در یک بخش یا بیشتر، نه در همه بابهای فقه، به مرحله اجتهاد رسیده است.

و بنا بر احتیاط، حال او در این مورد با عامی^(۱) تفاوتی ندارد؛ بلکه اگر مجتهد مطلق نباشد، دور نیست بتواند قضاوت را به عهده بگیرد در صورتی که در باب قضا مجتهد باشد؛ و مجتهد متجزی، بنا بر احتیاط بر دیگر مؤمنین عادل در سرپرستی امور حسبه مقدم است. (۴۳۴)

حدود اختیارات
مجتهد متجزی

* * *

در نزاعها و خصومتها، مراجعه به حاکمان ستمگر و قاضیان آنان جایز نیست؛ بلکه بر طرفین نزاع، واجب است به فقیه جامع الشرایط مراجعه کنند؛ و اگر امکان مراجعه به فقیه جامع الشرایط باشد، ولی به غیر او مراجعه کنند، آنچه را بنا بر حکم او می‌گیرد، حرام است. (این مسأله دارای تفصیل است.)^(۲) (۴۳۵)

حکم رجوع به
حاکم و قاضی
حکومت جور

* * *

اگر مدعی، طرف نزاع خود را به محاکمه نزد فقیه دعوت کند، پذیرش بر او واجب است، همچنان اگر طرف نزاع راضی به محاکمه نزد فقیه شد، مدعی حق ندارد به غیر او مراجعه کند. (۴۳۶)

وجوب پذیرش
قضاوت فقیه

۱. مراد، شخصی است که در هیچ بابی از فقه مجتهد نیست.

۲. تفصیل در مسأله اینکه: برخی فقها آنچه را به حکم قاضی جور بگیرد، حرام می‌دانند، چه عین باشد و چه مال، به صورت کلی مثل پول؛ ولی برخی می‌گویند اگر عین مال خود را (مثلاً فرش را) توسط قضاوت قاضی جور بگیرد، اشکالی ندارد؛ ولی اگر مثلاً پولی طلبکار است و قاضی به نفع او حکم کند، نمی‌تواند بگیرد، هر چند واقعاً طلبکار باشد.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر □ ۲۲۷

* * *

اگر مدعی مرافعه را نزد حاکم شرعی برد و حاکم طرف دعوی
(مدعی علیه) را خواست، حضور برای او واجب است و حق
تخلف ندارد. (۴۳۷)

وجوب حضور،
نزد حاکم شرعی

* * *

بر حاکمان شرعی، پذیرش حل مرافعات، واجب کفایی است و در
صورت انحصار بر او متعین است. (۴۳۸)

حکم پذیرش
محاکمات

* * *

فصل چهارم

رعایت مراتب در امر و نهی

س- [افرادی در ادارات هستند که انسان احساس می‌کند با انقلاب میانه‌ای ندارند و فقط ظاهر خود را عوض کرده و احتمالاً گاهی اوقات هم کارشکنی می‌کنند، آیا معرفی اینطور افراد به مقامات ذی‌صلاح مملکت از نظر شرعی اشکال ندارد؟ رفت و آمد خانوادگی با آنان چه صورتی دارد؟]

ج- در صورتی که کارشکنی بکند، بعد از ارشاد، معرفی او اشکال ندارد. (۴۳۹)

معرفی کارشکنان
پس از ارشاد

* * *

س- [معاشرت با افرادی که عمل حرامی چون مشروب خواری و... انجام داده‌اند، چگونه است؟]

ج- با مراعات شرایط مقررّه نهی از منکر نمایند و ترک معاشرت یکی از درجات نهی از منکر است. (۴۴۰)

ترک معاشرت از
درجات نهی از
منکر

* * *

س- [روحانی نمایانی که امریکا و یا دولتهای دست نشانده امریکا و دیگر دولتهای کفر را با توجیهی که دارند، علناً تأیید می‌کنند، آیا جایز است که با چنین افرادی مبارزه شود و در مجالس و محافل از خط سیاسی آنان انتقاد شود تا به رسوایی کشیده شوند و عوام مردم، فریب آنان را نخورند؟]

معرفی
روحانی نمایان به
مسئولان

ج- موارد مختلف است و ممکن است اشخاص مزبور را به مقامات جمهوری اسلامی معرفی کنند تا مسئولین اقدام مقتضی معمول دارند. (۴۴۱)

* * *

غیبت متجاهر به فسق، گرچه جایز است؛ بلکه در بعضی موارد که موجب ردع او شود واجب است و از مراتب نهی از منکر به شمار می‌آید. (۴۴۲)

غیبت متجاهر از
مراتب نهی از منکر

* * *

حالا شاید اشخاص غافل این نکته در ذهنشان باشد که خوب بود حضرت وقتی جای پای خودش را محکم می‌کرد، معاویه را خلع کند؛ ولکن اشتباه است. لهذا وقتی ملاحظه فرمودند یک حکومت جائز می‌خواهد حکومت کند، قیام و وظیفه الهی بود و عمل فرمودند. همین طور ائمه معصومین قیام کردند ولو با عده کم، تا کشته شدند و اقامه فرائض نمودند؛ و هر کدام می‌دیدند قیام صلاح نیست، در خانه می‌نشستند و ترویج [دین] می‌کردند. این شیوه‌ای بود که از اول اسلام

رعایت شرایط در
قیام

بوده است. (۴۴۳)

۴۱/۹/۱۱

* * *

کراراً تذکر داده شد که روحانیون نظری جز اصلاح حال ملت و بقای استقلال مملکت ندارند. و حفظ قوانین اسلام و قانون اساسی، به آن جهت که ضامن حفظ مذهب جعفری و قوانین اسلام است، سرلوحهٔ مرام آنهاست. و هر کس قصد تجاوز به حریم اسلام و قوانین مقدسهٔ آن داشته باشد، در هر لباس و مقام که باشد، روحانیت به پشتیبانی از شما برادران ایمانی و ملت بزرگ اسلام در نصیحت یا مقابله با او کوشش خواهد کرد. (۴۴۴)

نصیحت و مقابله با
متجاوزان به اسلام
و قوانین آن

۴۲/۱/۱۶

* * *

ما همه مکلفیم که بر ضد این^(۱) قیام کنیم. قیام قلمی، قیام قولی، هر وقت هم شد قیام به سلاح. هر وقت وقت پیدا کردیم، اول کسی که سلاح را به دوشش بگیرد خود منم اگر توانستیم، هر وقت هم نتوانستیم، حرف می‌زنیم، صحبت می‌کنیم. (۴۴۵)

قیام با تمام وسایل
و راهها

۵۷/۳/۱۰

* * *

ما همه موظفیم که به دنبال این مطلب باشیم. تا آن اندازه‌ای که می‌توانیم به برادرهایی که دارند کشته می‌دهند کمک بکنیم. هر چه می‌توانیم آنهایی که الآن کانه در میدان جنگ هستند، ما به

کمک به
قیام‌کنندگان از
تمام راهها

۱. رژیم پهلوی و شخص شاه.

اینها کمک برسانیم. هر طوری که می‌توانیم کار کنیم: با قلم، با بیان، با صحبت، با هر چه که می‌شود، با تظاهرات. این حرف ماست. (۴۴۶)

۵۷/۷/۱۹

* * *

باید به مبارزات مثبت و منفی ادامه داد و این یاغی را هر چه زودتر از مملکت خارج نمود. پیش کشیدن شعار عمل به قانون اساسی که اخیراً ایادی شاه در مجلسین عنوان کرده‌اند، خیانت به اسلام و کشور است. (۴۴۷)

ادامه مبارزات
منفی و مثبت

۵۷/۸/۴

* * *

آنان که آیه یأس برای شما می‌خوانند، عمال اجانب و شاه هستند که با وسوسه شیطانی می‌خواهند شاه و منافع غارتگران را حفظ کنند؛ اینان را به صراط مستقیم الهی بخوانید و اگر تسلیم نیستند، از خود برانید و آنان را مأیوس کنید. (۴۴۸)

طرد پس از دعوت
به حق

۵۷/۸/۴

* * *

سؤال: [حضرت آیت‌الله، شما در بیانیه خودتان به مردم ایران خطاب کرده‌اید که از اول محرم، که از فردا آغاز می‌شود، با هر وسیله ممکن برای سرنگونی رژیم اقدام کنند. منظور شما از «با هر وسیله ممکن» چیست؟]
جواب: اعتصابات و تظاهرات است. نطقها و بیانهاست که باید از

اعتصاب،
تظاهرات و
سخنرانی برای
احقاق حق

منبر منتشر شود ... ماه محرم ماهی است که در آن ماه، مردم برای شنیدن مطالب حق آماده‌اند. و الآن مطلب حق ما، آزادی و استقلال است. من امر کردم که در ماه محرم راجع به این مسائل صحبت کنند و مجالس داشته باشند. و اگر چنانچه منع کردند، آنها به خیابانها و کوچه‌ها بریزند و با هر وسیله‌ای که در اختیار دارند مطالب خودشان را بازگو کنند. (۴۴۹)

۵۷/۹/۱۰

* * *

باید همه قشرهای ملت از قوای مسلح و دستگاههای دولتی تا دانشگاهیان و کارگران و کارمندان و بازاریان و کشاورزان بدانند که اعانت و کمک به این دولت غیرقانونی غاصب کافر از گناهان کبیره و مخالفت با خدای تعالی است، و کارشکنی و مخالفت عملی و قولی، در حد امکان، از واجبات الهیه است. (۴۵۰)

۵۹/۷/۲۴

* * *

پدر و مادرها توجه کنند بچه‌هایشان را که چه می‌کنند و چه می‌گذرد، این دختر بیچاره را نگذارند که در دام اینها^(۱) بیفتد، این پسر بیچاره را نگذارند که در دام اینها بیفتد، خودشان آنها را نصیحت کنند و اگر نصیحت پذیر نیستند معرفی کنند. یک تکلیف شرعی است، کسی که می‌خواهد یک مسلمان را بکشد شما باید قبل از اینکه او بکشد معرفی اش کنید و اگر نکنید شما شریکید در این جرم. (۴۵۱)

مخالفت عملی و
قولی و کارشکنی با
ستمگران

معرفی
فریب‌خورده‌ها
پس از نصیحت

۱. منظور، منافقان است.

۶۰/۵/۱۹

من از همه ملت ایران خواستار هستم که با هوشیاری توجه کنند به این خرابکاری‌هایی که اینها^(۱) می‌کنند و پند بگیرند از آن مادری که پسر خودش را آورد و محاکمه کرد که آن یکی از نمونه‌های اسلام است و دیگران هم این‌طور باشند. نصیحت کنند اولاد خودشان، برادرهای خودشان، فرزندان خودشان را و اگر نپذیرفتند، آنها را معرفی کنند تا به وظیفه اسلامی خودشان و به وظیفه ایمانی و ملی خودشان، عمل کرده باشند. (۴۵۲)

معرفی فرزندان
پس از نصیحت

۶۰/۶/۲

* * *

قشر متدین انقلابی اعم از اساتید متعهد و معلمان وطنخواه اسلامی و دانشجویان انقلابی موظفند با هوشیاری بدون غفلت از این مسئله مهم، به دانشگاهها و مدارس و آنان که هنوز خواب رژیم سابق را می‌بینند و رویه‌های فرهنگ شرق را در سر می‌پروانند. اجازه ندهند که خارج از درس موظف خود به صحبت‌های انحرافی بپردازند. و در صورتی که نصیحت بر آنان اثر نداشت به شورای عالی انقلاب فرهنگی، که شکل گرفته است و انجام وظیفه میکند، اطلاع دهند و باید بدانند با مسامحه در این امر بتدریج در دانشگاهها و دبیرستانها خط انحرافی، نفوذ خواهد کرد و در پیشگاه خداوند متعال مسئول هستند. (۴۵۳)

معرفی طرفداران
غرب و شرق پس
از نهضت

۶۳/۹/۱۹

* * *

موازن شرعی و اخلاقی در امر و نهی

همه ما هممان صرف این باشد که اگر یک کسی هم خطا می‌کند برادرانه بروند بهش حالی کنند که این کار درست نبوده است، تو باید چه بکنی، اگر باورش نیامد و دیدید که آدم صحیحی نیست، آن وقت باید به مراکزی که هستش گفته بشود تا جلوییش را بگیرند. (۴۵۴)

رعایت مراتب امر و نهی

۵۹/۳/۲۰

* * *

مؤکداً تذکر داده می‌شود که اگر برای کشف خانه‌های تیمی و مراکز جاسوسی و افساد علیه نظام جمهوری اسلامی از روی خطا و اشتباه به منزل شخصی یا محل کار کسی وارد شدند و در آنجا با آلت لهو یا آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحرافی مثل مواد مخدره برخورد کردند، حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند، چرا که اشاعه فحشا از بزرگترین گناهان کبیره است و هیچ کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان و تعدی از ضوابط شرعیه نماید. فقط باید به وظیفه نهی از منکر به نحوی که در اسلام مقرر است عمل نمایند و حق جلب یا بازداشت یا ضرب و شتم صاحبان خانه و ساکنان آن را ندارند، و تعدی از حدود الهی ظلم است و موجب تعزیر و گاهی تقاص می‌باشد. (۴۵۵)

هتک حرمت
مسلمانان و اشاعه
فحشا

۶۱/۹/۲۴

* * *

اصل آن مسئله‌ای را که من گفتم برای این بود که ایران را برگردانیم

به یک مملکت اسلامی، همه چیز اسلامی بشود...
البته آنی که ما می‌گوییم این است که به مردم، مردم عادی به خیال اینکه توی خانه‌شان، خودش توی خانه‌اش بخواهد یک کاری بکند حقی ندارد کسی برود، بداند هم که در جوف منزلش یک کاری می‌کند این نهی می‌کنند؛ اگر یک وقت بریزند توی خانه‌اش، نه، این حق نیست. همچو چیزی نمی‌شود، یک کار خلافی را با یک کار خلافتی ما بخواهیم جلویش را بگیریم، موازین دارد، نهی از منکر موازین دارد، امر به معروف موازین دارد. (۴۵۶)

رعایت موازین
شرعی در امر و
نهی

۶۱/۱۱/۷

* * *

س - [آیا با اینکه می‌بینیم مردم در آشغالها و زباله‌ها نان و برنج و گوشت و... می‌ریزند وظیفه ما نسبت به این امور چیست؟ با اینکه اسراف و تبذیر و بی‌احترامی به نعمتهای الهی است.]
ج - با مراعات شرایط، امر به معروف و نهی از منکر نمایند. (۴۵۷)

رعایت شرایط
امر به معروف و
نهی از منکر

* * *

س - [یا مجروحانی که بر اثر عدم اعتقاد کامل، نماز را برپا نمی‌دارند، به عنوان یک پرستار چگونه باید رفتار کرد؟]
ج - وظیفه، امر به معروف و نهی از منکر است با مراعات مقررات آن. (۴۵۸)

رعایت شرایط امر
و نهی

* * *

مراتب امر به معروف و نهی از منکر □ ۲۳۷

رعایت موازین اسلامی در امر و نهی از منکر
س - [آیا دختری با شرط رعایت کردن موازین اسلامی، می‌تواند پسری را راهنمایی و کمک کند؟]
ج - با مراعات موازین اسلامی، مانع ندارد. (۴۵۹)

* * *

عدم مبارزه با غیر توطئه‌گران
س - [امروزه که در مناطق و کشورهای مختلف، مسلمانان مشغول مبارزه با طاغوت و کفر جهانی هستند، اگر در افرادی نقاط ضعفی مشاهده شود، ولی موضع‌گیری در مقابل مبارزین و انقلابیون نداشته باشند، آیا جایز است با آنان در جهت ضعفی که دارند مبارزه شود، یا آنکه به منظور حفظ وحدت باید از نقاط ضعف چشم‌پوشی کرد؟ و اساساً چه ضابطه‌ای می‌تواند ملاک تقدیم وحدت بر خط مبارزه یا بالعکس باشد؟]
ج - اگر انقلاب اسلامی را تضعیف نمی‌کنند و توطئه بر ضد جمهوری اسلامی ندارند، در امانند و نباید با آنان مبارزه کرد. (۴۶۰)

* * *

رعایت محبت در امر و نهی
پس از اینهمه امتحانات و تربیتهای روحانی، برای چه خدای تعالی او را تهیه کرد؟ برای دعوت و هدایت و ارشاد و نجات دادن یک نفر بنده طاغی یاغی که کوس **أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى** (۱) می‌کوفت، و آنهمه فساد در ارض می‌کرد. ممکن بود خدای تعالی او را به صاعقه غضب بسوزاند، ولی رحمت رحیمیه برای او دو پیغمبر (۲) بزرگ

۱. نازعات / ۲۴.

۲. موسی و هارون - علیهما السلام.

می فرستد، و در عین حال، سفارش او را می فرماید که با او با کلام نرم لَین گفتگو کنید؛ باشد که به یاد خدا افتد و از کردار خود و عاقبت امر بترسد. این دستور امر به معروف و نهی از منکر است. این کیفیت ارشاد مثل فرعون طاغوت است. اکنون تو نیز که می خواهی امر به معروف و نهی از منکر کنی و خلق خدا را ارشاد کنی، از این آیات شریفه الهیه، که برای تذکر و تعلّم فرو فرستاده شده، متذکر شو و تعلم گیر - با قلب پر از محبت و دل با عاطفه با بندگان خداوند ملاقات کن و خیر آنها را از صمیم قلب طالب شو؛ و چون قلب خود را رحمانی و رحیمی یافتی، به امر و نهی و ارشاد قیام کن تا دل‌های سخت را برق عاطفه قلبت، نرم کند و آهن قلوب به موعظت آمیخته با آتش محبتت، لَین گردد؛ و این وادی غیر از وادی بغض فی الله و حبّ فی الله است که انسان باید با اعدای دین عداوت داشته باشد. (۴۶۱)

* * *

باب امر به معروف و نهی از منکر از وجهه رحمت رحیمیه است. پس، بر امر به معروف و ناهی از منکر لازم است که به قلب خود از رحمت رحیمیه بچشاند، و نظرش در امر و نهی خودنمایی و خودفروشی و تحمیل امر و نهی خود نباشد؛ زیرا که اگر با این نظر مشی کند، منظور از امر به معروف و نهی از منکر، که حصول سعادت عباد و اجرای احکام الله در بلاد است، حاصل نشود؛ بلکه گاه شود که از امر به معروف انسان جاهل، نتیجه معکوسه حاصل شود، و چندین منکر سربار شود برای یک امر و نهی جاهلانه که از روی خواهش نفسانی و تصرف شیطانی واقع شود؛

تأثیر رحم و
محبت در امر و
نهی

و اما اگر حس رحمت و شفقت و حق نوعیت و اخوت انسان را به ارشاد جاهلان و بیدار کردن غافلان وادار کند، کیفیت بیان و ارشاد، که از ترشحات قلب رحیمانه است، طوری شود که قهراً تأثیر در مواد لایقه بسزا کند و قلوب صلیبه سخت را نیز از آن استکبار و استنکار فرو نشاند. (۴۶۲)

* * *

سزاوار است که آمر به معروف و ناهی از منکر در امر و نهی و مراتب انکار خود مانند پزشک معالج مهربان یا پدر مهربان، مراعات مصلحت شخص آلوده به گناه را بنماید و انکار او لطف و رحمت برای مرتکب، و بلکه بر همه امت باشد؛ و سزاوار است قصد او تنها خدا و رضایت او باشد، و عمل خود را از آمیخته شدن با هواهای نفسانی و اظهار بزرگی، حفظ کند، و نفس خود را منزله نداند و برای آن برتری و بزرگی بر مرتکب قائل نباشد، چه بسا مرتکب منکر هر چند مرتکب گناهان بزرگ، صفات پسندیده‌ای داشته باشد که خدا او را به خاطر این صفات دوست دارد، گرچه به واسطه ارتکاب گناه عملش مبعوض خداوند است، و ای بسا امر و نهی کننده به عکس او باشد (صفاتی را داراست که مورد رضایت خداوند نیست) هر چند بر خود او مخفی است. (۴۶۳)

رعایت لطف و
رحمت در انکار
منکر

* * *

از بزرگترین مصادیق امر به معروف و نهی از منکر و شریفترین و دقیقترین و شدیدترین آنها از نظر تأثیر، و دلنشین‌ترین آنها

بویژه اگر آمر و ناهی از علمای دین و سران مذهب باشد، آن امر به معروف و نهی از منکر است که از شخصی صادر شود که خود، لباس معروف چه واجب و چه مستحب را به تن کرده باشد، و از منکر بلکه از مکروه دور باشد؛ یعنی خود عامل به معروف و تارک منکر باشد، و کسی باشد که به اخلاق انبیا و اهل معنویت آراسته باشد، و از اخلاق نادانان و اهل دنیا بدور باشد تا با عمل و روش و اخلاقش، آمر و ناهی باشد و مردم به او اقتدا کنند، و اگر - العیاذ بالله - خلاف این باشد و مردم ببینند عالمی که مدعی جانشینی پیامبران و رهبری امت است، آنچه را می‌گوید، عمل نمی‌کند، این وضع موجب ضعف عقیده مردم، و جرأت پیدا کردن آنان بر گناهان، و بدگمانی ایشان نسبت به علمای گذشته خواهد شد. به همین جهت، بر علما خصوصاً سران مذهب لازم است از مواضع و موارد تهمت دوری کنند؛ و از بزرگترین موارد تهمت، نزدیک شدن به پادشاهان ستم و رؤسای ستمگر می‌باشد؛ و بر امت اسلامی لازم است که اگر عالمی را اینچنین دیدند، کار او را با احتمال صحت، حمل بر صحت نمایند (و بگویند این کار او به خاطر مصلحتی بوده) و اگر احتمال صحت نسبت به کار او نمی‌دهند، باید از او دوری کنند و او را طرد کنند؛ زیرا او غیر روحانی است که به لباس روحانیون درآمده، و شیطانی است که در لباس علماست. که از امثال او و شر آنها برای اسلام به خدا پناه می‌بریم. (۴۶۴)

عمل و کردار علما،
بالاترین امر و نهی

فهارس

- فهرست تفصیلی
- فهرست مأخذ
- فهرست منابع

فهرست تفصیلی

صفحه

عنوان

بخش اول: کلیات

۳	فصل اول: اهمیت و آثار امر به معروف و نهی از منکر
۳	اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در قرآن و روایات
۵	آثار امر به معروف و نهی از منکر
۵	معرفی حکومت اسلامی، موجب نابودی حکومت‌های ستمگر
۶	آشنایی با اسلام، موجب برملاشدن نقشه‌های استعمار
۷	اعتراض ملت، بازدارنده از کارهای خلاف
۸	قیام امام حسین <small>علیه السلام</small> موجب رفع خطر از اسلام
۹	امر به معروف و نهی از منکر، دو اصل اصلاح‌کننده
۱۰	اصلاح جامعه، در پرتو امر به معروف و نهی از منکر
۱۰	آگاهی ملتها، مانع قدرت مستکبران
۱۲	اصلاح جامعه با انجام دادن مراتب امر و نهی
۱۳	تأثیر سخنرانی در پیشبرد نهضت
۱۳	پیروزی، در گرو عمل
۱۴	پیشبرد اهداف، در گرو اقدام

- ۱۵ بسیج مردم به گفتار و نوشتار
- ۱۶ احیای اسلام به تلاش و فداکاری
- ۱۶ تأثیر امر به معروف و نهی از منکر در نابودی ستمگران
- ۱۷ موفقیت در پرتو عمل به امر به معروف و نهی از منکر
- ۱۸ **نتایج ترک امر به معروف و نهی از منکر**
- ۱۸ ترک نهی از منکر، موجب تسلط فاسدان
- ۱۸ سکوت، موجب تسلط بیگانگان
- ۱۹ نابودی ملت بر اثر ترک وظیفه
- ۱۹ عدم دفاع از دین، موجب جری شدن فاسدین
- ۲۰ ترک نهی از منکر، موجب سقوط ملت
- ۲۰ زوال و نابودی، به جهت سستی
- ۲۰ جایگاه تارکین نهی از منکر در قیامت
- ۲۳ **فصل دوم: وجوب امر به معروف و نهی از منکر**
- ۲۳ **کیفیت وجوب و اقسام آن دو**
- ۲۳ امر و نهی به واجب و حرام و مستحب و مکروه
- ۲۳ وجوب کفایی امر و نهی
- ۲۴ وجوب اقدام، به اندازه احتیاج
- ۲۴ گناه سهل انگاران
- ۲۴ وجوب در صورت احتمال تأثیر
- ۲۴ حکم قطع و اطمینان، بر اقدام شخص دیگر
- ۲۵ کافی نبودن احتمال اقدام در سقوط وجوب
- ۲۵ سقوط وجوب، با از بین رفتن موضوع
- ۲۵ توجه به اهم و مهم
- ۲۵ اختیار مکلف، در صورت تساوی
- ۲۶ عدم کفایت بیان حکم شرعی

۲۶	مولویت امر و نهی در این باب
۲۶	وجوب توصلی، در امر و نهی
۲۷	وجوب نهی در برابر هر گناه
۲۷	حکم نهی از مقدمات حرام
۲۷	حکم شک در توان فاعل
۲۷	وجوب امر و نهی در روایات
۲۸	استناد به حدیث کلکم راع
۲۸	مسئولیت عمومی به استناد کلکم راع
۲۹	مسئولیت عمومی به استناد کلکم راع
۳۰	مسئولیت همگانی با استناد به کلکم راع
۳۱	استدلال به حدیث من اصبح و لم یهتم
۳۱	وظیفه قرآنی برپایی نظام اسلامی
۳۲	استدلال به وصیت علی <small>علیه السلام</small>
۳۳	استدلال به کلام حضرت علی <small>علیه السلام</small>
۳۳	استدلال به خطبه نهج البلاغه
۳۵	وظیفه علما در کلام علی <small>علیه السلام</small>
۳۵	استفاده از حدیث تحف العقول
۳۷	استدلال به خطبه سیدالشهدا <small>علیه السلام</small>
۳۸	وجوب امر و نهی به استناد سیره اولیا <small>علیهم السلام</small>
۳۸	سیره پیغمبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> و علی <small>علیه السلام</small>
۳۹	اقدام و مقابله سیره انبیا <small>علیهم السلام</small>
۳۹	مقابله علی <small>علیه السلام</small> با معاویه
۴۰	سیره علی <small>علیه السلام</small> حجت بر دیگران
۴۱	قیام حسین <small>علیه السلام</small> تعیین کننده تکلیف شرعی
۴۱	قیام حسین <small>علیه السلام</small> حجت بر همگان

- ۴۲ استفاده از سیره پیغمبر و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ
- ۴۳ سیره مسیح عَلَيْهِ السَّلَامُ مقابله با ستم
- ۴۳ مسجد و نماز جمعه، جایگاه حرکت
- ۴۵ سیره انبیا و اولیا، مقابله با ستمگران
- ۴۵ ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ اسوه مقابله با منکرات
- ۴۶ **وجوب امر و نهی در کلام امام**
- ۴۶ وجوب نصیحت
- ۴۶ وظیفه علمای اسلام
- ۴۶ وجوب اقدام در برابر خطر برای قرآن
- ۴۶ انجام وظیفه در برابر اسلام و پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
- ۴۷ دفاع از احکام اسلام
- ۴۷ وظیفه همگانی در برابر کاپیتولاسیون
- ۴۸ لزوم افشای جنایتها
- ۴۹ لزوم بیدار کردن مردم نسبت به خطرها
- ۴۹ اعتراض به کمک به اسرائیل
- ۵۰ تذکر، وظیفه اسلامی
- ۵۰ وظیفه جوانان، آگاه‌سازی مردم
- ۵۱ دفاع از فلسطین، وظیفه همه دولتهای اسلامی
- ۵۱ مبارزه با اسرائیل، وظیفه ملت اسلام
- ۵۲ دفاع از اسلام، وظیفه عمومی مسلمین
- ۵۲ سرنگونی رژیم، وظیفه همه اقشار
- ۵۳ قیام، یک وظیفه همگانی
- ۵۳ کمک به نهضت اسلامی با هر وسیله
- ۵۳ کمک تبلیغاتی، وظیفه ایرانیان خارج از کشور
- ۵۴ همراهی با قیام‌کنندگان

۵۴	افشای رژیم، وظیفه صاحبان قلم
۵۵	بازداری ارتشیان از ظلم و ستم
۵۵	مبارزه با ستمگر، تکلیف الهی
۵۵	جلوگیری از انحراف، وظیفه عمومی
۵۶	تکلیف همگانی در افشای رژیم شاه
۵۷	استمرار نهضت با شرکت عموم مردم
۵۷	تبری از شاه و دولت یاغی
۵۸	مسئولیت سنگین مراجع و علما
۵۸	مخالفت با شاه، یک تکلیف شرعی
۵۸	اعتصاب، یک الزام شرعی
۵۹	اعلام خلع شاه توسط همه افشار
۵۹	اقامه عدل، وظیفه همگانی
۶۰	وجوب عقلی و شرعی، استمرار نهضت
۶۰	وظیفه روشنفکران
۶۰	وظیفه در برابر دیگران
۶۰	دعوت به راه مستقیم، وظیفه همگانی
۶۱	مقابله با ستم، تکلیف همگان
۶۱	وجوب امر به معروف و نهی از منکر بر همگان
۶۲	وجوب مخالفت ارتش عراق با رژیم بعث
۶۲	وجوب قیام ارتش عراق
۶۳	وجوب قیام ملت عراق
۶۴	وظیفه مستضعفین، قیام در برابر ستمگران
۶۴	وجوب قطع ستمگر
۶۴	وظیفه تمامی ملت در امر و نهی
۶۵	وجوب امر به معروف و نهی از منکر بر مسلمین

- ۶۵ انجام وظیفه در برابر منافقان
- ۶۶ وجوب طرد طرح سادات و فهد
- ۶۶ عدم جواز سکوت در برابر خیانتها
- ۶۷ آماده کردن مردم برای یک نهضت عمومی
- ۶۷ افشای ستمگران، وظیفهٔ علما
- ۶۸ پیام به ملت مسلمان در حج
- ۶۹ برائت از مشرکین
- ۶۹ **وجوب امر و نهی و تکلیف شرعی**
- ۶۹ وجوب اهتمام به امور مسلمین
- ۷۰ وظیفهٔ ما، ادای تکلیف
- ۷۱ هدف، ادای تکلیف نه نتیجه
- ۷۲ قیام در برابر یزید، یک تکلیف شرعی
- ۷۲ قیام در برابر شاه، یک تکلیف شرعی
- ۷۳ عدم ترس از شکست
- ۷۳ تکلیف شرعی مبارزه با بدعتها
- ۷۴ تکلیف شرعی، مبارزه با ظلم
- ۷۴ جلوگیری از ظلم ضرورت قرآن و اسلام
- ۷۵ **فصل سوم: معروفها**
- ۷۵ تشکیل مجامع دینی
- ۷۶ دفاع از فلسطین
- ۷۷ زنده نگه داشتن ۱۵ خرداد
- ۷۷ کمک به اعتصابیون
- ۷۷ اتصال نظامیان به ملت
- ۷۸ پاسداری از عدالت
- ۷۸ راه انداختن کار مردم

۷۹	آزادینخواهی و استقلال طلبی
۷۹	تصدی امور برای رفع ستم
۸۰	ارشاد دولت و مسئولان
۸۳	فصل چهارم: منکرها
۸۳	حکومت پهلوی و منکرات
۸۳	کشتار مسلمین و کشف حجاب
۸۴	نفی حکم قرآن
۸۴	تسلط یهود و بهائیت
۸۴	حذف شرایط اسلامی در قضاات
۸۵	مخالفت با احکام اسلام
۸۵	پشتیبانی از اسرائیل
۸۶	کاپیتولاسیون
۸۷	اسلام، مخالف سلطنت
۸۸	اسارت در سایه سرمایه گذاری خارجی
۸۸	جشن شاهنشاهی
۸۹	هجوم به حوزه و دانشگاه
۸۹	زندانی و تبعید و شکنجه مردم
۸۹	مسلط کردن اجانب بر مردم
۹۰	منکرات حکومت رضاخان
۹۱	تغییر تاریخ اسلام
۹۲	تغییر تاریخ اسلام، به تاریخ آتش پرستها
۹۲	مسلط کردن امریکایی ها بر ملت
۹۳	حمله به بارگاه امام رضا <small>علیه السلام</small>
۹۳	تاراج اموال ملت
۹۴	برداشتن حجاب و اختلاط زن و مرد

- ۹۵..... رواج احکام غیر اسلامی در کشور
- ۹۵..... دست‌نشاندهٔ اجانب
- ۹۶..... کاپیتولاسیون، بزرگترین خیانت
- ۹۶..... اهانت و سبّ به پیغمبر
- ۹۶..... تبعید و کشتار علما
- ۹۶..... فسادهای دوران رضاخان
- ۹۷..... مبارزه با اسلام
- ۹۸..... **اشخاص و گروهها و منکرات**
- ۹۸..... همکاری با مارکسیستها
- ۹۸..... موافقت با نظام شاهنشاهی
- ۹۹..... همکاری با خیابث
- ۹۹..... کوتاهی در نهضت، خیانت به ملت
- ۱۰۰..... همکاری با شاه، مخالفت با اسلام
- ۱۰۰..... همراهی با شاه، خیانت به اسلام
- ۱۰۰..... ترویج ظلم و ظالم، خیانت به اسلام
- ۱۰۰..... حرمت کمک به دولت بعث
- ۱۰۱..... سازش با شاه، بزرگترین خیانت
- ۱۰۱..... مخالفت با نص قرآن
- ۱۰۱..... ایجاد آشوب و فساد در کشور
- ۱۰۲..... مقابله با احکام اسلام
- ۱۰۳..... اهانت به احکام قرآن، بالاترین منکر
- ۱۰۳..... سکوت در برابر ضد خدا و ضد مردم
- ۱۰۳..... **منکرهای مهم جهان معاصر**
- ۱۰۳..... غلبهٔ اجانب، برترین منکر
- ۱۰۴..... جنایات حاکمان وابسته به امریکا

۱۰۵	بت و بت‌پرستی معاصر.....
۱۰۶	اشاره به تعدادی از منکرها.....
۱۰۶	اهانت به مراجع اسلام.....
۱۰۶	اهانت به مراجع اسلام.....
۱۰۷	اجحاف به مردم.....
۱۰۷	تخریب جنگلها.....
۱۰۸	آزار اسرا.....
۱۰۸	تجاوز از حدود شرعی در کلام.....
۱۰۸	استعمال تریاک.....

بخش دوم: شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر

۱۱۳	فصل اول: علم.....
۱۱۳	شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر.....
۱۱۳	لزوم شناخت معروف و منکر.....
۱۱۳	راههای شناخت معروف و منکر.....
۱۱۴	حکم امر و نهی در مسائل اختلافی.....
۱۱۴	جهل به حکم از سوی فاعل مقصور قاصر.....
۱۱۴	جهل فاعل، نسبت به موضوع.....
۱۱۵	امر و نهی در صورت تجزی.....
۱۱۵	امر و نهی در موارد احتیاط.....
۱۱۶	امر و نهی در موارد علم اجمالی.....
۱۱۶	وجوب یادگیری شرایط امر و نهی.....
۱۱۶	وجوب یادگیری احکام امر و نهی.....
۱۱۷	حکم تخلف از موارد وجوب.....
۱۱۷	حکم امر و نهی در صورت بیم به سستی دین.....

۱۱۹	فصل دوم: احتمال تأثیر
۱۱۹	احتمال تأثیر
۱۱۹	لزوم احتمال تأثیر
۱۱۹	حکم گمان بر عدم تأثیر
۱۱۹	احتمال وجوب در صورت تأثیر
۱۲۰	وجوب نصیحت در صورت تأثیر
۱۲۰	رعایت اهم و مهم در موارد
۱۲۰	تکرار در صورت احتمال تأثیر
۱۲۱	حکم احتمال تأثیر علنی
۱۲۱	حکم تأثیر در صورت اجازه به انجام خلاف
۱۲۱	حکم احتمال تأثیر در آینده
۱۲۲	حکم احتمال تأثیر در شخص سوم
۱۲۲	امر به دیگری برای امر و نهی
۱۲۲	تأثیر نهی در جلوگیری
۱۲۲	حکم توقف امر و نهی بر انجام حرام
۱۲۳	امر و نهی به خلاف در صورت تأثیر به صلاح
۱۲۳	وجوب امر و نهی و احتمال کم شدن معصیت
۱۲۳	حکم تأثیر در ترک مخالفت قطعی
۱۲۴	حکم تأثیر نهی در انجام اطراف علم اجمالی
۱۲۴	حکم احتمال تأثیر و عدم تأثیر
۱۲۴	حکم نهی در صورت احتمال تأخیر
۱۲۴	وجوب کفای نهی از منکر
۱۲۵	حکم تعارض در انکار
۱۲۵	تأثیر اعتراض دسته جمعی
۱۲۵	تأثیر اعتراض علما و طلاب

۱۲۶	تأثیر اعلام خلافها.....
۱۲۷	تأثیر در صورت اتفاق علما.....
۱۲۹	فصل سوم: اصرار بر گناه
۱۲۹	اصرار بر گناه.....
۱۲۹	اصرار بر گناه.....
۱۲۹	حکم حصول یقین و اطمینان.....
۱۳۰	حکم حصول گمان و شک.....
۱۳۰	حکم وجود دلیل معتبر.....
۱۳۰	مراد از اصرار بر گناه.....
۱۳۰	وجوب توبه از گناه.....
۱۳۱	نهی از ارتکاب منکر در آینده.....
۱۳۱	سقوط وجوب به عدم استمرار.....
۱۳۱	سقوط وجوب به ناتوانی فاعل.....
۱۳۲	وجوب نهی در صورت وجود قدرت در آینده.....
۱۳۲	حکم انکار در صورت اعتقاد فاعل به ناتوانی.....
۱۳۲	حکم انکار نسبت به فرد غیر معین.....
۱۳۳	حکم انکار نسبت به موضوع مهم.....
۱۳۵	فصل چهارم: عدم وجود مفسده
۱۳۵	عدم وجود مفسده
۱۳۵	عدم وجوب در صورت علم و ظن به زیان.....
۱۳۵	عدم فرق بین زیان حال و آینده.....
۱۳۶	حکم امر و نهی در صورت حصول سختی.....
۱۳۶	عدم وجوب در صورت ترس بر جان و آبرو و مال.....
۱۳۶	حکم خرج مال در امر و نهی.....
۱۳۷	ورود در پستهای دولتی برای اقامه معروف و از بین بردن منکر.....

- ۱۳۷ حرمت ورود در مؤسسات دینی دولتی
- ۱۳۷ حرمت پذیرفتن مسئولیت مدارس از طرف دولت
- ۱۳۸ حرمت ورود طلاب در مدارس دینی دولتی
- ۱۳۸ لزوم احتیاط در موارد محتمل
- ۱۳۹ سقوط عدالت مسئولان مدارس دینی دولتی
- ۱۳۹ عدم جوازگرفتن سهم امام و سادات
- ۱۳۹ نادرستی عذرتراشیها
- ۱۳۹ عدم شرط عدالت برای آمر و ناهی
- ۱۴۰ حکم امر و نهی نسبت به کودک و دیوانه
- ۱۴۰ حکم امر و نهی نسبت به معذور
- ۱۴۰ حکم امر و نهی در صورت هتک احکام
- ۱۴۱ حکم امر و نهی نسبت به جاهل به موضوع یا حکم
- ۱۴۱ **حکم سکوت در موارد مهم**
- ۱۴۱ حکم سکوت در موارد تغییر معروف و منکر
- ۱۴۱ حرمت سکوت در صورت تقویت ستمگر
- ۱۴۲ حرمت سکوت در صورت جری شدن ستمگران
- ۱۴۲ وجوب انکار در موارد ایجاد بدبینی
- ۱۴۲ سکوت در برابر اوضاع کشور
- ۱۴۲ حرمت تقیّه
- ۱۴۳ ننگ سکوت در برابر دستگاه جبار
- ۱۴۳ سکوت، موجب نابودی نسلهها
- ۱۴۴ سکوت، موجب تأیید دستگاه جبار
- ۱۴۴ گناه سکوت در برابر کاپیتولاسیون
- ۱۴۴ امضای خلافها در پرتو سکوت
- ۱۴۵ عدم پذیرش عذر، در پیشگاه حق و ملت

۱۴۵ سکوت، مخالف مصالح اسلام
۱۴۵ حرمت سکوت در شرایط نهضت
۱۴۶ حرمت سکوت در برابر سبّ به قرآن
۱۴۶ فداکاری و تحمل زیان در موارد مهم
۱۴۶ وجوب گذشت از مال و جان در موارد مهم
۱۴۷ وظیفهٔ علما در ظهور بدعت
۱۴۷ پافشاری در امر به معروف
۱۴۷ فداکاری امام حسین <small>علیه السلام</small> برای اسلام
۱۴۸ لزوم فداکاری برای عظمت اسلام
۱۴۸ فداکاری در زیر پرچم توحید
۱۴۹ فداکاری برای برپایی حکومت عدل
۱۴۹ جواز قیام مسلحانه، برای حفظ قوانین اسلام
۱۴۹ فدایی دادن برای احقاق حق
۱۵۰ وظیفهٔ ما اقامهٔ عدل
۱۵۰ سیرهٔ انبیا، شهادت در راه اسلام

بخش سوم: مراتب امر به معروف و نهی از منکر

۱۵۵ فصل اول: مرتبهٔ غیر زبانی
۱۵۵ لزوم رعایت مراتب
۱۵۵ درجات امر و نهی
۱۵۶ رعایت درجات در مرتبهٔ اول
۱۵۶ شرط اکتفا به روگرداندن و ترک معاشرت
۱۵۶ روگرداندن علما و تأثیر آن در کاستن ظلم
۱۵۷ شرط معاشرت علما با ستمگران
۱۵۷ حکم رد هدایای ستمگران

- ۱۵۷ حکم پذیرش هدایای ستمگران
- ۱۵۸ حکم ناخوشایندی درونی به منکرات
- ۱۵۸ عدم مشروط بودن ناخوشایندی قلبی
- ۱۵۸ مبارزه منفی برای جشن شاهنشاهی
- ۱۵۸ آشکارکردن قهر و تنفر
- ۱۵۹ مخالفت با حزب رستاخیز
- ۱۵۹ مقاومت منفی در برابر حزب رستاخیز
- ۱۶۰ حرمت استفاده از تاریخ شاهنشاهی
- ۱۶۰ دستور فرار سربازان از پادگانها
- ۱۶۰ لزوم پیوند جوانان ارتش به ملت
- ۱۶۱ حرمت اعانت به دولت غاصب
- ۱۶۱ لزوم دوری از کمک به دولت
- ۱۶۱ مخالفت با دستورات دولت یاغی
- ۱۶۲ عدم اطاعت از وزرای فاسد
- ۱۶۲ حرمت اطاعت از شاه
- ۱۶۲ احتراز از اعانت به دولت
- ۱۶۳ خدمت به دولت و شاه، خدمت به کفر و شرک
- ۱۶۳ دستور قطع رابطه با مصر
- ۱۶۳ دعوت مسلمین به قطع رابطه با مصر
- ۱۶۴ دستور فرار به سربازان عراقی
- ۱۶۴ حرمت استخدام در دولت باطل
- ۱۶۴ لزوم قیام بر علیه صدام
- ۱۶۵ الحاق ارتش عراق به ایران
- ۱۶۵ اعتصاب و خودداری از کمک به دولت عراق
- ۱۶۶ دعوت ملت عراق به قیام

۱۶۶	دوری‌گزینی و طرد
۱۶۷	عدم رجوع به حاکم و قاضی ستمگر
۱۶۸	نهی اجازه از تأییدکنندگان ستمگران
۱۶۸	لزوم احتراز انجمن اسلامی از غیر ملتزمین به اسلام
۱۶۹	طرد منحرفین از انجمنهای اسلامی
۱۶۹	دور کردن فرصت‌طلبان گروههای غیراسلامی
۱۶۹	دوری از وعاظ‌السلطین
۱۷۰	لزوم سرپیچی از فرامین طاغوت
۱۷۰	مقابله با موافقان‌سازش
۱۷۰	طرد سست‌کنندگان نهضت
۱۷۱	عدم همکاری با کمونیستها
۱۷۱	عدم پرداخت مالیات به حکومت شاه
۱۷۱	کنار گذاشتن علمای منحرف
۱۷۱	اخراج پاسدار منحرف از بین پاسداران
۱۷۲	کنار گذاشتن کارشکنان در ادارات
۱۷۲	بیرون کردن منحرفان به چپ و راست از دانشگاه
۱۷۳	ترک معاشرت برای نهی از منکر
۱۷۳	ارشاد رحم و عدم قطع رحم
۱۷۴	هدایت پدر و عدم جواز قطع رحم
۱۷۵	امر به معروف و نهی از منکر رحم
۱۷۵	عدم جواز قطع رحم
۱۷۷	فصل دوم: امر و نهی زبانی
۱۷۷	شرط ورود به مرحله دوم
۱۷۷	موعظه، مرتبه نخست زبانی
۱۷۷	لزوم رعایت درجات، در مرتبه زبانی

- ۱۷۸ شرط گفتار خشن و با شدت
- ۱۷۸ حکم انکار همراه با ناسزا، دروغ و.....
- ۱۷۸ رعایت مراتب و درجات نسبت به افراد مختلف
- ۱۷۹ حکم تساوی درجات مرتبه اول و دوم
- ۱۷۹ حکم جمع بین درجات دو مرتبه
- ۱۸۰ حکم توسل به ستمگر برای جلوگیری از منکر
- ۱۸۰ رعایت تکلیف به طور کفایی
- ۱۸۰ حکم انجام تکلیف، برای هر فرد
- ۱۸۱ وجوب مرتبه پایین در صورت علم اجمالی
- ۱۸۱ **نصیحت و بیان مطالب و افشاگری**
- ۱۸۱ نصیحت دولت شاه
- ۱۸۲ گوشزد خلافکارهای رژیم شاه
- ۱۸۲ لزوم اعتراض علما و امت
- ۱۸۳ لزوم بیان عدل اسلام
- ۱۸۳ نصیحت حکومت توسط علما
- ۱۸۴ استفاده از فرصت برای بیان مطالب
- ۱۸۴ وظیفه گویندگان در بیان مطالب
- ۱۸۵ روشنگری علما پیرامون قیام
- ۱۸۶ افشای جنایات رژیم با قلم و بیان
- ۱۸۶ رساندن مطالب صحیح نهضت
- ۱۸۷ آگاهی دادن به جهانیان از نهضت
- ۱۸۷ تبلیغات جهت مصالح اسلام و ملت
- ۱۸۸ سخنرانی در جهت کمک به نهضت
- ۱۸۸ روشنگری مسائل ایران
- ۱۸۹ تبلیغات در برابر تبلیغات

۱۹۰	بهربرداری از مجالس امام حسین <small>علیه السلام</small>
۱۹۱	رساندن ندای مردم به جهانیان.....
۱۹۲	افشای صریح رژیم شاه.....
۱۹۲	محکوم کردن دولت غیرقانونی.....
۱۹۲	تکلیف اهل قلم در برابر نهضت.....
۱۹۳	ایجاد پایگاههای اسلامی برای نشر حقایق.....
۱۹۴	آگاه کردن فریب خورده‌ها.....
۱۹۴	انحراف استادان و سران قوم.....
۱۹۴	افشای اهداف کمونیستها برای مردم.....
۱۹۵	افشای مخالفان اجرای احکام اسلام.....
۱۹۶	مقابله با مخالفین به وسیله صحبت.....
۱۹۸	ایستادگی و بحث با مخالفان.....
۱۹۹	وظیفه مردم در نصیحت جوانان.....
۱۹۹	ارشاد فریب خوردگان گروهکها.....
۲۰۰	افشای جرایم گروهکها.....
۲۰۱	رفع مهجوریت از اسلام.....
۲۰۱	نهی از منکر مرتکبان کارهای انحرافی.....
۲۰۲	افشای حرکت‌های تفرقه افکنانه.....
۲۰۲	امر به معروف عملی.....
۲۰۳	امر به معروف تارک نماز.....
۲۰۳	ارشاد خویشاوندان.....
۲۰۴	ارشاد مخالفان جمهوری اسلامی.....
۲۰۴	نهی از منکر در برابر گناهان.....
۲۰۴	وظیفه امر و نهی شوهر نسبت به زن.....
۲۰۵	وظیفه شوهر در برابر نماز زن.....

۲۰۷	فصل سوم: مرتبه اقدام و انکار عملی
۲۰۷	مرحله سوم و حکم انتقال به آن
۲۰۷	حکم مانع شدن بین فاعل و منکر
۲۰۷	حکم تصرف در فاعل و ابزار او
۲۰۸	حکم ورود در خانه و ملک
۲۰۸	حکم وارد کردن زیان به فاعل منکر
۲۰۸	وجود ضمان در موارد غیر لازم
۲۰۹	حکم تعدی و ضمان
۲۰۹	حکم زندانی کردن فاعل منکر
۲۰۹	سختگیری بر فاعل منکر
۲۰۹	حکم تنبیه و اجازه از فقیه
۲۱۰	حکم جرح و قتل
۲۱۰	حکم نهی منکر در موارد مهم
۲۱۰	رعایت مرتبه جرح و قتل در جلوگیری از منکر
۲۱۱	نمونه‌های اقدام عملی
۲۱۱	استقامت در برابر خلاف شرع
۲۱۱	جلوگیری از دانشگاه به نام اسلامی
۲۱۲	کمک به آمران به معروف و ناهیان از منکر
۲۱۲	وظیفه ملت و ارتش در بازداري شاه
۲۱۳	کوشش در سرنگونی دولت پهلوی
۲۱۳	وظیفه ارتش در برکندن ریشه ستم
۲۱۳	لزوم مخالفت ارتش با شاه
۲۱۴	سرپیچی از دستورات دولت
۲۱۴	قتل چماق‌به‌دستان
۲۱۵	دفاع در برابر چماق‌به‌دستان

۲۱۵	قیام در برابر دولت بختیار.....
۲۱۵	وظیفه ارتش و دولت افغانستان.....
۲۱۶	پشتیبانی از ملت افغانستان.....
۲۱۶	پشتیبانی از مردم لبنان و فلسطین.....
۲۱۶	وظیفه ملت عراق در قطع رژیم بعث.....
۲۱۷	وظیفه ملت عراق در اخراج صدام.....
۲۱۷	وظیفه ملت عراق در نابودی حزب بعث.....
۲۱۸	لزوم قیام برای اسلام و کشور اسلامی.....
۲۱۸	استفاده از فرصت برای غلبه حزب خدا بر حزب شیطان.....
۲۱۹	اخراج مستشاران بیگانگان.....
۲۱۹	وجوب قیام بر مردم مصر و عراق.....
۲۲۰	لزوم رد توافق با اسرائیل.....
۲۲۰	اعتصاب
۲۲۰	اعلام عزاداری برای ابراز مخالفت.....
۲۲۱	اعتصاب علما از نماز جماعت جهت اعتراض.....
۲۲۱	لزوم اعتصاب عمومی ملت.....
۲۲۱	پشتیبانی از اعتصابها.....
۲۲۲	ادامه اعتصاب تا فلج دستگاه.....
۲۲۲	ادامه و گسترش اعتصاب.....
۲۲۲	اعتصاب برای جلوگیری از صدور نفت به اسرائیل.....
۲۲۳	اجازه خرج سهم امام در حمایت از اعتصاب.....
۲۲۳	فقها و دخالت در امور سیاسی و قضایی
۲۲۳	تکفل امور مسلمین.....
۲۲۳	جانشینان ولی عصر (عج) در عصر غیبت.....
۲۲۴	وظیفه نایبان عام.....

۲۲۴ وظیفه مردم در عصر غیبت
۲۲۴ تکفل امور از سوی ستمگر
۲۲۵ حکم اطاعت از ستمگر در صورت اجبار
۲۲۵ وظیفه فقیه در پذیرش مسئولیت از ستمگر
۲۲۵ رعایت عدم مفسده در پذیرش مسئولیت
۲۲۶ حدود اختیارات مجتهد متجزی
۲۲۶ حکم رجوع به حاکم و قاضی حکومت جور
۲۲۶ وجوب پذیرش قضاوت فقیه
۲۲۷ وجوب حضور نزد حاکم شرعی
۲۲۷ حکم پذیرش محاکمات
۲۲۹	فصل چهارم: رعایت مراتب در امر و نهی
۲۲۹ معرفی کارشکنان پس از ارشاد
۲۲۹ ترک معاشرت از درجات نهی از منکر
۲۳۰ معرفی روحانی نمایان به مسئولان
۲۳۰ غیبت متجاهر از مراتب نهی از منکر
۲۳۰ رعایت شرایط در قیام
۲۳۱ نصیحت و مقابله با متجاوزان به اسلام و قوانین آن
۲۳۱ قیام با تمام وسایل و راهها
۲۳۱ کمک به قیام‌کنندگان از تمام راهها
۲۳۲ ادامه مبارزات منفی و مثبت
۲۳۲ طرد پس از دعوت به حق
۲۳۲ اعتصاب، تظاهرات و سخنرانی برای احقاق حق
۲۳۳ مخالفت عملی و قوی و کارشکنی با ستمگران
۲۳۳ معرفی فریب‌خورده‌ها پس از نصیحت
۲۳۴ معرفی فرزندان پس از نصیحت

۲۳۴ معرفی طرفداران غرب و شرق پس از نهضت
۲۳۵ موازین شرعی و اخلاقی در امر و نهی
۲۳۵ رعایت مراتب امر و نهی
۲۳۵ هتک حرمت مسلمانان و اشاعه فحشا
۲۳۶ رعایت موازین شرعی در امر و نهی
۲۳۶ رعایت شرایط امر به معروف و نهی از منکر
۲۳۶ رعایت شرایط امر و نهی
۲۳۷ رعایت موازین اسلامی در امر و نهی از منکر
۲۳۷ عدم مبارزه با غیر توطئه‌گران
۲۳۷ رعایت محبت در امر و نهی
۲۳۸ تأثیر رحم و محبت در امر و نهی
۲۳۹ رعایت لطف و رحمت در انکار منکر
۲۴۰ عمل و کردار علما، بالاترین امر و نهی

فهرست مآخذ

ردیف	تاریخ	عنوان	عنوان کتاب	جلد	صفحه
۱			تحریرالوسیلہ	۱	۴۲۴-۴۲۵
۲	۵۰/۲/۲۸	نامه به آقای صادق طباطبایی	صحیفه امام	۲	۳۴۶
۳	۵۱/۱۲/۲۴	پیام به انجمن های اسلامی دانشجویان مقیم خارج	صحیفه امام	۲	۴۸۹
۴	۵۶/۷/۶	هشدار به روحانیون حوزه نجف نسبت به برداشتهای غلط از احکام اسلام	صحیفه امام	۳	۲۳۰
۵	۵۸/۳/۸	سخنرانی در جمع هیأت قائمیه تهران	صحیفه امام	۸	۱۰-۹
۶	۵۸/۷/۲	سخنرانی در جمع پاسداران	صحیفه امام	۱۰	۱۱۲-۱۱۱
۷	۵۸/۷/۲۰	سخنرانی در جمع اعضای انجمن خیریه بانوان اصفهان	صحیفه امام	۱۰	۲۶۸
۸	۵۹/۵/۱۸	سخنرانی در جمع اعضای کنگره آزادی قدس	صحیفه امام	۱۳	۸۶-۸۵
۹	۶۰/۶/۱۸	سخنرانی در جمع ائمه جماعات خراسان و روحانیون	صحیفه امام	۱۵	۲۱۳
۱۰	۶۱/۷/۲۵	سخنرانی در جمع روحانیون قم، تهران و آذربایجان	صحیفه امام	۱۷	۵۴-۵۳

۲۶۶ □ امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی (س)

			۱۱	سخنرانی در جمع مسئولان نظام در روز میلاد ۶۱/۱۰/۱۲
۲۰۷	۱۷	صحیفه امام	پیامبر	
			۱۲	سخنرانی در جمع مسئولان نظام در روز میلاد ۶۱/۱۰/۱۲
۲۱۱-۲۰۹	۱۷	صحیفه امام	پیامبر	
			۱۳	پیام به ملت ایران و عراق در مورد شهادت شش تن ۶۲/۳/۲۸
۵۰۱	۱۷	صحیفه امام	از بیت آقای حکیم در عراق	
			۱۴	سخنرانی در جمع کارکنان وزارت صنایع، ۶۲/۸/۱
۱۹۲-۱۹۱	۱۸	صحیفه امام	مخترعان و مبتکران	
۵۰۰	۱۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولین نظام جمهوری اسلامی ۶۳/۴/۱۰	
			۱۶	پیام به مسلمانان جهان و حجاج در آستانه عید ۶۳/۶/۴
۲۲	۱۹	صحیفه امام	قربان	
۲۳	۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران ۲۳/۲/۱۵	
۲۱۳	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون قم ۴۲/۲/۱۲	
۱۱۰	۱	صحیفه امام	نامه در پاسخ به استفتاء اصناف قم ۱۳۴۱	
۲۲۰	۱	صحیفه امام	پیام به علمای اعلام و فقهای همدان ۴۲/۲/۱۶	
۴۸۵	۲	صحیفه امام	پیام به علما و امت مسلمان ایران ۵۱/۱۲/۲۳	
			۲۲	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره ۵۷/۸/۱۵
۳۴۸	۴	صحیفه امام	فریبکاری شاه برای بقای خودش	
			۲۳	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره ۵۷/۹/۱۸
۱۹۹-۱۹۳	۵	صحیفه امام	تکلیف بودن قیام بر علیه سلطان جائز	
۴۲۵	۱	تحریرالوسیله		۲۴
۴۲۵	۱	تحریرالوسیله		۲۵
۴۲۵	۱	تحریرالوسیله		۲۶
۴۲۶	۱	تحریرالوسیله		۲۷
۴۲۶	۱	تحریرالوسیله		۲۸

فهرست مأخذ □ ۲۶۷

۴۲۶	۱	تحریرالوسيله		۲۹
۴۲۶	۱	تحریرالوسيله		۳۰
۴۲۶	۱	تحریرالوسيله		۳۱
۴۲۶	۱	تحریرالوسيله		۳۲
۴۲۶	۱	تحریرالوسيله		۳۳
۴۲۶	۱	تحریرالوسيله		۳۴
۴۲۷-۴۲۶	۱	تحریرالوسيله		۳۵
۴۲۷	۱	تحریرالوسيله		۳۶
۴۲۷	۱	تحریرالوسيله		۳۷
۴۲۷	۱	تحریرالوسيله		۳۸
۴۲۷	۱	تحریرالوسيله		۳۹
۳۶۰	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران به مناسبت اربعین شهدای تبریز ۵۷/۱/۴	۴۰
			سخنرانی در جمع روحانیون، پاسداران و اهالی کرج ۵۸/۳/۸	۴۱
۶-۵	۸	صحیفه امام		
۴۸۸-۴۸۷	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون، پرسنل کمیته و سپاه ۵۸/۴/۱۵	۴۲
۱۱۰-۱۰۹	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پاسداران ۵۸/۷/۲	۴۳
			سخنرانی در جمع روحانیون درباره جنایات شاه و مدعیان حقوق بشر ۵۶/۱۱/۲۹	۴۴
۳۴۱-۳۴۰	۳	صحیفه امام		
۳۶-۳۵		ولایت فقیه		۴۵
۳۷		ولایت فقیه		۴۶
			اعلامیه مشترک آیات عظام به مناسبت سالگرد قیام ۱۵ خرداد ۴۳/۳/۱۵	۴۷
۳۳۷	۱	صحیفه امام		
۳۸-۳۷		ولایت فقیه		۴۸
			مصاحبه با روزنامه «تایمز» درباره تبیین مواضع اسلام و سیاستهای آینده ایران ۵۷/۱۰/۱۸	۴۹
۳۹۰-۳۸۹	۵	صحیفه امام		

۲۶۸ □ امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی (س)

۱۲۰-۱۱۵		ولایت فقیه		۵۰
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره	۵۷/۹/۱۸ ۵۱
۱۹۲-۱۹۱	۵	صحیفه امام	تکلیف بودن قیام بر علیه سلطان جائر	
۳۷۰	۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علمای نجف	۵۰/۴/۱ ۵۲
۴۳۲	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران در باره لزوم ادامه مبارزه	۵۷/۵/۵ ۵۳
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره	۵۷/۸/۲۷ ۵۴
۱۹-۱۸	۵	صحیفه امام	وجوب مبارزه با حکومت‌های ظالم	
۳۰-۲۹	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۲۸ ۵۵
۱۶۴-۱۶۳	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۹/۱۱ ۵۶
۱۶۳-۱۶۲	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۹/۱۱ ۵۷
۱۱۷	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای هیأتی از لیبی	۵۸/۲/۴ ۵۸
۶۹	۱۳	صحیفه امام	بیانات خطاب به اسقف کاپوچی	۵۹/۵/۱۲ ۵۹
			سخنرانی در جمع شرکت‌کنندگان کنگره جهانی	۶۳/۲/۲۳ ۶۰
۴۲۵-۴۲۴	۱۸	صحیفه امام	ائمه جمعه	
			سخنرانی در جمع اعضای مجلس خبرگان و ائمه	۶۳/۱۱/۱۴ ۶۱
۱۴۱-۱۴۰	۱۹	صحیفه امام	جمعه کل کشور	
۳	۲۱	صحیفه امام	پیام رادیو-تلویزیونی به ملت ایران	۶۷/۱/۱ ۶۲
۱۲۱	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع طلاب و اهالی قم	۴۱/۹/۱۱ ۶۳
			پیام به جمعی از متدینین تهران جهت افشای ماهیت	۴۱/۱۱/۲ ۶۴
۱۳۷	۱	صحیفه امام	رفراندوم شاه	
۱۰۹	۱	صحیفه امام	نامه در پاسخ به استفتاء اصناف قم	۱۳۴۱ آذر ۶۵
			نامه به علمای یزد	اردیبهشت ۶۶
۱۸۷	۱	صحیفه امام		۱۳۴۲
			اعلامیه مشترک آیات عظام به مناسبت سالگرد قیام	۴۳/۳/۱۵ ۶۷
۳۳۶۳۳۵	۱	صحیفه امام	۱۵ خرداد	

فهرست مأخذ □ ۲۶۹

۴۱۲-۴۱۱	۱	صحیفه امام	پیام به روحانیون و ملت ایران	۴۳/۸/۴	۶۸
۱۴۲	۲	صحیفه امام	پیام به انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا	۱۳۴۶ ه.ش.	۶۹
۱۴۵		ولایت فقیه			۷۰
۳۶۳	۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علمای نجف	۵۰/۴/۱	۷۱
۳۶۸	۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علمای نجف	۵۰/۴/۱	۷۲
۴۳۹	۲	صحیفه امام	پیام به دانشجویان مسلمان مقیم خارج	۵۱/۵/۱۷	۷۳
۱	۳	صحیفه امام	پیام به سران دولتهای اسلامی و ملل مسلمان	۵۲/۷/۱۶	۷۴
۲	۳	صحیفه امام	پیام به سران دولتهای اسلامی و ملل مسلمان	۵۲/۷/۱۶	۷۵
			پیام به علما و ملت ایران و بیان وظیفه عمومی در	۵۶/۸/۲۱	۷۶
۲۶۲	۳	صحیفه امام	قبال رژیم		
			پیام به ملت ایران درباره کشتار وحشیانه رژیم در	۵۷/۵/۲۲	۷۷
۴۴۲	۳	صحیفه امام	اصفهان و شیراز		
			پیام به ملت ایران درباره کشتار وحشیانه رژیم در	۵۷/۵/۲۲	۷۸
۴۴۳	۳	صحیفه امام	اصفهان و شیراز		
			سخنرانی در جمع دانشجویان و منشأ مفاسد دانستن	۵۷/۷/۱۷	۷۹
۴۹۲	۳	صحیفه امام	رژیم		
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره	۵۷/۷/۲۹	۸۰
۸۱	۴	صحیفه امام	مأموریت شاه از سوی امریکا		
			سخنرانی در جمع دانشجویان درباره اوضاع ایران	۵۷/۷/۲۱	۸۱
۵۲۳	۳	صحیفه امام	و اصلاحات امریکایی شاه		
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم پاریس درباره ابعاد	۵۷/۷/۲۲	۸۲
۱۲-۱۱	۴	صحیفه امام	انسان ساز مکتب اسلام		
۳۱۰	۴	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۸/۱۴	۸۳
			پیام به ملت ایران به مناسبت روی کار آمدن دولت	۵۷/۸/۱۶	۸۴
۳۵۲-۳۵۱	۴	صحیفه امام	نظامی از هاری		

۲۷۰ □ امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی (س)

			۵۷/۸/۱۸	۸۵	مصاحبه با مجله هفتگی «آمستردام نیوروو هلند»
۴۱۳	۴	صحیفه امام	درباره حکومت اسلامی		
			۵۷/۸/۲۷	۸۶	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره
۲۶-۲۵	۵	صحیفه امام	و جوب مبارزه با حکومت‌های ظالم		
			۵۷/۸/۲۹	۸۷	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره تبیین
۵۸	۵	صحیفه امام	انگیزه‌ها و اهداف قیام		
۹۳	۵	صحیفه امام	پیام به ملت ایران به مناسبت جنایات اخیر رژیم شاه	۵۷/۹/۳	۸۸
			۵۷/۹/۱۱	۸۹	پیام به ملت ایران درباره کشتار مردم و ادامه
۱۵۴	۵	صحیفه امام	اعتصابها		
۱۶۵	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۹/۱۱	۹۰
۲۵۱	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۹/۲۵	۹۱
			۵۷/۱۰/۱۶	۹۲	پیام به ملت ایران در اعلام روز نهم صفر به عنوان
۳۵۱	۵	صحیفه امام	عزای عمومی		
۳۴-۳۳	۶	صحیفه امام	سخنرانی در مدرسه علوی	۵۷/۱۱/۱۳	۹۳
۳۶	۶	صحیفه امام	سخنرانی در مدرسه علوی	۵۷/۱۱/۱۳	۹۴
			۵۷/۱۱/۱۹	۹۵	سخنرانی در جمع اعضای انجمن اسلامی پزشکان
۱۰۴	۶	صحیفه امام	و معلمان		
۱۶	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان و اهالی شیراز	۵۸/۴/۱۷	۹۶
۵۱۴	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع خانواده مرحوم طالقانی	۵۸/۶/۲۲	۹۷
۱۲۳	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع هیأت فاطمیون تهران	۵۸/۷/۴	۹۸
۳۸۷-۳۸۶	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع کارکنان در صدا و سیما	۵۸/۱۰/۲	۹۹
۲۴۶-۲۴۵	۱۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای ستاد بسیج شهرستانها	۵۹/۱/۲۸	۱۰۰
۲۴۷	۱۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای ستاد بسیج شهرستانها	۵۹/۱/۲۸	۱۰۱
۲۴۰-۲۳۹	۱۳	صحیفه امام	پیام رادیو-تلویزیونی به ملت و ارتش ایران و عراق	۵۹/۷/۴	۱۰۲
۱۷۷	۱۹	صحیفه امام	پیام به ملت عراق	۶۳/۱۲/۱۸	۱۰۳

فهرست مأخذ □ ۲۷۱

۱۳۱-۱۳۰	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۲	۱۰۴
۱۸۲	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پرسنل ژاندارمری	۵۹/۶/۱۱	۱۰۵
			سخنرانی در جمع دانشجویان تبریز، بسیج مشهد و	۵۹/۱۰/۱۱	۱۰۶
۴۷۰	۱۳	صحیفه امام	تنکابن		
۲۶-۲۵	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع خانواده‌های شهدای هفتم تیر	۶۰/۴/۱۱	۱۰۷
۳۴۰	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای سازمان جنبش امل	۶۰/۸/۶	۱۰۸
۲۵۹-۲۵۸	۱۶	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۱/۳/۳	۱۰۹
			پیام به مسلمانان جهان و حجاج در آستانه عید	۶۳/۶/۴	۱۱۰
۲۱	۱۹	صحیفه امام	قربان		
۱۴۸	۱۹	صحیفه امام	پیام به ملت ایران در سالگرد پیروزی انقلاب	۶۳/۱۱/۲۲	۱۱۱
۳۴۴	۱۹	صحیفه امام	پیام به حجاج و مسلمانان ایران و جهان	۶۴/۵/۲۵	۱۱۲
			پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران	۶۶/۵/۶	۱۱۳
۳۲۰-۳۱۹	۲۰	صحیفه امام	بیت‌الله‌الحرام		
			سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب درباره	۵۷/۳/۱۰	۱۱۴
۴۱۴	۳	صحیفه امام	تکلیف شرعی بودن قیام بر ضد شاه		
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره	۵۷/۸/۲۷	۱۱۵
۲۴-۲۳	۵	صحیفه امام	وجوب مبارزه با حکومت‌های ظالم		
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره	۵۷/۸/۲۷	۱۱۶
۲۵-۲۴	۵	صحیفه امام	وجوب مبارزه با حکومت‌های ظالم		
۱۶۴-۱۶۳	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۹/۱۱	۱۱۷
۱۰	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع هیأت قائمیه تهران	۵۸/۳/۸	۱۱۸
۳۰۶	۱۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اهالی جماران	۵۹/۲/۲۸	۱۱۹
۱۳۸	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم باختران	۵۹/۵/۲۸	۱۲۰
			سخنرانی در جمع مسئولان و کارکنان وزارت	۶۷/۱/۱۴	۱۲۱
۱۵	۲۱	صحیفه امام	پست		

۲۷۲ □ امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی (س)

			سخنرانی در جمع مسئولان و کارکنان وزارت	۶۷/۱/۱۴	۱۲۲
۱۷-۱۶	۲۱	صحیفه امام	پست		
۳۹۴	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مردم قم	۴۳/۶/۱۸	۱۲۳
۳۲۳-۳۲۲	۲	صحیفه امام	پیام به زائران بیت‌الله الحرام	۱۳۴۹	۱۲۴
			سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب درباره	۵۷/۳/۱۰	۱۲۵
۴۱۲	۳	صحیفه امام	تکلیف شرعی بودن قیام بر ضد شاه		
			پیام به ملت ایران به مناسبت روی کار آمدن دولت	۵۷/۸/۱۶	۱۲۶
۳۵۲	۴	صحیفه امام	نظامی از هاری		
۱۸	۶	صحیفه امام	سخنرانی در بهشت زهرا	۵۷/۱۱/۱۲	۱۲۷
			سخنرانی در جمع پرسنل کمیته انقلاب اسلامی	۵۸/۴/۶	۱۲۸
۳۱۹	۸	صحیفه امام	تهران		
۲۰-۱۹	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان و اهالی شیراز	۵۸/۴/۱۷	۱۲۹
۱۴۸	۱۲	صحیفه امام	پیام به ملت ایران در سالگرد پیروزی انقلاب	۵۸/۱۱/۲۲	۱۳۰
۱۱۳-۱۱۲	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولین قضایی کشور	۵۹/۵/۲۵	۱۳۱
			سخنرانی در جمع ائمه جماعات و وعاظ تهران و	۶۱/۳/۳۱	۱۳۲
۳۴۹-۳۴۸	۱۶	صحیفه امام	قم		
۲۳۹		کشف اسرار			۱۳۳
۲۰۹	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون قم	۴۲/۲/۱۲	۱۳۴
۲۱۶	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون قم	۴۲/۲/۱۲	۱۳۵
			نامه به علمای یزد		۱۳۶
۱۸۶	۱	صحیفه امام		۱۳۴۲	
۱۹۷	۱	صحیفه امام	پیام به مسلمانان ایران و جهان	۴۲/۲/۱۲	۱۳۷
۲۶۲	۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۴۳/۱/۱۸	۱۳۸
۴۱۹-۴۱۸	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مردم	۴۳/۸/۴	۱۳۹
۱۴-۱۳		ولایت فقیه			۱۴۰

فهرست مأخذ □ ۲۷۳

۲۷۸	۲	صحیفه امام	نامه به فضلا و محصلین حوزه‌های علمیه	۴۹/۴/۲۰	۱۴۱
۳۲۶-۳۲۵	۲	صحیفه امام	پیام به زائران بیت‌الله الحرام	۱۳۴۹	۱۴۲
۳۶۶	۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علمای نجف	۵۰/۴/۱	۱۴۳
۳۹۶	۲	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۰/۸/۲۱	۱۴۴
۴۸۴-۴۸۳	۲	صحیفه امام	پیام به علما و امت مسلمان ایران	۵۱/۱۲/۲۳	۱۴۵
			سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب درباره	۱۳۵۶	۱۴۶
۳۰۰-۲۹۹	۳	صحیفه امام	جنایات رژیم پهلوی		
			سخنرانی در جمع روحانیون درباره جنایات شاه و	۵۶/۱۱/۲۹	۱۴۷
۳۳۶	۳	صحیفه امام	مدعیان حقوق بشر		
۱۶۳	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۴	۱۴۸
۵۰۸	۴	صحیفه امام	مصاحبه با روزنامه آلمانی دنیای سوم	۵۷/۸/۲۴	۱۴۹
۹۳	۵	صحیفه امام	پیام به ملت ایران به مناسبت جنایات اخیر رژیم شاه	۵۷/۹/۳	۱۵۰
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره	۵۷/۹/۱۸	۱۵۱
۱۹۵-۱۹۴	۵	صحیفه امام	تکلیف بودن قیام بر علیه سلطان جائر		
۳۵۴	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع بانوان اهواز	۵۸/۴/۱۰	۱۵۲
۱۴	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع بانوان لنگرود	۵۸/۶/۲۶	۱۵۳
۴۹۰-۴۸۹	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع کارکنان بیمه مرکزی ایران	۵۸/۸/۱۴	۱۵۴
۳۷۰	۱۲	صحیفه امام	پیام به اعضای کنفرانس رسیدگی به جنایات امریکا	۵۹/۳/۱۱	۱۵۵
۱۷۷	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پرسنل ژاندارمری	۵۹/۶/۱۱	۱۵۶
			سخنرانی در جمع روحانیون مبارز عراق و	۶۰/۱/۲۰	۱۵۷
۲۷۵	۱۴	صحیفه امام	مسلمانان رانده شده		
۱۵۰	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع فرماندهان سپاه و بسیج	۶۱/۹/۲۸	۱۵۸
۳۱۳	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع میهمانان مراسم «دهه فجر»	۶۱/۱۱/۲۱	۱۵۹
			مصاحبه با لوسین ژرژ درباره مسائل سیاسی و	۵۷/۲/۴	۱۶۰
۳۷۱	۳	صحیفه امام	اجتماعی ایران		

۲۷۴ □ امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی (س)

۴۸۵	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران به مناسبت آغاز سال تحصیلی	۵۷/۷/۱۶	۱۶۱
۴۸۶-۴۸۵	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران به مناسبت آغاز سال تحصیلی	۵۷/۷/۱۶	۱۶۲
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره	۵۷/۸/۱۷	۱۶۳
۳۹۱	۴	صحیفه امام	جنايات پنجاه ساله پهلوی		
			پیام به ملت ایران درباره کشتار مردم و ادامه	۵۷/۹/۱۱	۱۶۴
۱۵۴	۵	صحیفه امام	اعتصابها		
۱۶۴	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۹/۱۱	۱۶۵
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره	۵۷/۹/۱۸	۱۶۶
۲۰۰	۵	صحیفه امام	تکلیف بودن قیام بر علیه سلطان جائر		
۲۶۹	۱۳	صحیفه امام	نامه به ملت و ارتش عراق	۵۹/۷/۲۴	۱۶۷
			مصاحبه با نشریه «اونیتا» درباره اسلام و	۵۷/۹/۲۳	۱۶۸
۲۳۲	۵	صحیفه امام	مدرنیزه کردن ایران		
۴۵۱	۱۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۶۰/۳/۲۵	۱۶۹
۴۵۱	۱۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۶۰/۳/۲۵	۱۷۰
۴۵۵	۱۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۶۰/۳/۲۵	۱۷۱
۴۵۹-۴۵۸	۱۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۶۰/۳/۲۵	۱۷۲
۴۷۵	۱۴	صحیفه امام	پیام به ملت مسلمانان ایران	۶۰/۳/۲۸	۱۷۳
			سخنرانی در جمع نمایندگان احزاب آزادیبخش	۵۸/۲/۱۶	۱۷۴
۱۸۷	۷	صحیفه امام	اسلام		
۵۱۷-۵۱۶	۱۶	صحیفه امام	پیام به مسلمانان جهان و زائران بیت الله الحرام	۶۱/۶/۲۹	۱۷۵
			پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران	۶۶/۵/۶	۱۷۶
۳۱۷-۳۱۶	۲۰	صحیفه امام	بیت الله الحرام		
۳۰۷-۳۰۶	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مردم	۴۳/۱/۲۶	۱۷۷
۳۶۵-۳۶۴	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان بنیاد شهید و...	۶۰/۸/۲۵	۱۷۸

فهرست مأخذ □ ۲۷۵

			۱۷۹	۵۷/۱۰/۱۲ پیام به ملت ایران درباره تحریم پرداخت مالیات و پول آب و... به دولت شاه
۳۳۲	۵	صحیفه امام		
۱۱۱-۱۱۰	۶	صحیفه امام	۱۸۰	۵۷/۱۱/۱۹ سخنرانی در جمع طبقات مختلف مردم
۱۲۶	۶	صحیفه امام	۱۸۱	۵۷/۱۱/۲۲ پیام به ملت ایران
			۱۸۲	۶۳/۳/۷ پیام به نمایندگان مجلس به مناسبت گشایش دومین دوره مجلس
۴۶۸-۴۶۷	۱۸	صحیفه امام		
۴۸۵	۱	استفتائات	۱۸۳	
۴۲۷	۱	تحریر الوسیله	۱۸۴	
۴۲۷	۱	تحریر الوسیله	۱۸۵	
۴۲۸-۴۲۷	۱	تحریر الوسیله	۱۸۶	
۴۲۸	۱	تحریر الوسیله	۱۸۷	
۴۲۸	۱	تحریر الوسیله	۱۸۸	
۴۲۸	۱	تحریر الوسیله	۱۸۹	
۴۲۸	۱	تحریر الوسیله	۱۹۰	
۴۲۸	۱	تحریر الوسیله	۱۹۱	
۴۲۸	۱	تحریر الوسیله	۱۹۲	
۴۲۸	۱	تحریر الوسیله	۱۹۳	
۴۲۹	۱	تحریر الوسیله	۱۹۴	
۴۲۹	۱	تحریر الوسیله	۱۹۵	
۴۲۹	۱	تحریر الوسیله	۱۹۶	
۴۲۹	۱	تحریر الوسیله	۱۹۷	
۴۲۹	۱	تحریر الوسیله	۱۹۸	
۴۲۹	۱	تحریر الوسیله	۱۹۹	
۴۲۹	۱	تحریر الوسیله	۲۰۰	
۴۲۹	۱	تحریر الوسیله	۲۰۱	

□ ۲۷۶ امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی (س)

۴۳۰-۴۲۹	۱	تحریرالوسیله		۲۰۲
۴۳۰	۱	تحریرالوسیله		۲۰۳
۴۳۰	۱	تحریرالوسیله		۲۰۴
۴۳۰	۱	تحریرالوسیله		۲۰۵
۴۳۰	۱	تحریرالوسیله		۲۰۶
۴۳۰	۱	تحریرالوسیله		۲۰۷
۴۳۰	۱	تحریرالوسیله		۲۰۸
۴۳۱-۴۳۰	۱	تحریرالوسیله		۲۰۹
۴۳۱	۱	تحریرالوسیله		۲۱۰
۴۳۱	۱	تحریرالوسیله		۲۱۱
۴۳۱	۱	تحریرالوسیله		۲۱۲
۴۳۱	۱	تحریرالوسیله		۲۱۳
۴۳۱	۱	تحریرالوسیله		۲۱۴
۴۳۱	۱	تحریرالوسیله		۲۱۵
۴۳۱	۱	تحریرالوسیله		۲۱۶
۳۶۶-۳۶۵	۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علمای نجف ۵۰/۴/۱	۲۱۷
۳۶۹	۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علمای نجف ۵۰/۴/۱	۲۱۸
۳۷۲	۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علمای نجف ۵۰/۴/۱	۲۱۹
۴۸۲	۱	استفتائات		۲۲۰
۴۸۸	۱	استفتائات		۲۲۱
۴۳۱	۱	تحریرالوسیله		۲۲۲
۴۳۱	۱	تحریرالوسیله		۲۲۳
۴۳۱	۱	تحریرالوسیله		۲۲۴
۴۳۲-۴۳۱	۱	تحریرالوسیله		۲۲۵
۴۳۲	۱	تحریرالوسیله		۲۲۶

فهرست مأخذ □ ۲۷۷

۴۳۲	۱	تحریر الوسیله	۲۲۷
۴۳۲	۱	تحریر الوسیله	۲۲۸
۴۳۲	۱	تحریر الوسیله	۲۲۹
۴۳۲	۱	تحریر الوسیله	۲۳۰
۴۳۳-۴۳۲	۱	تحریر الوسیله	۲۳۱
۴۳۳-۴۳۲	۱	تحریر الوسیله	۲۳۲
۴۳۳	۱	تحریر الوسیله	۲۳۳
۴۳۳	۱	تحریر الوسیله	۲۳۴
۴۳۳	۱	تحریر الوسیله	۲۳۵
۴۳۳	۱	تحریر الوسیله	۲۳۶
۴۳۳	۱	تحریر الوسیله	۲۳۷
۴۳۴-۴۳۳	۱	تحریر الوسیله	۲۳۸
۴۳۵	۱	تحریر الوسیله	۲۳۹
۴۳۵	۱	تحریر الوسیله	۲۴۰
۴۳۵	۱	تحریر الوسیله	۲۴۱
۴۳۶	۱	تحریر الوسیله	۲۴۲
۴۳۶-۴۳۵	۱	تحریر الوسیله	۲۴۳
۴۳۶	۱	تحریر الوسیله	۲۴۴
۴۳۶	۱	تحریر الوسیله	۲۴۵
۴۳۶	۱	تحریر الوسیله	۲۴۶
۴۳۶	۱	تحریر الوسیله	۲۴۷
۴۳۶	۱	تحریر الوسیله	۲۴۸
۴۳۶	۱	تحریر الوسیله	۲۴۹
۴۳۶	۱	تحریر الوسیله	۲۵۰
۴۳۷-۴۳۶	۱	تحریر الوسیله	۲۵۱

□ ۲۷۸ امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی (س)

۴۳۴	۱	تحریرالوسيله	۲۵۲
۴۳۴	۱	تحریرالوسيله	۲۵۳
۴۳۴	۱	تحریرالوسيله	۲۵۴
۴۳۵	۱	تحریرالوسيله	۲۵۵
۲۱۳	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون قم ۴۲/۲/۱۲ ۲۵۶
۱۷۸	۱	صحیفه امام	پیام به علمای تهران ۴۲/۱/۱۳ ۲۵۷
۲۰۰	۱	صحیفه امام	پیام به بازرگانان و اصناف همدان ۴۲/۲/۱۲ ۲۵۸
۲۲۱	۱	صحیفه امام	پیام به علمای اعلام و فقهای همدان ۴۲/۲/۱۶ ۲۵۹
۲۳۰	۱	صحیفه امام	پیام به روحانیون و ملت مسلمان ایران ۴۲/۲/۲۸ ۲۶۰
۴۲۰	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مردم ۴۳/۸/۴ ۲۶۱
			اجازه‌نامه به آقای سید ابراهیم خالقی، در اخذ ۵۰/۴/۱ ۲۶۲
۳۶۷	۲	صحیفه امام	وجوه شرعیه
۳۷۹	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران درباره ادامه مبارزه ۵۷/۲/۹ ۲۶۳
			پیام به ملت ایران درباره کشتار وحشیانه رژیم در ۵۷/۵/۲۲ ۲۶۴
۴۴۳	۳	صحیفه امام	اصفهان و شیراز
۴	۶	صحیفه امام	مصاحبه با خبرنگاران جهان ۵۷/۱۱/۹ ۲۶۵
۴۵۹	۱۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم ۶۰/۳/۲۵ ۲۶۶
۴۳۴	۱	تحریرالوسيله	۲۶۷
۴۳۴	۱	تحریرالوسيله	۲۶۸
۱۹۸	۱	صحیفه امام	پیام به مسلمانان ایران و جهان ۴۲/۲/۱۲ ۲۶۹
۱۳۵-۱۳۴		ولایت فقیه	۲۷۰
۳۴۷	۲	صحیفه امام	نامه به آقای صادق طباطبایی ۵۰/۲/۲۸ ۲۷۱
۴۹۱	۲	صحیفه امام	پیام به اقشار مردم ۵۲/۱/۵ ۲۷۲
۴۵۴	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران درباره ضرورت تداوم نهضت ۵۷/۶/۱۵ ۲۷۳
۳۵۴	۴	صحیفه امام	مصاحبه با خبرنگاران اروپایی ۵۷/۸/۱۶ ۲۷۴

			۲۷۵	۵۷/۹/۱۰	مصاحبه با تلویزیون «پی - بی - اس» دربارهٔ ماه
۱۴۷	۵	صحیفه امام			محرم و رابطه با امریکا
۳۳	۶	صحیفه امام	۲۷۶	۵۷/۱۱/۱۳	سخنرانی در مدرسهٔ علوی
۲۶۹	۱۸	صحیفه امام	۲۷۷	۶۲/۱۰/۱	سخنرانی در جمع مردم و مسئولین نظام
۴۳۷	۱	تحریرالوسیله	۲۷۸		
۴۳۷	۱	تحریرالوسیله	۲۷۹		
۴۳۸	۱	تحریرالوسیله	۲۸۰		
۴۳۷	۱	تحریرالوسیله	۲۸۱		
۴۳۸-۴۳۷	۱	تحریرالوسیله	۲۸۲		
۴۳۸	۱	تحریرالوسیله	۲۸۳		
۴۳۸	۱	تحریرالوسیله	۲۸۴		
۴۳۸	۱	تحریرالوسیله	۲۸۵		
۴۳۸	۱	تحریرالوسیله	۲۸۶		
۴۳۸	۱	تحریرالوسیله	۲۸۷		
۳۶۷-۳۶۶	۲	صحیفه امام	۲۸۸	۵۰/۴/۱	سخنرانی در جمع علمای نجف
۴۵۲-۴۵۱	۲	صحیفه امام	۲۸۹	۵۱/۶/۲۰	پیام به ملت، علما و روحانیون ایران
			۲۹۰	۵۳/۱۲/۲۱	پیام به ملت مسلمان ایران دربارهٔ اعلام تأسیس
۷۱	۳	صحیفه امام			حزب رستاخیز
			۲۹۱	۵۳/۱۲/۲۱	پیام به ملت مسلمان ایران دربارهٔ اعلام تأسیس
۷۵	۳	صحیفه امام			حزب رستاخیز
۱۷۱	۳	صحیفه امام	۲۹۲	۵۵/۷/۴	پیام به عموم مسلمین و دانشجویان
			۲۹۳	۵۷/۹/۱۱	پیام به ملت ایران دربارهٔ کشتار مردم و ادامهٔ
۱۵۳	۵	صحیفه امام			اعتصابها
			۲۹۴	۵۷/۹/۲۰	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج دربارهٔ
۲۱۳	۵	صحیفه امام			تظاهرات تاسوعا و عاشورا

۲۸۰ □ امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی (س)

۲۶۰	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۱۰/۱	۲۹۵
۲۵۹	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۱۰/۱	۲۹۶
			پیام به ملت ایران درباره تحریم پرداخت مالیات و	۵۷/۱۰/۱۲	۲۹۷
۳۳۱	۵	صحیفه امام	پول آب و... به دولت شاه		
			عنوان	۵۷/۱۰/۱۶	۲۹۸
۳۵۱	۵	صحیفه امام	عزای عمومی		
			عنوان	۵۷/۱۰/۱۶	۲۹۹
۳۵۱-۳۵۰	۵	صحیفه امام	عزای عمومی		
			عنوان	۵۷/۱۰/۱۶	۳۰۰
۳۵۱	۵	صحیفه امام	عزای عمومی		
۱۱۰	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع طبقات مختلف مردم	۵۷/۱۱/۱۹	۳۰۱
۱۶۸	۷	صحیفه امام	نامه به آقای ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه	۵۸/۲/۱۰	۳۰۲
۱۷۰	۷	صحیفه امام	پیام رادیو - تلویزیونی به ملت ایران	۵۸/۲/۱۰	۳۰۳
۲۵۴	۱۲	صحیفه امام	پیام به مسلمانان ایران و جهان	۵۹/۲/۲	۳۰۴
۱۱۳	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولین قضایی کشور	۵۹/۵/۲۵	۳۰۵
			پیام رادیو - تلویزیونی به ملت ایران در آغاز سال	۵۹/۶/۳۱	۳۰۶
۲۲۶	۱۳	صحیفه امام	تحصیلی		
۲۳۰	۱۳	صحیفه امام	پیام به ارتش و ملت مسلمان عراق	۵۹/۷/۲	۳۰۷
۲۳۱-۲۳۰	۱۳	صحیفه امام	پیام به ارتش و ملت مسلمان عراق	۵۹/۷/۲	۳۰۸
۲۳۹-۲۳۸	۱۳	صحیفه امام	پیام رادیو - تلویزیونی به ملت و ارتش ایران و عراق	۵۹/۷/۴	۳۰۹
۹۰		ولایت فقیه			۳۱۰
			پاسخ استفتاء درباره لغو اجازه نامه مؤیدان و	۱۳۴۷ ه.ش.	۳۱۱
۱۷۵-۱۷۴	۲	صحیفه امام	طرفداران رژیم		
۳۲۳	۳	صحیفه امام	پیام به انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا	۵۶/۱۱/۲۴	۳۱۲
۳۲۵	۳	صحیفه امام	پیام به انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا	۵۶/۱۱/۲۴	۳۱۳

فهرست مأخذ □ ۲۸۱

۳۶۱-۳۶۰	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران به مناسبت اربعین شهدای تبریز	۵۷/۱/۴	۳۱۴
۴۳۴	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران درباره لزوم ادامه مبارزه	۵۷/۵/۵	۳۱۵
۳۱۰	۴	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۸/۱۴	۳۱۶
۴۲۸	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۱۸	۳۱۷
			پیام به ملت ایران درباره کشتار مردم و ادامه	۵۷/۹/۱۱	۳۱۸
۱۵۴	۵	صحیفه امام	اعتصابها		
			مصاحبه با روزنامه لوس آنجلس تایمز درباره	۵۷/۹/۱۶	۳۱۹
۱۸۱	۵	صحیفه امام	دولت اسلامی		
			پیام به ملت ایران درباره راهپیمایی تاسوعا و	۵۷/۹/۲۳	۳۲۰
۲۲۸	۵	صحیفه امام	عاشورا		
۳۰۳	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علما و روحانیون اصفهان	۵۸/۴/۵	۳۲۱
			سخنرانی در جمع پرسنل کمیته انقلاب اسلامی	۵۸/۴/۶	۳۲۲
۳۱۹	۸	صحیفه امام	تهران		
			سخنرانی در جمع هیأت‌های بازسازی نیروی انسانی	۶۱/۶/۱۴	۳۲۳
۴۷۷	۱۶	صحیفه امام	وزارتخانه‌ها		
۸۴	۱۸	صحیفه امام	نامه به آقای خامنه‌ای	۶۲/۶/۸	۳۲۴
۴۸۳	۱	استفتائات			۳۲۵
۴۸۶	۱	استفتائات			۳۲۶
۴۸۹	۱	استفتائات			۳۲۷
۴۸۸	۱	استفتائات			۳۲۸
۴۸۶-۴۸۵	۱	استفتائات			۳۲۹
۴۳۸	۱	تحریرالوسيله			۳۳۰
۴۳۸	۱	تحریرالوسيله			۳۳۱
۴۳۹-۴۳۸	۱	تحریرالوسيله			۳۳۲
۴۳۹	۱	تحریرالوسيله			۳۳۳

۲۸۲ □ امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی (س)

۴۳۹	۱	تحریرالوسيله		۳۳۴
۴۳۹	۱	تحریرالوسيله		۳۳۵
۴۳۹	۱	تحریرالوسيله		۳۳۶
۴۴۰-۴۳۹	۱	تحریرالوسيله		۳۳۷
۴۴۰	۱	تحریرالوسيله		۳۳۸
۴۴۰	۱	تحریرالوسيله		۳۳۹
۴۴۰	۱	تحریرالوسيله		۳۴۰
۴۴۰	۱	تحریرالوسيله		۳۴۱
۹۰	۱	صحیفه امام	تلگراف به اسدالله عَلَم ۴۱/۸/۱۵	۳۴۲
۴۰۳	۱	صحیفه امام	پیام به اهالی استان کرمان ۴۳/۷/۲۱	۳۴۳
۴۲۳	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مردم ۴۳/۸/۴	۳۴۴
۱۱۴		ولایت فقیه		۳۴۵
۳۶۹-۳۶۸	۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علمای نجف ۵۰/۴/۱	۳۴۶
			سخنرانی در جمع روحانیون درباره قدرت ۵۶/۸/۱۰	۳۴۷
۲۵۱	۳	صحیفه امام	روحانیت و خدمات علمای شیعه	
۴۳۵	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران درباره لزوم ادامه مبارزه ۵۷/۵/۵	۳۴۸
۴۳۷-۴۳۶	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران و بیان وظایف علما در بسیج مردم ۵۷/۵/۱۵	۳۴۹
			پیام به ملت ایران در باره کشتار وحشیانه رژیم در اصفهان و شیراز ۵۷/۵/۲۲	۳۵۰
۴۴۳	۳	صحیفه امام		
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم پاریس درباره توطئه بر علیه اسلام و روحانیت ۵۷/۷/۲۳	۳۵۱
۲۷	۴	صحیفه امام		
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم پاریس درباره توطئه بر علیه اسلام و روحانیت ۵۷/۷/۲۳	۳۵۲
۲۷	۴	صحیفه امام		
۷۰-۶۹	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج ۵۷/۷/۲۸	۳۵۳
۱۳۱	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج ۵۷/۸/۲	۳۵۴

			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج دربارهٔ ابعاد	۵۷/۹/۴	۳۵۵
۱۱۹-۱۱۸	۵	صحیفه امام	جنایات و خیانت‌های شاه		
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج دربارهٔ	۵۷/۸/۲۷	۳۵۶
۲۶-۲۵	۵	صحیفه امام	وجوب مبارزه با حکومت‌های ظالم		
			پیام به ملت مسلمان ایران دربارهٔ وظایف اقشار	۵۷/۹/۱	۳۵۷
۷۷-۷۶	۵	صحیفه امام	جامعه در آستانهٔ ماه محرم		
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج دربارهٔ مقابله	۵۷/۹/۴	۳۵۸
۱۱۱-۱۱۰	۵	صحیفه امام	با تبلیغات و تهدید امریکا		
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج دربارهٔ	۵۷/۹/۱۸	۳۵۹
۲۰۰	۵	صحیفه امام	تکلیف بودن قیام بر علیه سلطان جائر		
۲	۶	صحیفه امام	پیام به ملت ایران و افشای جنایات دولت بختیار	۵۷/۱۱/۹	۳۶۰
۹۲-۹۱	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع وکلای دادگستری	۵۷/۱۱/۱۸	۳۶۱
۳۲۴	۳	صحیفه امام	پیام به انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا	۵۶/۱۱/۲۴	۳۶۲
۴۸۴-۴۸۳	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران به مناسبت آغاز سال تحصیلی	۵۷/۷/۱۶	۳۶۳
۴۸۶	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران به مناسبت آغاز سال تحصیلی	۵۷/۷/۱۶	۳۶۴
۱۶۵	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع استادان دانشگاه	۵۷/۱۱/۲۷	۳۶۵
۲۵۳-۲۵۲	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون غرب تهران	۵۷/۱۲/۷	۳۶۶
۱۳۹-۱۳۸	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان دانشگاه تهران	۵۸/۳/۲۳	۳۶۷
۱۷۸	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پرسنل نیروی هوایی	۵۸/۳/۲۵	۳۶۸
۲۶-۲۵	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع خانواده‌های شهدای هفتم تیر	۶۰/۴/۱۱	۳۶۹
			پیام به انجمن اسلامی دانشجویان در امریکا و	۶۰/۸/۱۲	۳۷۰
۳۴۸-۳۴۷	۱۵	صحیفه امام	کانادا		
			پیام به اتحادیهٔ انجمن‌های اسلامی دانشجویان در	۶۰/۱۲/۲۹	۳۷۱
۱۲۸	۱۶	صحیفه امام	اروپا		

۲۸۴ □ امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی (س)

			پیام به مسلمانان جهان و حجاج در آستانه عید	۶۳/۶/۴	۳۷۲
۲۳	۱۹	صحیفه امام	قربان		
			پیام به مسلمانان جهان و حجاج در آستانه عید	۶۳/۶/۴	۳۷۳
۲۸-۲۷	۱۹	صحیفه امام	قربان		
۱۴۸	۱۹	صحیفه امام	پیام به ملت ایران در سالگرد پیروزی انقلاب	۶۳/۱۱/۲۲	۳۷۴
۳۸	۱۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان قضایی و وزارت امور خارجه	۶۴/۵/۸	۳۷۵
۴۸۷-۴۸۶	۱	استفتائات			۳۷۶
۴۸۸	۱	استفتائات			۳۷۷
۴۸۵-۴۸۴	۱	استفتائات			۳۷۸
۴۸۵	۱	استفتائات			۳۷۹
۴۸۶	۱	استفتائات			۳۸۰
۴۸۷	۱	استفتائات			۳۸۱
۴۴۰	۱	تحریر الوسیله			۳۸۲
۴۴۰	۱	تحریر الوسیله			۳۸۳
۴۴۰	۱	تحریر الوسیله			۳۸۴
۴۴۱-۴۴۰	۱	تحریر الوسیله			۳۸۵
۴۴۱	۱	تحریر الوسیله			۳۸۶
۴۴۱	۱	تحریر الوسیله			۳۸۷
۴۴۱	۱	تحریر الوسیله			۳۸۸
۴۴۱	۱	تحریر الوسیله			۳۸۹
۴۴۱	۱	تحریر الوسیله			۳۹۰
۴۴۱	۱	تحریر الوسیله			۳۹۱
۴۴۱	۱	تحریر الوسیله			۳۹۲
۴۴۲-۴۴۱	۱	تحریر الوسیله			۳۹۳

۴۴۲	۱	تحریرالوسيله	۳۹۴
۱۵۱	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب قم ۴۱/۱۲/۷ ۳۹۵
۳۰۳	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مردم ۴۳/۱/۲۶ ۳۹۶
			پاسخ استفتاء درباره اجازة صرف وجوه شرعیه ۵۰/۸/۲۶ ۳۹۷
۳۹۹	۲	صحیفه امام	برای خانواده زندانیان سیاسی
۷	۳	صحیفه امام	پیام به ملت مسلمان ایران ۵۲/۷/۲۲ ۳۹۸
۳۲۲	۳	صحیفه امام	پیام به انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا ۵۶/۱۱/۲۴ ۳۹۹
			پیام به ملت ایران درباره کشتار وحشیانه ۱۷ ۴۰۰
۴۶۱-۴۶۰	۳	صحیفه امام	شهریور
۱۵۶	۴	صحیفه امام	پیام به ملت ایران ۵۷/۸/۴ ۴۰۱
			پیام به ملت ایران به مناسبت روی کار آمدن دولت ۵۷/۸/۱۶ ۴۰۲
۳۵۰-۳۴۹	۴	صحیفه امام	نظامی از هاری
۲۵۳	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج ۵۷/۹/۲۵ ۴۰۳
۴۲۸	۵	صحیفه امام	پیام به ملت ایران ۵۷/۱۰/۲۲ ۴۰۴
۴۵۶	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج ۵۷/۱۰/۲۴ ۴۰۵
۲۸۴	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مردم ۵۸/۵/۲۶ ۴۰۶
۱۳۸	۱۲	صحیفه امام	پیام به مسلمانان ایران و جهان ۵۸/۱۱/۱۵ ۴۰۷
۱۴۸-۱۴۷	۱۲	صحیفه امام	پیام به ملت ایران در سالگرد پیروزی انقلاب ۵۸/۱۱/۲۲ ۴۰۸
۲۳۴	۱۲	صحیفه امام	پیام تشکر به آقای ضیاءالرحمن ۵۹/۱/۱۸ ۴۰۹
			پیام رادیو - تلویزیونی به ملت ایران در آغاز سال ۵۹/۶/۳۱ ۴۱۰
۲۲۵	۱۳	صحیفه امام	تحصیلی
			پیام رادیو - تلویزیونی به ملت ایران در آغاز سال ۵۹/۶/۳۱ ۴۱۱
۲۲۵	۱۳	صحیفه امام	تحصیلی
۲۵۶-۲۵۵	۱۳	صحیفه امام	پیام به ملت و ارتش عراق ۵۹/۷/۱۲ ۴۱۲
۲۶۹	۱۳	صحیفه امام	نامه به ملت و ارتش عراق ۵۹/۷/۲۴ ۴۱۳

۲۸۶ □ امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی (س)

۳۴۳	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسلمانان پاکستانی	۵۹/۸/۱۶	۴۱۴
۳۱۸	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع گروهی از خانواده‌های شهدا	۶۰/۷/۲۶	۴۱۵
۴۸۲	۱۷	صحیفه امام	پیام به ملت ایران به مناسبت سالگرد قیام ۱۵ خرداد	۶۲/۳/۱۵	۴۱۶
۱۵۶	۱	صحیفه امام	پیام به علما و روحانیون	۴۱/۱۲/۲۲	۴۱۷
۴۸۶	۲	صحیفه امام	پیام به علما و امت مسلمان ایران	۵۱/۱۲/۲۳	۴۱۸
۴۶۳_۴۶۲	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران و تسلیت فاجعه ۱۷ شهریور	۵۷/۶/۲۱	۴۱۹
۳۱۰_۳۰۹	۴	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۸/۱۴	۴۲۰
			پیام به ملت ایران درباره کشتار مردم و ادامه	۵۷/۹/۱۱	۴۲۱
۱۵۴	۵	صحیفه امام	اعتصابها		
			پیام به ملت ایران درباره راهپیمایی تاسوعا و	۵۷/۹/۲۳	۴۲۲
۲۲۸	۵	صحیفه امام	عاشورا		
۲۵۰	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۹/۲۵	۴۲۳
۲۵۲	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۹/۲۵	۴۲۴
۴۴۳	۱	تحریرالوسیله			۴۲۵
۴۴۳	۱	تحریرالوسیله			۴۲۶
۴۴۳	۱	تحریرالوسیله			۴۲۷
۴۴۳	۱	تحریرالوسیله			۴۲۸
۴۴۳	۱	تحریرالوسیله			۴۲۹
۴۴۴_۴۴۳	۱	تحریرالوسیله			۴۳۰
۴۴۴	۱	تحریرالوسیله			۴۳۱
۴۴۴	۱	تحریرالوسیله			۴۳۲
۴۴۴	۱	تحریرالوسیله			۴۳۳
۴۴۴	۱	تحریرالوسیله			۴۳۴
۴۴۴	۱	تحریرالوسیله			۴۳۵
۴۴۴	۱	تحریرالوسیله			۴۳۶

۴۴۴	۱	تحریرالوسيله	۴۳۷
۴۸۴	۱	استفتائات	۴۳۸
۴۸۲	۱	استفتائات	۴۳۹
۴۸۴	۱	استفتائات	۴۴۰
۳۱۴-۳۱۳		چهل حدیث	۴۴۱
۱۱۴-۱۱۳	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع طلاب و اهالی قم ۴۱/۹/۱۱ ۴۴۲
۱۸۰	۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران ۴۲/۱/۱۶ ۴۴۳
			سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب دربارهٔ ۵۷/۳/۱۰ ۴۴۴
۴۱۵	۳	صحیفه امام	تکلیف شرعی بودن قیام بر ضد شاه سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم پاریس دربارهٔ ۵۷/۷/۱۹ ۴۴۵
۵۱۰	۳	صحیفه امام	جنايات شاه و اهداف انقلاب
۱۵۵	۴	صحیفه امام	پیام به ملت ایران ۵۷/۸/۴ ۴۴۶
۱۵۸	۴	صحیفه امام	پیام به ملت ایران ۵۷/۸/۴ ۴۴۷
			مصاحبه با تلویزیون «پی.بی.اس» دربارهٔ ماه محرم ۵۷/۹/۱۰ ۴۴۸
۱۴۶	۵	صحیفه امام	و رابطه با امریکا
۲۶۹	۱۳	صحیفه امام	نامه به ملت و ارتش عراق ۵۹/۷/۲۴ ۴۴۹
			سخنرانی در جمع اعضای انجمن اسلامی ۶۰/۵/۱۹ ۴۵۰
۱۰۰-۹۹	۱۵	صحیفه امام	دانشجویان ایرانی در اروپا
۱۳۱	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پرسنل شهربانی و دانشجویان ۶۰/۶/۲ ۴۵۱
			خارج از کشور
۱۱۱	۱۹	صحیفه امام	پیام به اعضای ستاد انقلاب فرهنگی ۶۳/۹/۱۹ ۴۵۲
۴۱۷	۱۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع استانداران سراسر کشور ۵۹/۳/۲۰ ۴۵۳
			پیام هشت ماده‌ای به قوه قضاییه و ارگانهای ۶۱/۹/۲۴ ۴۵۴
۱۴۱	۱۷	صحیفه امام	اجرائی

۲۸۸ □ امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی (س)

۲۶۷-۲۶۵	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان شهربانی مراکز استانها ۶۱/۱۱/۷	۴۵۵
۴۸۵	۱	استفتائات		۴۵۶
۴۸۹	۱	استفتائات		۴۵۷
۴۹۰	۱	استفتائات		۴۵۸
۴۸۴-۴۸۳	۱	استفتائات		۴۵۹
۲۴۰-۲۳۹		آداب الصلوة		۴۶۰
۲۳۷		آداب الصلوة		۴۶۱
۴۴۲	۱	تحریر الوسیله		۴۶۲
۴۴۳-۴۴۲	۱	تحریر الوسیله		۴۶۳

فهرست منابع

- آشتیانی، محمدحسن؛ القضاء؛ قم: دارالهجرة.
- ابن شعبه الحرانی، حسن بن علی؛ تحف العقول فيما جاء من الحكم و المواعظ عن آل الرسول؛ تصحيح علی اکبر غفاری.
- احمدی، علی؛ مکاتیب الرسول؛ بیروت: دار صعب.
- حُرّ عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه؛ تهران: مکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۳ ه.ق.
- خمینی، روح الله؛ آداب الصلوة (آداب نماز)؛ ج ۹، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، زمستان ۱۳۷۸.
- _____؛ تحریر الوسیله؛ ج ۱، ج ۶، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ه.
- _____؛ شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)؛ ج ۱، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، پاییز ۱۳۷۱.
- _____؛ کشف اسرار.
- _____؛ ولایت فقیه (حکومت اسلامی)؛ ج ۱۲، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، تابستان ۱۳۸۱.
- دفتر انتشارات اسلامی؛ استفتآت از محضر امام خمینی (س)؛ ج ۱، ج ۳، تابستان ۱۳۷۵.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (گردآورنده)؛ نهج البلاغه؛ ترجمه و شرح فیض الاسلام. علامه مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۲، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.

۲۹۰ □ امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی (س)

کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول کافی؛ تهران: دارالکتب اسلامیّه، ۱۳۸۸ ه.ق.
مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)؛ صحیفه امام (مجموعه ۲۲ جلدی)؛ چ ۳، زمستان
۱۳۷۹.

نعمانی؛ کتاب الغیبه؛ انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.